

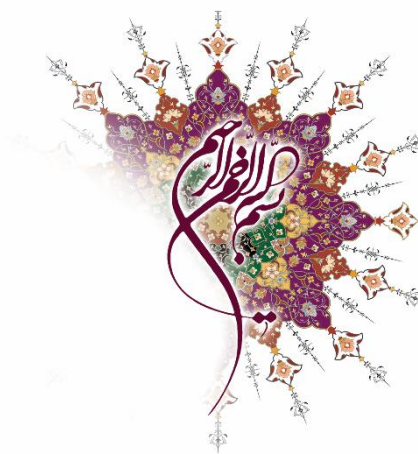
حسابدار و شفافیت

شاپا الکترونیکی: ۲۴۵۳-۲۹۸۱

دوره ۳ / شماره اول / بهار ۱۴۰۴ / پیاپی ۷

- بررسی عوامل مؤثر در تغییر ساختار مؤسسات حسابرسی با تاکید بر حفظ
رویکرد اخلاق حرفه‌ای و کنترل کیفیت کار حسابرسی
حسن صابری، منصور گرکز، علی خوزین و علیرضا معطوفی
۲۳-۱
- تأثیر اجرای کنترل داخلی بر ریسک سقوط قیمت سهام با توجه به نقش
حاکمیت شرکتی
عبدالرسول مستاجران و سید مهدی میرجلالی
۵۱-۲۴
- بررسی تأثیر حسابداری خلاقانه بر کیفیت گزارشگری مالی با در نظر گرفتن
نقش شفافیت در افشا
نسیم شاه مرادی و سجاد مزیدی شرف آبادی
۷۸-۵۲
- بررسی تأثیر میانجی کیفیت سود بر رابطه بین ویژگی‌های نظام راهبری شرکتی و
ریسک درماندگی مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس عراق
عمار عماد خلف حلبوش، مسعود فولادی، زاهد قاسم بدن و مریم فرهادی
۱۰۹-۷۹
- تأثیر راهبردهای تقسیم سود بر درماندگی و انضباط مالی با نقش تعدیلگری
ساختار مالی
محمد ابراهیم راعی عزآبادی، رکسانا فرزانه و مهرداد بختیار دهکردی
۱۳۵-۱۱۰
- تأثیر حق‌الزحمه حسابرسی، کیفیت حسابرسی و مالکیت هیئت مدیره بر
جسورانه بودن مالیات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران
علی اکبر رجبی، حسین حسین زاده و زهرا کردبچه ارمبو
۱۶۰-۱۳۶





فصلنامه حسابداری و شناسایی

دوره ۳ شماره اول بهار ۱۴۰۴ پاییز ۷

صاحب امتیاز: دانشگاه آزاد اسلامی واحد صفاشهر

مدیر مسئول: دکتر مهدی ساریخانی

سرمدیر: دکتر رضوان حجازی

مدیر داخلی: دکتر روح اله نوذری

کارشناس نشریه: فاطمه کریمی

اعضای شورای تحریریه به ترتیب حروف الفبا:

دکتر سید حسین ابطحی	استاد مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی واحد صفاشهر
دکتر زهره حاجیها	استاد حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق
دکتر مهدی خیراندیش	استاد مدیریت دانشگاه علوم و فنون هوایی شهید ستاری
دکتر غلامرضا زندی	دانشیار حسابداری دانشگاه کوالالامپور مالزی
دکتر محمدحسین ستایش	استاد حسابداری دانشگاه شیراز
دکتر داریوش فروغی	استاد حسابداری دانشگاه اصفهان
دکتر هاشم ولی پور	دانشیار حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد فیروزآباد
دکتر سید عباس هاشمی	دانشیار حسابداری دانشگاه اصفهان

آدرس نشریه: فارس، صفاشهر، بولوار وحدت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد صفاشهر. کد پستی: ۷۳۹۶۱۶۶۵۶۱

تلفن: ۰۷۱۴۴۴۵۱۹۳۶ دورنگار: ۰۷۱۴۴۴۵۱۹۳۹ درگاه الکترونیکی نشریه: <https://sanad.iau.ir/Journal/aft>

این نشریه بر اساس مصوبه چهل و نهمین جلسه کمیسیون تعیین اعتبار نشریات حوزه علوم انسانی و هنر دانشگاه آزاد اسلامی مورخ ۱۴۰۲/۰۶/۱۳ مجوز انتشار دارد.

داوران این شماره:

- دکتر شکوفه اعتبار
- دکتر بهاره بنی طالبی دهکردی
- دکتر روح اله بهارلو
- دکتر عسگر پاک مرام
- دکتر فاطمه داروغه حضرتی
- دکتر آناهیتا زندگی
- دکتر مهدی ساریخانی
- دکتر محسن صادقی
- دکتر مهدی فیل سرائی
- دکتر هاشم کاویانی فرد
- دکتر علیرضا مهرآذین

راهنمای تدوین مقاله

مقاله نتیجه‌ی تلاش و پژوهش‌های علمی نویسنده (نویسندگان) باشد.

مقاله قبلاً در هیچ یک از مجلات و همایش‌ها چاپ و ارائه نشده باشد و هم‌زمان برای سایر مجلات و همایش‌ها نیز ارسال نشده باشد.

در تدوین مقاله، رعایت نکات زیر برای نویسنده (نویسندگان) گرامی الزامی است (برای دریافت الگوی نشریه [اینجا](#) کلیک کنید):

۱. عنوان: عنوان مقاله باید مختصر و متناسب با محتوای مقاله تنظیم گردد.
 ۲. اسامی نویسندگان: در خصوص درج اسامی نویسندگان در فایل مقاله به نکات زیر توجه نمایید:
 - ضروری است در ثبت نام اولیه، اطلاعات دقیق نویسنده (نویسندگان) ذکر شود. پس از ارسال مقاله، هر گونه تغییر در نام، پست الکترونیکی، ترتیب و تعداد نویسندگان امکان‌پذیر نمی‌باشد.
 ۳. در هنگام ارسال فایل مقاله، نام، وابستگی سازمانی و ایمیل نویسندگان (نویسنده مسئول باید ایمیل دانشگاهی داشته باشد) را در قالب فایلی با عنوان "مشخصات نویسندگان" ارسال نمایید.
 ۴. چکیده فارسی: حداقل ۲۰۰ کلمه و حداکثر ۲۵۰ کلمه شامل هدف، روش‌شناسی، یافته‌ها و دانش افزایی.
 ۵. چکیده انگلیسی: حداقل ۳۰۰ کلمه و حداکثر ۳۵۰ کلمه با رعایت مطابقت متن فارسی و انگلیسی.
 ۶. کلیدواژه‌ها: حداقل ۳ و حداکثر ۵ واژه که با کاما (،) از هم جدا شده و در یک خط و به ترتیب حروف الفبا باشند.
 ۷. طبقه‌بندی موضوعی: برای تهیه طبقه‌بندی موضوعی کافی است کلمات کلیدی مهم را به انگلیسی و به صورت تخصصی در [اینجا](#) جستجو کنید تا معادل و اختصار آن را پیدا کنید.
 ۸. متن مقاله: در تنظیم متن مقاله، مطالب بر اساس تیتراهای زیر تنظیم می‌گردد:
 - مقدمه: ارائه زمینه و دیدگاه درباره موضوع، اهمیت و بیان هدف و مساله پژوهش.
 - مبانی نظری و پیشینه پژوهش: تعاریف مفهومی، نتایج پژوهش‌های داخلی و خارجی مرتبط به گونه‌ای که پشتیبانی‌کننده فرضیه‌ها و مدل مفهومی باشد.
 - فرضیه‌های پژوهش: این بخش شامل فرضیه‌سازی بر اساس مبانی نظری و خلاصه پژوهش‌ها می‌باشد.
 - روش‌شناسی پژوهش: طرح پژوهش، ابزار و روش گردآوری داده‌ها، جامعه، نمونه، مدل و متغیرها و نحوه اندازه‌گیری آنها به‌طور مفصل ارائه شود.
 - یافته‌های پژوهش: گزارش اطلاعات جمعیت‌شناسی، نتایج تحلیل‌های آماری مدل و فرضیه‌های پژوهش.
 - بحث و نتیجه‌گیری: ارائه یافته‌های پژوهش و مقایسه نتایج پژوهش با یافته‌های پژوهش‌های مرتبط، پیشنهادها کاربردی و پژوهش‌های آتی و محدودیت‌های پژوهش آورده شود.
 ۹. فهرست منابع: منابعی که در متن مقاله از آنها استفاده شده است، مطابق ضوابط APA به شرح زیر تنظیم شوند:
 - روش منبع‌نویسی بر حسب الفبایی و مطابق با الگوی APA باشد.
 - منابعی که به زبان فارسی منتشر شده است، در قسمت انگلیسی نیز ترجمه و از عبارت [In Persian] در انتهای منبع استفاده شود.
 - ضروری است شناسه منحصر به فرد مقالات (DOI یا DOR) در انتهای مقالات درج گردد.
- ارسال فایل‌های تکمیلی از جمله پرسشنامه، داده‌ها و خروجی آماری ضروری است.

فهرست مطالب

۱-۲۳		☐ بررسی عوامل مؤثر در تغییر ساختار مؤسسات حسابرسی با تاکید بر حفظ رویکرد اخلاق حرفه‌ای و کنترل کیفیت کار حسابرسی حسن صابری، منصور گرکز، علی خوزین و علیرضا معطوفی
۲۴-۵۱		☐ تأثیر اجرای کنترل داخلی بر ریسک سقوط قیمت سهام با توجه به نقش حاکمیت شرکتی عبدالرسول مستاجران و سید مهدی میرجلالی
۵۲-۷۸		☐ بررسی تأثیر حسابداری خلافتانه بر کیفیت گزارشگری مالی با در نظر گرفتن نقش شفافیت در افشا نسیم شاه مرادی و سجاد مزیدی شرف آبادی
۷۹-۱۰۹		☐ بررسی تأثیر میانجی کیفیت سود بر رابطه بین ویژگی‌های نظام راهبری شرکتی و ریسک درماندگی مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس عراق عمار عماد خلف حلبوش، مسعود فولادی، زاهد قاسم بدن و مریم فرهادی
۱۱۰-۱۳۵		☐ تأثیر راهبردهای تقسیم سود بر درماندگی و انضباط مالی با نقش تعدیلگری ساختار مالی محمد ابراهیم راعی عزآبادی، رکسانا فرزانه‌گی و مهرداد بختیار دهکردی
۱۳۶-۱۶۰		☐ تأثیر حق‌الزحمه حسابرسی، کیفیت حسابرسی و مالکیت هیئت مدیره بر جسورانه بودن مالیات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران علی اکبر رجبی، حسین حسین زاده و زهرا کردبچه ارمبو

Explaining structural changes in auditing firms, maintaining a professional ethics approach, and auditing quality control

Hasan Saberi¹, Mansour Garkaz^{2,✉}, Ali Khozein³, Alireza Maetoofi²

1. PhD Student, Department of Accounting, Go.C, Islamic Azad University, Gorgan, Iran.

2. Associate Professor, Department of Accounting, Go.C., Islamic Azad University, Gorgan, Iran.

3. Associate Professor, Department of Accounting, Ali.C., Islamic Azad University, Aliabad Katoul, Iran.

ARTICLE INFO	ABSTRACT
Received: 23 January 2025 Revised: 2 June 2025 Accepted: 3 June 2025 Keywords: Auditing firms, professional ethics, quality control, structural change JEL Classification: M42, M48, L22, G32, G34	Purpose: This study aims to investigate the factors influencing structural changes in auditing firms, emphasizing maintaining a professional, ethical approach and focusing on the quality control of auditing work. Methodology: This study is applied research in terms of its objective and descriptive-survey in terms of its execution method. The qualitative statistical population includes certified accountants in the country. Only individuals with sufficient knowledge, experience, and understanding of the subject were selected for the interviews. A total of 11 experts with relevant education and experience were chosen for the interviews. In the quantitative section, the components derived from the interviews with experts were categorized into a questionnaire, which was then distributed to the statistical population of certified accountants. This research used a questionnaire to collect data, with 342 individuals responding to the questionnaires. Findings: The results obtained from the analysis using structural equation modeling indicated that the standardization of the structure of auditing firms, the requirements of environmental laws, unified organizational structures, the appointment and rewards of auditors, as well as technical and developmental changes have a positive and significant impact on the operational policies of auditing firms, the skills and expertise of their members, and the needs and demands of the structure of auditing firms. In this regard, it is recommended that policymakers and regulators consider professional behavioral and ethical principles when changing auditing firms and not overlook experienced and specialized auditors in this process. Originality: To change auditing firms, there is a need for policies and regulations that take into account professional, organizational, and ethical principles.

Cite this paper: Saberi, H., Garkaz, M., Khozain, A., & Maetoofi, A. (2025). Explaining structural changes in auditing firms, maintaining a professional ethics approach, and auditing quality control. *Journal of Accounting & Financial Transparency*, 3(1), 1–23. <https://doi.org/10.71965/AFT.2025.1197414> [In Persian]

✉ Corresponding Author.

Email Address: m_garkaz@yahoo.com

© 2025 the author(s).

This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited. The terms on which this article has been published allow the posting of the Accepted Manuscript in a repository by the author(s) or with their consent.

Introduction

The present research examines the factors influencing the structural changes in auditing firms, emphasizing the preservation of professional ethics and quality control in auditing work. Due to rapid market changes and evolving customer needs, restructuring auditing firms is recognized as a necessary and strategic process. These changes can enhance service quality and build market trust. Auditing firms face numerous challenges from economic, social, and technological changes. These challenges pressure firms to reassess and update their structures. For instance, the emergence of new technologies such as artificial intelligence and data analytics allows auditing firms to improve their services and increase efficiency. Thus, restructuring auditing firms to adapt to these changes and enhance the quality of services provided to clients is essential. The importance of professional ethics in maintaining credibility and public trust in auditors is observable. Adhering to ethical principles and professional standards plays a crucial role in the success of the auditing process and can prevent incorrect decision-making. For example, failing to adhere to ethical principles can lead to the loss of a firm's credibility and a decrease in client trust. Therefore, maintaining a professional ethical approach during the restructuring process of auditing firms is of particular importance. A review of past literature reveals that less attention has been paid to the restructuring of auditing firms, making this study even more necessary. Many studies have focused on the technical and financial aspects of structural changes, while ethical dimensions and the quality of auditing work have not been comprehensively examined (Wahyuni *et al.*, 2024; Alford *et al.*, 2017; Yuan *et al.*, 2016). This gap in the research literature underscores the need for this study. The main objective of this research is to develop a model for restructuring auditing firms and

to examine the impact of its dimensions on the quality control of auditing work. This research aims to identify key factors influencing the restructuring of auditing firms and analyze the impact of these changes on service quality and the credibility of firms. To this end, researchers will explore various aspects of structural change, including standardization, legal requirements, and organizational and individual barriers. Ultimately, this research can serve as a scientific and practical resource for managers of auditing firms and policymakers to improve organizational structures and enhance service quality. Additionally, the findings of this research can help identify the best practices and strategies for restructuring auditing firms, leading to an overall improvement in their performance. Given the increasing importance of auditing in the business world, this research can be considered a significant step toward enhancing the quality and credibility of auditing services.

Methodology

The present study is an applied and descriptive survey research that employs a mixed-method approach, combining qualitative and quantitative methods. In the qualitative phase, the statistical population consisted of certified accountants in the country, and the research sample was purposefully selected through in-depth interviews with 11 academic experts. These interviews helped identify the main and sub-factors related to the restructuring of auditing firms. The qualitative data collected were analyzed using content analysis methods and served as the basis for developing a questionnaire to examine the impact of structural change dimensions on the quality control of auditing work. In the quantitative phase, the sample size was determined using Cochran's formula, resulting in a sample of 342 individuals. Data analysis was conducted using structural equation modeling.

Results

The findings of the research indicate that the primary data were collected through exploratory and descriptive interviews with 11 experts in the field of auditing. These interviews led to coding and content analysis, identifying the main and sub-concepts related to the restructuring of auditing firms. The results show the main and sub-categories and initial codes, which include operational policies, structural standardization, environmental legal requirements, and the skills and expertise of auditing firm members. A questionnaire was designed, and its validity and reliability were confirmed. The results of the Kaiser-Meyer-Olkin and Bartlett tests indicated the adequacy of the sample size for factor analysis. Additionally, all components exhibited desirable validity and reliability. Structural model analysis revealed that all relationships between variables were significant, and the positive impact of independent variables on dependent variables was confirmed. Specifically, the standardization of auditing firm structures had a significant positive impact on operational policies and the skills and expertise of firm members. Ultimately, all 24 research hypotheses were not rejected at a significance level of 0.05, indicating a positive and significant impact of various factors on the credibility of services and quality control in auditing work. These results contribute to a better understanding of the various impacts on professional ethics and quality control in auditing and can serve as a suitable basis for structural changes in auditing firms. Overall, this research assists managers of auditing firms in enhancing their structures, service quality, and professional credibility.

Conclusions

The results of the present study indicate that restructuring auditing firms while maintaining a professional ethical approach and quality control in auditing work has a positive and significant impact on

operational policies, the skills and expertise of firm members, and the needs and demands of the firm's structure. Standardizing the structures of auditing firms and paying attention to environmental legal requirements can improve service quality and enhance the credibility of firms. Furthermore, organizational and individual barriers, including the acceptance of changes by auditors and firms, can influence the restructuring process. This research aligns with previous studies and emphasizes the importance of standardization and attention to environmental requirements. Notably, the findings indicate that operational policies and auditors' skills significantly impact service credibility and adaptability to changes. These results recommend that auditing firms focus on creating a supportive work environment and providing educational opportunities to attract and retain highly skilled auditors. Considering the limitations of the research, such as limited access to extensive samples and reliance on personal opinions, it is suggested that auditing firms pay special attention to standardizing their structures and adhering to legal and environmental requirements. Strengthening the ethical approach and quality control in auditing work can lead to increased credibility and market trust in auditing services, ultimately improving the overall performance of auditing firms. Finally, this research can serve as a scientific basis for future studies on the restructuring of auditing firms and its impact on service quality and professional ethics. Additionally, the findings can assist policymakers and managers of auditing firms in developing effective strategies to enhance performance and improve service quality.

Author Contributions

All authors contributed equally to the conceptualization of the article and writing of the original and subsequent drafts.

Data Availability Statement

The data that support the findings of this study are available from the corresponding author, upon reasonable request.

Acknowledgements

The authors would like to thank all participants in the present study.

Ethical Considerations

The authors avoided data fabrication, falsification, plagiarism, and misconduct.

Funding

This research did not receive any specific grant from funding agencies in the public, commercial, or not-for-profit sectors.

Conflict of Interest

The authors declare no conflict of interest.



بررسی عوامل مؤثر در تغییر ساختار مؤسسات حسابرسی با تأکید بر حفظ رویکرد اخلاق حرفه‌ای و کنترل کیفیت کار حسابرسی

حسن صابری^۱، منصور گرکز^۲✉، علی خوزین^۳، علیرضا معطوفی^۴

۱. دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

۲. دانشیار گروه حسابداری، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

۳. دانشیار گروه حسابداری، واحد علی آباد کتول، دانشگاه آزاد اسلامی، علی آباد کتول، ایران.

اطلاعات مقاله	چکیده
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۰۴ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۲/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۳ کلیدواژه‌ها: اخلاق حرفه‌ای، تغییر ساختار، کنترل کیفیت، مؤسسات حسابرسی طبقه‌بندی موضوعی: M42, M48, L22, G32, G34	هدف: در مطالعه حاضر به بررسی عوامل مؤثر در تغییر ساختار مؤسسات حسابرسی با تأکید بر حفظ رویکرد اخلاق حرفه‌ای و تأکید بر کنترل کیفیت کار حسابرسی پرداخته شده است. روش‌شناسی: این مطالعه یک تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نظر روش اجرا توصیفی-پیمایشی بود. جامعه آماری روش کیفی شامل حسابداران رسمی کشور است. برای مصاحبه افرادی انتخاب شدند که دانش، تجربه و شناخت کافی از موضوع دارند. در مصاحبه ۱۱ نفر از اشخاص صاحب‌نظر و دارای تحصیلات و تجربه کافی مرتبط با موضوع، انتخاب شدند. در بخش کمی، مؤلفه‌های به دست آمده از مصاحبه با خبرگان در قالب پرسشنامه دسته‌بندی شد و سپس برای جامعه آماری شامل جامعه آماری حسابداران رسمی ارسال گردید. در این پژوهش به منظور گردآوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده شد؛ که ۳۴۲ نفر به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند. یافته‌ها: نتایج حاصل نشان داد که استانداردسازی ساختار مؤسسات حسابرسی، الزامات قوانین محیطی، ساختارهای سازمانی واحد، انتصاب و پاداش‌های حسابرسان و تحولات فنی و توسعه‌ای بر خط‌مشی‌های عملیاتی مؤسسات حسابرسی، مهارت و تخصص اعضای مؤسسات حسابرسی و نیازها و خواسته‌های ساختار مؤسسات حسابرسی تأثیر مثبت و معناداری دارد. در این راستا به تدوین کنندگان قوانین و خط‌مشی‌گذاری ساختار مؤسسات پیشنهاد می‌گردد که در جهت تغییر مؤسسات حسابرسی، اصول رفتاری و اخلاقی حرفه را در نظر بگیرند و در این امر از حسابرسان باتجربه و متخصص غافل نشوند. دانش‌افزایی: برای تغییر مؤسسات حسابرسی، نیازمند به خط‌مشی‌ها و قوانینی است که اصول حرفه‌ای و سازمانی و همچنین اخلاقی را در نظر بگیرد.
استناد: صابری، حسن، گرکز، منصور، خوزین، علی، و معطوفی، علیرضا (۱۴۰۴). بررسی عوامل مؤثر در تغییر ساختار مؤسسات حسابرسی با تأکید بر حفظ رویکرد اخلاق حرفه‌ای و کنترل کیفیت کار حسابرسی. <i>حسابداری و شفافیت مالی</i>، ۳(۱)، ۲۳-۱. https://doi.org/10.71965/aft.2025.1197414	

✉ نویسنده مسئول.

پست الکترونیکی: m_garkaz@yahoo.com

© 2025 the author(s).

This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited. The terms on which this article has been published allow the posting of the Accepted Manuscript in a repository by the author(s) or with their consent.

مقدمه

تغییر ساختار مؤسسات حسابرسی به عنوان یک فرآیند ضروری و استراتژیک، به منظور انطباق با نیازهای متغیر بازار و بهبود کیفیت خدمات حسابرسی انجام می شود. این تغییرات معمولاً تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله پیشرفت های فناوری، تغییرات در قوانین و مقررات و نیازهای مشتریان قرار دارند (چن^۱ و همکاران، ۲۰۲۴). مؤسسات حسابرسی باید به گونه ای سازمان دهی شوند که بتوانند به سرعت به تغییرات بازار و نیازهای مشتریان پاسخ دهند. مؤسسات باید اطمینان حاصل کنند که تغییرات ساختاری به گونه ای انجام می شود که اصول اخلاقی و استانداردهای حرفه ای رعایت شوند. این امر به تقویت اعتماد مشتریان و اعتبار مؤسسات کمک می کند و در نهایت به بهبود کیفیت خدمات حسابرسی منجر می شود (واهیون^۲ و همکاران، ۲۰۲۴). چرا که حرفه حسابرسی یکی از متشکل ترین و با نظم ترین حرفه های دنیاست و به علت نوع و ماهیت خدماتی که ارائه می کند، باید شهرت و اعتماد خاصی داشته باشد. گسترش این اعتبار و اعتماد و تقویت آن بستگی به تعهد فکری و عملی اعضای حرفه به ضوابط رفتاری و اخلاقی آن دارد (ایمانی برندق و همکاران، ۱۳۹۵). با توجه به وضعیت و نقش مؤسسات حسابرسی در تصمیمات استفاده کنندگان، اخلاق حرفه ای و کیفیت کار مؤسسات حسابرسی که تحت عنوان عوامل مهمی در تهیه گزارش های حسابرسی عنوان می شوند در سرنوشت توجه آنان قرار گرفته است. حسابرسان قوت قلبی برای سرمایه گذاران شرکت ها می باشند. در یک دنیای نامطمئن از حسابرسان مؤسسات انتظار می رود تا به کمک اطمینان دادن به ذی نفعان آرامش لازم را برایشان فراهم کنند (آلفورد^۳ و همکاران، ۲۰۱۷). اگر حسابرسی یک ابزار نظارتی باشد که نقش های متعدد گوناگون را به عهده دارد، پس با ثابت فرض کردن دیگر شرایط صورت های مالی که با کیفیت کار بالای حسابرسی شده اند، از قابلیت اعتماد و اتکای بیشتری نزد ذی نفعان این کالا (خدمت) برخوردار خواهند بود (یوان^۴ و همکاران، ۲۰۱۶). یک موسسه حسابرسی برای رسیدن به رتبه بالاتر و کسب شهرت، نیازمند اعمالی مانند کنترل کیفیت کار است که این اطمینان را به ذی نفعان دهد که اظهارات حسابرسی قابل اعتماد هستند (فوکویاما^۵، ۲۰۱۵). اخلاق حرفه ای موضوعی است فراگیر که تمام جوانب زندگی بشری را تحت پوشش قرار می دهد (علوی و همکاران، ۱۳۹۴). حرفه حسابرسی برای بقای جایگاه خود نیازمند اعتماد عمومی است. اطمینان از درستی و صداقت حسابرسان در اجرای استانداردهای حسابرسی، فعالیت در حوزه منافع عمومی را امکان پذیر می نماید. به جهت اعاده اعتماد عمومی جامعه حسابداران رسمی اقدام به تهیه معیارهای اخلاقی تحت عنوان آیین رفتار حرفه ای کرده و اعضای خود را ملزم به رعایت آن می نماید (حساس یگانه و آذین فر، ۱۳۸۹). یکی از خصیصه های بارز حرفه حسابرسی پذیرش مسئولیت حفظ منافع جامعه است. از این رو، مسئولیت حسابرس حرفه ای تنها به رضایتمندی صاحب کار یا کارفرمایش منحصر نمی شود. حسابرس حرفه ای در جهت حفظ منافع عمومی باید به این آیین اخلاقی حرفه ای عمل کند (ایکاتان^۶، ۲۰۱۴). پایه حرفه حسابرسی مبتنی بر اصول اخلاقی از جمله درستکاری در انجام فعالیت ها به نحو احسن و درست در جهت ارتقای اعتماد جامعه، استقلال و بی طرفی پرهیز از هر گونه پیش داوری، تضاد منافع، جانب داری یا نفوذ دیگران در قضاوت حرفه ای و

¹. Chen

². Wahyuni

³. Alford

⁴. Yuan

⁵. Fukuyama

⁶. Ikatan

نداشتن هرگونه منافع و علاقه‌ای که درستکاری و بی‌طرفی را خدشه‌دار می‌کند (بابایانجو^۱ و همکاران، ۲۰۱۷). کیفیت کنترل حسابرسي نقش کلیدی در کارایی بازار سرمایه و انجام وظایف حسابرسان ایفا می‌کند. این بدان جهت است که از یک سمت حسابرسي مستقل معیاری برای اعتباربخشی و هماهنگ‌سازی صورت‌های مالی به شمار می‌رود و از جهت دیگر، کیفیت کنترل حسابرسي با فراهم نمودن اطلاعات در خور اتکای صورت‌های مالی و افشای هرگونه اتفاقی که می‌تواند بر تصمیم‌گیری‌ها تأثیر داشته باشد از هدر رفتن سرمایه‌های به کار گماشته شده در بازار سرمایه، در سایه تصمیم‌گیری بر پایه‌ی اطلاعات نادرست جلوگیری می‌کند. در فرآیند گزارشگری اطلاعات حسابداری، موفقیت حسابرسي در رابطه با دستیابی به اهداف خود، منوط به رعایت اصول اخلاقی و رفتاری حسابرسي می‌باشد (مرزوکي^۲ و همکاران، ۲۰۱۷). در این راستا، هدف اصلی مطالعه حاضر تدوین الگوی تغییر ساختار مؤسسات حسابرسي با حفظ رویکرد اخلاق حرفه‌ای و بررسی تأثیر ابعاد آن بر کنترل کیفیت کار حسابرسي می‌باشد. نتایج مطالعه حاضر می‌تواند ضمن بسط و توسعه مبانی نظری کمک شایانی به مؤسسات حسابرسي و همچنین حسابرسان و تدوین‌کنندگان قوانین حسابرسي نماید. از جهتی با مرور پیشینه‌های گذشته مشخص گردید که به تغییر ساختار مؤسسات حسابرسي کمتر پرداخته شده است و از آنجایی که مؤسسات حسابرسي مانند سایر مؤسسات نیازمند تغییراتی در ساختاری سازمانی خود در جهت رفع عیوب ساختار فعلی هستند، ضرورت مطالعه حاضر را دوچندان کرده است.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

ساختار مؤسسات حسابرسي یک عامل حیاتی است که بر کیفیت و عملکرد حسابرسي تأثیر می‌گذارد. نظریه‌ها و مدل‌های مختلفی برای درک این ساختارها پیشنهاد شده است که می‌توان آن‌ها را به انواع و چارچوب‌های متمایز دسته‌بندی کرد. انواع ساختارهای سازمانی شامل ساختار نوع مانگو^۳ است که با کنترل متمرکز مشخص می‌شود، جایی که تصمیم‌گیری در سطوح بالایی مدیریت متمرکز است. این ساختار منجر به تصمیم‌گیری سریع‌تر می‌شود، اما همچنین می‌تواند خطرات حسابرسي را به دلیل عدم تنوع در ورودی‌ها افزایش دهد (چن و همکاران، ۲۰۲۴). ساختار نوع موز^۴، رویکردی کاملاً غیرمتمرکز است که به حسابرسان آزادی عمل بیشتری می‌دهد. درحالی‌که این امر می‌تواند انعطاف‌پذیری را افزایش دهد، اما ممکن است منجر به ناهماهنگی در کیفیت حسابرسي شود (چن و همکاران، ۲۰۲۴). ساختار نوع زیتون^۵، مدلی ترکیبی است که موازنه‌ای بین ساختار متمرکز و غیرمتمرکز ایجاد می‌کند و به‌طور مؤثری خطرات حسابرسي را مدیریت کرده و کیفیت حسابرسي را بهبود می‌بخشد (چن و همکاران، ۲۰۲۴).

دینامیک‌های حسابرسي-شرکت معمولاً با دینامیک‌های قدرت مشخص می‌شود، جایی که عواملی مانند فشار اقتصادی و قدرت چانه‌زنی مدیریت می‌توانند منجر به ایجاد تعارض شوند. مدل گلدمن و بارلو^۶ به ساختار قدرت نامتقارن اشاره دارد و پیشنهاد می‌کند که حسابرسان ممکن است تحت فشارهایی قرار گیرند که استقلال آن‌ها را به خطر بیندازد (افراکیا^۷، ۲۰۲۴). برای کاهش این تعارضات و افزایش استقلال حسابرسان، اقداماتی مانند تقویت

^۱. Babayanju

^۲. Marzuki

^۳. Mango-Type Structure

^۴. Banana-Type Structure

^۵. Olive-Type Structure

^۶. Goldman and Barlev model

^۷. Eferakeya

کمیته‌های حسابرسی و تحمیل هزینه‌های شهرت توصیه می‌شود (افراکیا، ۲۰۲۴).

مؤسسات حسابرسی به‌طور فزاینده‌ای به‌عنوان سیستم‌های سازگار پیچیده در نظر گرفته می‌شوند، به‌ویژه در پاسخ به اختلالاتی مانند بحران‌های جهانی. این دیدگاه بر نیاز حساب‌رسان به سازگاری مهارت‌ها و شیوه‌های خود با شرایط در حال تغییر تأکید می‌کند، از جمله ادغام فناوری و حسابرسی از راه دور (باراک^۱ و همکاران، ۲۰۲۱). در مقابل، برخی مطالعات نشان می‌دهند که ساختار حسابرسی ممکن است تأثیر قابل توجهی بر عملکرد حساب‌رسان نداشته باشد و عواملی مانند تعارض نقش و تعهد سازمانی ممکن است نقش بیشتری در تعیین نتایج ایفا کنند (رامادهانی^۲، ۲۰۲۳؛ سیهیت^۳، ۲۰۲۴). این موضوع پیچیدگی محیط حسابرسی و نیاز به رویکردی چندوجهی برای درک ساختارهای مؤسسات حسابرسی را برجسته می‌کند.

ضوابط رفتار حرفه‌ای انجمن حرفه‌ای حسابداران رسمی اعضای خود را ملزم می‌سازد در مؤسسه‌هایی کار کنند که برای اطمینان از شایستگی خدمات ارائه‌شده و کفایت نظارت انجام شده از سیستم کنترل کیفیت برخوردارند. آنجا که خدمات حسابداران رسمی با منافع عمومی سروکار دارد و واقع‌بینی و درستکاری حسابداران رسمی مبنای اعتماد عمومی قرار می‌گیرد، مؤسسه‌های حسابرسی باید برای خدماتی که در زمینه حسابرسی عرضه می‌کنند سیستم کنترل کیفیت داشته باشند (آرگریس و زنتز^۴، ۲۰۱۳). هر مؤسسه حسابرسی مسئولیت دارد اطمینان پیدا کند که کارکنانش استانداردهای حرفه‌ای مربوط به کارهای حسابرسی را رعایت می‌کنند. سیستم کنترل کیفیت در مفهوم وسیع آن، فرایندی است که به مؤسسه حسابرسی اطمینانی معقول می‌دهد که کارکنانش استانداردهای حرفه‌ای مربوط و استانداردهای کیفی مؤسسه را رعایت می‌کنند. سیاست‌ها و روش‌های طراحی شده برای استقرار سیستم در یک بخش از فعالیت مؤسسه ممکن است با سیاست‌ها و روش‌های طراحی شده برای بخش دیگر یکسان متفاوت یا وابسته به یکدیگر باشند اما هدف سیستم برای تمام بخش‌های فعالیت مؤسسه یکسان است (هکمن^۵ و همکاران، ۲۰۱۶). سیستم کنترل کیفیت مؤسسه حسابرسی ساختار سازمانی مؤسسه و سیاست‌های اقتباس شده و روش‌های فراهم‌شده را در بر می‌گیرد که به مؤسسه حسابرسی اطمینانی معقول دهد که استانداردهای حرفه‌ای رعایت شده است. ماهیت حدود و رسمیت سیاست‌ها و روش‌های مؤسسه حسابرسی باید با توجه به اندازه و تعداد دفترهای مؤسسه میزان اختیارات داده شده به کارکنان و دفترهای مؤسسه دانش و تجربه، کارکنان ماهیت و پیچیدگی کارهای مؤسسه و ملاحظات مربوط به فزونی منافع بر مخارج، به نسبت جامع و به‌طور مناسب طراحی شده باشد. هر سیستم کنترل کیفیت دارای محدودیت‌های ذاتی است که اثربخشی آن را کاهش می‌دهد (آلفورد و همکاران، ۲۰۱۷).

تغییر ساختار مؤسسات حسابرسی و دریافت اظهارنظر دلخواه مدیریت از موضوعات مهم و قابل توجه برای سرمایه‌گذاران مقررات‌گذاران و محققان است. تغییر مؤسسات حسابرسی معمولاً باعث می‌شود اعتماد سرمایه‌گذاران به صورت‌های مالی کاهش یابد به‌خصوص اگر تغییر مؤسسات حسابرسی با اخبار ناخوشایند و تردید نسبت به مؤسسه حسابرسی جدید همراه باشد. در این زمینه تحقیقات گسترده داخلی و خارجی دلایل زیادی را برای تغییر مؤسسات

^۱. Barac

^۲. Ramadhani

^۳. Sihite

^۴. Argyres & Zenger

^۵. Heckmann

حسابرسی بیان کرده‌اند از جمله این دلایل می‌توان به مواردی مانند افزایش دستمزد درخواستی توسط حسابرس بهبود قابلیت اتکای صورت‌های مالی بهبود کیفیت کار حسابرسی کاهش هزینه‌های نمایندگی و دریافت اظهارنظر دلخواه مدیریت اشاره کرد. از میان این موارد دریافت اظهارنظر دلخواه مدیریت توجه بیشتری را به خود جلب نموده است. کنترل کیفیت باعث افزایش اعتبار و قابلیت اتکای صورت‌های مالی می‌شود؛ و از جمله مواردی که ممکن است تغییر ساختار مؤسسات حسابرسی را تحت تأثیر قرار دهد کنترل کیفیت کار است به منظور تحمیل ارقام و رویه‌های حسابداری توسط مدیریت واحد تجاری می‌باشد. سازمان‌ها تغییر می‌یابند تا مشکلی را برطرف سازند؛ بقاء خود را استمرار بخشند و با کیفیتی بهتر به اهداف خود جامه عمل بپوشانند با طی کردن این فرایند سازمان‌ها رشد توسعه پیدا می‌کنند از این رو مجموعه خط‌مشی‌ها، روش‌ها یا فئونی شود؛ که از طریق یک تغییر سازنده و مبتنی بر برنامه سازمان را کارآمدتر می‌سازد و رشد و توسعه‌سازمانی نامیده می‌شود که تغییر سازمانی دربردارنده دگرگونی در ساختار شیوه انجام امور فناوری، فرهنگ، مدیریت و موقعیت مکانی سازمان است.

چن و همکاران (۲۰۲۴) در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر ساختار سازمانی و مدیریت داخلی بر کیفیت و ریسک‌های حسابرسی در مؤسسات حسابرسی پرداختند. با جمع‌آوری اطلاعات ساختار سازمانی مؤسسات حسابرسی داخلی چین از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۹، سه نوع ساختار شناسایی شد. نتایج نشان می‌دهد که مؤسسات با ساختار مطلوب می‌توانند ریسک‌های حسابرسی را بهتر مدیریت کنند و احتمال صدور نظرات حسابرسی غیراستاندارد و دریافت هزینه‌های بالاتر بر اساس ریسک‌های مشتری را دارند.

هان^۱ (۲۰۲۱) در مطالعه‌ای به بررسی عوامل مؤثر بر هزینه‌های حسابرسی و بهبود ساختار حسابرسی پرداختند. در این مطالعه با استفاده از روش‌های مختلف تحقیق شامل تحلیل مستندات، تحلیل سیستماتیک، مقایسه‌ای و نظرسنجی، تأثیر عوامل مختلف بر ساختار حسابرسی بررسی شد. نتایج نشان می‌دهد که پروژه‌های فنی بزرگ و محیط قانونی تأثیر قابل توجهی بر استراتژی و ساختار مؤسسات حسابرسی دارند. ارزیابی این تأثیرات همچنین به شرکت‌ها در تدوین استراتژی‌های توسعه کوتاه‌مدت و بلندمدت مناسب کمک می‌کند.

شزرباک^۲ (۲۰۲۱) به بررسی نقش حسابرسی مالی به عنوان ابزاری اطلاعاتی و کنترلی در حمایت از فرآیند بازسازی شرکت‌ها پرداختند. با تأکید بر این که حسابرسی مالی یک عنصر مهم در فرآیند بازسازی است که به بازسازی مؤثر و کارآمد شرکت‌ها کمک می‌کند، نتایج نشان می‌دهد که این فرآیند می‌تواند به تسریع استراتژی‌های شرکت‌هایی با وضعیت اقتصادی و مالی دشوار و همچنین شرکت‌های سالم کمک کند. همچنین، تحقیق به اهمیت تهیه صورت‌های مالی و اعتبار، شفافیت و کیفیت افشا در جلب اعتماد بازار و ارتقای دانش و تجربه مدیریت شرکت‌ها اشاره می‌کند.

رستگاری و مهدوی (۱۳۹۹) به بررسی اثر تعدیل‌کنندگی اهمیت صاحب‌کار بر رابطه بین تغییر موسسه حسابرسی شامل تغییر اجباری و اختیاری موسسه حسابرسی و تمرکز بازار حسابرسی در بازه زمانی ۱۳۹۷-۱۳۹۰ پرداختند. نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش با استفاده از الگوی داده‌های ترکیبی نشان داد که اهمیت صاحب‌کار بر رابطه بین تغییر موسسه حسابرسی و تمرکز بازار حسابرسی اثر تعدیل‌کنندگی دارد و سبب مستقیم شدن رابطه شد. هم‌چنین، نتایج نشان داد که بین تغییر اجباری و اختیاری موسسه حسابرسی و هر سه شاخص تمرکز بازار حسابرسی شامل نسبت

^۱. Hanh

^۲. Szczerbak

تمرکز، شاخص هرفیندال-هیرشمن و شاخص آنتروپی رابطه معکوس و معنی‌داری وجود دارد؛ یعنی، با افزایش (کاهش) تغییر اجباری و اختیاری موسسه حسابرسی، تمرکز بازار حسابرسی کاهش (افزایش) می‌یابد. افزون بر این، بین متغیرهای کنترلی اندازه و تمرکز صاحب‌کار و تمرکز بازار حسابرسی رابطه مستقیم و معنی‌داری مشاهده شد؛ بنابراین، اهمیت صاحب‌کار و تغییر موسسه حسابرسی عاملی مؤثر بر توزیع بازار بین موسسه‌های حسابرسی و در نتیجه، تمرکز بازار حسابرسی است.

فرضیه‌های پژوهش

بر اساس اهداف و نتایج تحقیق، فرضیه‌های پژوهش به شرح ذیل مطرح و آزمون شده‌اند:

فرضیه ۱: استانداردسازی ساختار مؤسسات حسابرسی بر خط‌مشی‌های عملیاتی مؤسسات حسابرسی تأثیر معنی‌دار و مثبتی دارد.

فرضیه ۲: استانداردسازی ساختار مؤسسات حسابرسی بر مهارت و تخصص اعضای مؤسسات حسابرسی تأثیر معنی‌دار و مثبتی دارد.

فرضیه ۳: استانداردسازی ساختار مؤسسات حسابرسی بر نیازها و خواسته‌های ساختار مؤسسات حسابرسی تأثیر معنی‌دار و مثبتی دارد.

فرضیه ۴: الزامات قوانین محیطی بر خط‌مشی‌های عملیاتی مؤسسات حسابرسی تأثیر معنی‌دار و مثبتی دارد.

فرضیه ۵: الزامات قوانین محیطی بر مهارت و تخصص اعضای مؤسسات حسابرسی تأثیر معنی‌دار و مثبتی دارد.

فرضیه ۶: الزامات قوانین محیطی بر نیازها و خواسته‌های ساختار مؤسسات حسابرسی تأثیر معنی‌دار و مثبتی دارد.

فرضیه ۷: انتصاب و پاداش‌های حساب‌رسان بر خط‌مشی‌های عملیاتی مؤسسات حسابرسی تأثیر معنی‌دار و مثبتی دارد.

فرضیه ۸: انتصاب و پاداش‌های حساب‌رسان بر مهارت و تخصص اعضای مؤسسات حسابرسی تأثیر معنی‌دار و مثبتی دارد.

فرضیه ۹: انتصاب و پاداش‌های حساب‌رسان بر نیازها و خواسته‌های ساختار مؤسسات حسابرسی تأثیر معنی‌دار و مثبتی دارد.

فرضیه ۱۰: تحولات فنی و توسعه‌ای بر خط‌مشی‌های عملیاتی مؤسسات حسابرسی تأثیر معنی‌دار و مثبتی دارد.

فرضیه ۱۱: تحولات فنی و توسعه‌ای بر مهارت و تخصص اعضای مؤسسات حسابرسی تأثیر معنی‌دار و مثبتی دارد.

فرضیه ۱۲: تحولات فنی و توسعه‌ای بر نیازها و خواسته‌های ساختار مؤسسات حسابرسی تأثیر معنی‌دار و مثبتی دارد.

فرضیه ۱۳: خط‌مشی‌های عملیاتی مؤسسات حسابرسی بر اعتبار خدمات در ساختارهای جدید تأثیر معنی‌دار و مثبتی دارد.

فرضیه ۱۴: خط‌مشی‌های عملیاتی مؤسسات حسابرسی بر سازگاری با تغییرات ساختارهای جدید تأثیر معنی‌دار و مثبتی دارد.

فرضیه ۱۵: ساختارهای سازمانی واحد بر خط‌مشی‌های عملیاتی مؤسسات حسابرسی تأثیر معنی‌دار و مثبتی دارد.

فرضیه ۱۶: ساختارهای سازمانی واحد بر مهارت و تخصص اعضای مؤسسات حسابرسی تأثیر معنی‌دار و مثبتی دارد.

فرضیه ۱۷: ساختارهای سازمانی واحد بر نیازها و خواسته‌های ساختار مؤسسات حسابرسی تأثیر معنی‌دار و مثبتی دارد.

فرضیه ۱۸: مهارت و تخصص اعضای مؤسسات حسابرسی بر اعتبار خدمات در ساختارهای جدید تأثیر معنی‌دار و مثبتی دارد.

فرضیه ۱۹: مهارت و تخصص اعضای مؤسسات حسابرسی بر سازگاری با تغییرات ساختارهای جدید تأثیر معنی‌دار و مثبتی دارد.

فرضیه ۲۰: موانع سازمانی و فردی مؤسسات بر خط‌مشی‌های عملیاتی مؤسسات حسابرسی تأثیر معنی‌دار و مثبتی دارد.

فرضیه ۲۱: موانع سازمانی و فردی مؤسسات بر مهارت و تخصص اعضای مؤسسات حسابرسی تأثیر معنی‌دار و مثبتی دارد.

فرضیه ۲۲: موانع سازمانی و فردی مؤسسات بر نیازها و خواسته‌های ساختار مؤسسات حسابرسی تأثیر معنی‌دار و مثبتی دارد.

فرضیه ۲۳: نیازها و خواسته‌های ساختار مؤسسات حسابرسی بر اعتبار خدمات در ساختارهای جدید تأثیر معنی‌دار و مثبتی دارد.

فرضیه ۲۴: نیازها و خواسته‌های ساختار مؤسسات حسابرسی بر سازگاری با تغییرات ساختارهای جدید تأثیر معنی‌دار و مثبتی دارد.

روش‌شناسی پژوهش

مطالعه حاضر یک پژوهش کاربردی، توصیفی-پیمایشی بود. در این پژوهش با توجه به هدف و ماهیت پژوهش از روش پژوهش ترکیبی یا آمیخته از طریق تلفیق روش‌های کیفی و کمی استفاده شده است. به منظور بررسی عمیق و شناخت بیشتر موضوع، علاوه بر مبانی نظری از مصاحبه برای درک بیشتر استفاده شده است، سپس از رویکردهای کمی برای تأیید نتایج کیفی بهره برده شد.

جامعه آماری فاز کیفی تحقیق شامل حسابداران رسمی کشور است. نمونه تحقیق نیز به صورت هدفمند انتخاب شد. بر این اساس، از طریق مصاحبه‌های عمیق و اکتشافی به صورت انفرادی با خبرگان علمی که به صورت هدفمند انتخاب شده بودند، مصاحبه‌ها انجام شد و تا زمانی ادامه یافت که عوامل اصلی و فرعی در مصاحبه‌ها تکرار شده و پاسخ‌ها از روندی تکراری تبعیت نماید. سپس برای اطمینان بیشتر، تعدادی مصاحبه دیگر نیز انجام شده و فرایند مصاحبه با ۱۱ مصاحبه و با اشباع نظری پژوهشگر پایان یافت. خبرگان در این پژوهش دارای ویژگی‌های خاصی در نظر گرفته شدند که شامل تجربه و دانش عمیق در زمینه حسابرسی، آشنایی با اصول و استانداردهای اخلاق حرفه‌ای و توانایی تحلیل و تفسیر داده‌های کیفی است تا بتوانند دیدگاه‌های معتبر و مفیدی در خصوص تغییر ساختار مؤسسات حسابرسی و تأثیر آن بر کنترل کیفیت کار ارائه دهند.

داده‌های کیفی لازم جمع‌آوری و با استفاده از روش تحلیل محتوا به مثابه تکنیکی پژوهشی، مفاهیم، مقوله‌ها و عوامل اصلی و فرعی شناسایی و مورد تحلیل قرار گرفت. این مفاهیم، عوامل و مقوله‌ها، مبنای تدوین ابزار (پرسشنامه) برای دستیابی به عوامل مؤثر تغییر ساختار مؤسسات حسابرسی با حفظ رویکرد اخلاق حرفه‌ای و بررسی تأثیر ابعاد آن بر کنترل کیفیت کار حسابرسی گردید. جدول ۱ نمونه آماری افراد مصاحبه شونده را نشان می‌دهد.

جدول ۱. نمونه آماری افراد مصاحبه شونده

شماره مصاحبه شونده	جنسیت	مدرک تحصیلی	سابقه شغلی	سمت
۱	مرد	کارشناسی ارشد	۲۱ سال	شریک حسابرسی
۲	مرد	کارشناسی ارشد	۱۱ سال	مدیر حسابرسی
۳	مرد	دکتر	۱۵ سال	شریک حسابرسی
۴	مرد	کارشناسی ارشد	۲۲ سال	شریک حسابرسی
۵	مرد	کارشناسی	۱۸ سال	مدیر حسابرسی
۶	مرد	کارشناسی ارشد	۱۲ سال	شریک حسابرسی
۷	مرد	دکتر	۲۰ سال	شریک حسابرسی
۸	مرد	کارشناسی ارشد	۲۰ سال	مدیر حسابرسی
۹	مرد	کارشناسی ارشد	۱۵ سال	مدیر حسابرسی
۱۰	مرد	کارشناسی ارشد	۱۸ سال	شریک حسابرسی
۱۱	مرد	دکتر	۱۴ سال	شریک حسابرسی

مؤلفه‌های به دست آمده از مصاحبه با خبرگان در قالب پرسشنامه دسته‌بندی شد و سپس برای جامعه آماری شامل جامعه آماری حسابداران رسمی ارسال گردید. در بخش کمی تعداد نمونه آماری با فرمول کوکران مشخص شد و لینک پرسشنامه الکترونیکی برای ایشان ارسال شد. تعداد اعضای نمونه آماری ۳۴۲ نفر در نظر گرفته شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش معادلات ساختاری صورت گرفت.

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش مأخذ اصلی داده‌ها مصاحبه بوده است به طوری که مصاحبه‌های ابتدایی به صورت اکتشافی و توصیفی بوده‌اند و به تدریج پس از انجام هر مصاحبه، کدگذاری مصاحبه به مصاحبه داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها انجام می‌گردید و به وسیله روش مقایسه دائمی داده‌ها کدهای نظری از طریق کدگذاری باز پدیدار می‌گردید و به همین منوال کدگذاری‌های ۱۱ مصاحبه انجام گردید و مفاهیم و طبقات فرعی و اصلی ظهور یافت. در جدول ۲، مقولات اصلی و فرعی و مفاهیم به دست آمده از کدگذاری‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۲. الگوی مفهومی تغییر ساختار مؤسسات حسابرسی با حفظ رویکرد اخلاق حرفه‌ای و کنترل کیفیت کار حسابرسی

مقولات اصلی	مقولات فرعی	کدهای اولیه
خط‌مشی‌های عملیاتی مؤسسات حسابرسی	کیفیت مؤسسات حسابرسی	کیفیت کاری. توجه به کیفیت مؤسسات حسابرسی. افزایش کیفیت خدمات.
	رفتار حرفه‌ای مؤسسات حسابرسی	پایبندی به اخلاق حرفه‌ای. حفظ آیین رفتار حرفه‌ای. ضرورت رفتار حرفه‌ای.
	تفکیک وظایف در مؤسسات حسابرسی	تقسیم‌بندی کارها. تفکیک وظایف حساب‌برسان از مدیران.
	ساختارمندی مؤسسات حسابرسی	بهینه‌سازی مؤسسات حسابرسی. شکل‌گیری ساختار مؤسسات حرفه‌ای. ساختارمند بودن مؤسسات.
استانداردسازی ساختار مؤسسات حسابرسی	استاندارد بودن مؤسسات حسابرسی	استانداردسازی تغییرات. همسویی با چندوجهی بودن ساختار سازمانی. انعطاف‌پذیری ساختار سازمانی.
	پویا بودن مؤسسات حسابرسی	استفاده از الگوهای پویا. الگوپذیری از سازمان‌های چند وجهی.
	محافظت از ساختارهای مؤسسات حسابرسی	حفظ ساختارهای جدید. توسعه محور بودن مؤسسات.
	تحولات محیطی	موانع اقتصادی. تغییرات محیط اقتصادی. همسو بودن با تغییرات اقتصادی.
الزامات قوانین محیطی	تحولات قانونی	الزامات قانونی. سیاست‌ها و توافقات قانونی.
	تحولات محیطی	همسو بودن با تغییرات محیطی. موانع محیطی.
	ورود تکنولوژی‌های پیشرفته	تغییرات فناوری. استفاده از فناوری‌ها. تغییرات تکنولوژی. استفاده از فناوری-های الکترونیکی. ورود به تکنولوژی.
	الزامات سیاسی	تغییرات سیاسی. موانع سیاسی.
تحولات فنی و توسعه‌ای	الزامات آموزشی	تغییرات آموزشی. سرعت زیاد تغییرات فردی.
	ورود به بازار	تغییرات بازار. موانع بازار. وارد شدن به بازار.
	عدم ارزیابی مؤسسات حسابرسی	متمایل نبودن مؤسسات به فعالیت در بورس. متمایل نبودن مؤسسات به کنترل و ارزیابی.
	عدم تحقیقات مطالعاتی مؤسسات حسابرسی	نبود حوزه تحقیقاتی. موانع فرهنگی و تحقیقاتی.
موانع سازمانی و فردی مؤسسات حسابرسی	مشکلات مؤسسات حسابرسی	مشکلات سازمانی. مشکلات فردی.
	وجود افراد متخصص	توجه به تخصص‌گرایی. استفاده از مدیران با تخصص. استفاده از حسابداران با تخصص. استفاده از متخصصان فنی غیرحسابدار. استفاده از حساب‌برسان همسو و همدل.
	تخصص نیروی انسانی	نبود نیروی انسانی متخصص. کمبود نیروی انسانی ماهر. پیشرفت منابع انسانی.
	مهارت‌های حساب‌برسان	ارتقاء و مهارت‌های حساب‌برسان. افزایش دانش حساب‌برسان.
مهارت و تخصص اعضای مؤسسات حسابرسی	توانایی حساب‌برسان ارشد	توانایی حساب‌برسان ارشد. تخصص حساب‌برسان ارشد.
	ساختارهای تیم حسابرسی	هدایت تیم حسابرسی. تغییر در ساختارهای تیم حسابرسی.

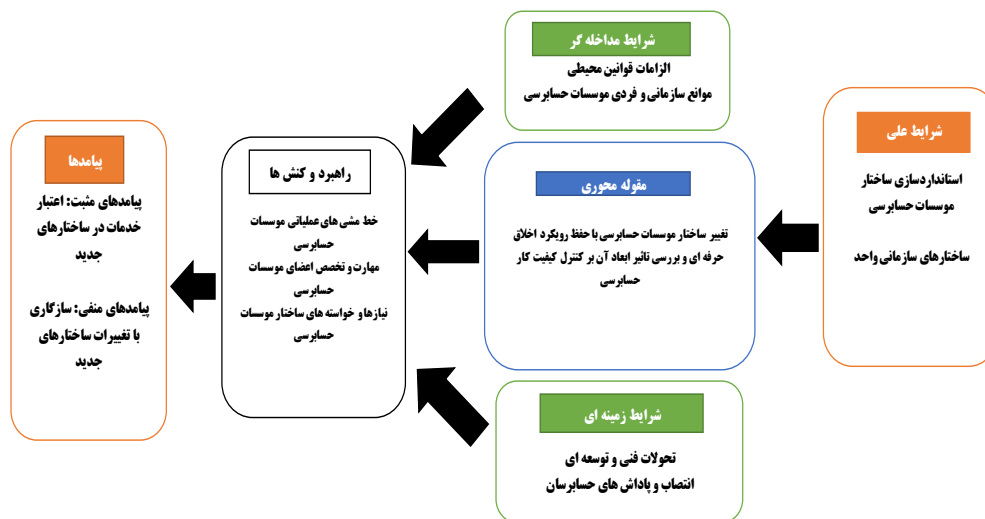
جدول ۲. الگوی مفهومی تغییر ساختار مؤسسات حسابرسی با حفظ رویکرد اخلاق حرفه‌ای و کنترل کیفیت کار حسابرسی

مقولات اصلی	مقولات فرعی	کدهای اولیه
سازگاری با تغییرات ساختارهای جدید	رویکردهای ادراکی	داشتن دیدگاه فرهنگی. موانع ادراکی. رویکردهای منفی ذهنی. تفکرات فردی. تفکرات جمعی. ادراک غلط افراد. خستگی فرد ناشی از تغییرات.
	رویکردهای سازگار شدن	رویکردهای اجتماعی. عدم تمایل به سازگاری و تغییرات.
	طراحی درست ساختارها	درک تغییرات سازمانی. تغییرات جهت‌دار. طراحی سیستم‌های حرفه‌ای سازمانی. طراحی سازمانی بر اساس قاعده‌مندی.
	مقاومت سازمان‌ها	مقاومت درباره تغییرات. ترس از تغییرات. مقاومت سازمانی. وابستگی به محیط‌های قبلی. عدم تمایل به تغییرات در شرایط جدید. اعتماد کم به تغییرات. ادراک پایین به تغییرات. اضطراب ناشی از تغییرات جدید.
اعتدال‌سازی به تغییرات	آینده‌نگری	نامفهوم بودن آینده تغییرات. ترس از عوامل ناشناخته. استرس از محیط‌های شخصی جدید. استرس شغلی.
	کنترل کیفیت	کنترل کیفیت. کنترل وضعیت ساختار سازمانی. افزایش کیفیت. افزایش عملکرد.
	اعتبار مؤسسات در مجامع بین‌المللی	حرکت به‌سوی مؤسسات بزرگ. اعتبار و شهرت مؤسسات. موفقیت در بازارهای بین‌المللی.
	بازارهای جدید خدماتی	افزایش ارتباطات با مشتریان. ورود به بازارهای جدید. ورود به عرصه‌های مختلف.
اعتبار خدمات در ساختارهای جدید	پاسخگویی	پاسخ‌گو بودن مؤسسات. بهبود عملیات اطمینان بخشی.
	رفتارهای حرفه‌ای حساب‌برسان	بهبود رفتار حساب‌برسان. رسیدگی‌های هدفمند حساب‌برسان.
	افزایش کیفیت حسابرسی وجود بازرسی‌های قانونی وجود استراتژی‌های ایدئال	افزایش دقت حساب‌برسان. وجود کیفیت حسابرسی. کاهش زمان حسابرسی. مبارزه با پولشویی. بازرسی‌های قانونی. امنیت حقوق کارکنان. برخورداری از استراتژی‌های مختلف. برخورداری از سلسله‌مراتب خاص. ایجاد استراتژی‌های مناسب در سازمان.
	استخدام حساب‌برسان	انتخاب و انتصاب حساب‌برسان. استخدام حساب‌برسان بر اساس روحیه و شخصیت.
انتصاب و پاداش‌های حساب‌برسان	رفع تعارض میان حساب‌برسان و ذی‌نفعان	رفع تعارض میان حساب‌برسان و ذی‌نفعان. رفاه نسبی کارکنان. زمان‌بندی کارهای قابل پیش‌بینی.
	تعیین حق‌الزحمه حسابرسی	تعیین حق‌الزحمه‌های خدمات ارائه شد. تعیین حق‌الزحمه‌های حسابرسی. اثرهای مثبت پاداش یکسان.
	افزایش درآمد حسابرسی	سطح درآمد مؤسسات. افزایش سطح درآمد.
	اهداف سازمانی	استراتژی‌های سازمانی. رسالت‌های سازمانی. اهداف و چشم‌اندازهای سازمانی.
ساختارهای سازمانی واحد	الگوهای سازمانی	قوانین و مقررات‌های سازمانی. فقدان الگوی درست. ارتباطات ضعیف.
	ساختارهای سازمانی	نگاه سازمانی یکسان. وجود شرکت‌های دارای ساختار سازمانی یکسان.

جدول ۲. الگوی مفهومی تغییر ساختار مؤسسات حسابرسی با حفظ رویکرد اخلاق حرفه‌ای و کنترل کیفیت کار حسابرسی

مقولات اصلی	مقولات فرعی	کدهای اولیه
نیازها و خواسته‌های ساختار مؤسسات حسابرسی	نیازهای مؤسسات حسابرسی	دیدگاه مؤسسات حسابرسی. اهداف مؤسسات حسابرسی. تعیین اولویت‌های مؤسسات حسابرسی.
	تجربیات مؤسسات حسابرسی	اندازه مؤسسات. تجربیات مؤسسات بزرگ.
	انتصاب شرکای مؤسسات حسابرسی	تعداد شرکای مؤسسات. استفاده از شرکای غیرحسابدار.
	دیدگاه‌های شرکای مؤسسات حسابرسی	محتاط بودن شرکا. اعتماد شرکا به تغییرات. ویژگی‌های اقتصادی شرکا.

بر اساس جدول ۲، مدل پارادایمی داده بنیاد به صورت زیر ترسیم می‌گردد:



شکل ۱. الگوی پارادایمی تغییر ساختار مؤسسات حسابرسی با حفظ رویکرد اخلاق حرفه‌ای و کنترل کیفیت کار حسابرسی

بر اساس مدل فوق، پرسشنامه‌ای طراحی گردید که روایی و پایایی آن مورد تأیید قرار گرفت و ۲۴ فرضیه شکل گرفت که در ادامه به بررسی فرضیه‌ها پرداخته می‌شود.

تحلیل روایی و پایایی سازه‌های پژوهش

پرسشنامه طراحی شده در اختیار جمعی از اساتید قرار گرفته و از جانب ایشان روایی محتوای پرسشنامه تحقیق مورد تأیید قرار گرفت.

جدول ۳. آزمون کیزر- مایر- اوکلین و بارتلت برای تحلیل کفایت حجم نمونه در تحلیل عاملی

۰/۷۱۱	شاخص کیزر- مایر- اوکلین (KMO)
۴۲۷۰/۷۴۴	آماره خی دو در آزمون بارتلت
۴۱۸۶۰	درجه آماره خی دو در آزمون بارتلت
۰/۰۰۰	سطح معنی‌داری در آزمون بارتلت

منبع: یافته‌های پژوهش

شاخص کیزر- مایر- اوکلین برابر با ۰/۷۱۱ و بزرگتر از سطح مطلوب ۰/۷ است از طرفی سطح معنی‌داری برای فرض صفر ناهمبسته بودن متغیرها در آزمون بارتلت برابر با ۰/۰۰۰ است. لذا این نتایج مطلوبیت تحلیل عاملی را تأیید می‌کنند. تحلیل عاملی تأییدی، همسویی سؤالات پرسشنامه جهت اندازه‌گیری مفاهیم مربوطه را نشان می‌دهد (رحیمی، ۱۳۹۷). سنجش روایی تشخیصی سازه‌ها با میانگین واریانس استخراج شده صورت پذیرفته است.

جدول ۴. بررسی مقادیر میانگین واریانس استخراج‌شده و ضریب پایایی ترکیبی و آلفای کرونباخ

عنوان مؤلفه	میانگین واریانس استخراج‌شده	ضریب آلفای کرونباخ	ضریب پایایی ترکیبی
استانداردسازی ساختار مؤسسات حسابرسی	۰/۷۷۶	۰/۸۱۶	۰/۸۹
اعتبار خدمات در ساختارهای جدید	۰/۵۷۱	۰/۷۰۸	۰/۶۴۱
الزامات قوانین محیطی	۰/۶۸۲	۰/۷۷۱	۰/۸۱۳
انتصاب و پاداش‌های حسابرسان	۰/۶۳	۰/۸۰۶	۰/۶۶۳
تحولات فنی و توسعه‌ای	۰/۶۳۹	۰/۸۴۹	۰/۸۳۵
خط‌مشی‌های عملیاتی مؤسسات حسابرسی	۰/۶۳۱	۰/۷۶۷	۰/۶
ساختارهای سازمانی واحد	۰/۶۸۱	۰/۷	۰/۸۱۹
سازگاری با تغییرات ساختارهای جدید	۰/۵۸۸	۰/۷۴۷	۰/۷۱۱
مهارت و تخصص اعضای مؤسسات حسابرسی	۰/۶۰۶	۰/۷۱۵	۰/۶۸۶
موانع سازمانی و فردی مؤسسات	۰/۶۵۹	۰/۷۱۸	۰/۷۲۹
نیازها و خواسته‌های ساختار مؤسسات حسابرسی	۰/۶۳۸	۰/۸۲۱	۰/۷۲۶

منبع: یافته‌های پژوهش

بررسی نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد اندازه شاخص میانگین واریانس استخراج شده برای تمامی مؤلفه‌ها بزرگتر از ۰/۵ می‌باشد؛ بنابراین سازه‌های پرسشنامه یا به عبارتی مؤلفه‌های تحقیق از روایی تشخیصی مطلوبی برخوردارند (وشنی و همکاران، ۱۳۹۷). سنجش پایایی ابزار اندازه‌گیری پژوهش با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ^۱ و ضریب پایایی ترکیبی^۲ بررسی شده است. بررسی نتایج جدول نشان می‌دهد اندازه ضرایب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی برای تمامی مؤلفه‌ها بزرگتر از سطح قابل قبول خود (۰/۷) می‌باشند. لذا می‌توان نتیجه گرفت که سازه‌های پرسشنامه از پایایی مطلوبی برخوردارند (وشنی و همکاران، ۱۳۹۷). همچنین همان‌طور که در جدول بالا مشخص است تمامی بارهای عاملی شاخص‌ها، بالاتر از ۰/۵ و در سطح اطمینان ۹۵ درصد، معنی‌دار هستند که نشان‌دهنده این موضوع است که سازه‌ها از این لحاظ در سطح مطلوبی قرار دارند (هیر^۳ و همکاران، ۲۰۲۳).

تحلیل مدل‌های ساختاری پژوهش

شکل ۲ مدل ساختاری پژوهش را نشان می‌دهد که در آن روابط بین متغیرها بر اساس فرضیه‌های مورد مطالعه طراحی شده است.

^۱. Cronbach's Alpha

^۲. Composite Reliability (CR)

^۳. Hair

آزمون فرضیه‌های پژوهش

بر اساس اهداف تحقیق، فرضیه‌ها را می‌توان به دودسته اصلی تقسیم کرد: فرضیه‌های مرتبط بااخلاق حرفه‌ای شامل فرضیه‌های ۱، ۴، ۷، ۱۰، ۱۳ و ۲۰ هستند که به تأثیر استانداردسازی، الزامات قوانین محیطی، انتصاب و پاداش‌ها، تحولات فنی و خط‌مشی‌های عملیاتی بر اعتبار و اخلاق حرفه‌ای مؤسسات حسابرسی می‌پردازند. در مقابل، فرضیه‌های مرتبط با کنترل کیفیت حسابرسی شامل فرضیه‌های ۲، ۵، ۸، ۱۱، ۱۶ و ۲۱ می‌باشند که بر تأثیر استانداردسازی، الزامات قوانین محیطی، انتصاب و پاداش‌ها، تحولات فنی و ساختارهای سازمانی بر مهارت و تخصص اعضای مؤسسات حسابرسی تمرکز دارند. این تفکیک به درک بهتر از تأثیرات مختلف بر اخلاق حرفه‌ای و کنترل کیفیت در حسابرسی کمک می‌کند. نتایج بررسی فرضیه‌ها در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵. نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

عنوان فرضیه	آماره T	مقدار احتمال	نتیجه آزمون فرضیه
فرضیه ۱: استانداردسازی ساختار مؤسسات حسابرسی بر خط‌مشی‌های عملیاتی مؤسسات حسابرسی تأثیر معنی‌دار و مثبتی دارد.	۱۱/۴۷۸	۰/۰۰۱	در سطح خطای ۰/۰۵ رد نشد.
فرضیه ۲: استانداردسازی ساختار مؤسسات حسابرسی بر مهارت و تخصص اعضای مؤسسات حسابرسی تأثیر معنی‌دار و مثبتی دارد.	۱۰/۰۳۵	۰/۰۱	در سطح خطای ۰/۰۵ رد نشد.
فرضیه ۳: استانداردسازی ساختار مؤسسات حسابرسی بر نیازها و خواسته‌های ساختار مؤسسات حسابرسی تأثیر معنی‌دار و مثبتی دارد.	۱۰/۰۰۷	۰/۰۱	در سطح خطای ۰/۰۵ رد نشد.
فرضیه ۴: الزامات قوانین محیطی بر خط‌مشی‌های عملیاتی مؤسسات حسابرسی تأثیر معنی‌دار و مثبتی دارد.	۱۰/۷۶۹	۰/۰۰۴	در سطح خطای ۰/۰۵ رد نشد.
فرضیه ۵: الزامات قوانین محیطی بر مهارت و تخصص اعضای مؤسسات حسابرسی تأثیر معنی‌دار و مثبتی دارد.	۱۰/۲۸۱	۰/۰۰۸	در سطح خطای ۰/۰۵ رد نشد.
فرضیه ۶: الزامات قوانین محیطی بر نیازها و خواسته‌های ساختار مؤسسات حسابرسی تأثیر معنی‌دار و مثبتی دارد.	۱۱/۰۰۲	۰/۰۰۳	در سطح خطای ۰/۰۵ رد نشد.
فرضیه ۷: انتصاب و پاداش‌های حساب‌برسان بر خط‌مشی‌های عملیاتی مؤسسات حسابرسی تأثیر معنی‌دار و مثبتی دارد.	۱۰/۴۳۶	۰/۰۰۶	در سطح خطای ۰/۰۵ رد نشد.
فرضیه ۸: انتصاب و پاداش‌های حساب‌برسان بر مهارت و تخصص اعضای مؤسسات حسابرسی تأثیر معنی‌دار و مثبتی دارد.	۱۱/۰۷۶	۰/۰۰۳	در سطح خطای ۰/۰۵ رد نشد.
فرضیه ۹: انتصاب و پاداش‌های حساب‌برسان بر نیازها و خواسته‌های ساختار مؤسسات حسابرسی تأثیر معنی‌دار و مثبتی دارد.	۱۱/۰۸۴	۰/۰۰۳	در سطح خطای ۰/۰۵ رد نشد.
فرضیه ۱۰: تحولات فنی و توسعه‌ای بر خط‌مشی‌های عملیاتی مؤسسات حسابرسی تأثیر معنی‌دار و مثبتی دارد.	۱۰/۲۴۲	۰/۰۰۸	در سطح خطای ۰/۰۵ رد نشد.
فرضیه ۱۱: تحولات فنی و توسعه‌ای بر مهارت و تخصص اعضای مؤسسات حسابرسی تأثیر معنی‌دار و مثبتی دارد.	۱۰/۸۸۱	۰/۰۰۴	در سطح خطای ۰/۰۵ رد نشد.

فرضیه ۱۲: تحولات فنی و توسعه‌ای بر نیازها و خواسته‌های ساختار مؤسسات حسابرسی تأثیر معنی‌دار و مثبتی دارد.	۱۱/۰۶۴	۰/۰۰۳	در سطح خطای ۰/۰۵ رد نشد.
فرضیه ۱۳: خط‌مشی‌های عملیاتی مؤسسات حسابرسی بر اعتبار خدمات در ساختارهای جدید تأثیر معنی‌دار و مثبتی دارد.	۱۰/۲۷۹	۰/۰۰۸	در سطح خطای ۰/۰۵ رد نشد.
فرضیه ۱۴: خط‌مشی‌های عملیاتی مؤسسات حسابرسی بر سازگاری با تغییرات ساختارهای جدید تأثیر معنی‌دار و مثبتی دارد.	۱۰/۳۸۲	۰/۰۰۷	در سطح خطای ۰/۰۵ رد نشد.
فرضیه ۱۵: ساختارهای سازمانی واحد بر خط‌مشی‌های عملیاتی مؤسسات حسابرسی تأثیر معنی‌دار و مثبتی دارد.	۱۰/۵۸۲	۰/۰۰۶	در سطح خطای ۰/۰۵ رد نشد.
فرضیه ۱۶: ساختارهای سازمانی واحد بر مهارت و تخصص اعضای مؤسسات حسابرسی تأثیر معنی‌دار و مثبتی دارد.	۱۰/۲۳۸	۰/۰۰۸	در سطح خطای ۰/۰۵ رد نشد.
فرضیه ۱۷: ساختارهای سازمانی واحد بر نیازها و خواسته‌های ساختار مؤسسات حسابرسی تأثیر معنی‌دار و مثبتی دارد.	۱۰/۹۲۳	۰/۰۰۴	در سطح خطای ۰/۰۵ رد نشد.
فرضیه ۱۸: مهارت و تخصص اعضای مؤسسات حسابرسی بر اعتبار خدمات در ساختارهای جدید تأثیر معنی‌دار و مثبتی دارد.	۱۰/۵۲۹	۰/۰۰۶	در سطح خطای ۰/۰۵ رد نشد.
فرضیه ۱۹: مهارت و تخصص اعضای مؤسسات حسابرسی بر سازگاری با تغییرات ساختارهای جدید تأثیر معنی‌دار و مثبتی دارد.	۱۱/۰۵۸	۰/۰۰۳	در سطح خطای ۰/۰۵ رد نشد.
فرضیه ۲۰: موانع سازمانی و فردی مؤسسات بر خط‌مشی‌های عملیاتی مؤسسات حسابرسی تأثیر معنی‌دار و مثبتی دارد.	۱۰/۱۴	۰/۰۰۹	در سطح خطای ۰/۰۵ رد نشد.
فرضیه ۲۱: موانع سازمانی و فردی مؤسسات بر مهارت و تخصص اعضای مؤسسات حسابرسی تأثیر معنی‌دار و مثبتی دارد.	۱۱/۲۴۸	۰/۰۰۲	در سطح خطای ۰/۰۵ رد نشد.
فرضیه ۲۲: موانع سازمانی و فردی مؤسسات بر نیازها و خواسته‌های ساختار مؤسسات حسابرسی تأثیر معنی‌دار و مثبتی دارد.	۱۰/۲۲۴	۰/۰۰۸	در سطح خطای ۰/۰۵ رد نشد.
فرضیه ۲۳: نیازها و خواسته‌های ساختار مؤسسات حسابرسی بر اعتبار خدمات در ساختارهای جدید تأثیر معنی‌دار و مثبتی دارد.	۱۱/۱۳۵	۰/۰۰۳	در سطح خطای ۰/۰۵ رد نشد.
فرضیه ۲۴: نیازها و خواسته‌های ساختار مؤسسات حسابرسی بر سازگاری با تغییرات ساختارهای جدید تأثیر معنی‌دار و مثبتی دارد.	۱۰/۶۵۴	۰/۰۰۵	در سطح خطای ۰/۰۵ رد نشد.

منبع: یافته‌های پژوهش

بررسی نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد، تمامی فرضیه‌های مورد مطالعه در پژوهش حاضر در سطح احتمال خطای نوع اول ۰/۰۵ رد نمی‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف مطالعه حاضر تبیین تغییر ساختار مؤسسات حسابرسی، حفظ رویکرد اخلاق حرفه‌ای و کنترل کیفیت کار حسابرسی می‌باشد. از نتایج فرضیات می‌توان چنین تبیین کرد که استانداردسازی ساختار مؤسسات حسابرسی، الزامات قوانین محیطی، ساختارهای سازمانی واحد، انتصاب و پاداش‌های حسابرسان و تحولات فنی و توسعه‌ای بر خط‌مشی‌های عملیاتی مؤسسات حسابرسی، مهارت و تخصص اعضای مؤسسات حسابرسی و نیازها و خواسته‌های

ساختار مؤسسات حسابرسي تأثیر مثبت و معناداری دارد. به این معنا که اگر مؤسسات حسابرسي استانداردسازی مناسب و درستی را رعایت کنند، این امر می‌تواند بر مهارت حسابربان تأثیر گذارد که این امر منجر می‌گردد تا خطمشی‌های مؤسسات هم درست‌تر اعمال گردد. الزاماتی که در محیط به صورت قوانین وجود دارد که اعم از الزامات حرفه‌ای و رفتاری و سازمانی، اخلاقی، دستوری و غیره می‌باشد، می‌تواند خطمشی‌های مؤسسات حسابرسي را تحت تأثیر قرار دهد و از این طریق بر آن تأثیرگذار باشد. همچنین نتایج نشان داد که خطمشی‌های عملیاتی مؤسسات حسابرسي و مهارت و تخصص اعضای مؤسسات حسابرسي بر اعتبار خدمات در ساختارهای جدید و سازگاری با تغییرات ساختارهای جدید رابطه مثبت و معنی‌داری دارد. به این معنا که اگر مؤسسات حسابرسي در جهت تغییر ساختارهای خود، خطمشی‌های درست و اصولی و اخلاقی و حرفه‌ای را به کار ببرند، این امر می‌تواند به افزایش مؤسسات حسابرسي بینجامد و از سمتی حسابرسانی را با مهارت و تخصص بالاتری را انتصاب کند و همچنین این امر باعث می‌گردد که مؤسسات تغییر ساختارهای جدید را مورد پذیرش قرار دهند. نتایج همچنین نشان داد که موانع سازمانی و فردی مؤسسات بر خطمشی‌های عملیاتی مؤسسات حسابرسي، مهارت و تخصص اعضای مؤسسات حسابرسي و نیازها و خواسته‌های ساختار مؤسسات حسابرسي رابطه مثبت و معناداری دارد. از این نتیجه می‌توان چنین تبیین کرد که برای تغییر مؤسسات حسابرسي، موانع زیادی وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها پذیرش مؤسسات حسابرسي و افراد شاغل در آن برای تغییرات هستند؛ که این امر می‌تواند در جذب حسابربان مهار مؤثر باشد. همچنین نتایج نشان داد که نیازها و خواسته‌های ساختار مؤسسات حسابرسي بر اعتبار خدمات در ساختارهای جدید و سازگاری با تغییرات ساختارهای جدید تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد. به این معنا که حسابربان هم نیازهایی دارند که برای رفع نیازهای آنان باید به فکر تغییر مؤسسات حسابرسي بود که اگر این امر به درستی انجام شود، نه تنها حسابربان می‌توانند خود را با تحولات جدید سازگار کنند، بلکه می‌توانند اعتبار حرفه خویش را افزایش دهند.

نتایج تحقیق حاضر با نتایج مطالعات پیشین هم‌راستا و در عین حال مکمل آن‌هاست. به‌طور خاص، **چن و همکاران (۲۰۲۴)** نشان دادند که ساختار مطلوب مؤسسات حسابرسي می‌تواند به بهبود مدیریت ریسک‌های حسابرسي و کاهش احتمال صدور نظرات غیراستاندارد کمک کند که این موضوع با تأکید تحقیق حاضر بر استانداردسازی ساختار مؤسسات و تأثیر آن بر کیفیت خدمات همخوانی دارد. همچنین، **هان (۲۰۲۱)** به تأثیر محیط قانونی و پروژه‌های فنی بزرگ بر استراتژی و ساختار مؤسسات اشاره کرده است که به نتایج تحقیق حاضر در زمینه الزامات قوانین محیطی و تأثیر آن بر خطمشی‌های عملیاتی مؤسسات حسابرسي اعتبار می‌بخشد. **شزرباک (۲۰۲۱)** نیز بر اهمیت حسابرسي مالی در فرآیند بازسازی تأکید کرده است که با تأکید تحقیق حاضر بر حفظ رویکرد اخلاق حرفه‌ای و کنترل کیفیت کار حسابرسي هم‌پوشانی دارد. در نهایت، یافته‌های **رستگاری و مهدوی (۱۳۹۹)** در مورد تأثیر اهمیت صاحب‌کار بر تغییر موسسه حسابرسي و تمرکز بازار، به درک بهتر موانع سازمانی و فردی در تغییر ساختار مؤسسات حسابرسي در تحقیق حاضر کمک می‌کند. به طور کلی، نتایج تحقیق حاضر نشان‌دهنده تأثیر مثبت و معنادار تغییر ساختار مؤسسات حسابرسي بر کیفیت و اعتبار خدمات است که با یافته‌های مطالعات پیشین هم‌راستا است.

محدودیت‌های تحقیق حاضر شامل محدودیت در دسترسی به نمونه‌های گسترده‌تر از حسابربان و مؤسسات حسابرسي و همچنین وابستگی به نظرات شخصی افراد مصاحبه شونده است که ممکن است بر نتایج تأثیرگذار باشد.

همچنین، تغییرات سریع در محیط قانونی و اقتصادی می‌تواند تأثیرات نتایج را در طول زمان محدود کند. با توجه به نتایج تحقیق حاضر، پیشنهاد می‌شود که مؤسسات حسابرسی به استانداردسازی ساختارهای سازمانی خود توجه ویژه‌ای داشته باشند تا بتوانند ریسک‌های حسابرسی را به‌طور مؤثرتری مدیریت کنند و کیفیت خدمات خود را افزایش دهند. همچنین، لازم است که مؤسسات به الزامات قانونی و محیطی توجه کنند و خط‌مشی‌های عملیاتی خود را بر اساس این الزامات تنظیم نمایند. برای جذب و حفظ حساب‌رسان با مهارت و تخصص بالا، ایجاد یک محیط کاری حمایتی و فراهم کردن فرصت‌های آموزشی و توسعه حرفه‌ای برای حساب‌رسان ضروری است. همچنین، مؤسسات باید به موانع سازمانی و فردی توجه کنند و اقداماتی را برای تسهیل پذیرش تغییرات در ساختارهای خود انجام دهند. در نهایت، تقویت رویکرد اخلاق حرفه‌ای و کنترل کیفیت کار حسابرسی می‌تواند به افزایش اعتبار و اعتماد بازار به خدمات حسابرسی کمک کند که این امر در نهایت به بهبود عملکرد کلی مؤسسات حسابرسی منجر خواهد شد.

فهرست منابع

- ایمانی برندق، محمد، مهرانی، کاوه، و رحیم حجت شمامی (۱۳۹۵). شناسایی عوامل تعیین کننده کیفیت حسابرسی در ایران از دیدگاه حسابداران رسمی. *مجله دانش حسابداری*، ۷(۲۵)، ۱۶۷-۱۸۹. doi: 10.22103/jak.2016.1449
- حساس یگانه، یحیی، و آذینفر، کاوه (۱۳۸۹). رابطه بین کیفیت حسابرسی و اندازه موسسه حسابرسی. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۱۷(۶۱)، ۸۵-۹۸. dor: 20.1001.1.26458020.1389.17.3.6.2
- رستگاری، نجمه، و مهدوی، غلامحسین (۱۳۹۹). بررسی اثر تعدیل‌کنندگی اهمیت صاحب‌کار بر رابطه بین تغییر موسسه حسابرسی و تمرکز بازار حسابرسی. *مجله دانش حسابرسی*، ۲۰(۸۱)، ۳۷-۵۰. <http://danesh.dmk.ir/article-1-2413-fa.html>
- علوی، سید محمد، قربانی، بهزاد، و رستمی، وهاب (۱۳۹۴). بررسی عوامل مؤثر بر کیفیت حسابرسی در مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران. *دانش حسابرسی*، ۱۵(۶۰)، ۴۷-۷۰. <https://danesh.dmk.ir/article-1-1100-fa.html>
- وشنی، امیر، موسوی، فرانک، اسلام پناه، مریم، و کرم افروز، محمدجواد (۱۳۹۷). طراحی الگوی تفکر راهبردی مدیران آموزشی به روش آمیخته اکتشافی. *دو ماهنامه علمی-پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی*، ۱۱(۴)، ۵۴-۲۹. dor: 20.1001.1.20086369.1399.11.44.2.7
- Alavi, S. M., Ghorbani, B., & Vahab Rostami. (2015). Investigating the factors affecting audit quality in auditing firms affiliated with the Iranian Association of Certified Accountants. *Audit Knowledge*, 15(60), 47-70. <https://danesh.dmk.ir/article-1-1100-fa.html> [In Persian]
- Alford, J., Hartley, J., Yates, S., & Hughes, O. (2017). Into the purple zone: Deconstructing the politics/administration distinction. *The American Review of Public Administration*, 47(7), 752-763. doi: 10.1177/0275074016638481
- Argyres, N., & Zenger, T. R. (2013). Dynamics of organizational structure. In A. Grandori (Ed.), *Handbook of economic organization: integrating economic and organization theory* (pp. 210-222) (1st ed.). Cheltenham, UK: Edward Elgar Publishing.

- Babayanju, A. G. A., Animasaun, R. O., & Sanyaolu, W. A. (2017). Financial reporting and ethical compliance: The role of regulatory bodies in Nigeria. *Account and Financial Management Journal*, 2(2), 600-616. doi: [10.18535/afmj/v2i2.01](https://doi.org/10.18535/afmj/v2i2.01)
- Barac, K., Plant, K., Kunz, R., & Kirstein, M. (2021). Audit practice: A straightforward trade or a complex system?. *International Journal of Auditing*, 25(3), 797-812. doi: [10.1111/IJAU.12249](https://doi.org/10.1111/IJAU.12249)
- Chen, L., Fan, W., Wu, Y., & Zhou, H. (2024). Accounting firm organization structure and audit risk management: evidence from Chinese domestic accounting firms. *Journal of International Accounting Research*, 1-29. doi: [10.2308/jiar-2023-020](https://doi.org/10.2308/jiar-2023-020)
- Eferakeya, I. (2024). Auditor-firm conflict: theoretical concepts application and analysis of the power dynamics involved. *ANAN Journal of Accounting*, 13(1), 145-170. doi: [10.70518/ajoa.v13i1.08](https://doi.org/10.70518/ajoa.v13i1.08)
- Fukuyama, F. (2014). Political order and political decay: From the industrial revolution to the globalization of democracy. *Macmillan*.
- Hassas Yeganeh, Y., & Azinfar, K. (2010). The relationship between audit quality and the size of the auditing firm. *Accounting and Auditing Studies*, 17(61), 85-98. doi: [20.1001.1.26458020.1389.17.3.6.2](https://doi.org/20.1001.1.26458020.1389.17.3.6.2) [In Persian]
- HANH, H. T. (2021). Determining factors affecting independent auditing in small, medium and big-sized auditing companies-case in Vietnam. *Journal of Contemporary Issues in Business & Government*, 27(2), 142-148. doi: [10.47750/CIBG.2021.27.02.018](https://doi.org/10.47750/CIBG.2021.27.02.018)
- Hair, J. F., Hult, G. T. M., Ringle, C. M., & Sarstedt, M. (2022). *A Primer on Partial Least Squares Structural Equation Modeling (PLS-SEM)*. 3rd Edition. Thousand Oaks: Sage.
- Heckmann, N., Steger, T., & Dowling, M. (2016). Organizational capacity for change, change experience, and change project performance. *Journal of Business Research*, 69(2), 777-784. doi: [10.1016/j.jbusres.2015.07.012](https://doi.org/10.1016/j.jbusres.2015.07.012)
- Ikatan, A.I. (2014). *Statement of Financial Standards 01: Presentation of Financial Statements (Revised 2014)*. Jakarta: Ikatan Akuntan Indonesia. <https://www.icab.org.bd/icadmin/uploads/ckeditor/1407IAS>
- Imani Barandagh, M., Mehrani, K., & Hojjat Shomami, R. (2016). Identifying the determinants of audit quality in Iran from the perspective of certified accountants. *Journal of Accounting Knowledge*, 7(25), 167-189. doi: [10.22103/jak.2016.1449](https://doi.org/10.22103/jak.2016.1449) [In Persian]
- Marzuki, M., Subramaniam, N., Cooper, B. J., & Dellaportas, S. (2017). Accounting academics' teaching self-efficacy and ethics integration in accounting courses: A Malaysian study. *Asian Review of Accounting*, 25(1), 148-170. doi: [10.1108/ARA-09-2015-0088](https://doi.org/10.1108/ARA-09-2015-0088)
- Ramadhani, N. E. (2023). Pengaruh Struktur Audit, Konflik Peran, Ketidakjelasan Peran, dan Komitmen Organisasi terhadap Kinerja Auditor. *Journal of Islamic Accounting and Tax*. doi: [10.30587/jiatax.v4i1.4318](https://doi.org/10.30587/jiatax.v4i1.4318)
- Rastegari, N., & Mahdavi, G. (2021). Investigating the moderating effect of client importance on the relationship between audit firm change and audit market concentration. *Audit Knowledge*, 20(81), 5-37. <http://danesh.dmk.ir/article-1-2413-fa.html> [In Persian]
- Sihite, E. S. (2024). Pengaruh struktur audit, komitmen organisasi dan efektivitas penggunaan teknologi sistem informasi akuntansi terhadap kinerja auditor. *Deleted Journal*, 1(3), 785-806. doi: [10.62237/jna.v1i3.173](https://doi.org/10.62237/jna.v1i3.173)
- Szczerbak, M. (2021). Financial audit in the context of the enterprise restructuring. *Modern Management Systems*, 16(1), 35-47. doi: [10.37055/nsz/134025](https://doi.org/10.37055/nsz/134025)
- Voshni, A., Mousavi, F., Eslam Panah, M., & Karam Afrouz, M. J. (2018). Designing a strategic thinking model for educational managers using an exploratory mixed method. *Scientific-Research*

Journal of New Approaches in Educational Management, 11(4), 29-54. dor: [20.1001.1.20086369.1399.11.44.2.7](https://doi.org/10.1001.1.20086369.1399.11.44.2.7) [In Persian]

Wahyuni, L., Salim, A., Pertiwi, A. D., & Adipradana, R. (2024). The influence of audit delay, size of public accounting firm, audit opinion, and management change on auditor switching. *Jurnal Magister Akuntansi Trisakti*, 11(2), 147–170. doi: [10.25105/v11i2.20665](https://doi.org/10.25105/v11i2.20665)

Yuan, R., Cheng, Y., & Ye, K. (2016). Auditor industry specialization and discretionary accruals: the role of client strategy. *The International Journal of Accounting*, 51(2), 217-239. doi: [10.1016/j.intacc.2016.04.003](https://doi.org/10.1016/j.intacc.2016.04.003)

The impact of internal control implementation on stock price crash risk considering the role of corporate governance

Abdolrasoul Mostajeran^{1,✉}, Seyed Mehdi Mirjalali²

1. Assistant Professor, Department of Financial Mathematics, Faculty member of the Faculty of Financial Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran.

2. Ph.D. student in Accounting, Faculty of Economics and Accounting, ST.C, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO	ABSTRACT
Received: 4 February 2025 Revised: 20 May 2025 Accepted: 2 June 2025 Keywords: Corporate governance, COSO framework, internal control implementation, stock price crash risk JEL Classification: M42, M48, G30, G34	Purpose: The aim of this research is to examine the impact of implementing internal control within the COSO framework on the risk of stock price crashes in the Iranian capital market. Additionally, to address existing inconsistencies, the moderating role of corporate governance is also investigated in this context. Methodology: This research was conducted using an empirical-quantitative approach based on multivariate regression analysis. It is based on data collected from 153 companies listed on the Tehran Stock Exchange over an 8-year period from 2016 to 2023, and econometric techniques were employed to test the hypotheses. Findings: The research findings indicate that the implementation and disclosure of internal controls within the COSO framework, which includes five criteria; control environment, risk assessment, control activities, information and communication, and monitoring, play a significant role in reducing stock price crash risk. Furthermore, in companies with strong corporate governance mechanisms, the negative impact of implementing internal controls on stock price crash risk is more pronounced compared to companies with weak corporate governance mechanisms. Originality: The findings of this research provide new insights into the implications of implementing internal control and strong corporate governance, which can be used for planning and policymaking to improve the status of companies in the capital market.

Cite this paper: Mostajeran, A., & Mirjalali, M. (2025). The impact of internal control implementation on stock price crash risk considering the role of corporate governance. *Journal of Accounting & Financial Transparency*, 3(1), 24–51. https://doi.org/10.71965/AFT.2025.1197085 [In Persian]

✉ Corresponding Author.

Email Address: rasoul.mostajeran@khu.ac.ir

© 2025 the author(s).

This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited. The terms on which this article has been published allow the posting of the Accepted Manuscript in a repository by the author(s) or with their consent.

Introduction

The COSO framework, introduced in 1992 by the Committee of Sponsoring Organizations of the Treadway Commission to comply with the Sarbanes-Oxley Act (SOX) requirements, has become a comprehensive approach for risk management in firms (Tsai & Huang, 2021; Chen, 2021). The implementation of this law helps improve operational performance and reduce information asymmetry, thereby increasing the value of firms. In this regard, research emphasizes the importance of implementing strong internal controls within the COSO framework, which can enhance the effectiveness of business operations, increase trust in financial reporting, and ensure compliance with laws and regulations.

In Iran, Article 12 of the Internal Control Guidelines for listed firms mandates that boards of directors establish effective internal controls. However, it remains unclear whether these controls assist in the effective disclosure of information and reduce the concealment of negative news. Lack of transparency is recognized as a key factor in the risk of stock price collapse, and managers contribute to increasing information asymmetry by hiding negative information.

Previous research (Singer & You, 2011) indicates that firms with high-quality internal control systems have lower agency conflicts and reduce opportunistic behavior among managers. Strong internal controls can reduce the risk of stock price collapse by limiting management's ability to conceal negative news. This research examines this issue in the Iranian context.

Moreover, the role of corporate governance in the relationship between the implementation of internal controls and the risk of stock price collapse is not yet fully understood. This research investigates how governance mechanisms can enhance the positive effects of internal controls and prevent the risk of stock price collapse.

The findings of this study contribute to the theoretical foundations and evaluate the practical value of the COSO framework in reducing information asymmetry and the risk of stock price collapse. This study adds to the existing literature on corporate governance and its impact on the risk of stock price collapse, providing useful practical applications for managers, investors, and regulatory bodies.

The results of this research are particularly significant in the context of the Iranian economy, which faces specific challenges. Understanding the impact of internal controls on the risk of stock price collapse can help improve internal control systems and increase the resilience of the capital market.

Methodology

This study is quantitative research based on real data from firms listed on the Tehran Stock Exchange with an empirical approach. To test the hypotheses and implement econometric techniques, multivariate regression analysis and EViews version 12 software were used. The statistical population includes all firms listed on the exchange from 2016 to 2023. By the end of 2023, 386 firms were active on the exchange, and after excluding financial firms, non-continuous firms, firms with a fiscal year ending other than Esfand, and firms with changes in their fiscal year, a total of 153 firms were selected as the research population.

Measurement of Variables:

Stock Price Crash Risk: This is measured using the negative skewness of stock returns. After estimating the market regression, the residuals are used to calculate the negative skewness.

Internal Control: Based on the COSO framework, an internal control index has been created using principal component analysis, which includes five criteria: control environment, risk assessment, control activities, information and communication, and monitoring.

Corporate Governance: A single index based on four principles of corporate governance is considered as a moderate variable.

Control Variables: These include firm size, financial leverage, profitability, trading volume of shares, stock returns, earnings ambiguity, market value, and ownership concentration, with their measurement methods explained in the relevant tables.

The required data for calculating the variables were collected from audited financial statements, annual financial reports, and the archives of the Tehran Stock Exchange. Content analysis was used to analyze and identify key information.

Results

Initially, principal component analysis was conducted to create a composite linear index for measuring the implementation of strong internal controls based on the COSO framework. Five criteria were introduced to explain strong internal control, and the principal component can identify the key characteristics of these criteria.

The descriptive statistics indicate a leftward skew in the distribution of stock returns, increasing the likelihood of stock price crashes in Iranian firms. The average implementation of internal controls also suggests that these controls are generally weak and in need of improvement. Ultimately, 73.53% of firms possess strong corporate governance mechanisms.

The correlation test reveals a significant negative correlation between stock price crash risk and the implementation of internal controls, indicating a reduction in crash risk in firms with strong internal controls. Additionally, a significant negative correlation exists between crash risk and corporate governance. The results of this test demonstrate the absence of severe multicollinearity among the independent variables.

Based on diagnostic tests, a fixed effects approach was utilized for the regression analysis. The results indicate that the

implementation of internal controls has a significant negative effect on the risk of stock price crashes. This finding implies that improving internal controls leads to a reduction in the risk of stock price collapse. Furthermore, it was determined that the implementation of internal controls has a significant negative effect on crash risk in both groups of firms with strong and weak corporate governance. However, the negative impact is more pronounced in the group with strong corporate governance. This finding suggests that firms with strong corporate governance have better supervisory systems that contribute to reducing the risk of stock price crashes.

Conclusions

This research examines the impact of internal control implementation on the risk of stock price crashes in 153 firms listed on the Tehran Stock Exchange during the period from 2016 to 2023. The primary aim of this study is to analyze the effects of internal control practices within the COSO framework on stock price crash risk in the Iranian capital market. The COSO framework serves as a hierarchical structure that offers a set of criteria and principles to enhance the effectiveness of internal control systems in organizations. In emerging capital markets, where investor protection is weak, the implementation of this framework can yield positive outcomes.

The findings of the study indicate that the implementation of internal controls within the COSO framework is generally weak in Iran; however, these controls have a positive impact on reducing the risk of stock price crashes. These results align with previous research and demonstrate that improving financial information transparency and reducing information asymmetry can lead to increased investor confidence and decreased stock price volatility. Therefore, strengthening internal control systems based on the COSO framework is recommended as a key strategy for firms in Iran.

This study also investigates the role of corporate governance in this relationship. The results indicate that the implementation of internal controls has a more significant effect on reducing stock price crash risk in firms with strong corporate governance. These findings suggest that effective governance mechanisms can enhance the positive impacts of internal controls and contribute to mitigating risks associated with stock price volatility.

The findings of this research have important managerial implications. Firms are encouraged to fully and proactively disclose information related to internal controls and to consider improving their internal control processes. Additionally, market regulators should impose stricter requirements for the implementation of internal controls and stronger corporate governance.

However, there are limitations to this research, including reliance on financial data and information available in annual reports, which may impact the results due to lack of transparency or accuracy. Future research is suggested to explore the mediating effects of information asymmetry and information transparency in this context.

Ultimately, this research contributes to a better understanding of the importance of internal controls and corporate governance in reducing stock price crash risk in the Iranian capital market and can serve as guidance for managerial decision-making and regulatory policy-making.

Author Contributions

All authors contributed equally to the conceptualization of the article and writing of the original and subsequent drafts.

Data Availability Statement

The data that support the findings of this study are available from the corresponding author, upon reasonable request.

Acknowledgements

The authors would like to thank everyone who contributed to the development and completion of this article.

Ethical Considerations

The authors avoided data fabrication, falsification, plagiarism, and misconduct.

Funding

This research did not receive any specific grant from funding agencies in the public, commercial, or not-for-profit sectors.

Conflict of Interest

The authors declare no conflict of interest.



تأثیر اجرای کنترل داخلی بر ریسک سقوط قیمت سهام با توجه به نقش حاکمیت شرکتی

عبدالرسول مستاجران^۱✉، سید مهدی میرجلالی^۲

۱. استادیار، گروه ریاضیات مالی، عضو هیات علمی دانشکده علوم مالی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
 ۲. دانشجو دکترا حسابداری، دانشکده اقتصاد و حسابداری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

اطلاعات مقاله	چکیده
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۰۶ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۲/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۲ کلیدواژه‌ها: اجرای کنترل داخلی، چارچوب COSO، حاکمیت شرکتی، ریسک سقوط قیمت سهام طبقه‌بندی موضوعی: M42, M48, G30, G34	هدف: هدف این پژوهش بررسی تأثیر اجرای کنترل داخلی در چارچوب COSO بر ریسک سقوط قیمت سهام در بازار سرمایه ایران است. به منظور رسیدگی به ناهمگونی‌های موجود، نقش تعدیلی حاکمیت شرکتی نیز در این رابطه بررسی شده است. روش‌شناسی: پژوهش حاضر با رویکرد تجربی-کمی و مبتنی بر تحلیل رگرسیون چندمتغیره انجام شده است. بر اساس اطلاعات گردآوری شده از ۱۵۳ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی یک دوره ۸ ساله از سال ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۲ و با استفاده از تکنیک‌های اقتصادسنجی به آزمون فرضیه‌های پرداخته شده است. یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان داد اجرا و افشای کنترل داخلی در چارچوب COSO که شامل پنج معیار محیط کنترل، ارزیابی ریسک، فعالیت‌های کنترلی، اطلاعات و ارتباطات و نظارت است، نقش مؤثری در کاهش ریسک سقوط قیمت سهام دارد. به علاوه، در شرکت‌هایی که دارای مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی قوی هستند، تأثیر منفی اجرای کنترل داخلی بر ریسک سقوط قیمت سهام، نسبت به شرکت‌های با مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی ضعیف، بارزتر است. دانش‌افزایی: یافته‌های این پژوهش بینش جدیدی در مورد پیامدهای پیاده‌سازی کنترل داخلی و حاکمیت شرکتی قوی ارائه می‌دهد که بر اساس آن می‌توان برای بهبود وضعیت شرکت‌ها در بازار سرمایه، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری کرد.
استناد: مستاجران، عبدالرسول، میرجلالی، و سید مهدی (۱۴۰۴). تأثیر اجرای کنترل داخلی بر ریسک سقوط قیمت سهام با توجه به نقش حاکمیت شرکتی. <i>حسابداری و شفافیت مالی</i>، ۳(۱)، ۵۱-۲۴. https://doi.org/10.71965/aft.2025.1197085	

✉ نویسنده مسئول.

پست الکترونیکی: rasoul.mostajeran@khu.ac.ir

© 2025 the author(s).

This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited. The terms on which this article has been published allow the posting of the Accepted Manuscript in a repository by the author(s) or with their consent.

مقدمه

چارچوب COSO که در سال ۱۹۹۲ توسط کارگروه سازمان‌های پشتیبان مالی کمیسیون تردوی^۱ به منظور پاسخگویی به الزامات قانون ساربینز-اکسلی^۲ منتشر شد، به یک رویکرد جامع برای مدیریت ریسک در سازمان‌ها تبدیل شده است. رعایت قانون SOX نه تنها به بهبود عملکرد عملیاتی (تسای و هوانگ^۳، ۲۰۲۱؛ چن^۴ و همکاران، ۲۰۲۱) کمک می‌کند، بلکه مزایایی نظیر کاهش عدم تقارن اطلاعاتی (اشباخ-اسکایف^۵ و همکاران، ۲۰۰۹؛ چن و همکاران، ۲۰۱۷؛ کیم^۶ و همکاران، ۲۰۱۹؛ شو و یینگ^۷، ۲۰۲۲) و افزایش ارزش شرکت (لی^۸، ۲۰۲۲) را نیز به همراه دارد. پژوهش در زمینه رعایت قانون ساربینز-اکسلی به طور مداوم بر اهمیت نتایج مثبت ناشی از اجرای کنترل‌های داخلی قوی در چارچوب COSO تأکید می‌کند که می‌تواند به طور منطقی بهبود اثربخشی و کارایی عملیات تجاری، اعتماد به گزارش‌های مالی و رعایت قوانین و مقررات را تضمین کند.

طبق ماده ۱۲ دستورالعمل کنترل‌های داخلی ناشران پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران (مصوب ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۱، سازمان بورس و اوراق بهادار)، «هیئت‌مدیره تمامی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران موظف است از استقرار و به‌کارگیری کنترل‌های داخلی مناسب و مؤثر به منظور دستیابی به اهداف شرکت اطمینان حاصل کند. برای انجام این مسئولیت، هیئت‌مدیره شرکت‌ها باید سیستم کنترل‌های داخلی را با توجه به چارچوب کنترل‌های داخلی ذکر شده در فصل دوم این دستورالعمل، حداقل به‌طور سالانه بررسی کرده و نتایج آن را در گزارشی تحت عنوان گزارش کنترل‌های داخلی درج و افشا کنند.» این اقدامات به منظور تطابق با اصلاحات موجود در قانون ساربینز-اکسلی و ترویج عملیات استاندارد و مدیریت جامع ریسک در میان شرکت‌های ایرانی طراحی شده‌اند. با این حال، هنوز به طور دقیق مشخص نیست که آیا اجرای کنترل‌های داخلی، شرکت‌ها را به سمت افشای مؤثر اطلاعات و ریسک‌های موجود برای ذینفعان خارجی سوق می‌دهد و آیا از پنهان کردن اخبار بد پیشگیری می‌کند یا خیر، که این موضوع جنبه‌ای حیاتی در ارائه اطلاعات قابل اعتماد برای سرمایه‌گذاران و نهادهای نظارتی به شمار می‌آید (گوپتا^۹ و همکاران، ۲۰۱۸).

جین و مایرز^{۱۰} (۲۰۰۶) بر این نکته تأکید می‌کنند که عدم شفافیت، یکی از عوامل کلیدی در تعیین ریسک سقوط قیمت سهام به شمار می‌رود. مدیرانی که به دلیل انگیزه‌ها و توانایی‌های خود در پنهان کردن اطلاعات منفی درباره اصول بنیادی شرکت، به افزایش عدم تقارن اطلاعاتی میان درون‌سازمانی‌ها و برون‌سازمانی‌ها کمک می‌کنند، در این زمینه نقش دارند. زمانی که اطلاعات منفی جمع‌آوری شده به یک نقطه بحرانی برسد، به‌طور ناگهانی در بازار سهام منتشر می‌شود که می‌تواند منجر به سقوط قیمت سهام گردد. بر اساس نظریه سیگنال‌دهی، این استدلال وجود دارد که مدیران تمایل دارند سطح بالایی از اطلاعات حاکمیت داخلی را ارائه دهند تا شرکت‌های خود را از شرکت‌هایی با

1. Committee of Sponsoring Organizations

2. Sarbanes-Oxley Act (SOX)

3. Tsai & Huang

4. Chen

5. Ashbaugh-Skaife

6. Kim

7. Xue & Ying

8. Li

9. Gupta

10. Jin & Myers

کیفیت پایین‌تر در مدیریت ریسک متمایز کنند و بدین ترتیب، شهرت شرکت را حفظ کرده و انتظارات ریسک سرمایه‌گذاران را شکل یا تغییر دهند (الشندی و شریوز^۱، ۲۰۱۶)؛ بنابراین، مدیران شرکت‌هایی که کنترل‌های داخلی بهتری دارند، تمایل و توانایی بیشتری برای افشای اطلاعات ریسک دارند و این امر احتمال سقوط ناگهانی قیمت سهام را کاهش می‌دهد.

پژوهش‌های قبلی نشان می‌دهد شرکت‌هایی که سیستم‌های کنترل داخلی با کیفیت بالایی دارند، تضاد نمایندگی پایینی دارند و رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران را کاهش می‌دهند و در نتیجه منافع سرمایه‌گذاران را حفظ می‌کنند (سینگر و یو^۲، ۲۰۱۱). با این حال، شرکت‌هایی که سیستم‌های کنترل داخلی با کیفیت پایینی دارند، اغلب با ریسک‌های سیستمی بالاتر (اشباخ-اسکایف و همکاران، ۲۰۰۹) و محافظه‌کاری حسابداری کمتری مواجه می‌شوند (مکنولتی و آخیگبه^۳، ۲۰۱۶). لوبو^۴ و همکاران (۲۰۲۰) پیشنهاد می‌کنند که کنترل داخلی با کیفیت پایین، نه تنها موجب افزایش انحراف در نظر سرمایه‌گذاران در ارزیابی شرکت می‌شود، بلکه اطلاعات نامتقارن بین درون‌سازمانی‌ها و برون‌سازمانی‌ها را نیز افزایش می‌دهد که این امر خطرات پنهانی برای ریسک سقوط قیمت سهام ایجاد می‌کند. با استناد به این استدلال‌ها، انتظار می‌رود کنترل داخلی قوی در چارچوب COSO که شامل پنج مؤلفه (۱) محیط کنترل، (۲) ارزیابی ریسک، (۳) فعالیت‌های کنترلی، (۴) اطلاعات و ارتباطات، و (۵) نظارت است، با محدود کردن توانایی مدیریت در پنهان‌سازی اخبار منفی، ریسک سقوط را کاهش دهد و تأثیر بازدارنده‌ای بر ریسک سقوط قیمت سهام یک شرکت داشته باشد؛ بنابراین، در این پژوهش تلاش شده است شواهدی تجربی برای ارزیابی این استدلال در محیط ایران به دست آید.

از طرفی، ادبیات مالی و حسابداری مدت‌هاست که به بررسی ویژگی‌های حاکمیت شرکتی پرداخته و در میان پژوهش‌های در حال رشد در زمینه حاکمیت شرکتی، بخش قابل توجهی از ادبیات نظری و تجربی، بر رابطه بین ویژگی‌های حاکمیت شرکتی و ریسک سقوط قیمت سهام متمرکز شده است (تارکوفسکا^۵، ۲۰۱۴؛ رشید^۶ و همکاران، ۲۰۲۴) که برای بسیاری از مدیران، سرمایه‌گذاران و محققان اهمیت زیادی دارد. تعداد زیادی از پژوهش‌ها (جنون^۷، ۲۰۱۹؛ دانگ و انگویان^۸، ۲۰۲۴) نشان می‌دهند که مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی می‌توانند به جلوگیری از رفتارهای مدیریتی نامطلوب از جمله پنهان کردن اخبار بد کمک کنند و به این ترتیب به‌طور قابل توجهی ریسک سقوط قیمت سهام شرکت را کاهش دهند. با این وجود نقش تعدیلی حاکمیت شرکتی در رابطه بین اجرای کنترل داخلی و ریسک سقوط قیمت سهام هنوز مشخص نیست. در این پژوهش استدلال شده است مکانیسم‌های حاکمیتی شرکتی قوی، با ایجاد نظارتی موثر در اجرای کنترل‌های داخلی، می‌تواند پیامدهای مطلوب کنترل داخلی قوی را تقویت کند و به‌طور موثرتری از ریسک سقوط قیمت سهام جلوگیری کند؛ بنابراین، با در نظر گرفتن تعدادی از اصول حاکمیت شرکتی و ایجاد یک شاخص واحد برای سنجش آن، نقش تعدیلی حاکمیت شرکتی نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

¹. Elshandidy & Shrives

². Singer & You

³. McNulty & Akhigbe

⁴. Lobo

⁵. Tarkovska

⁶. Rasheed

⁷. Jeon

⁸. Dang & Nguyen

یافته‌های این پژوهش چندین مشارکت مهم در بسط مبانی نظری دارند؛ اول اینکه، در این پژوهش ارزش عملی چارچوب COSO بررسی و درک بهتری از پیامدهای اقتصادی مقررات کنترل داخلی در محیط ایران ارائه شده است. مطالعات قبلی تأکید کرده‌اند که کنترل داخلی نقش کلیدی در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و پیشگیری از ریسک سقوط قیمت سهام ایفا می‌کند (چن و همکاران، ۲۰۱۷؛ گونگ^۱ و همکاران، ۲۰۲۱؛ شو و یینگ، ۲۰۲۲؛ کائو^۲ و همکاران، ۲۰۲۳). برخلاف مطالعات قبلی، این پژوهش بر ارزیابی جامع افشای اطلاعات کنترل داخلی بر اساس چارچوب COSO متمرکز است و شواهدی ارائه شده است که نشان می‌دهد اجرای کنترل داخلی قوی می‌تواند به‌طور قابل توجهی ریسک سقوط قیمت سهام را کاهش دهد. این نتیجه می‌تواند به درک عمیق‌تری از پیامدهای بازار ناشی از افشای اطلاعات کنترل داخلی کمک کند. دوم اینکه، این پژوهش به ادبیات رو به رشد در مورد نقش مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی در بازارهای مالی، با تمرکز بر زمینه ایران، می‌افزاید. مطالعات قبلی نشان داده‌اند که حضور یک حاکمیت شرکتی قوی می‌تواند بازدارنده ریسک سقوط قیمت سهام باشد. با این حال، در مورد اینکه حاکمیت شرکتی چه تاثیری بر رابطه بین اجرای کنترل داخلی و ریسک سقوط قیمت سهام دارد، شکاف مطالعاتی وجود دارد. این پژوهش اثر تعدیلی حاکمیت شرکتی را به منظور درک بهتر از ناهمگونی تاثیر اجرای کنترل داخلی بر ریسک سقوط قیمت سهام بررسی کرده است. این یافته‌ها می‌تواند کاربردهای عملی مفیدی برای مدیران، سرمایه‌گذاران، نظام راهبری و تنظیم‌کننده‌های مقررات بازار و نظارتی داشته باشد.

نتایج این پژوهش در بستر اقتصاد ایران که با چالش‌های منحصربه‌فردی نظیر تحریم‌ها، نقدینگی محدود و وابستگی به درآمدهای نفتی مواجه است، اهمیت دوچندانی می‌یابد. این موضوع برای سیاست‌گذاران ایرانی که در پی توسعه بازار سرمایه به‌عنوان جایگزینی برای درآمدهای نفتی هستند، حائز اهمیت است. بورس اوراق بهادار تهران به‌عنوان یکی از ارکان اصلی تأمین مالی شرکت‌ها در ایران، همواره با مسائلی نظیر شکاف اطلاعاتی بین ذینفعان، نوسانات غیرمنتظره قیمت سهام و نگرانی‌های مربوط به حاکمیت شرکتی روبه‌رو بوده است. در این شرایط، درک این موضوع که اجرای کنترل داخلی مبتنی بر چارچوب COSO به کاهش ریسک سقوط قیمت سهام کمک می‌کند، می‌تواند ابزاری برای انطباق با مقررات داخلی و بین‌المللی برای بهبود سیستم کنترل داخلی فراهم کند. بهبود سیستم‌های کنترل داخلی در شرکت‌های ایرانی نه تنها می‌تواند به کاهش ریسک‌های غیرسیستمی در سطح شرکت‌ها کمک کند، بلکه در مقیاس کلان، به افزایش تاب‌آوری بازار سرمایه در برابر شوک‌های خارجی (مانند نوسانات نرخ ارز) منجر شود. در اقتصاد ایران که با محدودیت‌های دسترسی به بازارهای مالی جهانی مواجه است، کاهش ریسک سقوط سهام از طریق مکانیسم‌های شفافیت اطلاعاتی، می‌تواند به ثبات بازار سرمایه و جذب سرمایه‌گذاران نهادی داخلی که نقش کلیدی در توسعه اقتصادی دارند، منجر شود.

ساختار مقاله به این شرح است: بخش بعدی، مبانی نظری را تشریح و ادبیات موجود را مرور کرده و فرضیه‌های پژوهش را ارائه می‌دهد. بخش روش‌شناسی پژوهش، به معرفی جامعه آماری، متغیرها و مدل‌های رگرسیونی پرداخته است، در بخش یافته‌ها نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل‌های آماری ارائه شده است و در بخش آخر، نتایج به دست آمده مورد بحث قرار گرفته و پیشنهادها کاربردی ارائه شده است.

¹. Gong

². Cao

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

کنترل داخلی و ریسک سقوط قیمت سهام

ریسک سقوط قیمت سهام به معنای احتمال وقوع یک افت ناگهانی و قابل توجه در قیمت سهام یک شرکت است که می‌تواند به دلایل مختلفی از جمله اخبار بد، تغییرات ناگهانی در شرایط بازار، یا مشکلات مدیریتی ناشی شود (هاتون^۱ و همکاران، ۲۰۰۹؛ کیم^۲ و همکاران، ۲۰۱۱). این نوع ریسک معمولاً به دلیل انباشت اخبار منفی و پنهان‌سازی اطلاعات از سوی مدیران به وجود می‌آید (جین و مایرز، ۲۰۰۶)، که در نهایت منجر به افشای ناگهانی این اطلاعات و کاهش شدید قیمت سهام می‌شود. جین و مایرز (۲۰۰۶) گزارش می‌دهند که افزایش عدم شفافیت منجر به پنهان‌سازی اخبار بد خاص شرکت از سوی مدیران می‌شود. هاتون و همکاران (۲۰۰۹) استدلال می‌کنند که تمایل مدیران به پنهان کردن اخبار بد، سقوط قیمت سهام را به همراه دارد. کوتاری^۳ و همکاران (۲۰۰۹) گزارش می‌دهند که نگرانی‌های شغلی، مدیران را به پنهان کردن اخبار بد و بزرگ‌نمایی عملکرد مالی وادار می‌کند. این تمایل منجر به انباشت این اخبار درون شرکت می‌شود. با این حال، یک نقطه خاص وجود دارد که در آن پنهان‌سازی اخبار بد برای مدیران بسیار پرهزینه یا حتی غیرممکن می‌شود. سقوط قیمت سهام می‌تواند تأثیرات مخربی بر سرمایه‌گذاران، اعتبار شرکت و ثبات کلی بازار داشته باشد. در نتیجه، مدیریت و پیش‌بینی این ریسک برای شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران از اهمیت بالایی برخوردار است.

چارچوب COSO به‌عنوان ابزاری برای بهبود کیفیت کنترل‌های داخلی عمل می‌کند و از طریق افزایش شفافیت و کاهش احتمال پنهان‌سازی اخبار نامطلوب به کاهش ریسک سقوط قیمت سهام کمک می‌کند. این چارچوب می‌تواند به مدیران و سرمایه‌گذاران اطمینان دهد که اطلاعات مالی به‌طور دقیق و به‌موقع افشا می‌شود، که در نهایت منجر به کاهش ریسک‌های مرتبط با سقوط قیمت سهام می‌شود. به عنوان یک استاندارد جهانی برای کنترل داخلی، چارچوب COSO شامل پنج مؤلفه است: (۱) محیط کنترل، (۲) ارزیابی ریسک، (۳) فعالیت‌های کنترلی، (۴) اطلاعات و ارتباطات، و (۵) نظارت. اهداف انطباق، اصالت و اثربخشی این چارچوب نقش کنترل داخلی را در کاهش ریسک سقوط قیمت سهام تعیین می‌کند، زیرا به‌طور مفهومی و روش‌شناختی احتمال پنهان‌سازی اخبار نامطلوب توسط مدیران را کاهش می‌دهد.

محیط کنترل، نمایانگر نگرش، آگاهی و اقدامات کلی شرکت در مورد سیستم کنترل داخلی و اهمیت آن برای سازمان است که نقش مهمی در کاهش ریسک سقوط قیمت سهام ایفا می‌کند (چن و همکاران، ۲۰۱۷). ارزیابی ریسک، عنصر اصلی کنترل‌های داخلی، شامل تعیین اهداف مدیریت ریسک، شناسایی ریسک‌ها، ارزیابی احتمال و شدت رویدادهای ریسکی و تدوین استراتژی‌های پاسخ به ریسک‌های دقیق است. این امر به شرکت‌ها کمک می‌کند تا سوءرفتار و تقلب‌های مدیریتی را کاهش دهند و در نتیجه، دستیابی به اهداف شرکت را تضمین کنند (آرپینگ و زوترن^۴، ۲۰۱۳). فعالیت‌های کنترلی، اقدامات مهمی هستند که اطمینان می‌دهند سیاست‌های شرکتی به درستی اجرا می‌شوند. این فعالیت‌ها احتمال وقوع رویدادهای شدید، که محرک‌های قابل توجهی برای سقوط قیمت سهام هستند،

¹. Hutton

². Kim

³. Kothari

⁴. Arping & Sautner

را کاهش می‌دهند (گو^۱ و همکاران، ۲۰۱۶). اطلاعات و ارتباطات، به افشای اطلاعات مربوط به عملیات، مالی و انطباق از سوی مدیریت به کاربران اطلاعات داخلی و خارجی اشاره دارد. این مکانیسم می‌تواند به‌طور مؤثری عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیریت و سرمایه‌گذاران را کاهش دهد و در نتیجه، ریسک سقوط قیمت سهام را مهار کند (چن و همکاران، ۲۰۱۷). در نهایت، نظارت، شامل ارزیابی مداوم چهار عنصر دیگر است که شامل نظارت داخلی و خارجی نیز می‌شود. این امر به مدیران، اطلاعاتی در مورد نقص‌های بالقوه کنترل داخلی می‌دهد و به آن‌ها کمک می‌کند تا اقدامات اصلاحی را به‌موقع انجام دهند و در نتیجه، ریسک سقوط قیمت سهام را از طریق بهبود شفافیت اطلاعات کاهش دهند (جین و مایرز، ۲۰۰۶).

در زمینه رابطه بین کنترل داخلی و ریسک سقوط قیمت سهام ژو^۲ و همکاران (۲۰۲۴) بر اساس یک نمونه بزرگ از شرکت‌های چینی پذیرفته‌شده در بورس‌های شانگهای و شنزن از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۲۱، نشان دادند که افشای مؤثر ریسک کنترل داخلی نقش حیاتی در کاهش ریسک سقوط قیمت سهام یک شرکت ایفا می‌کند. گونگ و همکاران (۲۰۲۱) با استفاده از نمونه‌ای از شرکت‌های چینی در بازه زمانی ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۸، نشان دادند سطوح بالاتر کنترل داخلی می‌تواند سوگیری در پیش‌بینی‌های سود مدیریت و در نتیجه ریسک سقوط قیمت سهام را کاهش دهد. لوبو و همکاران (۲۰۲۰) نشان دادند نسبت به شرکت‌هایی که کنترل‌های داخلی مؤثری دارند، شرکت‌های دارای ضعف‌های اساسی در کنترل‌های داخلی، دقت گزارشگری مالی کمتری دارند و این دقت پایین گزارشگری (الف) اختلاف نظر سرمایه‌گذاران در مورد ارزیابی شرکت را افزایش می‌دهد و (ب) باعث می‌شود که مدیران اطلاعات منفی را پنهان کنند که در نتیجه عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه‌گذاران خارجی را افزایش می‌دهد. این اثرات احتمال وقوع سقوط قیمت سهام در آینده را افزایش می‌دهند. کیم و همکاران (۲۰۱۹) ریسک سقوط قیمت سهام را برای نمونه‌ای از شرکت‌هایی که ضعف‌های کنترل داخلی خود را تحت بخش ۴۰۴ قانون ساربنز-آکسلی افشا کرده‌اند، بررسی کردند و نشان دادند شرکت‌های دارای ضعف کنترل داخلی، نسبت به شرکت‌هایی که کنترل‌های داخلی مؤثری دارند، بیشتر در معرض سقوط قیمت سهام هستند. در محیط ایران نیز، فندرسکی و صفری گرایلی (۱۳۹۷) با تحلیل داده‌های ۹۶ شرکت طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ نشان دادند که اثربخشی کنترل داخلی، موجب کاهش ریسک سقوط قیمت سهام شرکت‌ها می‌شود. با این حال در این پژوهش تنها اثربخشی کنترل‌های داخلی بر اساس نقاط ضعف کلیدی با اهمیت در نظر گرفته شده است و چارچوب COSO برای کنترل‌های داخلی نادیده گرفته است؛ لذا پژوهش حاضر دارای وجه تمایز با این پژوهش است.

حاکمیت شرکتی، کنترل داخلی و ریسک سقوط قیمت سهام

مجموعه گسترده‌ای از پژوهش‌های قبلی نشان داده‌اند که مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی می‌توانند به جلوگیری از رفتارهای مدیریتی ناکارا کمک کنند (شلیفر و ویشنی^۳، ۱۹۹۷؛ هیلی^۴ و همکاران، ۱۹۹۹). شیوه‌های خوب حاکمیت شرکتی سرمایه‌گذاری‌ها را منظم می‌کنند (ماسولیس و موبز^۵، ۲۰۱۱) از مدیریت سود جلوگیری می‌کنند (شی^۶ و

^۱. Guo

^۲. Zhu

^۳. Shleifer & Vishny

^۴. Healy

^۵. Masulis & Mobbs

^۶. Xie

همکاران، ۲۰۰۳) فرآیند افشای اطلاعات را بهبود می‌بخشند و منافع مدیران و سهامداران را هم‌راستا می‌کنند (بنملغ^۱ و همکاران، ۲۰۱۰). بعلاوه، حاکمیت شرکتی به‌عنوان یک مکانیسم مؤثر برای بهبود کیفیت اطلاعات حسابداری (بهجات و بولتون^۲، ۲۰۰۸) و افزایش ارزش شرکت عمل می‌کند (دنيس و مک‌کانل^۳، ۲۰۰۳). همچنین، ادبیات قبلی نشان داده‌اند مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی نقش حیاتی در کاهش ریسک سقوط قیمت سهام ایفا می‌کنند (سان^۴ و همکاران، ۲۰۲۵). این مکانیسم‌ها با ایجاد ساختارهای نظارتی و شفافیت در فرآیندهای تصمیم‌گیری، به جلوگیری از رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران کمک می‌کنند. به‌عنوان مثال، وجود هیئت‌مدیره مستقل و متنوع می‌تواند نظارت مؤثری بر عملکرد مدیریت داشته باشد و از پنهان‌سازی اخبار بد جلوگیری کند (دانگ و انگویان، ۲۰۲۴). تحقیقات نشان داده‌اند که حاکمیت شرکتی خوب می‌تواند به بهبود کیفیت اطلاعات مالی و افشای به‌موقع آن‌ها منجر شود، که در نهایت به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سهامداران کمک می‌کند (اکمل^۵ و همکاران، ۲۰۲۲). این کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می‌تواند به افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران و کاهش احتمال سقوط قیمت سهام منجر شود (کائو و همکاران، ۲۰۲۳).

از طرفی ادبیات قبلی نشان می‌دهد حاکمیت شرکتی تأثیر قابل توجهی بر پیاده‌سازی موفق کنترل داخلی دارد. یکی از جنبه‌های کلیدی حاکمیت شرکتی، ایجاد یک چارچوب نظارتی و شفاف است که به مدیران و هیئت‌مدیره کمک می‌کند تا مسئولیت‌های خود را به‌طور مؤثر انجام دهند. وجود هیئت‌مدیره مستقل و متنوع می‌تواند به بهبود کیفیت نظارت بر عملکرد مدیریت و همچنین بهبود فرآیندهای کنترل داخلی کمک کند (حمیدیان و اسفندیاری، ۱۳۹۷). مطالعات نشان داده‌اند شرکت‌هایی که حاکمیت شرکتی قوی‌تری دارند، به‌طور مؤثرتری می‌توانند کنترل‌های داخلی خود را پیاده‌سازی کنند (جیایو^۶ و همکاران، ۲۰۲۳؛ اسماعیل^۷ و همکاران، ۲۰۲۳).

با این حال نقش حاکمیت شرکتی در افزایش توانایی کنترل داخلی برای کاهش ریسک سقوط قیمت سهام در پژوهش‌های قبلی نادیده گرفته شده است. به عنوان مثال شمگانی و اژدر (۱۴۰۳) نقش تعدیلی حاکمیت شرکتی بر رابطه بین مکانیسم‌های کنترل داخلی و عملکرد مالی را بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که حاکمیت شرکتی رابطه مثبت بین مکانیسم‌های کنترل داخلی و عملکرد مالی را تعدیل می‌کند، ولی به موضوع ریسک سقوط قیمت سهام پرداخته نشده است. در این پژوهش استدلال شده است، زمانی که شرکت از یک سیستم حاکمیت شرکتی قوی برخوردار باشد، کنترل‌های داخلی به شکل بهتری اجرا می‌شوند که به بهبود شفافیت اطلاعات و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه‌گذاران کمک کند و پنهان کردن اخبار بد را دشوار می‌سازد و این امر به نوبه خود می‌تواند ریسک سقوط قیمت سهام را کاهش دهد. علاوه بر این، با وجود ساختارهای نظارتی مناسب و مکانیسم‌هایی که به‌طور فعال بر عملکرد مدیریت نظارت می‌کند، شرکت‌ها می‌توانند به‌طور مؤثرتری از وقوع رفتارهای فرصت‌طلبانه و نادرست جلوگیری کنند. در نتیجه، این نوع حاکمیت می‌تواند به ایجاد یک محیط کنترل داخلی مؤثر منجر شود که

¹. Benmelegh

². Bhagat & Bolton

³. Denis & McConnell

⁴. San

⁵. Akmal

⁶. Jiayao

⁷. Ismail

در آن خطرات مالی و عملیاتی به طور مؤثری مدیریت می‌شوند. یک کنترل داخلی قوی می‌تواند به شناسایی و مدیریت ریسک‌های مرتبط با فعالیت‌های تجاری کمک کند. بنابراین، این ترکیب از حاکمیت شرکتی قوی و کنترل‌های داخلی مؤثر می‌تواند به کاهش ریسک سقوط قیمت سهام کمک کند.

فرضیه‌های پژوهش

با توجه به ادبیات قبلی و استدلال‌های مطرح شده، انتظار می‌رود کنترل داخلی با محدود کردن توانایی مدیریت در پنهان کردن اخبار نامطلوب، ریسک سقوط قیمت سهام را کاهش دهد. همچنین، انتظار می‌رود حاکمیت شرکتی قوی، توانایی شرکت در اجرای موثرتر کنترل داخلی و کاهش ریسک سقوط قیمت سهام را افزایش دهد. بر این اساس فرضیه‌ها به صورت زیر بیان می‌شود:

فرضیه اول: اجرای کنترل داخلی قوی بر ریسک سقوط قیمت سهام تأثیر معناداری دارد.

فرضیه دوم: تأثیر اجرای کنترل داخلی قوی بر ریسک سقوط قیمت سهام در شرکت‌های با حاکمیت شرکتی قوی، بارزتر است.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش یک طرح پژوهش کمی مبتنی بر اطلاعات واقعی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با رویکرد تجربی انجام شده است. روش اجرای پژوهش مبتنی بر تحلیل رگرسیون چندمتغیره با تکنیک‌های اقتصادسنجی است و برای آزمون فرضیه‌ها و پیاده‌سازی تکنیک‌های اقتصادسنجی نیز از نرم‌افزار EViews نسخه ۱۲ استفاده شده است. جامعه آماری هدف کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از سال ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۲ است. طبق گزارش عملکرد سالانه هیئت پذیرش بورس تهران، در پایان سال ۱۴۰۲ تعداد ۳۸۶ شرکت در ۴۰ صنعت در بورس اوراق بهادار تهران فعال بوده‌اند. از بین این جامعه آماری، تعداد ۱۵۳ شرکت به عنوان جامعه آماری غربال شده، انتخاب شدند. در جدول ۱ روند غربالگری جامعه آماری ارائه شده است.

جدول ۱. روند غربالگری جامعه آماری

تعداد	شرح معیارها
۳۸۶	تعداد شرکت‌ها در پایان سال ۱۴۰۲ (جامعه آماری هدف)
(۹۱)	شرکت‌های مالی
(۷۹)	شرکت‌های با عدم حضور مستمر در بورس در طول دوره آماری
(۵۳)	شرکت‌های با پایان سال مالی غیر از اسفند
(۱۰)	شرکت‌های با تغییر سال مالی یا تغییر فعالیت
۱۵۳	شرکت‌های غربال شده از جامعه آماری پژوهش

رگرسیون پایه برای آزمون فرضیه‌ها به صورت مدل ۱ است.

$$Crash Risk_{it} = \beta_0 + \beta_1 Control_{it} + \beta_2 Size_{it} + \beta_3 Lev_{it} + \beta_4 ROA_{it} + \beta_5 Dturn_{it} + \beta_6 Ret_{it} + \beta_7 ACC_{it} + \beta_8 MB_{it} + \beta_9 OC_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل ۱

در این مدل، Crash Risk نماد ریسک سقوط قیمت سهام؛ IControl نماد اجرای کنترل داخلی قوی؛ Size نماد اندازه شرکت؛ Lev نماد اهرم مالی؛ ROA نماد سودآوری؛ Dturn نماد حجم معاملات سهام؛ Ret نماد بازده سهام؛ ACC نماد ابهام در سود حسابداری؛ MB نماد ارزش بازار؛ OC نماد تمرکز مالکیت؛ i نماد شرکت‌های جامعه آماری؛ t نماد سال‌های آماری مورد بررسی؛ ε نماد پسماندهای مدل هستند. همچنین اگر β_1 از لحاظ آماری معنادار باشد، فرضیه اول پذیرفته می‌شود و انتظار می‌رود علامت آن به صورت منفی باشد. برای آزمون فرضیه دوم، جامعه آماری غربال شده به دو گروه شرکت‌های با حاکمیت شرکتی قوی و شرکت‌های با حاکمیت شرکتی ضعیف تقسیم می‌شود و مدل ۱ در هر گروه به صورت جداگانه برآورد شده است و اگر β_1 در گروه اول از لحاظ آماری معنادار و منفی باشد ولی در گروه دوم، معنادار نباشد و یا در گروه دوم همچنان، معنادار و منفی باشد ولی مقدار ضریب کوچک‌تر از گروه اول باشد، فرضیه دوم پذیرفته می‌شود. نحوه اندازه‌گیری متغیرها و گردآوری داده‌ها به شرح زیر است:

ریسک سقوط قیمت سهام (متغیر وابسته)

بر اساس ادبیات پیشین (کیم و همکاران، ۲۰۱۶) برای اندازه‌گیری ریسک سقوط قیمت سهام از معیار چولگی منفی بازده سهام استفاده شده است. در این خصوص ابتدا رگرسیون بازار (مدل ۲) به صورت مقطعی برآورد و پسماندهای آن استخراج شده است.

$$r_{it} = \alpha_j + \beta_{1i}r_{mt-2} + \beta_{2i}r_{mt-1} + \beta_{3i}r_{mt} + \beta_{4i}r_{mt+1} + \beta_{5i}r_{mt+2} + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل ۲}$$

در این مدل، r_{it} بازده سهام شرکت i در ماه t طی سال مالی است. برای محاسبه بازده سهام، قیمت ابتدای ماه از قیمت پایان ماه کسر و حاصل، بر قیمت ابتدای ماه تقسیم شده است.

r_{mt} بازده بازار در ماه t است. برای محاسبه بازده ماهانه بازار، شاخص ابتدای ماه از شاخص پایان ماه کسر و حاصل، بر شاخص ابتدای ماه تقسیم شده است.

سپس بازده ماهانه خاص شرکت با مدل (۳) محاسبه شده است.

$$W_{it} = \ln(1 + \varepsilon_{it}) \quad \text{مدل ۳}$$

W_{it} بازده ماهانه خاص شرکت i در ماه t سال مالی؛ ε_{it} باقیمانده سهام شرکت i در ماه t و عبارت است از پسماندهای رگرسیون بازار در مدل ۲.

سپس با استفاده از بازده ماهانه خاص شرکت، چولگی منفی بازده سهام و سقوط آن محاسبه شده است. نشانه‌های سقوط قیمت سهام از یک سال قبل از وقوع این پدیده شکل می‌گیرد و یکی از این نشانه‌ها، وجود چولگی منفی در بازده سهام شرکت است؛ بنابراین، شرکت‌هایی که در سال گذشته چولگی منفی بازده سهام را تجربه کرده‌اند، با احتمال بیشتری در سال آینده با پدیده سقوط قیمت سهام رو به رو خواهند شد. بنابراین هرچه مقدار ضریب منفی چولگی بیشتر باشد، آن شرکت در معرض سقوط قیمت سهام بیشتری خواهد بود. برای محاسبه ضریب چولگی منفی بازده سهام از مدل ۴ استفاده شده است.

$$NCSKEW_{it} = -[n(n-1)^{3/2} \sum W_{it}^3] / [(n-1)(n-2) (\sum W_{it}^2)^{3/2}] \quad \text{مدل ۴}$$

در این مدل، $NCSKEW_{it}$ چولگی منفی بازده سهام شرکت i طی سال مالی $W_{it,t}$ بازده ماهانه خاص شرکت i در ماه t و n تعداد ماههایی که بازده آن‌ها محاسبه شده است، هستند.

اجرای کنترل داخلی در چارچوب COSO (متغیر مستقل)

بر اساس چارچوب مدیریت ریسک COSO، یک شاخص کنترل داخلی بر اساس پنج معیار آن با استفاده از رویکرد تحلیل مولفه‌های اصلی ایجاد شده است: محیط کنترل، ارزیابی ریسک، فعالیت‌های کنترلی، اطلاعات و ارتباطات و نظارت. هر معیار به ۱۰ آیتم تقسیم می‌شود که در جدول ۲ آمده است. بنابراین، دامنه امتیاز برای هر معیار از ۰ تا ۱۰ است.

جدول ۲. آیتم‌های مرتبط با کنترل داخلی بر اساس چارچوب COSO

معیار	آیتم‌ها	نحوه امتیازدهی
محیط کنترل	این معیار دارای ۱۰ آیتم است که شامل موارد زیر هستند: آیا شرکت (۱) فلسفه مدیریت ریسک، (۲) تمایل به ریسک، (۳) نظارت هیئت‌مدیره، (۴) یکپارچگی و ارزش‌های اخلاقی، (۵) فرهنگ سازمانی، (۶) سیاست منابع انسانی، (۷) مسئولیت اجتماعی، (۸) اختیارات و مسئولیت‌های مدیریت، (۹) کمیته حسابرسی و (۱۰) دپارتمان حسابرسی داخلی را افشا می‌کند یا خیر.	اگر هر آیتم به‌طور خاص افشا شده باشد، امتیاز ۱ و در غیر این صورت امتیاز ۰ اختصاص داده شده و در نهایت از مجموع آن‌ها امتیاز این معیار محاسبه شده است.
ریسک	این معیار دارای ۱۰ آیتم است که شامل موارد زیر هستند: آیا شرکت (۱) هدف مدیریت ریسک، (۲) طراحی و ارزیابی استراتژی‌های جایگزین، (۳) تکنیک‌های شناسایی رویداد، (۴) فهرست ریسک‌های موجود و نوظهور، (۵) معیارها و سطوح ریسک، (۶) منابع داده، (۷) تکنیک‌های تحلیل ریسک، (۸) طراحی و انتخاب پاسخ‌های ریسک، (۹) سبد ریسک و (۱۰) ارزیابی پاسخ‌های ریسک را افشا می‌کند یا خیر.	اگر هر آیتم به‌طور خاص افشا شده باشد، امتیاز ۱ و در غیر این صورت امتیاز ۰ اختصاص داده شده و در نهایت از مجموع آن‌ها امتیاز این معیار محاسبه شده است.
فعالیت‌های کنترلی	این معیار دارای ۱۰ آیتم است که شامل موارد زیر هستند: آیا شرکت (۱) جداسازی فعالیت‌های چک و بالانس، (۲) سیستم تأیید، (۳) سیستم گزارش‌دهی داخلی، (۴) کنترل‌های حسابداری، (۵) کنترل حفاظت از دارایی‌ها، (۶) کنترل بودجه، (۷) کنترل عملیات، (۸) کنترل ارزیابی عملکرد، (۹) هشدارهای زود هنگام در مورد مواجهه با ریسک‌های عمده و (۱۰) کنترل‌های سیستم‌های اطلاعاتی را افشا می‌کند یا خیر.	اگر هر آیتم به‌طور خاص افشا شده باشد، امتیاز ۱ و در غیر این صورت امتیاز ۰ اختصاص داده شده و در نهایت از مجموع آن‌ها امتیاز این معیار محاسبه شده است.
اطلاعات و ارتباطات	این معیار دارای ۱۰ آیتم است که شامل موارد زیر هستند: آیا شرکت (۱) برنامه‌ریزی، (۲) بازار و رقابت، (۳) تولید و قیمت‌گذاری، (۴) ارزیابی عملکرد تأمین‌کنندگان، (۵) شکایات مشتریان، (۶) حفاظت از سرمایه‌گذاران، (۷) کاربرد سیستم‌های اطلاعاتی، (۸) مکانیسم ضد فساد، (۹) کانال‌های شکایت داخلی و حفاظت از افشاگران، و (۱۰) دقت و به‌موقع بودن اطلاعات را افشا می‌کند یا خیر.	اگر هر آیتم به‌طور خاص افشا شده باشد، امتیاز ۱ و در غیر این صورت امتیاز ۰ اختصاص داده شده و در نهایت از مجموع آن‌ها امتیاز این معیار محاسبه شده است.
نظارت	این معیار دارای ۱۰ آیتم است که شامل موارد زیر هستند: آیا شرکت (۱) سیستم نظارت داخلی، (۲) تکنیک‌های شناسایی ضعف‌های کنترل داخلی، (۳) استانداردهای طبقه‌بندی نواقص، (۴) تعداد و نوع نواقص، (۵) درمان ضعف‌های کنترل داخلی، (۶) ارزیابی کنترل داخلی، (۷) گزارش کنترل داخلی، (۸) حسابرسی کنترل داخلی، (۹) نظر مدیران مستقل و (۱۰) جلسات نظارتی را افشا می‌کند یا خیر.	اگر هر آیتم به‌طور خاص افشا شده باشد، امتیاز ۱ و در غیر این صورت امتیاز ۰ اختصاص داده شده و در نهایت از مجموع آن‌ها امتیاز این معیار محاسبه شده است.

برای تحلیل و شناسایی اطلاعات کلیدی منتشر شده توسط شرکت‌ها از تحلیل محتوای متنی استفاده شده است. این اطلاعات متنی شامل گزارش‌های کنترل داخلی، گزارش‌های حسابرسی و گزارش‌های مالی سالانه هستند. اگر هر آیت‌م گزارش شده باشد، امتیاز ۱ را دریافت می‌کند؛ در غیر این صورت، امتیاز ۰ اختصاص داده می‌شود. در نهایت با استفاده از امتیاز ۵ معیار فوق، یک عبارت خطی بر اساس تحلیل مؤلفه اصلی برای کمی‌سازی کنترل داخلی ایجاد شده است. به این ترتیب که ابتدا بر اساس این روش یک عامل اصلی استخراج می‌شود. سپس مقادیر ویژه و درصد واریانس مشترک توضیح داده شده توسط این ۵ معیار استخراج و مشخص می‌شود که هر مقدار ویژه چند درصد از واریانس مشترک متغیرهای ورودی را توضیح می‌دهند. سپس مؤلفه‌ای که بیشترین مقدار از کل واریانس مشترک متغیرهای ورودی را توضیح دهد به عنوان بهترین مؤلفه یا PCA انتخاب شده و در نهایت ضریب مؤلفه اصلی هر متغیر ورودی که توسط نرم‌افزار ارائه می‌شود به دست آمده و با ضرب این ضرایب در داده‌های هر معیار و سپس جمع بستن آن‌ها، یک ترکیب خطی برای این متغیر بر اساس معیارهای ورودی ایجاد می‌شود؛ به طوری که مقادیر بالاتر نشان‌دهنده کنترل داخلی مؤثرتر است (ژو و همکاران، ۲۰۲۴).

حاکمیت شرکتی (متغیر تعدیلگر)

حاکمیت شرکتی بر اساس اصول حاکمیت شرکتی زیر به صورت یک شاخص واحد در نظر گرفته شده است: استقلال هیئت‌مدیره: نسبت اعضای غیرموظف به کل اعضای هیئت‌مدیره، پس از گرفتن میانگین از استقلال هیئت‌مدیره در هر صنعت، مشاهداتی که بیشتر از میانگین هستند، متغیر دامی ۱ و سایر مشاهدات صفر گرفته‌اند. دوگانگی نقش مدیرعامل: یک متغیر مجازی به این صورت که اگر مدیرعامل، رییس یا نایب رییس هیئت‌مدیره نیز باشد، ارزش صفر و در غیر این صورت ارزش یک گرفته است. مالکیت نهادی: برابر است با درصد سهام در اختیار سرمایه‌گذاران نهادی. پس از گرفتن میانگین از مالکیت نهادی در هر صنعت، مشاهداتی که بیشتر از میانگین هستند، متغیر دامی ۱ و سایر مشاهدات صفر گرفته‌اند. وجود کمیته حسابرسی: اگر شرکت کمیته حسابرسی تشکیل داده باشد، متغیر دامی ۱ و سایر مشاهدات صفر گرفته‌اند.

در نهایت بعد از محاسبه این ۴ متغیر که از اصول حاکمیت شرکتی هستند، حاکمیت شرکتی قوی از مجموع ارقام به صورت زیر محاسبه شده‌اند:

$$CGINDEX=di$$

di بیانگر مجموع کلیه ارقامی هستند که امتیاز ۱ گرفته‌اند (کلانتر و همکاران، ۱۴۰۱). با توجه به اینکه ۴ شاخص برای حاکمیت شرکتی در نظر گرفته شده است، بیشترین امتیاز برابر با ۴ و کمترین امتیاز برابر با ۰ خواهد بود. هرچه مقدار به دست آمده بزرگ‌تر باشد، به معنای وجود مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی قوی‌تر در شرکت است. بر اساس این شاخص برای تفکیک شرکت‌ها به دو گروه با حاکمیت شرکتی قوی و ضعیف، میانه امتیاز به دست آمده با استفاده از مجموع امتیازها در هر صنعت برای هر سال مالی محاسبه شده و سال شرکتی که امتیاز حاکمیت شرکتی آن بزرگ‌تر یا مساوی مقدار میانه باشد، به عنوان شرکتی با حاکمیت شرکتی قوی در نظر گرفته شده و سال شرکتی که امتیاز حاکمیت شرکتی آن کوچک‌تر از مقدار میانه باشد، به عنوان شرکتی با حاکمیت شرکتی ضعیف در نظر گرفته شده و

به این ترتیب شرکت‌ها به دو گروه تفکیک شده‌اند. اطلاعات مورد نیاز این معیارها از گزارش‌های مالی سالانه که حاوی اطلاعاتی در مورد اعضا و ویژگی‌های هیئت‌مدیره و مدیرعامل و ترکیب سهامداران و کمیته حسابرسی است، گردآوری شده‌اند. این گزارش‌ها در سایت کدال موجود هستند.

متغیرهای کنترلی

مجموعه‌ای از متغیرهای کنترلی که در ادبیات قبلی مشخص شده بر روی ریسک سقوط قیمت سهام اثرگذار هستند، در نظر گرفته شده است که نحوه اندازه‌گیری آن‌ها در جدول ۳ مشاهده می‌شود. داده‌های مورد نیاز برای محاسبه این متغیرها از صورت‌های مالی حسابرسی شده و گزارش‌های مالی سالانه گردآوری شده‌اند.

جدول ۳. نحوه اندازه‌گیری متغیرهای کنترلی

نام متغیر	نماد متغیر	نحوه اندازه‌گیری
اندازه شرکت	Size	لگاریتم طبیعی کل دارایی شرکت
اهرم مالی	Lev	نسبت کل بدهی به کل دارایی
سودآوری	ROA	نسبت سود خالص به کل دارایی
حجم معاملات		
سهام	Dturn	لگاریتم طبیعی حجم معاملات سهام
بازده سهام	Ret	قیمت سهام در سال t منهای قیمت سهام در سال t-1 تقسیم بر قیمت سهام در سال t-1
ابهام سود	ACC	قدرمطلق اقلام تعهدی غیرعادی که از پسماندهای مدل تعدیل شده جونز (مدل ۵) استخراج شده است.
		$TAC_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 1/A_{it-1} + \alpha_2 (\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it})/A_{it-1} + \alpha_3 PPE_{it}/A_{it-1} + \alpha_4 ROA_{it-1} + \varepsilon_{it}$ مدل ۵
		TAC کل اقلام تعهدی برابر با سود عملیات منهای جریان نقد عملیاتی
		A کل دارایی
		ΔREV تغییر در درآمد در دوره t و t-1
		ΔREC تغییر در حساب‌های دریافتنی در دوره t و t-1
		PPE ارزش اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات
		ROA نرخ بازدهی دارایی برای بر نسبت سود خالص به کل دارایی
		پسماندهای این مدل به عنوان معیاری از اقلام تعهدی غیرعادی استخراج و از ارزش قدرمطلق این پسماندها استفاده شده است که هرچه مقدار آن بیشتر باشد نشان‌دهنده این است که سود گزارش شده با ابهام بیشتری همراه است.
ارزش بازار	MB	نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری سهام
تمرکز مالکیت	OC	درصد سهام در اختیار بزرگ‌ترین سهامدار

یافته‌های پژوهش

تحلیل مولفه‌های اصلی برای شاخص‌سازی اجرای کنترل داخلی قوی

در این بخش تحلیل مولفه‌های اصلی برای به دست آوردن یک شاخص خطی ترکیبی برای اجرای کنترل داخلی قوی در چارچوب COSO در شرکت‌ها ارائه شده است. مولفه اصلی یک ترکیب خطی نرمال شده از پیش‌بین‌های اصلی موجود در یک مجموعه داده است و آن ویژگی که ارزش بیشتری در توضیح آن متغیر دارد را فراهم می‌کند. به این منظور ۵ معیار برای توضیح اجرای کنترل داخلی قوی شرکت‌ها معرفی شده است و مولفه اصلی می‌تواند آن ویژگی‌هایی از ۵ معیار معرفی شده را انتخاب کند که نقش مهم‌تری در توضیح کنترل داخلی قوی شرکت‌ها دارد. به این ترتیب بر اساس این روش، ابتدا مولفه اصلی هر معیار استخراج شده است. جدول (۴) مقادیر ویژه و درصد واریانس توضیح داده شده توسط مولفه‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۴. ترکیب واریانس توضیح داده شده توسط مولفه‌های کنترل داخلی

مولفه	مقادیر ویژه	درصد از کل واریانس توضیح داده شده	مقادیر ویژه تجمعی	درصد از کل واریانس توضیح داده شده (انباشته)
۱	۱/۰۶۰	۲۱/۲۰۰	۱/۰۶۰	۲۱/۲۰۰
۲	۱/۰۳۳	۲۰/۶۷۰	۲/۰۹۳	۴۱/۸۷۰
۳	۱/۰۰۴	۲۰/۰۹۰	۳/۰۹۷۹	۶۱/۹۶۰
۴	۰/۹۸۶	۱۹/۷۴۰	۴/۰۸۴	۸۱/۷۰۰
۵	۰/۹۱۵	۱۸/۳۰۰	۵/۰۰۰	۱۰۰/۰۰۰

مقدار ویژه عامل اصلی ۱/۰۶۰ است که نشان می‌دهد این عامل می‌تواند ۲۱/۲ درصد از واریانس مشترک این ۵ ورودی را توضیح دهد. در جدول ۵ میزان تاثیر هر متغیر در تخمین مولفه ارائه شده است.

جدول ۵. ماتریس ضریب امتیاز معیارهای کنترل داخلی

متغیر	ضریب مولفه اول
محیط کنترل	-۰/۵۷۱
ریسک	۰/۱۷۵
فعالیت‌های کنترلی	-۰/۳۴۰
اطلاعات و ارتباطات	۰/۰۵۲
نظارت	۰/۷۲۳

با توجه به جدول فوق معادله زیر برای محاسبه اجرای کنترل داخلی قوی در چارچوب COSO نوشته می‌شود.
$$\text{کنترل داخلی قوی در چارچوب COSO} = (\text{محیط کنترل} \times -۰/۵۷۱) + (\text{ریسک} \times ۰/۱۷۵) + (\text{فعالیت‌های کنترلی} \times -۰/۳۴۰) + (\text{اطلاعات و ارتباطات} \times ۰/۰۵۲) + (\text{نظارت} \times ۰/۷۲۳)$$
. بنابراین با استفاده از این معادله یک شاخص ترکیبی برای کنترل داخلی قوی در چارچوب COSO ایجاد شد.

اولین گام در بخش تحلیل داده‌ها ارائه آمار توصیفی است که نتایج آن در جدول ۶ مشاهده می‌شود. لازم به توضیح است که به منظور جلوگیری از سوگیری در نتایج، مشاهدات پرت و دورافتاده در صدک‌های ۱ و ۹۹ وینزورایز^۱ شدند. آمار توصیفی نشان می‌دهد میانگین چولگی منفی بازده سهام به عنوان معیاری از ریسک سقوط قیمت سهام برابر با ۰/۴۴۳- است که نشان می‌دهد توزیع بازده سهام به سمت چپ متمایل است و احتمال وقوع بازده‌های منفی (سقوط قیمت) بیشتر از بازده‌های مثبت است. به عبارت دیگر، این وضعیت می‌تواند حاکی از این باشد که به طور متوسط ریسک سقوط قیمت سهام در شرکت‌های ایرانی بالا است. این مقدار با ادبیات قبلی در ایران از جمله **فندرسکی و صفری گرایلی (۱۳۹۷)** و **فروغی و ساکیانی (۱۳۹۷)** مطابقت دارد.

جدول ۶. آمار توصیفی (تعداد مشاهدات: ۱۲۲۴)

نام متغیر	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
ریسک سقوط قیمت سهام	-۰/۴۴۳	-۰/۴۳۴	۱/۹۵۸	-۳/۱۴۵	۱/۲۹۹
اجرای کنترل داخلی	۰/۰۷۵	۰/۱۰۶	۲/۴۰۸	-۲/۲۱۵	۱/۰۲۶
اندازه شرکت	۱۵/۶۸۹	۱۵/۴۵۹	۲۱/۸۹۹	۱۱/۳۶۱	۱/۷۹۷
اهرم مالی	۰/۵۱۷	۰/۵۱۱	۰/۹۱۳	۰/۰۹۸	۰/۲۰۲
سودآوری	۰/۱۸۰	۰/۱۵۹	۰/۴۷۹	-۰/۰۴۳	۰/۱۴۸
حجم معاملات سهام	۱۳/۷۸۶	۱۴/۱۰۸	۲۰/۸۶۷	۳/۹۱۲	۲/۵۳۷
بازده سهام	۰/۵۳۰	۰/۱۲۰	۴/۱۲۸	-۰/۷۵۷	۱/۲۴۵
ابهام سود	۰/۱۴۳	۰/۱۰۴	۰/۸۰۶	۰/۰۰۹	۰/۱۳۹
ارزش بازار	۵/۶۶۱	۴/۳۸۲	۱۷/۵۷۵	۱/۲۹۹	۴/۲۱۰
تمرکز مالکیت	۰/۵۰۱	۰/۵۰۶	۰/۸۹۲	۰/۰۹۸	۰/۱۹۰
حاکمیت شرکتی قوی	۹۰۰	فراوانی	درصد فراوانی	۷۳/۵۳۰	

میانگین کنترل داخلی قوی در چارچوب COSO، ۰/۰۷۵ است که نشان می‌دهد کنترل داخلی در ایران تنها ۷/۵ درصد از انتظارات چارچوب COSO شامل محیط کنترل، ریسک، فعالیت‌های کنترلی، اطلاعات و ارتباطات و نظارت را برآورده می‌کند و سطح کنترل داخلی در سازمان‌ها به طور کلی ضعیف است. این مقدار پایین می‌تواند به این معنا باشد که شرکت‌ها در پیاده‌سازی مؤثر کنترل‌های داخلی و مدیریت ریسک‌ها با چالش‌هایی روبرو هستند و ممکن است در برابر نواقص و خطرات مالی آسیب‌پذیر باشند. به عبارت دیگر، این نتیجه نیاز به بهبود در سیستم‌های کنترل داخلی را تأکید می‌کند. مقدار منفی کمینه آن نیز نشان می‌دهد که برخی از سازمان‌ها ممکن است حتی کنترل‌های داخلی ناکافی یا نامناسبی داشته باشند که می‌تواند به افزایش ریسک‌های مالی و عملیاتی منجر شود. این وضعیت می‌تواند به عدم توانایی در شناسایی و مدیریت ریسک‌ها، ضعف در گزارش‌دهی مالی و در نهایت کاهش اعتبار و اعتماد به نفس سرمایه‌گذاران منجر گردد.

^۱. winsorized

آمار توصیفی برای متغیرهای کنترلی تا حد زیادی با مطالعات قبلی در داخل ایران مطابقت دارد و نشان می‌دهد که شرکت‌های جامعه آماری غربال شده نسبتاً بزرگ، اهرمی و تا حدی سودآور هستند، به طور میانگین حجم معاملات سهام و بازده سهام قابل قبول است و شرکت‌ها ارزش بازار مطلوبی دارند، تا حدودی اقلام تعهدی غیرعادی وجود دارد که نشان می‌دهد دستکاری سود انجام می‌شود و ساختار مالکیت، بیشتر به صورت متمرکز است. بعلاوه ۷۳/۵۳ درصد از شرکت‌ها دارای مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی قوی هستند.

آزمون همبستگی

در این بخش برای بررسی وجود مسئله همخطی چندگانه، به انجام آزمون همبستگی پرداخته شده است که نتیجه آن در جدول ۷ مشاهده می‌شود.

جدول ۷. آزمون همبستگی

متغیر	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	(۵)	(۶)	(۷)	(۸)	(۹)	(۱۰)	(۱۱)
ریسک سقوط قیمت	۱/۰۰۰	-۰/۱۲۶	۰/۱۱۸	-۰/۱۳۱	۰/۰۱۱	-۰/۰۸۹	۰/۱۰۳	-۰/۰۷۰	۰/۰۶۳	-۰/۱۵۴	-۰/۰۲۰
سهام	---	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۶۹۶	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۱۴	۰/۰۲۷	۰/۰۰۰	۰/۴۶۸
اجرای کنترل داخلی	۱/۰۰۰	۰/۰۷۵	۰/۰۲۰	۰/۰۱۰	-۰/۰۳۲	۰/۰۲۷	۰/۰۴۲	-۰/۰۳۲	-۰/۰۳۲	-۰/۰۱۱	-۰/۰۲۸
حاکمیت شرکتی	---	۰/۰۰۸	۰/۴۶۸	۰/۰۳۶	-۰/۰۷۵	۰/۰۴۰	۰/۰۰۴	۰/۰۰۳	۰/۰۴۹	۰/۶۸۳	۰/۳۲۱
اندازه شرکت	---	---	۱/۰۰۰	۰/۲۰۱	۰/۰۰۸	۰/۱۵۵	۰/۸۸۲	۰/۸۹۹	۰/۰۸۳	۰/۸۰۳	-۰/۱۰۸
اهرم مالی	---	---	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۴۹۲	-۰/۱۵۵	۰/۰۹۷	-۰/۱۱۹	-۰/۱۰۸	۰/۰۰۰
سودآوری	---	---	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۲۸۲	-۰/۱۳۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۱۸۶
حجم معاملات سهام	---	---	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
بازده سهام	---	---	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
ابهام سود	---	---	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
ارزش بازار	---	---	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
تمرکز مالکیت	---	---	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

در این جدول ارقام گزارش شده در ردیف اول ضرایب همبستگی و ارقام گزارش شده در ردیف دوم سطح معناداری آماره این ضرایب هستند. اگر ضریب همبستگی بین دو متغیر مستقل معنادار و شدت آن بیشتر از آستانه ۰/۸

پیشنهاد شده توسط **کندی^۱ (۱۹۸۵)** باشد، به معنای همخطی شدید بین دو متغیر است که به کارگیری هم‌زمان آن‌ها در مدل رگرسیونی، ممکن است رگرسیون کاذب ایجاد کند (**گجراتی و پورتر^۲، ۲۰۰۹**). با استفاده از آزمون همبستگی علاوه بر همبستگی بین متغیرهای مستقل، همبستگی متغیرهای مستقل با متغیر وابسته نیز ارزیابی می‌شود.

نتایج آزمون همبستگی نشان می‌دهد بین ریسک سقوط قیمت سهام و اجرای کنترل داخلی، همبستگی معنادار و منفی وجود دارد، به این معنا که در شرکت‌های با کنترل داخلی قوی که در چارچوب COSO اجرا می‌شود، ریسک سقوط قیمت سهام کمتر است. این نتیجه می‌تواند یک حمایت اولیه از فرضیه اول پژوهش باشد، با این حال از آنجا که آزمون همبستگی، یک آزمون زوجی بین متغیرها است و اثرات سایر متغیرها را در نظر نمی‌گیرد، برای تایید فرضیه کافی نیست و باید تحلیل رگرسیون چندمتغیره نیز انجام شود. همچنین، این آزمون نشان می‌دهد ریسک سقوط قیمت سهام با حاکمیت شرکتی، همبستگی منفی و معنادار دارد، یعنی در شرکت‌هایی که دارای مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی قوی هستند، ریسک سقوط قیمت سهام کمتر است. علاوه، اجرای کنترل داخلی با حاکمیت شرکتی، همبستگی مثبت و معنادار دارد که نشان می‌دهد در شرکت‌های با مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی قوی، اجرای کنترل‌های داخلی بهتر است. در نهایت مشخص شد بین متغیرهای مستقل مورد استفاده در مدل رگرسیونی، همبستگی شدید وجود ندارد و ضرایب همبستگی نسبتاً کوچک هستند؛ لذا می‌توان اطمینان حاصل کرد که مدل رگرسیونی از مشکلات همخطی شدید رنج نمی‌برد و نتایج نهایی قابل اتکا هستند. به عبارتی همبستگی بین متغیرها بر تحلیل نهایی اثرگذار نیست.

تحلیل رگرسیون

از آنجا که ماهیت داده‌ها به صورت ترکیبی از داده‌های مقطعی و طولی است، لذا باید از تکنیک‌های اقتصادسنجی مبتنی بر این داده‌ها برای تحلیل رگرسیون چندمتغیره استفاده کرد. به این منظور ابتدا آزمون‌های تشخیصی چاو و هاسمن انجام شده است که نتیجه آن در جدول ۸ مشاهده می‌شود.

جدول ۸. آزمون‌های تشخیصی

نوع آزمون	مقدار آماره	سطح معناداری	نتیجه آزمون
آزمون چاو	۱/۸۸۱	۰/۰۰۰	رویکرد با اثرات (پانل دیتا) مناسب است.
آزمون هاسمن	۱۷۶/۵۶۸	۰/۰۰۰	رویکرد با اثرات ثابت مناسب است.

با توجه به نتیجه آزمون‌های تشخیصی به برآورد مدل ۱ با رویکرد اثرات ثابت پرداخته شده است که نتیجه آن در جدول ۹ گزارش شده است. با توجه به این جدول، از آنجا که سطح معناداری آماره t متغیر اجرای کنترل داخلی (۰/۰۲۹) کوچک‌تر از ۰/۰۵ است؛ لذا این متغیر در سطح خطای ۵ درصد تأثیر معناداری بر ریسک سقوط قیمت سهام دارد و فرضیه اول با اطمینان ۹۵ درصد پذیرفته می‌شود. ضریب این متغیر نیز برابر با ۰/۰۷۱- است که نشان می‌دهد اجرای کنترل داخلی قوی در چارچوب COSO تأثیر منفی بر ریسک سقوط قیمت سهام دارد. به عبارت دیگر، هر چه سطح کنترل داخلی قوی‌تر باشد، ریسک سقوط قیمت سهام کاهش می‌یابد. این نتیجه به این معناست که شرکت‌هایی

^۱. Kennedy

^۲. Gujarati and Porter

که به طور مؤثر از سیستم‌های کنترل داخلی پیروی می‌کنند، احتمالاً توسط بازار سرمایه مطلوب ارزیابی می‌شوند، زیرا این کنترل‌های داخلی به شفافیت اطلاعات، نظارت مؤثر و مدیریت بهینه ریسک‌ها کمک می‌کند؛ بنابراین، نگرانی‌های سرمایه‌گذاران در مورد عدم قطعیت‌های آینده و وضعیت شرکت را کاهش داده و ریسک سقوط قیمت سهام را پایین می‌آورد. به عبارتی، رعایت چارچوب COSO دارای اثر سیگنال‌دهی قوی است و با افزایش شفافیت اطلاعات منجر به کاهش ریسک سقوط قیمت سهام می‌شود. این نتیجه با یافته‌های کیم و همکاران (۲۰۱۹)، لوبو و همکاران (۲۰۲۰)، گونگ و همکاران (۲۰۲۱) و ژو و همکاران (۲۰۲۴) هم‌راستا است.

جدول ۹. برآورد مدل رگرسیونی (۱)

$Crash Risk_{it} = \beta_0 + \beta_1 Control_{it} + \beta_2 Size_{it} + \beta_3 Lev_{it} + \beta_4 ROA_{it} + \beta_5 Dturn_{it} + \beta_6 Ret_{it} + \beta_7 ACC_{it} + \beta_8 MB_{it} + \beta_9 OC_{it} + \varepsilon_{it}$				
نام متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
عرض از مبدأ	-۱۰/۸۶۴	۲/۶۵۷	-۴/۰۸۸	۰/۰۰۴
اجرای کنترل داخلی	-۰/۰۷۱	۰/۰۲۶	-۲/۷۲۹	۰/۰۲۹
اندازه شرکت	۰/۶۵۰	۰/۱۷۶	۳/۶۷۷	۰/۰۰۷
اهرم مالی	۲/۰۰۴	۰/۳۰۱	۶/۶۳۹	۰/۰۰۰
سودآوری	-۱/۴۱۷	۰/۴۹۷	-۲/۸۴۶	۰/۰۲۴
حجم معاملات سهام	-۰/۰۴۳	۰/۰۲۸	-۱/۵۲۳	۰/۱۷۱
بازده سهام	۰/۰۲۵	۰/۰۶۷	۰/۳۷۶	۰/۷۱۷
ابهام سود	۱/۱۷۰	۰/۳۳۶	۳/۴۸۳	۰/۰۱۰
ارزش بازار	-۰/۰۶۴	۰/۰۲۶	-۲/۴۴۱	۰/۰۴۴
تمرکز مالکیت	۱/۱۱۰	۰/۴۰۲	۲/۷۶۲	۰/۰۲۸
آماره فیشر	۳/۴۹۷		سطح معناداری آماره فیشر	۰/۰۰۰
ضریب تعیین	۰/۶۴۶		ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۵۴۷

در بین متغیرهای کنترلی، اندازه شرکت، اهرم مالی، ابهام سود و تمرکز مالکیت، تاثیر مثبت و معناداری بر ریسک سقوط قیمت سهام دارند که با ادبیات قبلی هم‌خوانی دارد. به این معنا که در شرکت‌های بزرگ‌تر، شرکت‌های اهرمی‌تر، شرکت‌های با سود گزارش شده مبهم و در شرکت‌های با تمرکز مالکیت بالاتر، ممکن است ریسک سقوط قیمت سهام افزایش یابد. با این وجود سودآوری و ارزش بازار، تاثیر منفی و معناداری بر ریسک سقوط قیمت سهام دارند که مطابق با انتظار است، به این معنا که شرکت‌های سودآور و شرکت‌های با ارزش بازار بالاتر، احتمالاً ریسک سقوط قیمت سهام را کاهش می‌دهند. حجم معاملات سهام و بازده سهام نیز تاثیر معناداری نشان ندادند.

قدرت توضیحی این مدل برآورد شده بر اساس مقدار ضریب تعیین، برابر با ۶۴/۶ درصد است، که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل تونسته‌اند سطح قابل قبولی از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. ضریب تعیین تعدیل شده نیز به مقدار ضریب تعیین نزدیک است. بعلاوه، کل مدل برآورد شده بر اساس مقدار آماره فیشر معنادار است؛ بنابراین، به طور کلی مدل به خوبی برازش شده است.

در ادامه به منظور آزمون فرضیه دوم، نمونه آماری به دو گروه شرکت‌های با حاکمیت شرکتی قوی و شرکت‌های با حاکمیت شرکتی ضعیف تقسیم شدند و مدل رگرسیونی در هر گروه به صورت جداگانه برآورد شد که نتایج آن در جدول ۱۰ مشاهده می‌شود.

جدول ۱۰. رابطه بین اجرای کنترل داخلی و ریسک سقوط قیمت سهام در شرکت‌های با حاکمیت شرکتی قوی و ضعیف

حاکمیت شرکتی قوی			حاکمیت شرکتی ضعیف			نام متغیر
ضریب	آماره t	سطح معناداری	ضریب	آماره t	سطح معناداری	
-۱/۷۲۸	-۷/۸۶۵	۰/۰۰۰	-۱۰/۱۹۹	-۲/۶۹۰	۰/۰۳۱	عرض از مبدأ
-۰/۱۰۴	-۴/۱۶۷	۰/۰۰۴	-۰/۰۱۸	-۲/۵۰۱	۰/۰۴۰	اجرای کنترل داخلی
۰/۰۷۵	۷/۲۷۲	۰/۰۰۰	۰/۶۳۱	۲/۵۶۳	۰/۰۳۷	اندازه شرکت
-۰/۸۲۹	-۷/۵۵۴	۰/۰۰۰	۱/۰۵۴	۲/۸۴۵	۰/۰۲۴	اهرم مالی
-۱/۳۵۶	-۶/۵۸۶	۰/۰۰۰	-۱/۶۶۲	-۱/۹۴۵	۰/۰۹۲	سودآوری
۰/۰۶۲	۴/۵۳۸	۰/۰۰۲	۰/۰۲۳	۰/۶۳۱	۰/۵۴۷	حجم معاملات سهام
-۰/۰۴۳	-۱/۶۱۲	۰/۱۵۱	-۰/۰۸۷	-۳/۷۷۴	۰/۰۰۶	بازده سهام
۱/۲۸۶	۴/۷۱۶	۰/۰۰۲	۱/۹۰۰	۵/۱۵۸	۰/۰۰۱	ابهام سود
-۰/۰۰۴	-۰/۸۵۰	۰/۴۲۳	-۰/۰۱۱	-۳/۴۵۳	۰/۰۱۰	ارزش بازار
۰/۳۵۴	۳/۶۸۵	۰/۰۰۷	۰/۰۳۴	۰/۲۰۴	۰/۸۴۳	تمرکز مالکیت
	۹۰۰			۳۲۴		تعداد مشاهدات
	۱۳/۷۷۷			۸/۴۳۰		آماره فیشر
	(۰/۰۰۰)			(۰/۰۰۰)		
	۰/۶۸۴			۰/۵۴۶		ضریب تعیین
	۰/۵۶۳			۰/۴۶۹		ضریب تعیین تعدیل شده

نتایج به دست آمده در اینجا نشان می‌دهد که اجرای کنترل داخلی چه در شرکت‌های با حاکمیت شرکتی قوی و چه در شرکت‌های با حاکمیت شرکتی ضعیف، تأثیر منفی و معناداری بر ریسک سقوط قیمت سهام دارد. با این حال، ضریب منفی به دست آمده برای گروه شرکت‌های با حاکمیت شرکتی قوی (-۰/۱۰۴) نسبت به گروه شرکت‌های با حاکمیت شرکتی ضعیف (-۰/۰۱۸) بزرگ‌تر است که نشان‌دهنده تأثیر قوی‌تر و بارزتر اجرای کنترل داخلی قوی بر ریسک سقوط قیمت سهام در شرکت‌های با مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی قوی است؛ بنابراین، فرضیه دوم مورد تایید قرار می‌گیرد. این به این معنا است که بازار سرمایه به اجرای کنترل داخلی شرکت‌هایی که از مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی قوی برخوردار هستند، اعتماد بیشتری دارد و چنین شرکت‌هایی سیگنال قوی‌تری از پیاده‌سازی بهتر رویه‌های کنترل داخلی به سرمایه‌گذاران ارسال می‌کنند، در نتیجه به طور قوی‌تری می‌توانند از سقوط ناگهانی قیمت سهام جلوگیری کنند. شرکت‌هایی که دارای حاکمیت شرکتی قوی هستند، معمولاً از سیستم‌های نظارتی و کنترل بهتری برخوردارند که باعث افزایش شفافیت اطلاعات می‌شود. در نتیجه، این شرکت‌ها قادرند سیگنال‌های قوی‌تری از کیفیت

بالای کنترل‌های داخلی خود به بازار ارسال کنند. در واقع، برخورداری شرکت از مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی قوی قادر است تاثیر اجرای کنترل داخلی بر ریسک سقوط قیمت سهام را تقویت کند.

علاوه بر این، مشخص شد اندازه شرکت در هر دو گروه، همچون نمونه کامل، تاثیر مثبت و معناداری بر ریسک سقوط قیمت سهام دارد، ولی این اثرگذاری در شرکت‌های با حاکمیت شرکتی ضعیف (۰/۶۳۱)، بزرگ‌تر است که نشان می‌دهد شرکت‌های بزرگ‌تر با حاکمیت شرکتی ضعیف، به دلیل عدم وجود مکانیسم‌های کنترلی و نظارتی مؤثر، بیشتر در معرض ریسک سقوط قیمت سهام قرار دارند. اهرم مالی، برخلاف نتایج مشاهده‌شده در نمونه کامل و همچنین در شرکت‌های با حاکمیت شرکتی ضعیف، در بین شرکت‌های با حاکمیت شرکتی قوی تأثیر منفی (۰/۸۲۹) بر ریسک سقوط قیمت سهام دارد. این یافته به این معناست که استفاده از بدهی در شرکت‌های با حاکمیت شرکتی قوی می‌تواند به‌عنوان یک ابزار مدیریت ریسک عمل کند. در این شرکت‌ها، وجود مکانیسم‌های نظارتی و کنترل مؤثر، به مدیریت بهتر بدهی‌ها و اهرم مالی کمک می‌کند و این امر می‌تواند به افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران و کاهش نوسانات قیمت سهام منجر شود. به عبارت دیگر، شرکت‌های با حاکمیت شرکتی قوی قادرند از اهرم مالی به‌طور مؤثر بهره‌برداری کنند و در عین حال، ریسک‌های مرتبط با آن را به حداقل برسانند. این در حالی است که در شرکت‌های با حاکمیت شرکتی ضعیف، اهرم مالی ممکن است به افزایش ریسک سقوط قیمت سهام منجر شود، زیرا عدم وجود نظارت مناسب می‌تواند منجر به تصمیم‌گیری‌های مالی ناپایدار شود. سودآوری در هر دو گروه شرکت‌های با حاکمیت شرکتی قوی و ضعیف، همچون نمونه کامل، تاثیر منفی و معناداری بر ریسک سقوط قیمت سهام دارد ولی در شرکت‌های با حاکمیت شرکتی ضعیف (۱/۶۶۲-)، اثر منفی آن قوی‌تر است که نشان می‌دهد در شرکت‌های با حاکمیت شرکتی ضعیف، افزایش سودآوری می‌تواند اعتماد سرمایه‌گذاران را تقویت کند و احساس اطمینان بیشتری را در بازار ایجاد کند. در این شرایط، سرمایه‌گذاران ممکن است به دلیل بهبود در عملکرد مالی، نسبت به آینده شرکت خوش‌بین‌تر شوند و این امر می‌تواند به کاهش نوسانات قیمت سهام و ریسک سقوط آن منجر شود. بنابراین، این یافته نشان می‌دهد که در شرکت‌های با حاکمیت شرکتی ضعیف، سودآوری می‌تواند به‌عنوان یک عامل کلیدی در کاهش ریسک سقوط قیمت سهام عمل کند. حجم معاملات سهام، تنها در شرکت‌های با حاکمیت شرکتی قوی (۰/۰۶۲)، تاثیر مثبت و معناداری بر ریسک سقوط قیمت سهام دارد و بازده سهام تنها در شرکت‌های با حاکمیت شرکتی ضعیف (۰/۰۸۷)، تاثیر منفی و معناداری بر ریسک سقوط قیمت سهام دارد. ابهام سود، هم در نمونه کامل و هم در هر دو گروه شرکت‌های با حاکمیت شرکتی قوی و ضعیف، تاثیر مثبت و معناداری بر ریسک سقوط قیمت سهام دارد و این تاثیر مثبت در شرکت‌های با حاکمیت شرکتی ضعیف (۱/۹۰۰)، بزرگ‌تر است که نشان می‌دهد در این شرکت‌ها، عدم شفافیت اطلاعات مالی و عملیاتی، حساسیت بیشتری به اخبار منفی ایجاد می‌کند و عدم اعتماد سرمایه‌گذاران به مدیریت می‌تواند منجر به افزایش ریسک سقوط قیمت سهام شود. ارزش بازار در نمونه کامل و شرکت‌های با حاکمیت شرکتی ضعیف، تاثیر منفی و معناداری بر ریسک سقوط قیمت سهام دارد که نشان می‌دهد در شرکت‌های با حاکمیت شرکتی ضعیف، ارزش بالای بازار شرکت می‌تواند یک عامل اطمینان‌بخش به سرمایه‌گذاران در مورد وضعیت آتی شرکت باشد. در نهایت تمرکز مالکیت در نمونه کامل و شرکت‌های با حاکمیت شرکتی قوی، تاثیر مثبت و معناداری بر ریسک سقوط قیمت سهام دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش با استفاده از اطلاعات ۱۵۳ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی یک بازه زمانی ۸ ساله از سال ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۲ به بررسی تأثیر اجرای کنترل داخلی بر ریسک سقوط قیمت سهام با توجه به نقش حاکمیت شرکتی پرداخته شده است. هدف اصلی این پژوهش بررسی اثرات رویه‌های کنترل داخلی در چارچوب COSO بر ریسک سقوط قیمت سهام در بازار سرمایه ایران است. کنترل داخلی COSO در قالب یک ساختار سلسله‌مراتبی سازمان‌دهی شده است که در این ساختار، مجموعه‌ای از معیارها و اصول تعریف شده‌اند و سبب می‌شود که امکان تمرکز روی هر یک از ابعاد نظام کنترل‌های داخلی در سازمان مورد نظر امکان‌پذیر گردد. COSO بر این باور است که این چارچوب، سازمان را قادر به توسعه و نگهداری کارآمد و مؤثر سیستم‌های کنترل داخلی می‌نماید که می‌توانند دستیابی به اهداف واحد تجاری و انطباق با تغییرات کسب‌وکار و محیط عملیاتی را تسهیل کنند. در کشورهای در حال توسعه با بازار سرمایه نوظهور، از آنجا که حفاظت از سرمایه‌گذاران ضعیف است و سیستم‌های نظارتی کارا نمی‌باشد، پیاده‌سازی چنین چارچوبی می‌تواند پیامدهای مطلوب بسیاری داشته باشد؛ بنابراین، لازم است پیامدهای اجرای آن به طور تجربی مورد بررسی قرار گیرد تا میزان کارایی آن مشخص شود. به همین منظور با استفاده از تحلیل متنی آیتم‌های ۵ معیار اصلی این چارچوب شامل محیط کنترل، ارزیابی ریسک، فعالیت‌های کنترلی، اطلاعات و ارتباطات و نظارت در گزارش‌های حسابرسی، گزارش‌های کنترل داخلی و گزارش‌های مالی و ایجاد یک شاخص واحد با استفاده از تحلیل مولفه‌های اصلی، این متغیر عملیاتی شد و اثرات آن با استفاده از ۱۲۲۴ مشاهده بر ریسک سقوط قیمت سهام شرکت‌ها در محیط ایران بررسی شد.

یافته‌های پژوهش نشان داد که اجرای کنترل داخلی در چارچوب COSO در محیط ایران به طور کلی، ضعیف است، با این حال، تأثیرات مطلوبی در کاهش ریسک سقوط قیمت سهام دارد. به عبارتی با توجه به اینکه اجرای کنترل داخلی می‌تواند به بهبود شفافیت اطلاعات مالی، کاهش عدم تقارن اطلاعات و افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران منجر شود، نتایج این پژوهش نشان‌دهنده اهمیت پیاده‌سازی مؤثر کنترل‌های داخلی در راستای کاهش ریسک‌های مرتبط با نوسانات قیمت سهام است. این نتیجه با یافته‌های ژو و همکاران (۲۰۲۴)، گونگ و همکاران (۲۰۲۱)، کیم و همکاران (۲۰۱۹) و فندرسکی و صفری گرایی (۱۳۹۷) هم‌راستا است. بر اساس این نتیجه، این پژوهش تأکید می‌کند که بهبود و تقویت سیستم‌های کنترل داخلی بر اساس چارچوب COSO می‌تواند به‌عنوان یک استراتژی کلیدی برای شرکت‌ها در ایران به منظور کاهش ریسک سقوط قیمت سهام و افزایش ثبات مالی در بازار سرمایه عمل کند؛ بنابراین، توصیه می‌شود که شرکت‌ها به سرمایه‌گذاری در بهبود فرآیندهای کنترل داخلی خود بپردازند و از مزایای آن بهره‌مند شوند. از طرفی، در این پژوهش تلاش شد تا نقش حاکمیت شرکتی در این رابطه نیز بررسی شود، زیرا اعتقاد بر این است که حضور مکانیسم‌های حاکمیتی مؤثر، امکان اجرای دقیق‌تر رویه‌های کنترل داخلی را فراهم می‌کند و این سیگنال را به بازار سرمایه ارسال می‌کند که کنترل داخلی کارایی بیشتری دارد. در این زمینه با توجه به چند معیار حاکمیت شرکتی قوی و ایجاد یک شاخص واحد، شرکت‌ها به دو گروه شرکت‌های با حاکمیت شرکتی قوی و ضعیف تقسیم شدند و تأثیر اجرای کنترل داخلی بر ریسک سقوط قیمت سهام در هر دو گروه آزمون شد. نتایج نشان داد، همچون نمونه آماری کامل، اجرای کنترل داخلی در چارچوب COSO در هر دو گروه با کاهش ریسک سقوط قیمت

سهام همراه است، ولی اثر آن در شرکت‌های با حاکمیت شرکتی قوی نسبت به شرکت‌های با حاکمیت شرکتی ضعیف، بارزتر و قوی‌تر است که این نتیجه با استدلال این پژوهش همخوانی دارد. این نتیجه نشان می‌دهد از منظر بازار سرمایه، زمانی که مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی موثری برای نظارت در شرکت وجود داشته باشد، این سیگنال ارسال می‌شود که کنترل‌های داخلی به‌طور مؤثرتری اجرا می‌شوند؛ بنابراین، اطلاعات افشا شده قابل اتکا هستند و زمینه پنهان کردن اخبار بد در شرکت‌ها محدود می‌شود و در نتیجه ریسک سقوط قیمت سهام به میزان بیشتری کاهش می‌یابد. این نتایج تا حدودی با یافته‌های جیایو و همکاران (۲۰۲۳)، اسماعیل و همکاران (۲۰۲۳) و حمیدیان و اسفندیاری (۱۳۹۷) هم‌سو است.

یافته‌های این پژوهش چندین کاربرد مدیریتی به همراه دارد. شرکت‌ها با یافته‌های این پژوهش تشویق می‌شوند که اطلاعات مربوط به کنترل داخلی را به‌طور کامل و فعالانه افشا کنند، زیرا به انتقال مثبت سیگنال‌های اطلاعاتی، کاهش عدم تقارن اطلاعات و کاهش ریسک‌های مرتبط با نوسانات قیمت سهام کمک می‌کند. همچنین، به مدیران شرکت‌ها پیشنهاد می‌کند بهبود فرایندهای کنترل داخلی به ویژه در چارچوب COSO را در نظر داشته باشند و کارایی کنترل داخلی خود را ارتقا دهند، زیرا می‌تواند به کاهش ریسک سقوط قیمت سهام کمک کند که برای عملکرد بازار سرمایه شرکت‌ها مفید است و اعتماد سرمایه‌گذاران را جلب می‌کند. از طرفی متصدیان بورس اوراق بهادار تهران باید شرکت‌ها را به داشتن کنترل داخلی کارا و مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی قوی ملزم و شرکت‌هایی را پذیرش کنند که کنترل داخلی و حاکمیت شرکتی کارا و موثری دارند. تنظیم‌کننده‌های مقررات نظارتی و حاکمیتی نیز باید الزامات سخت‌گیرانه‌تری برای اجرای کنترل داخلی و حاکمیت شرکتی ایجاد کنند.

اگرچه یافته‌های پژوهش سهم مهمی در توسعه مبانی نظری دارد، ولی دارای محدودیت‌هایی است که باید به آن توجه شود. عمده‌ترین محدودیت پژوهش حاضر این است که این پژوهش به داده‌های مالی و اطلاعات موجود در گزارش‌های سالانه شرکت‌ها متکی است که ممکن است به دلیل عدم شفافیت یا عدم دقت در گزارش‌دهی، بر نتایج تأثیر بگذارد.

بر اساس یافته‌های این پژوهش می‌توان به پژوهشگران آتی پیشنهاد کرد مکانیسم‌های اثرگذاری اجرای کنترل داخلی بر ریسک سقوط قیمت سهام را با در نظر گرفتن نقش میانجی عدم تقارن اطلاعاتی و شفافیت اطلاعات مورد بررسی قرار دهند.

فهرست منابع

حمیدیان، محسن، و اسفندیاری، ابراهیم (۱۳۹۷). رابطه بین حاکمیت شرکتی و ضعف کنترل داخلی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *کنفرانس بین‌المللی مطالعات بین رشته‌ای در مدیریت و مهندسی*.

<https://civilica.com/doc/883089>

شمگانی، رضا، و اژدر، محسن (۱۴۰۳). بررسی نقش تعدیلی حاکمیت شرکتی بر رابطه بین مکانیسم‌های کنترل داخلی و عملکرد مالی. *هفتمین کنفرانس بین‌المللی و هشتمین همایش ملی یافته‌های نوین در مدیریت، روانشناسی و*

حسابداری، ۱۶۸-۱۸۰. <https://civilica.com/doc/2066369>

فروغی، داریوش، و ساکیانی، امین (۱۳۹۵). تأثیر توانایی مدیریتی بر کارایی سرمایه‌گذاری. *حسابداری و منافع اجتماعی*، ۶ (۳)، ۹۷-۱۲۶. doi: [10.22051/ijar.2016.2533](https://doi.org/10.22051/ijar.2016.2533)

فندرسکی، علی، و صفری گرایلی، مهدی (۱۳۹۷). اثربخشی کنترل‌های داخلی و ریسک سقوط قیمت سهام. *پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*، ۱۰ (۳۸)، ۱۶۹-۱۸۶. dor: [20.1001.1.23830379.1397.10.38.8.0](https://doi.org/20.1001.1.23830379.1397.10.38.8.0)

کلاتر، فاطمه، معین‌الدین، محمود، و ابطحی، سید یحیی (۱۴۰۱). بررسی نقش تعدیلی حاکمیت شرکتی در ارتباط بین اهرم مالی و رشد شرکت‌ها با استفاده از رهیافت رگرسیون سوئیچینگ. *نشریه علمی سیاست‌گذاری اقتصادی*، ۱۴ (۲۸)، ۳۳-۲۸۵. doi: [22034/10/epj.19608/2023.2395](https://doi.org/22034/10/epj.19608/2023.2395)

Akmal, M., Rashid, A., & Amin, S. (2023). Corporate governance and information asymmetry. *Forman Journal of Economic Studies*, 18(2), 45-69. doi: [10.32368/FJES.20221808](https://doi.org/10.32368/FJES.20221808)

Arping, S., & Sautner, Z. (2013). Did SOX section 404 make firms less opaque? Evidence from cross-listed firms. *Contemporary Accounting Research*, 30(3), 1133-1165. doi: [10.1111/j.1911-3846.2012.01188.x](https://doi.org/10.1111/j.1911-3846.2012.01188.x)

Ashbaugh-Skaife, H., Collins, D. W., Kinney, W. R., & Lafond, R. (2009). The effect of SOX internal control deficiencies on firm risk and cost of equity. *Journal of Accounting Research*, 47(1), 1-43. doi: [10.1111/j.1475-679X.2008.00315.x](https://doi.org/10.1111/j.1475-679X.2008.00315.x)

Benmelegh, E., Kandel, E., & Veronesi, P. (2010). Stock-based compensation and CEO (dis) incentives. *Quarterly Journal of Economics*, 125, 1769-1820. www.jstor.org/stable/40961018

Bhagat, S., & Bolton, B. (2008). Corporate governance and firm performance. *Journal of Corporate Finance*, 14, 257-273. doi: [10.1016/j.jcorpfin.2008.03.006](https://doi.org/10.1016/j.jcorpfin.2008.03.006)

Cao, T., Nguyen, H., Nguyen, K., & Nguyen, L. (2023). Information asymmetry on the link between corporate social responsibility and stock price crash risk. *Cogent Economics & Finance*, 11(2), 2230727. doi: [10.1080/23322039.2023.2230727](https://doi.org/10.1080/23322039.2023.2230727)

Chen, J., Chan, K. C., Dong, W., & Zhang, F. D. (2017). Internal control and stock price crash risk: Evidence from China. *European Accounting Review*, 26(1), 125-152. doi: [10.1080/09638180.2015.1117008](https://doi.org/10.1080/09638180.2015.1117008)

Chen, S. Y., Li, Z. Z., Han, B. B., & Ma, H. Y. (2021). Managerial ability, internal control and investment efficiency. *Journal of Behavioral and Experimental Finance*, 31, 100523. doi: [10.1016/j.jbef.100523/2021](https://doi.org/10.1016/j.jbef.100523/2021)

Dang, V., & Nguyen, Q. K. (2024). Internal corporate governance and stock price crash risk: Evidence from Vietnam. *Journal of Sustainable Finance & Investment*, 14(1), 24-41. doi: [10.1080/20430795.2021.2006128](https://doi.org/10.1080/20430795.2021.2006128)

Denis, D., & McConnell, J. J. (2003). International corporate governance. *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, 38, 1-36. doi: [10.2307/4126762](https://doi.org/10.2307/4126762)

Elshandidy, T., & Shrivs, P. J. (2016). Environmental incentives for and usefulness of textual risk reporting: Evidence from Germany. *Journal of International Accounting*, 51(4), 464-486. doi: [10.1016/j.intacc.2016.10.001](https://doi.org/10.1016/j.intacc.2016.10.001)

Fendereski, A., & Safari Gerayli, M. (2018). The effectiveness of internal controls and stock price crash risk. *The Financial Accounting and Auditing Researches*, 10(38), 169-186. dor: [20.1001.1.23830379.1397.10.38.8.0](https://doi.org/20.1001.1.23830379.1397.10.38.8.0) [In Persian]

Foroghi, D., & Sakiani, A. (2016). The effect of managerial ability on investment efficiency. *Journal of Accounting and Social Interests*, 6(3), 97-126. doi: [10.22051/ijar.2016.2533](https://doi.org/10.22051/ijar.2016.2533)

- Gong, Y. F., Xia, Y. C., Xia, X. H., & Wang, Y. (2021). Management earnings forecasts bias, internal control, and stock price crash risk: new evidence from China. *Emerging Markets Finance and Trade*, 6, 1–13. doi: [10.1080/1540496X.2021.1931113](https://doi.org/10.1080/1540496X.2021.1931113)
- Gujarati, D.N. & Porter, D.C. (2009). *Basic Econometrics*. 5th Edition, McGraw Hill Inc., New York.
- Guo, J., Huang, P., Zhang, Y., & Zhou, N. (2016). The effect of employee treatment policies on internal control weaknesses and financial restatements. *The Accounting Review*, 91(4), 1167–1194. doi: [10.2308/accr-51269](https://doi.org/10.2308/accr-51269)
- Gupta, P. P., Sami, H., & Zhou, H. Y. (2018). Do companies with effective internal controls over financial reporting benefit from Sarbanes-Oxley sections 302 and 404? *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, 33(2), 200–227. doi: [10.1177/0148558X16663091](https://doi.org/10.1177/0148558X16663091)
- Hamidian, Mohsen; Esfandiari, Ebrahim. (2018). The relationship between corporate governance and internal control weaknesses in companies listed on the Tehran Stock Exchange. *International Conference on Interdisciplinary Studies in Management and Engineering*. <https://civilica.com/doc/883089> [In Persian]
- Healy, P. M., & Wahlen, J. M. (1999). A review of the earnings management literature and its implications for standard setting. *Accounting Horizons*, 13(4), 365–383. doi: [10.2308/acch.1999.13.4.365](https://doi.org/10.2308/acch.1999.13.4.365)
- Hutton, A. P., Marcus, A. J., & Tehranian, H. (2009). Opaque financial reports, R², and crash risk. *Journal of Financial Economics*, 94(1), 67–86. doi: [10.1016/j.jfineco.2008.10.003](https://doi.org/10.1016/j.jfineco.2008.10.003)
- Ismail, M. D., Kathim, A. M., & Al-Kanani, M. M. (2023). Corporate governance and its impact on the efficiency of internal control on non-profit government institutions: An exploratory study. *International Journal of Professional Business Review*, 8(1), 1–21. [10.26668/businessreview/2023.v8i1.1155](https://doi.org/10.26668/businessreview/2023.v8i1.1155)
- Jeon, K. (2019). Corporate governance and stock price crash risk. *Academy of Accounting and Financial Studies Journal*, 23(4), 1-13. www.abacademies.org/articles/Corporate-Governance-And-Stock-Price-Crash-Risk-1528-2635-23-4-433.pdf
- Jiayao, Z., Sadiq, M., & Ling, T. W. (2023). The impact of corporate governance on the internal control objectives: evidence from China's listed financial companies. *Cuadernos de Economia*, 46(131), 84-92. doi: [10.32826/cude.v2i131.1109](https://doi.org/10.32826/cude.v2i131.1109)
- Jin, L., & Myers, S. C. (2006). R² around the world: new theory and new tests? *Journal of Financial Economics*, 79(2), 257–292. doi: [10.1016/j.jfineco.2004.11.003](https://doi.org/10.1016/j.jfineco.2004.11.003)
- Kalantar, F., Moeinaddin, M. & Abtahi, S. Y. (2023). Analyzing the moderating effects of corporate governance and profitability on the relationship between financial leverage and growth using a switching regression model. *The Journal of Economic Policy*, 14(28), 285-313. doi: [10.22034/epj.2023.19608.2395](https://doi.org/10.22034/epj.2023.19608.2395) [In Persian]
- Kennedy, P. (1985). *A guide to econometrics*, second edition. Cambridge: The MIT Press.
- Kim, J. B., Li, Y. H., & Zhang, L. D. (2011). CFOs versus CEOs: Equity incentives and crashes. *Journal of Financial Economics*, 101(3), 713–730. doi: [10.1016/j.jfineco.2011.03.013](https://doi.org/10.1016/j.jfineco.2011.03.013)
- Kim, J. B., Yeung, I., & Zhou, J. (2019). Stock price crash risk and internal control weakness: Presence vs. disclosure effect. *Accounting & Finance*, 59(2), 1197–1233. [10.1111/acfi.12273](https://doi.org/10.1111/acfi.12273)
- Kothari, S. P., Shu, S., & Wysocki, P. D. (2009). Do managers withhold bad news? *Journal of Accounting Research*, 47(1), 241–276. doi: [10.1111/j.1475-679X.2008.00318.x](https://doi.org/10.1111/j.1475-679X.2008.00318.x)
- Li, W. Y. (2022). Disclosure of internal control material weaknesses and optimism in analyst earnings forecasts. *International Journal of Accounting Information Systems*, 44, 100545. doi: [10.1016/j.accinf.2021.100545](https://doi.org/10.1016/j.accinf.2021.100545)

- Lobo, G., Wang, C., Yu, X. O., & Zhao, Y. P. (2020). Material weakness in internal controls and stock price crash risk. *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, 35(1), 106–138. doi: [10.1177/01485558X17696761](https://doi.org/10.1177/01485558X17696761)
- Masulis, R. W., & Mobbs, S. (2011). Are all inside directors the same? Evidence from the external directorship market. *The Journal of Finance*, 66(3), 823–872. doi: [10.1111/j.15406261.2011.01653.x](https://doi.org/10.1111/j.15406261.2011.01653.x)
- McNulty, J. E., & Akhigbe, A. (2016). What do a bank's legal expenses reveal about its internal controls and operational risk? *Journal of Financial Stability*, 30, 181–191. doi: [10.1016/j.jfs.2016.10.001](https://doi.org/10.1016/j.jfs.2016.10.001)
- Rasheed, M. S., Kouser, S., & Ling, Z. (2024). Corporate governance and stock price crash risk: Insights from an Emerging Market. *Asia-Pacific Financial Markets*, 1-19. doi: [10.1007/s10690-024-09467-6](https://doi.org/10.1007/s10690-024-09467-6)
- San, Z., Wang, S., Xiu, Z., Zhou, L., & Zhou, Z. (2025). Political control, corporate governance and stock-price crash risk: evidence from China. *Emerging Markets Review*, 65, 101260. doi: [10.1016/j.ememar.2025.101260](https://doi.org/10.1016/j.ememar.2025.101260)
- Shamgani, R., & Azhdar, M. (1403). Investigating the moderating role of corporate governance on the relationship between internal control mechanisms and financial performance. *7th International Conference and 8th National Conference on New Findings in Management, Psychology and Accounting*, 168-180. <https://civilica.com/doc/2066369> [In Persian]
- Shleifer, A., & Vishny, R. W. (1986). Large shareholders and corporate control. *Journal of Political Economy*, 94(3), 448–461. doi: [10.1086/261385](https://doi.org/10.1086/261385)
- Singer, Z., & You, H. (2011). The effect of section 404 of the Sarbanes-Oxley Act on earnings quality. *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, 26(3), 556–589. doi: [10.1177/01485558X11401554](https://doi.org/10.1177/01485558X11401554)
- Tarkovska, V. (2014). Corporate governance and stock price crash risk: evidence from UK panel data. *Technological University Dublin*. doi: [10.21427/D7FF5M](https://doi.org/10.21427/D7FF5M)
- Tsai, Y. C., & Huang, H. W. (2021). Internal control material weakness opinions and the market's reaction to securities fraud litigation announcements. *Financial Research Letters*, 41, 101833. doi: [10.1016/j.frl.2020.101833](https://doi.org/10.1016/j.frl.2020.101833)
- Xie, B., Davidson III, W. N., & DaDalt, P. J. (2003). Earnings management and corporate governance: The role of the board and the audit committee. *Journal of Corporate Finance*, 9(3), 295–316. doi: [10.1016/S0929-1199\(02\)00006-8](https://doi.org/10.1016/S0929-1199(02)00006-8)
- Xue, C. Y., & Ying, Y. (2022). Financial quality, internal control and stock price crash risk. *Asia-Pacific Journal of Accounting & Economics*, 29(6), 1671–1691. doi: [10.1080/16081625.2020.1754254](https://doi.org/10.1080/16081625.2020.1754254)

Creative accounting determination and financial reporting quality: the integration of transparency in disclosure

Nasim Shahmoradi^{1,✉}, Sajad Mazidi Sharf Abadi²

1. Assistant Professor, Department of accounting, Ya.C., Islamic Azad University, Yazd, Iran.

2. Master's Degree, Department of accounting, Ya.C., Islamic Azad University, Yazd, Iran.

ARTICLE INFO	ABSTRACT
Received: 18 January 2024 Revised: 19 April 2025 Accepted: 25 April 2025 Keywords: Creative accounting, disclosure quality, disclosure transparency, financial reporting quality, internal controls JEL Classification: M41	Purpose: High-quality financial reporting can be instrumental in making appropriate decisions. Therefore, the present study aims to examine the relationship between the application of creative accounting and financial reporting quality, addressing the influence of disclosure transparency on this relationship. Methodology: This study follows an inductive approach and employs a quantitative methodology. Data collection methods include fieldwork and library research. Strategically, the study is survey-based, and its purpose is descriptive. The statistical population consists of accountants and auditors working in the private sector. Using Cohen's formula, a sample of 200 accountants and auditors was selected for the study. Data was gathered through questionnaires and analyzed using structural equation modeling (SEM) with the SmartPLS software. Findings: The results indicate that the application of creative accounting, encompassing the concepts of ethical statements, disclosure quality, internal controls, and ownership structure, has a direct impact on financial reporting quality. Furthermore, disclosure transparency does not moderate the relationship between the application of creative accounting (including the concepts) and financial reporting quality. Originality: This study analyzed creative accounting through the dimensions of ethical issues, ownership structure, internal controls, and disclosure quality, examining their effects on reporting quality in the form of separate hypotheses. The findings demonstrate the positive impact of these variables. Additionally, disclosure transparency does not affect this relationship. Hence, the application of creative accounting dimensions improves financial reporting quality.

Cite this paper: Shahmoradi, N., & mazidi sharf Abadi, S. (2025). Creative accounting determination and financial reporting quality: the integration of transparency in disclosure. *Journal of Accounting & Financial Transparency*, 3(1), 52–78. <https://doi.org/10.71965/AFT.2025.1196918> [In Persian]

✉ Corresponding Author.

Email Address: nasim.shahmoradi@iau.ac.ir

© 2025 the author(s).

This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited. The terms on which this article has been published allow the posting of the Accepted Manuscript in a repository by the author(s) or with their consent.

Introduction

In the contemporary business environment, the reliability and transparency of financial reporting have become critical for fostering investor confidence and ensuring effective corporate governance. Creative accounting, while not inherently illegal, entails the manipulation of financial figures within legal boundaries, often compromising the true and fair view of financial statements. This practice is particularly common in emerging economies and has drawn scholarly attention regarding its causes and consequences.

This study examines the determinants of creative accounting and their impact on financial reporting quality in Iran's private sector. It also investigates whether disclosure transparency moderates these relationships. While many studies have explored creative accounting globally, few have done so within the specific regulatory and cultural context of Iran. By including variables such as ethical standards, internal controls, ownership structure, and disclosure quality, this research addresses a significant gap in the literature.

Methodology

The study uses a quantitative approach, utilizing survey-based data collection and structural equation modeling (SEM) via SmartPLS software. Data were gathered from 200 accountants, auditors, and financial managers across private-sector organizations in Iran, selected through stratified sampling to ensure diversity in firm size and industry. The research instrument was a structured questionnaire adapted from validated sources to fit the Iranian context. Independent variables include ethical standards (moral responsibility and adherence to accounting principles), internal control effectiveness (financial oversight mechanisms), ownership structure (share distribution and concentration), and disclosure quality (clarity and completeness of reports).

Financial reporting quality was measured based on relevance, faithful representation, understandability, and comparability. Disclosure transparency was considered a moderate variable and assessed through participants' perceptions of openness and clarity in financial disclosures.

Results

Findings reveal that ethical standards, internal controls, ownership structure, and disclosure quality all have statistically significant effects on financial reporting quality. Among them, disclosure quality exerted the strongest positive influence, followed by ethical standards. However, the moderating role of disclosure transparency was not statistically significant, suggesting that while transparency is essential, it does not meaningfully change the relationships between determinants and reporting quality. Reliability and validity were confirmed through composite reliability and AVE measures.

The coefficient of determination for the financial reporting quality variable is estimated to be 0.414, indicating that the variables of ethical standards compliance, disclosure quality, internal control adherence, and ownership structure collectively explain 41% of the variance in financial reporting quality. Based on the standard coefficients and t-statistics, it can be stated that disclosure quality (0.336), ethical standards compliance (0.208), internal control adherence (0.182), and ownership structure (0.167) have the most significant impact, in descending order, on financial reporting quality. However, transparency in disclosure and interactive relationships to measure the effect of the moderating variable did not show a significant effect. Analysis showed that firms with dispersed ownership and robust internal controls tend to have higher financial reporting quality, while concentrated ownership is linked to higher levels of creative accounting. These results are consistent with agency theory, which

suggests that wider ownership dispersion reduces agency conflicts.

Conclusions

This study's first hypothesis explores the impact of ethical compliance on the quality of financial reporting, while the fifth hypothesis examines whether disclosure transparency moderates this relationship. The findings indicate that adherence to ethical codes and guidelines significantly enhances financial reporting quality. As ethical compliance improves, so does the reliability and transparency of financial reports. However, the moderating effect of disclosure transparency on this relationship is not statistically significant. These results align with previous studies by [Sadeghian et al. \(2019\)](#) and [Shoja et al. \(2021\)](#).

The second hypothesis assesses the direct influence of disclosure quality on financial reporting quality. The sixth hypothesis investigates whether disclosure transparency moderates this relationship. Results show that higher disclosure quality positively and directly contributes to improved financial reporting. Nonetheless, disclosure transparency does not have a moderating or significant influence in this context. These findings are consistent with [Rahmani & Bashiri Manesh \(2014\)](#).

The third hypothesis examines the role of structured internal controls in enhancing financial reporting quality, with the seventh hypothesis focusing on the potential moderating role of disclosure transparency. The evidence suggests that effective internal control systems lead to better financial reporting quality. As internal control practices become more robust, reporting quality improves. Again, disclosure transparency does not exhibit a moderating effect. These results are in line with the findings of [Rezaei \(2020\)](#).

The fourth hypothesis explores the impact of ownership structure on the quality of financial reporting, while the eighth hypothesis evaluates whether disclosure transparency moderates this effect. The

findings reveal a strong positive relationship between ownership structure and improved financial reporting quality. However, disclosure transparency does not significantly influence or moderate this relationship. These results are consistent with [Eskandar et al. \(2021\)](#), although they differ from [Abed et al. \(2022\)](#), who found a significant moderating effect of disclosure transparency.

In summary, this study finds that creative accounting, when implemented ethically and in conjunction with robust internal controls and ownership structures, can enhance the quality of financial reporting. The absence of a moderating role for disclosure transparency suggests that transparency alone may not be sufficient to influence this relationship. These findings highlight the importance of ethical standards, governance practices, and a holistic view of financial behavior in understanding and improving the practice of financial reporting. The study offers valuable implications for regulators, standard setters, and corporate managers seeking to strike a balance between innovation in accounting and the preservation of financial integrity.

The originality of this study lies in its multifaceted approach to understanding creative accounting. Rather than treating it as a monolithic or unethical practice, the study breaks down creative accounting into distinct dimensions, allowing for a more nuanced assessment of its implications. By considering variables such as ethical awareness, control mechanisms, ownership arrangements, and disclosure practices, the research provides a comprehensive framework for evaluating how creative accounting affects reporting quality in different organizational contexts. Additionally, the inclusion of disclosure transparency as a potential moderator contributes to the limited body of research examining how contextual factors influence the effects of creative accounting. The lack of a significant moderate effect also raises

new questions about the relative importance of transparency versus structural and ethical variables in shaping financial reporting outcomes.

Author Contributions

All authors contributed equally to the conceptualization of the article and writing of the original and subsequent drafts.

Data Availability Statement

The data that support the findings of this study are available from the corresponding author, upon reasonable request.

Acknowledgements

The authors would like to thank all participants in the present study.

Ethical Considerations

The authors avoided data fabrication, falsification, plagiarism, and misconduct.

Funding

This research did not receive any specific grant from funding agencies in the public, commercial, or not-for-profit sectors.

Conflict of Interest

The authors declare no conflict of interest.



بررسی تأثیر حسابداری خلاقانه بر کیفیت گزارشگری مالی با در نظر گرفتن نقش شفافیت در افشا

نسیم شاه مرادی^۱✉، سجاد مزیدی شرف آبادی^۲

۱. استادیار، گروه حسابداری، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

۲. کارشناسی ارشد، گروه حسابداری، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

اطلاعات مقاله	چکیده
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۹ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۱/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۰۵ کلیدواژه‌ها: حسابداری خلاقانه، شفافیت در افشا، کنترل‌های داخلی، کیفیت افشاء، کیفیت گزارشگری مالی. طبقه‌بندی موضوعی: M41	هدف: گزارشگری مالی با کیفیت می‌تواند در جهت اخذ تصمیمات مناسب مفید باشد، لذا هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه مابین بکارگیری حسابداری خلاقانه و کیفیت گزارشگری مالی می‌باشد و به این موضوع می‌پردازد که آیا شفافیت در افشا بر این رابطه اثرگذار است. روش‌شناسی: این پژوهش از لحاظ رویکرد، استقرایی و از لحاظ روش‌شناسی کمی است. شیوه گردآوری داده‌ها میدانی و کتابخانه‌ای است و از نظر راهبرد، پیمایشی و از لحاظ هدف، توصیفی می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش، شامل حسابداران و حسابرسان شاغل در بخش خصوصی می‌باشد که با استفاده از فرمول کوهن نمونه انتخاب می‌گردد؛ لذا تعداد ۲۰۰ نفر از حسابداران و حسابرسان در این مطالعه شرکت نمودند. داده‌های پژوهش از طریق پرسشنامه جمع‌آوری گردیده و با استفاده از روش معادلات ساختاری و نرم‌افزار اسمارت پی ال اس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. یافته‌ها: نتایج به دست آمده حاکی از آن است که به‌کارگیری حسابداری خلاقانه مشتمل بر مفاهیم موازین اخلاقی، کیفیت افشاء، کنترل‌های داخلی و ساختار مالکیت، بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر مستقیم دارد و شفافیت در افشا تأثیر به‌کارگیری حسابداری خلاقانه مشتمل بر مفاهیم مذکور، بر کیفیت گزارشگری مالی را تعدیل نمی‌کند. دانش‌افزایی: در این پژوهش حسابداری خلاقانه در ابعاد مسائل اخلاقی، ساختار مالکیت، کنترل داخلی و کیفیت افشا مورد تحلیل قرار گرفته و تاثیر آنها بر کیفیت گزارشگری در قالب فرضیات مجزا مورد بررسی قرار گرفته که نتایج نشان دهنده تاثیر مثبت این متغیرها می‌باشد همچنین شفافیت در افشا بر این رابطه اثرگذار نیست. لذا بکارگیری ابعاد حسابداری خلاقانه منجر به بهبود کیفیت گزارشگری مالی می‌گردد.

استناد: شاه مرادی، نسیم، و مزیدی شرف آبادی، سجاد (۱۴۰۴). بررسی تأثیر حسابداری خلاقانه بر کیفیت گزارشگری مالی با در نظر گرفتن نقش شفافیت در افشا. حسابداری و شفافیت مالی، ۳(۱)، ۷۸-۵۲. <https://doi.org/10.71965/aft.2025.1196918>

✉ نویسنده مسئول.

پست الکترونیکی: nasim.shahmoradi@iaui.ac.ir

© 2025 the author(s).

This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited. The terms on which this article has been published allow the posting of the Accepted Manuscript in a repository by the author(s) or with their consent.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین اهداف گزارشگری مالی ارائه اطلاعات برای تصمیم‌گیری است. تصمیم‌گیری بهینه برای سرمایه‌گذاری و به بیان بهتر، تخصیص صحیح منابع کمیاب در جامعه مستلزم وجود اطلاعات مالی باکیفیت است. افشا اطلاعات و گزارشگری مالی توسط شرکت‌ها یکی از منابع مهم و ارزشمند اطلاعاتی برای سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و سایر ذی‌نفعان در جهت تصمیم‌گیری اقتصادی آگاهانه است (مهرانی و همکاران، ۱۴۰۰). هنگامی که اطلاعات حسابداری موضوعی را با برخی از شیوه‌های حسابداری خلاقانه اعلام می‌کند، آن اطلاعات توانایی کاربران را در تصمیم‌گیری خوب و مفید کاهش خواهد داد؛ زیرا متخصصان حسابداری با دانش خود تصویر زیبایی از عملکرد مالی شرکت ارائه می‌دهند که در واقعیت چنین نیست (قشقای و بیگ لر، ۱۳۹۸). برای محدودکردن این شیوه‌ها و پیداکردن راه‌حل مناسب برای این مشکل، نیاز به ارزیابی احساس می‌شود. حساب‌برسان برای تشخیص شیوه‌های حسابداری خلاقانه واجد شرایط هستند زیرا فرض بر این است که آن‌ها دارای دانش مناسبی در مورد حرفه حسابداری و حسابرسی هستند (سیریواردن^۱ و همکاران، ۲۰۱۴). یکی از اهداف گزارشگری مالی، ارائه اطلاعاتی است که برای سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و کاربران فعلی و بالقوه در تصمیم‌گیری‌های مربوط به سرمایه‌گذاری و اعتباردهی و سایر تصمیم‌ها، سودمند باشد. از معیارهای مهمی که گروه‌های مزبور برای برآورد قدرت سودآوری شرکت، پیش‌بینی سودهای آینده و ریسک‌های مربوط به آن و همچنین ارزیابی عملکرد مدیریت استفاده می‌کنند می‌توان به معیارهای سودهای جاری و گذشته شرکت اشاره کرد. از سوی دیگر، باتوجه به تئوری نمایندگی مدیران می‌توانند از انگیزه الزام برای دست‌کاری سود به منظور حداکثرکردن منافع خود برخوردار باشند (لی و وانگ^۲، ۲۰۱۰). سوالی که در این مورد مطرح می‌شود این است که تأثیر شفافیت در افشا بر رابطه بین حسابداری خلاقانه و کیفیت گزارشگری مالی چگونه است؟

شفافیت اطلاعات در فرایند گزارشگری مالی مورد توجه عمیق مجامع حرفه‌ای قرار گرفته و به منظور سنجش شفافیت گزارشگری مالی ممکن است از معیارهای تک‌بعدی و یا چندبعدی استفاده شود (طاهری عابد و همکاران، ۱۳۹۷). کیفیت افشای اطلاعات یکی از مهم‌ترین معیارها جهت ارزیابی اطلاعات گزارش شده است. چنانچه کیفیت افشا افزایش یابد اطلاعات ارائه شده اعتبار بیشتری داشته و اطلاعات محرمانه و عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش می‌دهد. بنابراین کیفیت افشا با تأثیر بر نرخ بازدهی مورد انتظار سهام‌داران، ارزش شرکت را تغییر می‌دهد (کردستانی و همکاران، ۱۳۹۲).

گزارشگری مالی با در نظر گرفتن نقش شفافیت در افشا در گذشته کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. به‌ویژه در بازارهای نوظهور، پژوهش‌هایی که به بررسی این موضوع پرداختند، بسیار کمیاب هستند. این کمبود پژوهش‌ها نشان‌دهنده یک خلاء علمی مهم است که نیاز به بررسی و تحلیل دارد. برای مثال، در ایران، شفافیت اطلاعات مالی و تأثیر آن بر محتوای اطلاعاتی سود مورد بررسی قرار گرفته (مهرآذین و همکاران، ۱۳۹۱) و در سایر پژوهش‌ها، شفافیت سود و متغیرهای اثرگذار بر آن مورد بررسی قرار گرفته است (بولو و رحمانی ۱۳۹۲؛ کردستانی و همکاران، ۱۳۸۹). ولی پژوهشی که به بررسی همزمان حسابداری خلاقانه و کیفیت گزارشگری مالی و شفافیت در افشا در داخل

^۱. Siriwardane^۲. Li & Wang

کشور پردازد یافت نشده که این تحقیق نه تنها به پر کردن این خلاء کمک می‌کند، بلکه این موضوع به عنوان نوآوری علمی به حساب می‌آید؛ زیرا با در نظر گرفتن شفافیت در افشا به بررسی دقیق‌تر و جامع‌تری از تأثیر حسابداری خلاقانه بر کیفیت گزارشگری مالی می‌پردازد. این رویکرد بهبود کیفیت گزارشگری مالی، افزایش اعتماد به اطلاعات مالی و بهبود تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران را به دنبال خواهد داشت. با تکمیل این تحقیق، نه تنها دانش موجود در این حوزه گسترش می‌یابد، بلکه همچنین راهکارهایی برای بهبود شفافیت و کیفیت گزارشگری مالی ارائه می‌شود که می‌تواند به عنوان مبنایی برای سیاست‌گذاری‌های مالی و حسابداری مورد استفاده قرار گیرد.

در ادامه پژوهش ابتدا به مبانی نظری پرداخته شده و سپس پیشینه پژوهش ارائه می‌شود. سپس فرضیه‌ها ارائه شده و روش تحقیق ذکر می‌گردد. در پایان یافته‌ها و بحث و نتیجه‌گیری ارائه می‌شود.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

حسابداری خلاقانه

حسابداری خلاقانه به عنوان مجموعه‌ای از شیوه‌های حسابداری تعریف می‌شود که در حد قوانین توسط برخی نهادهای اقتصادی به منظور مطلوب نشان دادن موقعیت مالی و عملکرد اقتصادی تجربه می‌شود. در تعریف دیگر حسابداری خلاقانه استفاده از انعطاف‌پذیری روش‌های حسابداری داخل چارچوب قانونی برای کنترل و مدیریت شیوه‌های اندازه‌گیری و گزارش حساب‌ها به گونه‌ای که منافع تهیه‌کنندگان حساب‌ها را بر منافع استفاده‌کنندگان آن مقدم بداند، تعریف شده است (هاسین^۱، ۲۰۱۵).

حسابداران و مدیران مالی از میزان بالای انعطاف‌پذیری موجود در استانداردهای حسابداری بهره‌برداری می‌کنند. از جمله دلایل ترغیب مدیریت به استفاده از حسابداری خلاقانه را می‌توان موارد زیر عنوان نمود: ارائه یک‌روند ثابت رشد در سود یا همان هموار سازی سود، کمک به تحلیلگران مالی در جهت پیش بینی وضعیت رضایت‌بخش برای شرکت، پنهان کردن اخبار بد و حفظ ثبات قیمت سهام. در کل می‌توان گفت که حسابداری خلاقانه فرایندی تابع انتظارات مدیریت است تا با تبدیل اطلاعات مالی واقعی به اطلاعات نادرست، نسبت به برآوردن اهداف و رضایت صاحبان منافع اقدام لازم را انجام دهند. لذا مدیران با فشار بر واحد حسابداری تلاش می‌کنند تا صورتهای مالی را آن‌گونه انعکاس دهند که نقض استانداردها و قوانین صورت نگیرد و از این طریق منافع آنان تأمین شود (محمدی و همکاران، ۱۴۰۲). لذا هوشمندی در استفاده از انعطاف‌پذیری قوانین یا استانداردها، کاهش هزینه‌ها به واسطه انتخاب از میان روش‌های موجود استهلاک؛ اجتناب مالیاتی به واسطه انتقال هزینه‌های اختیاری از دوره‌ای به دوره دیگر و یا انتخاب روشهای ارزیابی موجودی و یا سایر روش‌هایی که کیفیت گزارشگری مالی و سود شرکت اثرگذار است بسیار با اهمیت بوده و تأثیر آن بر کیفیت گزارشگری مالی باید مد نظر قرار گیرد. در این پژوهش و بر اساس پژوهش عابد و همکاران (۲۰۲۲) ابعادی از حسابداری خلاقانه مورد بررسی قرار گرفته که بر کیفیت گزارشگری مالی اثرگذاری بیشتری دارد و شامل ابعاد رعایت موازین اخلاقی، ساختار مالکیت، رعایت کنترل داخلی و کیفیت افشا می‌باشد (عابد و همکاران، ۲۰۲۲). موازین اخلاقی به کار گرفته شده در شرکتها برای کنارگذاری و یا تعدیل فعالیت‌های حسابداری

^۱. Hasin

خلاقانه بسیار اثرگذار است. علاوه بر آن، تمایل بعضی از مدیران برای دستیابی به عایدی های کوتاه مدت نتیجه محیط غیر اخلاقی واحد تجاری می باشد که با ارائه موازین و منشورهای اخلاقی و کنترل رعایت آنها می توان تا حد بسیاری شرایط را بهبود بخشید. از سویی دیگر، وجود ساختار کنترل داخلی مناسب منجر به کاهش هزینه های حسابرسی گردیده و یکنواختی و قابلیت اعتماد گزارشگری مالی شرکت را بهبود می بخشد. نتایج پژوهش های پیشین حاکی از آن است که فقدان کنترل های داخلی منجر به کاهش بی طرفی و کیفیت گزارشگری مالی توسط مدیران شرکتها می گردد (عابد و همکاران، ۲۰۲۲). علاوه بر آن، ساختار مالکیت نیز بر عملکرد شرکت و کیفیت گزارشگری مالی اثرگذار است. سهامداران شرکتها انگیزه کمتری برای دستکاری صورت های مالی دارند و حضور آنان فعالیت های حسابداری خلاقانه را محدودتر می نماید و هرچه نظارت ضعیف تری بر کارکنان انجام شود، منجر به کاهش کیفیت گزارشگری مالی می گردد. عدم تقارن اطلاعاتی نیز دارای رابطه مستقیمی با روش های حسابداری خلاقانه دارد و در صورت وجود کیفیت بالای افشا در یک شرکت، عدم تقارن اطلاعاتی کاهش می یابد و منجر به کاهش دستکاری های مدیریت مخصوصاً مواردی که به طور مستقیم با سودآوری پایین مرتبط است، می گردد و موارد ذکر شده لزوم بررسی کیفیت افشا و کیفیت گزارشگری مالی را نشان می دهد.

شفافیت در افشا

یکی از مهم ترین اهداف گزارشگری مالی ارائه اطلاعات برای تصمیم گیری است. این امر نیازمند افشای مناسب داده های مالی و سایر اطلاعات مربوط است. افشا در محدودترین حالت خود شامل مواردی مانند بحث و تحلیل مدیریت، یادداشت های همراه و گزارش های مکمل است (هندریکسن و ون بردا^۱، ۱۹۹۲). در واقع هدف افشای اطلاعات، کاهش فاصله انتظارات میان سرمایه گذاران است یعنی کاهش مزایای ناشی از مزیت اطلاعاتی سرمایه گذاران که در نتیجه باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی در بازار می شود (لیوز و ویسوکي^۲، ۲۰۰۶). افزایش کیفیت گزارشگری مالی و کیفیت افشا می تواند موجب کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین شرکت و اعتباردهنده شود و به این طریق، اعتبار تجاری بیشتری از فروشنده دریافت کند (یان^۳، ۲۰۱۳). کیفیت افشای عمومی اطلاعات به صورت معکوسی به عدم تقارن اطلاعاتی مرتبط می شود، زیرا: اولاً، اگر چه کیفیت افشا با میزان مطلق مبادلات آگاهانه و غیرآگاهانه به صورت مثبت مرتبط است، ولی با میزان نسبی مبادلات آگاهانه به صورت معکوس هم مرتبط می باشد. ثانیاً، کیفیت افشا با فراوانی معاملات انجام شده بر اساس اطلاعات خصوصی توسط سرمایه گذاران آگاه، به صورت معکوس مرتبط می شود (ستایش و همکاران، ۱۳۹۰).

از جمله عوامل موثر بر ایجاد اعتماد در بین سرمایه گذاران، شفافیت در گزارشگری مالی است که بر خلاف عدم شفافیت که می تواند موجب بدبینی سرمایه گذاران شده و در نهایت منجر به ارزش گذاری ضعیف شرکت و عدم اطمینان در سرمایه گذاران شود و در نهایت منجر به حفظ اعتماد سرمایه گذاران و استفاده کنندگان بیرونی به شرکت می گردد. با توجه به مباحث ذکر شده و مبانی نظری (عابد و همکاران، ۲۰۲۲)، انتظار می رود شفافیت در افشا تاثیرات و احتمال استفاده از روش های حسابداری خلاقانه که بر کیفیت گزارشگری مالی نیز اثرگذار هستند را تحت تاثیر قرار داده و

^۱. Hendriksen & Van Breda

^۲. Leuz & Wysocky

^۳. Yun

در نهایت منجر به بهبود کیفیت گزارشگری گردد که در فرضیه‌ها مورد آزمون قرار می‌گیرد.

کیفیت گزارشگری مالی

کیفیت گزارشگری مالی میزان دقت و صداقت مدیران را در ارائه اطلاعات منصفانه و حقیقی برای تصمیم‌گیرندگان تعریف شده است. به عبارتی، هرگاه مدیران در ارائه اقلام مندرج در صورت‌های مالی دو واژه بی‌طرفی و عینیت را رعایت کرده باشند، می‌توان ادعا کرد که کیفیت گزارشگری مالی وجود دارد (برانت^۱ و همکاران، ۲۰۱۰).

در این پژوهش و بر اساس روش **عابد و همکاران (۲۰۲۲)**، کیفیت گزارشگری در ۴ بعد مربوط بودن، صداقت در ارائه، قابل فهم بودن و قابل مقایسه بودن مورد بررسی قرار گرفته است. بر اساس مفاهیم نظری گزارشگری مالی در بخش خصوصی، اطلاعاتی مربوط تلقی می‌شود که بر تصمیمات اقتصادی استفاده‌کنندگان در ارزیابی رویدادهای گذشته، حال یا آینده یا تایید یا تصحیح ارزیابی‌های گذشته آنها مؤثر واقع شود و دارای اثر پیش‌بینی‌کنندگی و تاییدکنندگی باشند. صداقت در ارائه نیز بدان معناست که اطلاعات باید اثر معاملات و سایر رویدادهایی را که ادعا می‌کند بیانگر آن است یا به گونه‌ای معقول انتظار می‌رود بیانگر آن باشد به‌طور صادقانه بیان کند. بدین ترتیب صورت وضعیت مالی باید بیانگر صادقانه اثرات معاملات و سایر رویدادهایی باشد که منجر به ایجاد عناصری در تاریخ ترازنامه می‌گردد که معیار شناخت را داشته باشند. از سویی دیگر، استفاده‌کنندگان باید بتوانند صورت‌های مالی را طی زمان جهت تشخیص روند تغییرات در وضعیت مالی، عملکرد مالی و انعطاف‌پذیری مالی واحد تجاری مقایسه نمایند. استفاده‌کنندگان همچنین باید بتوانند صورت‌های مالی واحدهای تجاری مختلف را مقایسه کنند تا وضعیت مالی، عملکرد مالی و انعطاف‌پذیری مالی آنها را نسبت به یکدیگر بسنجند. بدین ترتیب ضرورت دارد اثرات معاملات و سایر رویدادهای مشابه در داخل واحد تجاری و در طول زمان برای آن واحد تجاری با ثبات رویه اندازه‌گیری و ارائه شود و بین واحدهای تجاری مختلف نیز هماهنگی رویه در مورد اندازه‌گیری رعایت گردد. قابل فهم بودن نیز یک خصوصیت کیفی مهم در مورد اطلاعات ارائه شده در صورتهای مالی است که به آسانی برای استفاده‌کنندگان قابل درک باشد و به ادغام و طبقه‌بندی و توان استفاده‌کنندگان مربوط می‌شود.

پیشینه تحقیق

صفرزاده و همکاران (۱۴۰۳) در پژوهشی به بررسی ارتباط بین ویژگی‌های مدیران ارشد مالی (شامل جنسیت، دوره تصدی و سابقه حسابرسی) با کیفیت گزارشگری مالی پرداختند. جهت سنجش گزارشگری مالی با کیفیت از معیار اقلام تعهدی اختیاری (مدل کازنیک) استفاده شد و از رگرسیون جهت تحلیل داده‌ها برای ۱۳۵ شرکت پذیرفته شده در بورس تهران استفاده گردید. شواهد مبین نقش قابل ملاحظه مدیران مالی در ساختار حاکمیت شرکتی و گزارشگری مالی می‌باشد.

خلیلیان (۱۴۰۲) پژوهشی را با عنوان «عدم شفافیت گزارشگری مالی، کیفیت حسابرسی، ریسک سقوط سهام» به انجام رساند. به‌منظور آزمون ۱۱۳ شرکت با روش رگرسیون چندمتغیره مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج حاکی از آن است که عدم شفافیت گزارشگری مالی بر ریسک سقوط سهام تأثیر مثبت و معنادار دارد و کیفیت حسابرسی بر ریسک سقوط سهام تأثیر منفی دارد.

^۱. Brandt

برزیده و همکاران (۱۴۰۲) پژوهشی را با عنوان «الگوی بهبود افشا در گزارشگری مالی» با استفاده از تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌های انجام شده با صاحب‌نظران با استفاده از روش تحلیل تم انجام دادند. جامعه آماری پژوهش، شامل اعضای هیئت علمی، شاغلین نهادهای حرفه‌ای، مدیران، تحلیلگران و شرکای موسسات حسابرسی است که با روش گلوله برفی، ۲۲ نمونه انتخاب شدند. یافته‌های پژوهش در قالب سه بخش بسترهای افشا در ایران، مشکلات فعلی افشا در گزارشگری مالی و راهکارهای بهبود افشا ارائه شده است.

سعدی و همکاران (۱۴۰۱) پژوهشی را با استفاده از روش تحلیل عاملی انجام دادند. جامعه آماری این تحقیق شامل ۲۳۴ نفر از افراد شاغل در حرفه حسابداری، مشاوران و فعالان بازار سرمایه و استفاده کنندگان از صورتهای مالی شرکتها بوده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بکارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، موجب افزایش سطح محافظه کاری، کاهش مدیریت سود، کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و افزایش شفافیت اطلاعات ارائه شده گردیده و کیفیت کلی اطلاعات حسابداری را بهبود می‌بخشد.

ماه‌آرپور و همکاران (۱۴۰۰) پژوهشی را با عنوان «شناسایی چالش‌های پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی حسابداری ابزارهای مشتقه: با تأکید بر الزامات افشا» با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی انجام دادند. یافته‌ها نشان می‌دهد پیچیدگی و دشواری پیاده‌سازی الزامات افشا در عمل به کمبود انگیزه برای رعایت الزامات افشا و عدم شفافیت در گزارشگری مالی در کنار ضعف الزامات و ضمانت‌های اجرایی در محیط گزارشگری ایران می‌تواند بر اثربخشی استاندارد یاد شده و گزارشگری ابزارهای مشتقه اثر منفی داشته باشد و منجر به ضعف در ارائه اطلاعات کافی، قابل‌مقایسه، سودمند و قابل‌اتکا در این حوزه گردد.

مهرانی و همکاران (۱۳۹۹) پژوهشی را با عنوان «شناسایی مؤلفه‌های گزارشگری مالی با رویکرد الگوی کسب و کار و با استفاده از روش تحلیل تم انجام دادند. در این پژوهش مؤلفه‌های گزارشگری مالی مبتنی بر مفهوم الگوی کسب و کار (ابعاد شامل شفافیت و روایی، پاسخ‌گویی اجتماعی، مدیریت ذی‌نفعان، محرک‌های کلیدی، عدالت و انصاف در توزیع گزارش، ارائه و نحوه افشا) تعیین گردیده و به این نتیجه رسیدند که می‌توان با مهندسی مجدد صورت‌های مالی برای بهبود محتوای اطلاعاتی آنها گام‌های اساسی برداشت.

رحمان^۱ و همکاران (۲۰۲۳) پژوهشی را با عنوان «سوابق و تأثیر شیوه‌های حسابداری خلاق بر نتایج سازمانی: شواهد از بنگلادش» به انجام رساندند. جمع‌آوری داده‌ها از ۳۵۴ شرکت سهامی در بورس داکا بنگلادش انجام و با مدل‌سازی معادلات ساختاری و با استفاده از نرم‌افزار پی‌ال‌اس تحلیل شده است. نتایج حاکی از تأثیر حسابداری خلاق بر عملکرد شرکت بوده است.

حیدر بدر ازغایر^۲ (۲۰۲۲) پژوهشی را با هدف بررسی روابط علی کیفیت گزارشگری و ابعاد عوامل حسابداری خلاقانه در بین ۳۸۴ کارکنان در شرکت‌های بورسی در عراق انجام دادند. نتایج نشان داد که همه عوامل تعیین‌کننده حسابداری خلاق تأثیر مثبت و معناداری بر ابعاد کیفیت گزارشگری مالی داشته و درنهایت بر لزوم اتخاذ عوامل به عنوان اولین خط دفاعی تأکید کردند.

عابد و همکاران (۲۰۲۲) پژوهشی با عنوان «تعیین حسابداری خلاقانه و کیفیت گزارشگری مالی: ادغام شفافیت

^۱. Rahman

^۲. Hayder Badr Ezghayer

و افشا» به انجام رساندند. داده‌های ۱۴۶ شرکت پذیرفته شده در بورس مورد بررسی قرار گرفته و یافته‌های تحقیق نشان داد که ابعاد حسابداری خلاقانه با ابعاد شفافیت و افشاگری مرتبط است.

الشاعر^۱ و همکاران (۲۰۲۰) پژوهشی را با عنوان «کیفیت گزارشگری پایداری و کیفیت گزارشگری مالی پس از حسابرسی: شواهد تجربی از انگلستان» به انجام رساندند. نتایج حاکی از آن بود که شرکت‌هایی که گزارش‌های پایداری باکیفیت بالا تولید می‌کنند به طور قابل توجه و منفی با معیارهای مدیریت سود مرتبط هستند.

فرضیه‌های پژوهش

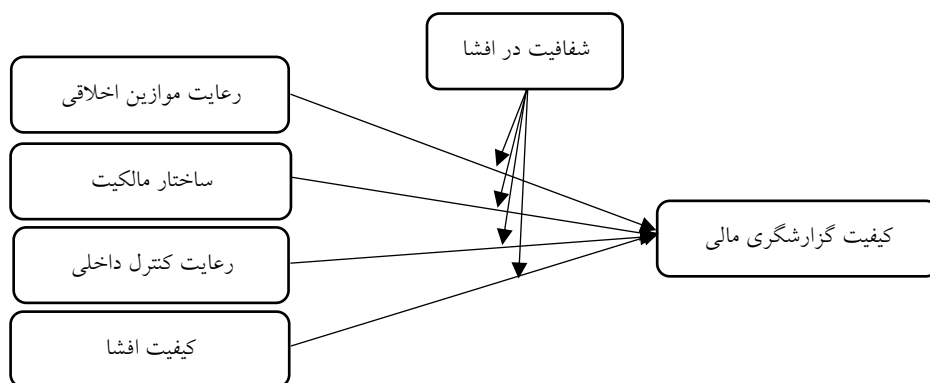
- فرضیه ۱: رعایت موازین اخلاقی منجر به بهبود کیفیت گزارشگری مالی می‌گردد.
- فرضیه ۲: کیفیت افشا منجر به بهبود کیفیت گزارشگری مالی می‌گردد.
- فرضیه ۳: رعایت کنترل‌های داخلی منجر به بهبود کیفیت گزارشگری مالی می‌گردد.
- فرضیه ۴: نوع ساختار مالکیت منجر به بهبود کیفیت گزارشگری مالی می‌گردد.
- فرضیه ۵: شفافیت در افشا رابطه بین رعایت موازین اخلاقی و کیفیت گزارشگری مالی را بهبود می‌بخشد.
- فرضیه ۶: شفافیت در افشا رابطه بین کیفیت افشا و کیفیت گزارشگری مالی را بهبود می‌بخشد.
- فرضیه ۷: شفافیت در افشا رابطه بین رعایت کنترل‌های داخلی و کیفیت گزارشگری مالی را بهبود می‌بخشد.
- فرضیه ۸: شفافیت در افشا رابطه بین نوع ساختار مالکیت و کیفیت گزارشگری مالی را بهبود می‌بخشد.

روش‌شناسی پژوهش

بنا بر پیاز پژوهش **دانایی فرد و همکاران (۱۳۸۳)**، این تحقیق از لحاظ فلسفه پژوهش اثبات‌گرایی، از لحاظ رویکرد، استقرایی و از لحاظ روش‌شناسی کمی است. شیوه گردآوری داده‌ها میدانی و کتابخانه‌ای است و از نظر راهبرد، پیمایشی و از لحاظ اهداف، توصیفی تلقی می‌گردد (**حبیبی، ۱۴۰۰**).

ابزار مورد استفاده پرسشنامه شامل ۴۳ سؤال می‌باشد که بر اساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای تنظیم شده است. حسابداری خلاقانه شامل ابعاد رعایت موازین اخلاقی (۵ سؤال)، ساختار مالکیت (۷ سؤال)، رعایت کنترل داخلی (۶ سؤال) و کیفیت افشا (۹ سؤال) می‌باشد و کیفیت گزارشگری مالی (۱۲) نیز شامل مربوط بودن، صداقت در ارائه، قابل فهم بودن و قابل مقایسه بودن می‌باشد. همچنین شفافیت در افشا (۴ سؤال) به عنوان متغیر تعدیلی ارائه شده است. شکل ۱ مدل مفهومی پژوهش را نشان می‌دهد (**عابد و همکاران، ۲۰۲۲**). داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار پی ال اس و روش معادلات ساختاری مورد تحلیل قرار گرفته‌اند.

^۱. Al-Shaer



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش (عابد و همکاران، ۲۰۲۲)

جامعه آماری این پژوهش حسابداران و حسابرسان شاغل در بخش خصوصی به تعداد نامعلوم می‌باشد که با استفاده از فرمول کوهن نمونه به تعداد ۱۸۰ نفر انتخاب گردیده است. برای این منظور تعداد ۴۰۰ پرسشنامه توزیع گردیده که در نهایت ۲۰۰ پرسشنامه برای تحلیل آماری مناسب بوده و مورد بررسی قرار گرفته است. فرمول نمونه‌گیری کوهن به شرح زیر ارائه می‌گردد:

$$N = \frac{z_{\alpha/2}^2 \times s^2}{d_2}$$

$$n = \frac{1.96 \times 4.591}{.05} = 180$$

در این محاسبات α در سطح خطای ۵٪ محاسبه شده و برابر ۱/۹۶ است. مقدار خطای d را پژوهشگر تعیین می‌کند و به صورت پیش فرض ۰/۰۵ در نظر گرفته می‌شود و اگر واریانس جامعه در دسترس نباشد مقدار σ بر اساس واریانس داده‌های نمونه اولیه تعیین می‌شود.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

ویژگی‌های پاسخ‌دهندگان پژوهش در جدول ۱ ارائه گردیده است. با توجه به این جدول ۵۷ درصد از پاسخ‌دهندگان مرد و ۴۳ درصد زن هستند. ۳۰ درصد بین ۲۰ تا ۲۵ سال، ۴۰/۵ درصد بین ۲۶ تا ۳۰ سال، ۱۸/۵ درصد بین ۳۱ تا ۳۵ سال، ۸/۵ درصد بین ۳۶ تا ۴۰ سال و ۲/۵ درصد بالاتر از ۴۶ سال سن دارند. ۱۱/۵ درصد کمک‌حسابدار، ۵۶/۵ درصد حسابدار، ۱۸/۵ درصد حسابرس، ۶/۵ درصد کارشناس حسابداری، ۳/۵ درصد رئیس حسابداری و ۳/۵ درصد مدیر مالی هستند. تحصیلات ۲ درصد دیپلم و کاردانی، ۵۹ درصد کارشناسی، ۳۸ درصد کارشناسی‌ارشد و ۱ درصد دارای مدرک دکتری هستند.

جدول ۱. مشخصات جمعیت دموگرافیک

متغیر	گروه	فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	۱۱۴	۵۷
	زن	۸۶	۴۳
سن	بین ۲۰ تا ۲۵ سال	۶۰	۳۰
	بین ۲۶ تا ۳۰ سال	۸۱	۴۰/۵
	بین ۳۱ تا ۳۵ سال	۳۷	۱۸/۵
	بین ۳۶ تا ۴۰ سال	۱۷	۸/۵
	بالا تر از ۴۱ سال	۵	۲/۵
	کمک حسابدار	۲۳	۱۱/۵
وضعیت شغلی	حسابدار	۱۱۳	۵۶/۵
	حسابرس	۳۷	۱۸/۵
	کارشناس حسابداری	۱۳	۶/۵
	رئیس حسابداری	۷	۳/۵
	مدیر مالی	۷	۳/۵
	دیپلم و کاردانی	۴	۲
	کارشناسی	۱۱۸	۵۹
	کارشناسی ارشد	۷۶	۳۸
	دکتری	۲	۱
	جمع	۲۰۰	۱۰۰

ویژگی متغیرهای پژوهش در جدول ۲ ارائه گردیده است. در آزمون کلموگروف اسمیرنف^۱، باتوجه به اینکه سطح معناداری کوچک تر از ۰/۰۵ می باشد در سطح اطمینان ۹۵٪ فرض نرمال بودن متغیرها رد شده است، بنابراین متغیرها غیرنرمال می باشند.

جدول ۲. شاخص های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	واریانس
رعایت موازین اخلاقی	۲۰۰	۳/۷۱۱	۰/۹۷۷	۰/۹۵۵
کیفیت افشا	۲۰۰	۳/۷۵۶	۰/۹۷۲	۰/۹۴۶
رعایت کنترل های داخلی	۲۰۰	۳/۸۵۸	۰/۹۱۶	۰/۸۳۹
ساختار مالکیت	۲۰۰	۳/۷۳۸	۰/۹۱۳	۰/۸۳۵
کیفیت گزارشگری مالی	۲۰۰	۳/۶۳۱	۰/۹۶۲	۰/۹۲۶
شفافیت در افشا	۲۰۰	۳/۶۶۱	۰/۹۹۹	۰/۹۹۹

^۱. Kolmogorov Smirnov

آزمون مدل بیرونی (مدل اندازه‌گیری)

در جدول ۳ مقادیر بار عاملی برای گویه‌های هر متغیر آورده شده است. تمامی گویه‌ها دارای آماره t بزرگتر از مقدار $1/96$ و سطح معناداری کمتر از $0/05$ هستند، بنابراین هیچ کدام از گویه‌ها از مدل حذف نمی‌شوند. شاخصی که بیشترین بار عاملی را داشته باشد، در اندازه‌گیری متغیر مربوطه سهم بیشتری دارد.

جدول ۳. نتایج بررسی مقادیر بار عاملی سوالات برای متغیرهای پژوهش

متغیر	گویه	بار عاملی	آماره t	مقادیر P
رعایت موازین اخلاقی	Q6	۰/۸۴۸	۲۹/۷۶۹	۰/۰۰۰
	Q8	۰/۸۲۶	۲۶/۱۱۸	۰/۰۰۰
	Q7	۰/۷۶۸	۱۷/۴۱۵	۰/۰۰۰
	Q9	۰/۷۵۲	۱۹/۵۴۹	۰/۰۰۰
	Q10	۰/۷۱۲	۱۵/۴۵۴	۰/۰۰۰
رعایت کنترل‌های داخلی	Q19	۰/۸۳۲	۳۰/۱۱۱	۰/۰۰۰
	Q14	۰/۸۱۱	۲۰/۱۷۸	۰/۰۰۰
	Q27	۰/۷۹۸	۲۱/۳۴۴	۰/۰۰۰
	Q16	۰/۷۷۴	۱۶/۹۶۹	۰/۰۰۰
	Q31	۰/۷۵۸	۱۵/۵۱۱	۰/۰۰۰
ساختار مالکیت	Q20	۰/۶۹۴	۱۱/۵۴۸	۰/۰۰۰
	Q25	۰/۸۵۶	۳۲/۹۹۳	۰/۰۰۰
	Q32	۰/۷۶۹	۲۰/۰۳۷	۰/۰۰۰
	Q1	۰/۷۶۴	۱۹/۴۸۲	۰/۰۰۰
	Q3	۰/۷۴۵	۱۷/۳۸۸	۰/۰۰۰
شفافیت در افشا	Q22	۰/۷۳۶	۱۵/۲۷۷	۰/۰۰۰
	Q24	۰/۶۵۸	۱۱/۲۴۹	۰/۰۰۰
	Q23	۰/۵۹۱	۸/۸۹۷	۰/۰۰۰
	Q28	۰/۹۲۳	۳/۲۴۵	۰/۰۰۱
	Q39	۰/۸۶۱۴	۳/۱۲۸	۰/۰۰۲
کیفیت افشا	Q33	۰/۶۸۴	۲/۵۳۰	۰/۰۱۲
	Q36	۰/۶۱۲	۲/۱۱۰	۰/۰۳۵
	Q11	۰/۸۴۸	۳۲/۹۹۱	۰/۰۰۰
	Q29	۰/۷۹۴	۲۸/۴۵۹	۰/۰۰۰
	Q5	۰/۷۸۰	۲۵/۷۶۸	۰/۰۰۰
	Q15	۰/۷۷۵	۲۳/۵۱۲	۰/۰۰۰
	Q12	۰/۷۷۳	۲۱/۸۹۰	۰/۰۰۰

متغیر	گویه	بار عاملی	آماره t	مقادیر P
کیفیت گزارشگری مالی	Q13	۰/۷۷۱	۲۰/۸۰۷	۰/۰۰۰
	Q17	۰/۷۶۰	۲۱/۳۰۱	۰/۰۰۰
	Q18	۰/۷۳۳	۱۷/۴۴۳	۰/۰۰۰
	Q21	۰/۷۲۱	۱۸/۹۷۴	۰/۰۰۰
	Q4	۰/۹۰۰	۵۷/۳۶۳	۰/۰۰۰
	Q34	۰/۷۶۲	۲۴/۱۱۴	۰/۰۰۰
	Q38	۰/۷۴۷	۲۱/۳۰۳	۰/۰۰۰
	Q30	۰/۷۴۴	۲۳/۷۶۲	۰/۰۰۰
	Q35	۰/۷۳۷	۲۱/۵۴۵	۰/۰۰۰
	Q41	۰/۷۳۴	۲۲/۵۰۸	۰/۰۰۰
	Q26	۰/۷۲۲	۱۷/۱۹۸	۰/۰۰۰
	Q42	۰/۷۲۲	۱۸/۷۰۵	۰/۰۰۰
	Q2	۰/۷۲۰	۱۸/۹۴۸	۰/۰۰۰
	Q37	۰/۶۹۵	۱۸/۳۷۹	۰/۰۰۰
	Q40	۰/۶۸۹	۱۶/۰۹۹	۰/۰۰۰
	Q43	۰/۶۵۶	۱۴/۶۱۲	۰/۰۰۰

آزمون سنجش پایایی

نتایج آزمون پایایی در سه روش در جدول ۴ ارائه شده است. در مدل اندازه‌گیری، پایایی مدل اندازه‌گیری مورد تأیید قرار گرفته است.

جدول ۴. مقادیر شاخص‌های سنجش پایایی

متغیر	آلفای کرونباخ	ضریب Rho	پایایی مرکب
رعایت موازین اخلاقی	۰/۸۴۱	۰/۸۵۱	۰/۸۸۷
رعایت کنترل‌های داخلی	۰/۸۷۲	۰/۸۸۸	۰/۹۰۲
ساختار مالکیت	۰/۸۵۶	۰/۸۶۵	۰/۸۹۱
شفافیت در افشا	۰/۸۳۴	۰/۸۶۸	۰/۸۵۹
کیفیت افشا	۰/۹۱۶	۰/۹۲۰	۰/۹۳۰
کیفیت گزارشگری مالی	۰/۹۲۳	۰/۹۲۸	۰/۹۳۴

آزمون سنجش روایی

به منظور بررسی مدل های اندازه گیری از دو جنبه روایی همگرا و روایی واگرا در ادامه پرداخته می شود. در ادامه نتایج آزمون های میانگین واریانس استخراج شده، بار عاملی، بارهای عاملی متقاطع، روش فورنل و لارکر و شاخص HTMT تحلیل شده است.

روایی همگرا

نتایج بررسی روایی همگرا به شرح جدول ۵ می باشد. از آنجاکه مقادیر میانگین واریانس استخراج شده برای همه متغیرها بالاتر از ۰/۵ می باشد؛ بنابراین روایی همگرا مدل اندازه گیری در این آزمون مورد تأیید قرار گرفته است.

جدول ۵. مقادیر میانگین واریانس استخراج شده (AVE)

متغیر	میانگین واریانس استخراج شده (AVE)
رعایت موازین اخلاقی	۰/۶۱۳
رعایت کنترل های داخلی	۰/۶۰۷
ساختار مالکیت	۰/۵۴۱
شفافیت در افشا	۰/۶۰۹
کیفیت افشا	۰/۵۹۸
کیفیت گزارشگری مالی	۰/۵۴۴

بار عاملی و بار عاملی متقاطع

نتایج بررسی بار عاملی سؤالات در متغیر مربوط به آن در جدول ۶ ارائه شده است که مقدار حداقل ۰/۷ برای بارهای عاملی مورد تأیید است. چنانچه مشاهده می شود اکثریت مقادیر در جدول قابل قبول است. برای مقادیر کمتر از ۰/۷ با توجه به اینکه مقدار آماره t برای همه سؤالات بالاتر از ۱/۹۶ بدست آمده است، بنابراین تمامی مقادیر بارهای عاملی در حوزه معنادار قرار دارد. علاوه بر آن مقدار بار عاملی هر سوال در متغیر خودش بیشتر از سایر متغیرها می باشد، بنابراین آزمون بارتقاعی نیز مورد تأیید است.

جدول ۶. روش بارهای عاملی متقاطع

گویه	رعایت موازین اخلاقی	رعایت کنترل های داخلی	ساختار مالکیت	شفافیت در افشا	کیفیت افشا	کیفیت گزارشگری مالی
Q6	۰/۸۴۸	۰/۱۷۰	۰/۲۱۷	۰/۰۷۴	۰/۳۱۷	۰/۳۵۱
Q8	۰/۸۲۶	۰/۱۵۷	۰/۲۳۷	۰/۰۱۲	۰/۳۰۰	۰/۴۰۱
Q7	۰/۷۶۸	۰/۱۱۸	۰/۲۴۹	۰/۰۹۱	۰/۲۸۱	۰/۲۶۱
Q9	۰/۷۵۲	۰/۱۹۳	۰/۲۶۲	۰/۰۱۱	۰/۸۴۲	۰/۳۴۱
Q10	۰/۷۱۲	۰/۱۹۴	۰/۳۰۴	۰/۰۶۵	۰/۲۴۸	۰/۳۱۸

گویه	رعایت موازین اخلاقی	رعایت کنترل‌های داخلی	ساختار مالکیت	شفافیت در افشا	کیفیت افشا	کیفیت گزارشگری مالی
Q19	۰/۱۶۶	۰/۸۳۲	۰/۳۲۴	۰/۱۶۳	۰/۲۹۹	۰/۳۳۶
Q14	۰/۱۲۸	۰/۸۱۱	۰/۲۹۸	۰/۱۲۹	۰/۱۹۱	۰/۲۰۳
Q27	۰/۲۰۲	۰/۷۹۸	۰/۳۷۷	۰/۱۳۸	۰/۱۷۰	۰/۲۸۳
Q16	۰/۱۷۲	۰/۷۷۴	۰/۳۹۲	۰/۱۱۵	۰/۲۵۴	۰/۲۷۹
Q31	۰/۲۲۸	۰/۷۵۸	۰/۲۹۲	۰/۰۸۰	۰/۲۵۵	۰/۲۷۷
Q20	۰/۰۵۸	۰/۶۹۴	۰/۲۲۸	۰/۱۶۰	۰/۱۹۰	۰/۱۶۹
Q25	۰/۲۶۳	۰/۳۱۱	۰/۸۵۶	۰/۱۱۸	۰/۲۷۶	۰/۲۸۴
Q32	۰/۲۳۹	۰/۳۵۹	۰/۷۶۹	۰/۰۶۰	۰/۲۵۲	۰/۳۰۶
Q1	۰/۲۴۷	۰/۳۲۷	۰/۷۶۴	۰/۰۵۵	۰/۱۷۹	۰/۳۱۹
Q3	۰/۳۲۷	۰/۳۴۵	۰/۷۴۵	۰/۰۳۹	۰/۲۳۰	۰/۳۰۹
Q22	۰/۱۷۱	۰/۳۴۱	۰/۷۳۶	۰/۰۷۹	۰/۲۹۶	۰/۳۴۹
Q24	۰/۱۷۱	۰/۲۱۹	۰/۶۵۸	۰/۰۸۱	۰/۲۰۹	۰/۲۲۰
Q23	۰/۲۳۵	۰/۱۹۸	۰/۵۹۱	-۰/۰۳۴	۰/۲۳۸	۰/۲۴۵
Q28	۰/۰۴۸	۰/۱۶۶	۰/۰۹۵	۰/۹۲۳	۰/۱۰۳	۰/۰۵۲
Q39	۰/۰۴۳	۰/۱۵۲	۰/۰۷۹	۰/۸۶۱	۰/۲۰۷	۰/۰۳۸
Q33	۰/۰۹۰	۰/۰۵۹	-۰/۰۴۶	۰/۶۸۴	۰/۰۶۷	۰/۰۱۵
Q36	۰/۰۳۸	۰/۱۵۹	۰/۰۸۲	۰/۶۱۲	۰/۱۱۳	-۰/۰۰۴
Q11	۰/۲۸۱	۰/۱۹۲	۰/۳۲۱	۰/۰۸۷	۰/۸۴۸	۰/۳۵۷
Q29	۰/۲۹۷	۰/۳۲۰	۰/۲۶۳	۰/۱۴۰	۰/۷۹۴	۰/۴۷۱
Q5	۰/۲۸۱	۰/۳۰۰	۰/۲۵۴	۰/۱۳۷	۰/۷۸۰	۰/۴۲۰
Q15	۰/۳۲۸	۰/۱۸۵	۰/۲۴۲	۰/۰۴۰	۰/۷۷۵	۰/۴۷۶
Q12	۰/۲۱۵	۰/۲۵۷	۰/۱۹۱	۰/۱۷۳	۰/۷۷۳	۰/۳۸۹
Q13	۰/۲۹۸	۰/۱۹۴	۰/۲۷۳	۰/۰۹۹	۰/۷۷۱	۰/۳۳۶
Q17	۰/۲۹۲	۰/۲۴۰	۰/۲۴۶	۰/۱۰۴	۰/۷۶۰	۰/۳۹۶
Q18	۰/۳۱۱	۰/۱۴۷	۰/۲۳۹	۰/۲۱۶	۰/۷۳۳	۰/۳۴۹
Q21	۰/۲۳۴	۰/۲۰۷	۰/۲۶۲	۰/۱۱۰	۰/۷۲۱	۰/۳۸۴
Q4	۰/۳۶۹	۰/۲۴۷	۰/۳۰۱	۰/۰۵۷	۰/۵۲۰	۰/۹۰۰
Q34	۰/۳۲۷	۰/۲۷۴	۰/۳۹۴	۰/۰۱۱	۰/۴۲۰	۰/۷۶۲
Q38	۰/۲۸۲	۰/۲۱۰	۰/۳۷۶	۰/۰۵۶	۰/۳۹۶	۰/۷۴۷
Q30	۰/۳۳۳	۰/۲۳۰	۰/۳۰۸	۰/۰۰۰	۰/۳۰۶	۰/۷۴۴
Q35	۰/۳۴۴	۰/۴۱۷	۰/۲۸۹	۰/۰۹۴	۰/۳۴۸	۰/۷۳۷
Q41	۰/۳۷۴	۰/۲۲۰	۰/۳۴۰	۰/۰۱۷	۰/۴۳۲	۰/۷۳۴
Q26	۰/۲۸۸	۰/۱۸۱	۰/۱۴۵	۰/۰۳۳	۰/۳۳۳	۰/۷۲۲
Q42	۰/۳۱۰	۰/۳۱۵	۰/۳۱۸	-۰/۰۲۴	۰/۴۰۴	۰/۷۲۲
Q2	۰/۳۹۸	۰/۲۷۴	۰/۳۱۰	۰/۰۷۵	۰/۳۷۶	۰/۷۲۰
Q37	۰/۲۴۶	۰/۲۹۶	۰/۲۴۲	۰/۰۳۰	۰/۳۴۶	۰/۶۹۵
Q40	۰/۲۸۸	۰/۲۱۶	۰/۲۵۷	۰/۰۱۹	۰/۳۵۴	۰/۶۸۹
Q43	۰/۲۴۲	۰/۱۲۲	۰/۲۰۰	۰/۰۷۴	۰/۳۲۴	۰/۶۵۶

روش فورنل و لارکر (روایی و اگر)

نتایج روش فورنل و لارکر در جدول ۷ ارائه شده است و از آنجا که در همه موارد مجذور واریانس استخراجی داده‌ها از اعداد پایین خود بیشتر است روایی و اگرایی مدل تأیید می‌شود.

جدول ۷. روایی و اگرایی بر اساس معیار فورنل و لارکر

متغیر	بیانیه‌های اخلاقی	کنترل‌های داخلی	ساختار مالکیت	شفافیت در افشا	کیفیت افشا	کیفیت گزارشگری
رعایت موازین اخلاقی	۰/۷۸۳					
رعایت کنترل‌های داخلی	۰/۲۱۴	۰/۷۷۹				
ساختار مالکیت	۰/۳۲۲	۰/۴۱۷	۰/۷۳۵			
شفافیت در افشا	۰/۰۶۶	۰/۱۶۶	۰/۰۷۹	۰/۷۸۰		
کیفیت افشا	۰/۳۶۶	۰/۲۹۸	۰/۳۲۸	۰/۱۵۶	۰/۷۷۴	
کیفیت گزارشگری مالی	۰/۴۳۴	۰/۳۴۴	۰/۴۰۱	۰/۰۴۹	۰/۵۲۱	۰/۷۳۸

شاخص HTMT (روایی و اگر)

در جدول ۸ مقادیر شاخص HTMT مشخص شده است که همه مقادیر کمتر از ۰/۹ می‌باشد، بنابراین روایی و اگرایی مدل تأیید می‌شود.

جدول ۸. روایی و اگرایی بر اساس شاخص HTMT

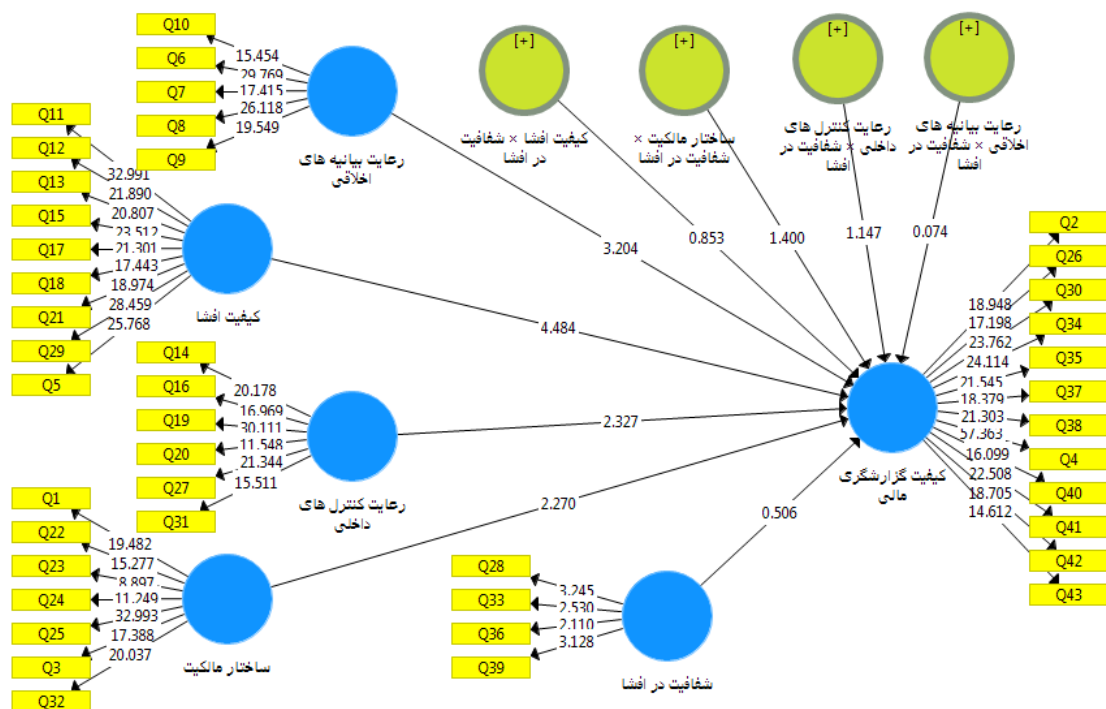
متغیر	بیانیه‌های اخلاقی	کنترل‌های داخلی	ساختار مالکیت	شفافیت در افشا	کیفیت افشا	کیفیت گزارشگری
رعایت موازین اخلاقی						
رعایت کنترل‌های داخلی	۰/۲۳۶					
ساختار مالکیت	۰/۳۸۲	۰/۴۶۴				
شفافیت در افشا	۰/۰۹۴	۰/۲۰۰	۰/۱۱۷			
کیفیت افشا	۰/۴۱۴	۰/۳۲۰	۰/۳۷۲	۰/۱۷۸		
کیفیت گزارشگری مالی	۰/۴۸۱	۰/۳۶۴	۰/۴۳۷	۰/۰۷۹	۰/۵۵۳	

آزمون مدل درونی (مدل ساختاری)

با توجه به نتایج ارائه شده در جدول ۹، برای کلیه مسیرها به جز مسیر شفافیت در افشا به کیفیت گزارشگری مالی و مسیرهای روابط متقابل برای سنجش نقش تعدیلگر شفافیت در افشا، آماره t بزرگ‌تر از ۱/۹۶ و مقادیر P کوچکتر از ۰/۰۵ می‌باشد که نشان می‌دهد در سطح اطمینان ۹۵٪ همه مسیرها به جز مسیر شفافیت در افشا به کیفیت گزارشگری مالی و مسیرهای روابط متقابل برای سنجش نقش تعدیلگر شفافیت در افشا تاثیر معنادار داشته است.

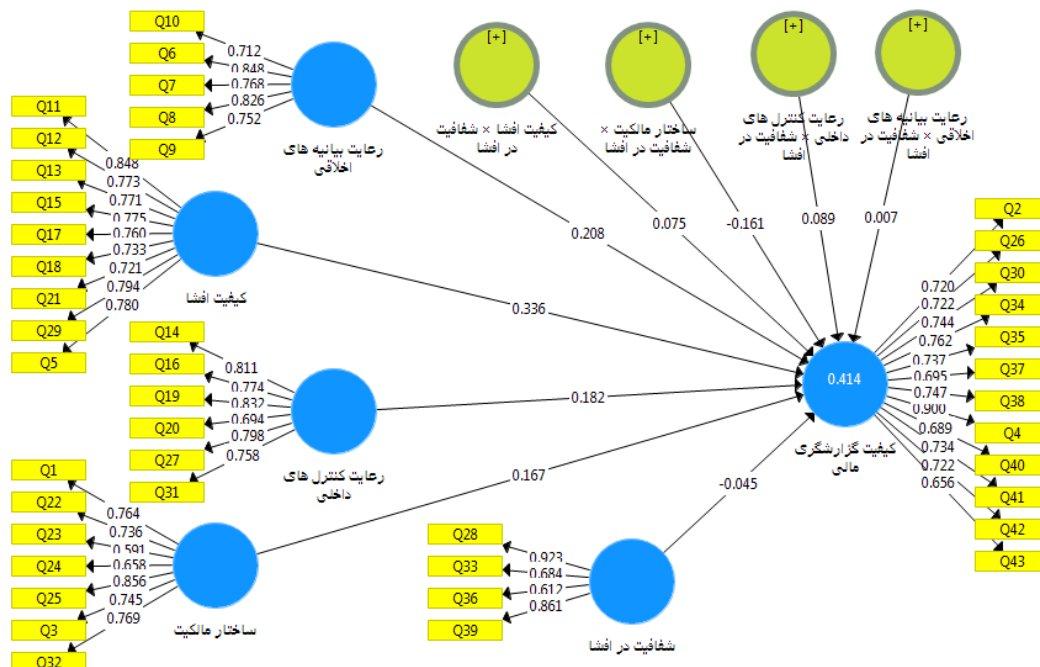
فرضیه‌ها	ضریب مسیر	آماره t	سطح معناداری	نتیجه
رعایت موازن اخلاقی ← کیفیت گزارشگری مالی	۰/۲۰۸	۳/۲۰۴	۰/۰۰۱	تأیید
کیفیت افشا ← کیفیت گزارشگری مالی	۰/۳۳۶	۴/۴۸۴	۰/۰۰۱	تأیید
رعایت کنترل‌های داخلی ← کیفیت گزارشگری مالی	۰/۱۸۲	۲/۳۲۷	۰/۰۲۰	تأیید
ساختار مالکیت ← کیفیت گزارشگری مالی	۰/۱۶۷	۲/۲۷۰	۰/۰۲۴	تأیید
رعایت موازن اخلاقی × شفافیت در افشا ← کیفیت گزارشگری	۰/۰۰۷	۰/۰۷۴	۰/۹۴۱	رد
کیفیت افشا × شفافیت در افشا ← کیفیت گزارشگری مالی	۰/۰۷۵	۰/۸۵۳	۰/۳۹۴	رد
رعایت کنترل‌های داخلی × شفافیت در افشا ← کیفیت گزارشگری	۰/۰۸۹	۱/۱۴۷	۰/۲۵۲	رد
ساختار مالکیت × شفافیت در افشا ← کیفیت گزارشگری مالی	-۰/۱۶۱	۱/۴۰۰	۰/۱۶۲	رد

نتایج آزمون مدل مفهومی تحقیق در حالت معناداری ضرایب در شکل ۲ نشان داده شده است.



شکل ۲. مدل اصلی، در حالت اعداد معناداری t-value

در این تحلیل مقدار آماره t برای کلیه مسیرها به جز مسیر شفافیت در افشا به کیفیت گزارشگری مالی و مسیرهای روابط متقابل برای سنجش نقش تعدیلگر شفافیت در افشا، بالاتر از $1/96$ بوده و در نتیجه در سطح اطمینان 95% معنادار می‌باشند.



شکل ۳. مدل اصلی در حالت ضرایب مسیر

اعداد نوشته شده بر روی خطوط، ضریب مسیر است. اعداد داخل هر دایره نشان دهنده مقدار ضریب تعیین (R^2) مدل است که متغیرهای پیش‌بین آن از طریق فلش به آن دایره وارد شده‌اند. ضریب تعیین برای متغیر کیفیت گزارشگری مالی مقدار $0/414$ برآورد شده و نشان می‌دهد که متغیرهای رعایت موازین اخلاقی، کیفیت افشا، رعایت کنترل‌های داخلی و ساختار مالکیت روی هم رفته توانسته‌اند 41% از تغییرات کیفیت گزارشگری مالی را توضیح دهند. با توجه به مقدار ضریب استاندارد و آماره t می‌توان گفت متغیرهای کیفیت افشا ($0/336$)، رعایت موازین اخلاقی ($0/208$) رعایت کنترل‌های داخلی ($0/182$) و ساختار مالکیت ($0/167$) به ترتیب بیشترین تأثیر را بر روی متغیر کیفیت گزارشگری مالی داشته و شفافیت در افشا و روابط متقابل برای سنجش اثر متغیر تعدیلگر تأثیر معناداری نداشته است.

ارزیابی برازش و کیفیت مدل

ضریب تعیین (R^2) برای متغیر کیفیت گزارشگری مالی به مقدار $0/414$ به دست آمده که دارای قدرت تبیین‌پذیری متوسط می‌باشد و همچنین کیفیت پیش‌بینی کنندگی (Q^2) نیز برای این متغیر به مقدار $0/214$ می‌باشد و حاکی از قدرت پیش‌بینی متغیر مکنون درون‌زا کیفیت گزارشگری مالی در سطح متوسط است، علاوه بر آن، شاخص اندازه تأثیر (f^2) به شرح جدول ۱۰ ارائه شده که سهم کیفیت افشا در پیش‌بینی متغیر کیفیت گزارشگری مالی قابل قبول و بقیه مسیرها ضعیف می‌باشد.

جدول ۱۰. اندازه اثر f^2

کیفیت گزارشگری مالی	
رعایت موازین اخلاقی	۰/۰۶۰
رعایت موازین اخلاقی × شفافیت در افشا	۰/۰۰۰
رعایت کنترل‌های داخلی	۰/۰۳۷
رعایت کنترل‌های داخلی × شفافیت در افشا	۰/۰۱۴
ساختار مالکیت	۰/۰۳۳
ساختار مالکیت × شفافیت در افشا	۰/۰۲۹
شفافیت در افشا	۰/۰۰۳
کیفیت افشا	۰/۱۴۲
کیفیت افشا × شفافیت در افشا	۰/۰۰۶

شاخص‌های $SRMR^1$ ، NFI^2 ، $RMS\ Theta^3$ و GOF برای سنجش برازش کلی مدل استفاده گردیده که مقدار به دست آمده برای $SRMR$ به میزان ۰/۰۵۹ و برای $RMS\ Theta$ به میزان ۰/۱۰۳ و برای GOF به میزان ۰/۴۹۲ می‌باشد که همگی مورد تایید است. همچنین مقدار NFI به میزان ۰/۷۵۳ و بالاتر از ۰/۹ به دست آمده که مورد تایید قرار نگرفته است.

بحث و نتیجه‌گیری

رعایت موازین اخلاقی و چگونگی تاثیر آن بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها در فرضیه اول پژوهش و نقش تعدیلی شفافیت در افشا بر رابطه ذکر شده از لحاظ آماری در فرضیه پنجم مورد بررسی قرار گرفته است. بنا بر نتایج به دست آمده، رعایت بیانیه‌ها و منشورهای اخلاقی بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر دارد و با افزایش سطح رعایت آن، کیفیت گزارشگری مالی نیز بهبود می‌یابد و همچنین شفافیت در افشا تأثیر رعایت موازین اخلاقی بر کیفیت گزارشگری مالی را تعدیل ننموده و بر این ارتباط تأثیری ندارد. انجام امور غیراخلاقی در حرفه حسابداری، شامل ارائه اطلاعات مالی گمراه کننده و متقلبانه، می‌تواند اعتماد عموم را به حسابداران از بین برده و به حیثیت حرفه لطمه وارد کند. بنابراین، اخلاق در مدیریت و فرایند گزارشگری مالی، برای سرمایه‌گذاران و استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی اهمیت زیادی دارد.

هرچند در ظاهر، تأثیر رفتارهای غیرحرفه‌ای و لغزش‌های اخلاقی ممکن است کم‌رنگ باشد ولی اثرات دراز مدت آن و از بین رفتن اعتماد به شرکتها همیشه منجر به ضررهای بزرگی برای شرکتها گردیده است. نتایج به دست آمده از آزمون فرضیه اول، با نتایج پژوهش‌های **صادقیان و همکاران (۱۳۹۸)** و **شجاع و همکاران (۱۴۰۰)** سازگار است در حالی که نقش تعدیلی شفافیت در افشا در پژوهش **عابد و همکاران (۲۰۲۲)** مورد تایید قرار گرفته و با نتایج به دست آمده در این پژوهش متفاوت است که می‌توان دلیل آن را در قوانین و شرایط حاکم بر شرکت‌ها دانست. در این راستا

¹. Square Root Mean Residual

². Normed Fit Index

³. Root Mean Squared Theta

به پژوهشگران آتی توصیه می‌گردد در پژوهش‌های آتی، مطالعه تطبیقی قوانین و عوامل اثرگذار بر کیفیت گزارشگری در کشورهای متفاوت را مد نظر قرار دهند.

بنا بر نتایج به دست آمده به سهامداران و مدیران شرکت توصیه می‌گردد در جهت بهبود کیفیت گزارشگری و ابعاد آن، از وجود منشورهای اخلاقی استفاده نموده و راه‌های ارزیابی میزان عمل به منشور و ارزیابی در اولویت قرار گیرد. به سرمایه‌گذاران نیز توصیه می‌گردد در جهت ارزیابی میزان کیفیت گزارشگری مالی و اطمینان از صحت آن وجود دستورالعمل‌های اخلاقی در شرکتها را مد نظر قرار دهند.

در فرضیه دوم پژوهش، تأثیر کیفیت افشا بر بهبود گزارشگری مالی مورد آزمون قرار گرفته و در فرضیه ششم نقش تعدیلی شفافیت در افشا در این رابطه مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج به دست آمده نشان دهنده اثر مثبت و مستقیم کیفیت افشا بر کیفیت گزارشگری مالی می‌باشد. در حالیکه شفافیت در افشا این رابطه را تعدیل نکرده و بر آن اثرگذار نمی‌باشد. هدف اصلی افشا کمک به استفاده‌کنندگان در تصمیم‌گیری مربوط به سرمایه‌گذاری، تفسیر وضعیت مالی شرکت‌ها، ارزیابی عملکرد مدیریت، پیش‌بینی جریان‌های وجوه نقد آتی است و به این دلیل بایستی تمام واقعیت‌های بااهمیت واحد اقتصادی به نحو مناسب افشا شوند، تا امکان اتخاذ تصمیم فراهم گردد. افشا بایستی حاوی تمامی اطلاعات بااهمیت، مربوط و به‌موقع باشد و این اطلاعات به‌صورت قابل‌فهم و حتی‌الامکان کامل ارائه گردد تا امکان اتخاذ تصمیم‌های آگاهانه را برای استفاده‌کنندگان فراهم سازد. نتایج به دست آمده از آزمون فرضیه دوم، با نتایج پژوهش **رحمانی و بشیری منش (۱۳۹۳)** سازگار است و در هر دو پژوهش کیفیت افشا منجر به بهبود کیفیت گزارشگری گردیده است. درحالی که در پژوهش **عابد و همکاران (۲۰۲۲)** نقش تعدیلی شفافیت در افشا نیز تایید شده که متفاوت از پژوهش فعلی می‌باشد. در این راستا به پژوهشگران آتی توصیه می‌گردد با استفاده از پژوهش‌های کیفی به شناسایی ابعاد و مولفه‌های موثر در شفافیت در افشا بپردازند.

با توجه به نتایج به دست آمده و تأثیر مثبت و مستقیم کیفیت افشا بر کیفیت گزارشگری مالی، به مدیران شرکت‌ها توصیه می‌گردد در جهت بهبود کیفیت افشا، اقدامات مناسب جهت اطمینان از صلاحیت حرفه‌ای حسابداران برای مثال استفاده از حسابداران رسمی و با تجربه، افزایش مهارت حسابداران با برگزاری دوره‌های مهارتی و آموزشی و اطمینان از ارائه صورت‌های مالی بر طبق آخرین تغییرات استانداردهای حسابداری را مدنظر قرار دهند.

در فرضیه سوم به بررسی اثرات رعایت ساختارمند کنترل‌های داخلی که منجر به بهبود کیفیت گزارشگری می‌گردد پرداخته شده و در فرضیه هفتم نقش تعدیلی شفافیت در افشا مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج به دست آمده نشان دهنده آن است که وجود کنترل‌های داخلی مناسب بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر دارد و با افزایش رعایت کنترل‌های داخلی، کیفیت گزارشگری مالی افزایش می‌یابد و همچنین شفافیت در افشا تأثیر رعایت کنترل‌های داخلی بر کیفیت گزارشگری مالی را تعدیل نمی‌کند. از آن جا که وجود مکانیزمی مانند سیستم کنترل داخلی مطلوب، می‌تواند کارایی واحد اقتصادی را افزایش و ریسک از دست دادن دارایی‌ها را کاهش دهد و همچنین، اطمینان معقولی نسبت به قابلیت اعتماد صورت‌های مالی و رعایت قوانین و مقررات حاصل نماید لذا، مدیران همواره تلاش می‌کنند که مناسب‌ترین

کنترل‌های داخلی را برای شرکت خود طراحی و مستقر سازند که این موضوع منجر به بهبود کیفیت گزارشگری در شرکتها می‌گردد. نتایج به دست آمده از آزمون فرضیه سوم، با نتایج پژوهش‌های رضایی (۱۳۹۹) سازگار است و آن را تایید می‌نماید. نتایج حاصل از بررسی متغیر تعدیلگر نیز نشانگر رابطه قوی بین متغیرهای مستقل و وابسته بوده که متغیر دیگری بر آن اثرگذار نمی‌باشد. به پژوهشگران آتی توصیه می‌گردد در پژوهش‌های آتی به شناسایی و رتبه بندی کنترل‌های داخلی موثر بر بهبود کیفیت گزارشگری بپردازند.

با توجه به تاثیر مثبت و مستقیم وجود کنترل‌های داخلی مناسب بر کیفیت گزارشگری مالی، به مدیران شرکتها و سهامداران توصیه می‌گردد با اجرا و پیاده سازی هر چه بهتر اصول و رویه‌های حسابرسی داخلی، تعیین مسئولیت‌ها و اختیارات کارکنان، افشاء گزارش‌های کنترل‌های داخلی و امکان دسترسی عمومی به آنها و تفکیک وظایف را در شرکت لحاظ نموده تا به این ترتیب منجر به افزایش کیفیت گزارشگری مالی و افزایش اعتماد به شرکت گردند.

اثرات نوع ساختار مالکیت بر کیفیت گزارشگری مالی در فرضیه چهارم مورد بررسی قرار گرفته و اثر تعدیلی شفافیت در افشا در فرضیه هشتم پژوهش مورد تحلیل قرار گرفته است. نحوه توزیع مالکیت (سهام شرکتها) بین صاحبان واحد تجاری (سهام‌داران)، ساختار مالکیت نامیده می‌شود. با اصلاح ساختار مالکیتی، مشکلات نمایندگی ناشی از جدایی مالکیت و مدیریت در شرکتها کاهش می‌یابد. در این پژوهش منظور از ساختار مالکیت، وجود حاکمیت شرکتی همدل می‌باشد که تمامی اطلاعات آنها به نحو مناسب افشا گردیده و در اداره امور شرکت و مدیرعامل نظارت قوی و موثری را اعمال می‌نماید در نظر گرفته شده است که نتایج به دست آمده نشان داده که وجود چنین ساختاری بر کیفیت گزارشگری مالی تاثیر مثبت و مستقیمی را نشان داده و منجر به بهبود آن می‌گردد در حالی که متغیر شفافیت در افشا نیز بر این رابطه تاثیرگذار نمی‌باشد و نقش تعدیلگر آن اثبات نمی‌گردد. نتایج به دست آمده از نشان دهنده تاثیر قوی ساختار مالکیت بر بهبود کیفیت گزارشگری مالی و هم جهت با نتایج پژوهش اسکندر و همکاران (۱۴۰۰) می‌باشد در حالیکه نتایج حاصل از بررسی متغیر تعدیلی متفاوت با پژوهش عابد و همکاران (۲۰۲۲) می‌باشد. به پژوهشگران آتی توصیه می‌گردد با بکارگیری روش‌های کیفی به شناسایی ابعاد موثر در حسابداری خلاقانه و بر اساس مبانی نظری بپردازند.

با توجه به تاثیر مثبت و مستقیم ساختار مالکیت بر کیفیت گزارشگری مالی، به مدیران و سهامداران شرکتها توصیه می‌گردد از وجود ساختار حاکمیتی مستقل و منسجم که در تمامی امور مدیریتی لازم اثرگذار باشد و امکان اداره امور شرکت را در دست بگیرد اطمینان حاصل نمایند تا از این طریق منجر به بهبود کیفیت گزارش‌های مالی در شرکت و غلبه بر مفت سواری گردند و برای کنترل راحت تر شرکت، تصمیم هر چه بهتر شرکت برای افشاء اطلاعات با کیفیت برای کنترل فعالیت‌های مدیریت، برنامه‌ها و اقدامات لازم جهت افزایش تمرکز مالکیت در شرکت را در دستور کار لحاظ نمایند.

محدودیت پژوهش در مواردی که از روش پیمایش و با استفاده از پرسشنامه انجام می‌شود معمولاً عدم همکاری پاسخگویان و صرف زمان زیاد جهت جمع آوری پرسشنامه‌های نهایی به تعداد مورد نیاز برای تحلیل آماری می‌باشد که در این پژوهش نیز وجود داشته است.

فهرست منابع

- اسکندر، هدی، و بلوری، امین (۱۴۰۰). اثر تعدیلگر تأمین مالی از محل افزایش سرمایه و نوع مالکیت بر رابطه بین سیاست تقسیم سود و کیفیت گزارشگری مالی. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۸(۲)، ۲۰۶-۲۲۵. doi: 10.22059/acctgrev.2021.317660.1008505
- صفرزاده، محمدحسین، آسیایی، محمدرضا، و رضایی فر، زهرا (۱۴۰۳). رابطه بین ویژگی‌های مدیر مالی و کیفیت گزارشگری مالی. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۱۴(۱)، ۸۹-۱۱۴. doi: 10.22051/jera.2024.45331.3173
- برزیده، فرخ، بولو، قاسم، و نخبه فلاح، زهرا (۱۴۰۲). الگوی بهبود افشا در گزارشگری مالی. *فصلنامه پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۱۳(۱)، ۲۰-۱. doi: 10.22051/jera.2023.41291.3044
- بولو، قاسم، و رحمانی مهر، مسعود (۱۳۹۲). هزینه حقوق صاحبان سهام و شفافیت سود. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۳(۲)، ۸۰-۵۹. doi: 10.22051/jera.2013.579
- حبیبی، آرش (۱۴۰۰). *روش پژوهش پیشرفته*. تهران: نارون دانش.
- خلیلیان، بردیا (۱۴۰۲). عدم شفافیت گزارشگری مالی، کیفیت حسابرسی، ریسک سقوط سهام. *نشریه مطالعات راهبردی مالی و بانکی*، ۱(۲)، ۹۳-۱۰۵. doi: 10.22105/fbs.2023.178953
- دانایی فرد، حسن، الوانی، سیدمهدی و آذر، عادل (۱۳۸۳). *روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع*. تهران: انتشارات صفار.
- رحمانی، علی، و بشیری منش، نازنین (۱۳۹۳). مروری بر ادبیات افشاء اطلاعات در ایران. *پژوهش حسابداری*، ۴(۴)، ۳۵-۶۸. doi: 10.22051/ijar.2015.2009
- رضایی، مرتضی (۱۳۹۹). بررسی رابطه‌ی بین ویژگی‌های هیئت مدیره و ضعف کنترل‌های داخلی. *پنجمین کنفرانس بین‌المللی مطالعات نوین مدیریت و حسابداری در ایران*، تهران، ۱-۲۹. <https://civilica.com/doc/1169545>
- ستایش، محمدحسین، کاظم‌نژاد، مصطفی، و ذوالفقاری، مهدی (۱۳۹۰). بررسی تأثیر کیفیت افشا بر نقدشوندگی سهام و هزینه سرمایه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *نشریه پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۳(۹)، ۷۴-۵۵. dor: 20.1001.1.23223405.1390.3.3.4.7
- سعدی، جهانگیر، جعفری، علی، و نسل موسوی، سید حسین (۱۴۰۱). تأثیرپذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بر محافظه‌کاری حسابداری، مدیریت سود و شفافیت اطلاعاتی. *نشریه تحقیقات حسابداری و حسابرسی*، ۱۴(۵۴)، ۱۸۶-۱۶۵. doi: 10.22034/iaar.2022.156651
- شجاع، حسین، مهربان پور، محمد رضا، جهانگیرنیا، حسین، و غلامی جمکرانی، رضا (۱۴۰۰). ارائه مدل تأثیر سرمایه‌های فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی بر استقلال مدیران مالی و کیفیت گزارشگری. *فصلنامه اقتصاد مالی*، ۱۵(۵۶)، ۱۹۶-۱۷۱. doi: 10.30495/fed.2021.687874

- صادقیان، مسعود، بنی مهد، بهمن، جهانگیرنیا، حسین، و غلامی جمکرانی، رضا. (۱۳۹۸). ماکیاولیسم، جهت‌گیری اخلاقی و گزارشگری مالی متقلبان. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۶(۳)، ۴۱۳-۴۳۴. doi: 10.22059/acctgrev.2019.274381.1008100
- طاهری عابد، رضا، علی نژاد ساروکلانی، مهدی، و فغانی ماکرانی، خسرو (۱۳۹۷). توانایی، دانش مالی مدیران عامل و شفافیت گزارشگری مالی. *دانش حسابداری مالی*، ۵(۲)، ۱۱۰-۱۱۵. doi: 10.30479/jfak.2018.1440
- قشقایی، علی، و بیگلر، کیومرث (۱۳۹۸). جایگاه حسابداری خلاقانه در بین حساب‌رسان ایران با تأکید بر آیین اخلاق و رفتار حرفه‌ای. *فصلنامه چشم‌انداز حسابداری و مدیریت*، ۲(۲۰)، ۱۱۳-۱۰۰. https://www.jamv.ir/article_103877.html?lang=fa
- کردستانی، غلامرضا، و علوی، سید مصطفی (۱۳۸۹). بررسی شفافیت سود حسابداری بر هزینه سرمایه سهام عادی. *فصلنامه بورس اوراق بهادار*، ۱۲(۳)، ۴۳-۶۱. https://journal.seo.ir/article_10904.html
- ماه‌آورپور، راضیه، مشایخ، شهناز، و رحمانی، علی (۱۴۰۰). شناسایی چالش‌های پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی حسابداری ابزارهای مشتقه: با تأکید بر الزامات افشا. *نشریه بورس اوراق بهادار*، ۱۴(۵۵)، ۱۸۶-۱۶۰. doi: 10.22034/jse.2020.11348.1531
- مهرآذین، علیرضا، مسیح آبادی، ابوالقاسم، و دهنوی، محمدعلی (۱۳۹۱). شفافیت اطلاعات مالی و محتوای اطلاعاتی سود. *نشریه دانش حسابداری*، ۳(۸)، ۱۳۰-۱۱۳. doi: 10.22103/jak.2012.6
- محمدی، فرزانه، صفری گرایلی، مهدی، عرب زاده، میثم، و فرزین فر، علی اکبر (۱۴۰۲). طراحی مدل علل زمینه‌ای ایجاد کننده حسابداری خلاقانه. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۳۰(۳)، ۵۵۹-۵۳۲. doi: 10.22059/acctgrev.2023.351110.1008751
- مهرانی، ساسان، مرادی، محمد، و قنبرزاده، مجتبی (۱۳۹۹). شناسایی مؤلفه‌های گزارشگری مالی با رویکرد الگوی کسب و کار (BM). *بورس اوراق بهادار*، ۵۵(۱۴)، ۷۹-۱۱۰. doi: 10.22034/jse.2020.11302.1503
- Abed, I. A., Hussin, N., Haddad, H., Almubaydeen, T. H., & Ali, M. A. (2022). Creative accounting determination and financial reporting quality: the integration of transparency and disclosure. *Journal of Open Innovation: Technology, Market, and Complexity*, 8(1), 38. doi: 10.3390/joitmc8010038
- Abed, I. A., Hussin, N., Haddad, H., AlRamahi, N. M., & Ali, M. A. (2022). The moderating effects of corporate social responsibility on the relationship between creative accounting determinants and financial reporting quality. *Sustainability*, 14(3), 1195. doi: 10.3390/su14031195
- Al-Shaer, Habiba & Zaman, Mahbub. (2018). Credibility of sustainability reports: The contribution of audit committees. *Business Strategy and the Environment*, 27. 10.1002/bse.2046. doi: 10.1002/bse.2046
- Barzideh, F., Bolou, G., & Nokhbeh Fallah, Z. (2023). Pattern of improving disclosure in financial reporting. *Empirical Research in Accounting*, 13(1), 1-20. doi: 10.22051/jera.2023.41291.3044 [In Persian]
- Blue, G., & Rahmani Mehr, M. (2013). Cost of equity and earnings transparency. *Empirical Research in Accounting*, 3(2), 59-80. doi: 10.22051/jera.2013.579 [In Persian]
- Brandt, M., Brav, A., Graham, J., and Kumar, A. (2010). The idiosyncratic volatility puzzle: time trend or speculative episodes? *Review of Financial Studies*, 23(2), 863-899. doi: 10.1093/rfs/hhp087

- Danai Fard, H., Alvani S.M., Azar A. (2004). *Qualitative Research Methodology in Management: A Comprehensive Approach*, Tehran, Eshragh Publication.
- Eskandar, H. & Bolori, A. (2021). The moderating effect of equity financing and ownership type on the relationship between dividend policy and financial reporting quality. *Accounting and Auditing Review*, 28(2), 206-225. doi: [10.22059/acctgrev.2021.317660.1008505](https://doi.org/10.22059/acctgrev.2021.317660.1008505) [In Persian]
- Habibi, A. (2021). *Advanced Research Methodology*. Tehran: Narvan Danesh.
- Hasin, D. S., Saha, T. D., Kerridge, B. T., Goldstein, R. B., Chou, S. P., Zhang, H., Jung, J., Pickering, R. P., Ruan, W. J., Smith, S. M., Huang, B., & Grant, B. F. (2015). Prevalence of marijuana use disorders in the United States between 2001-2002 and 2012-2013. *JAMA Psychiatry*, 72(12), 1235-1242. doi:[10.1001/jamapsychiatry.2015.1858](https://doi.org/10.1001/jamapsychiatry.2015.1858)
- Hayder Badr Ezghayer. (2022). The relationship between creative accounting determinants and financial reporting quality of listed companies in Iraq. *World Economics and Finance Bulletin*, 10, 117-125. <https://www.scholarexpress.net/index.php/wefb/article/view/1908>
- Hendriksen, E. S., & Van Breda, M. F. (1992). *Accounting Theory*. Richard D. Irwin IMC, Chicago.
- Khalilian, B. (2023). Lack of financial reporting transparency, audit quality, risk of stock fall. *Financial and Banking Strategic Studies*, 1(2), 93-105. doi: [10.22105/fbs.2023.178953](https://doi.org/10.22105/fbs.2023.178953) [In Persian]
- Kordestani, Gh., & Alavi, S. M. (2010). Investigating the transparency of accounting earnings on the cost of capital of common stocks. *Journal of Stock Exchang*, 12(3), 43-61. https://journal.seo.ir/article_10904.html [In Persian]
- Leuz, C., & Wysocki, P. (2006). Capital-market effects of corporate disclosures and disclosure regulation. *Research Study, commissioned by the Task Force to Modernize Securities Legislation in Canada*, 183-236. <https://citeseerx.ist.psu.edu/document?repid=rep1&type=pdf&doi=8bda4bbe8c8f7f2d22bf03d8038a609c4b6aecec>
- Li, Q., & Wang, T. (2010). Financial reporting quality and corporate investment efficiency: Chinese experience. *Nankai Business Review International*, 1(2), 197-213. doi: [10.1108/20408741011052591](https://doi.org/10.1108/20408741011052591)
- Mahaverpour, R., Mashayeh, Sh., & Rahmani, A. (2017). Identifying the challenges of implementing international accounting standards for derivatives: with an emphasis on disclosure requirements. *Journal of Securities Exchange*, 14(55), 160-186. doi: [10.22034/jse.2020.11348.1531](https://doi.org/10.22034/jse.2020.11348.1531) [In Persian]
- Mehrani, S., Moradi, M., & Ghanbarzadeh, M. (2021). Identifying financial reporting components with a business model (BM) approach. *Journal of Securities Exchange*, 55(14), 79-110 doi: [10.22034/jse.2020.11302.1503](https://doi.org/10.22034/jse.2020.11302.1503) [In Persian]
- Mehrazin, A., Masihabadi, A., & Dehnavi, M. A. (2012). Transparency of financial information and information content of profit. *Accounting Knowledge*, 3(8), 113-130. doi: [10.22103/jak.2012.6](https://doi.org/10.22103/jak.2012.6) [In Persian]
- Mohammadi, F., Safari Gerayli, M., Arabzadeh, M., & Farzinfar, A. A. (2023). Designing a domain-specific causal model for creative accounting. *Accounting and Auditing Review*, 30(3), 532-559. doi: [10.22059/acctgrev.2023.351110.1008751](https://doi.org/10.22059/acctgrev.2023.351110.1008751) [In Persian]
- Qashqaei, A., & Bigler, K. (2020). The position of creative accounting among Iranian auditors with emphasis on ethics and professional auditing behavior. *Accounting and Management Perspectives*, 2(20), 100-113. https://www.jamv.ir/article_103877.html?lang=fa [In Persian]
- Rahman, M. S., Hasan, M. J., Khan, M. S. H., & Jahan, I. (2023). Antecedents and effect of creative accounting practices on organizational outcomes: Evidence from Bangladesh. *Heliyon*, 9(2). *Heliyon*, 9(2), e13759. doi: [10.1016/j.heliyon.2023.e13759](https://doi.org/10.1016/j.heliyon.2023.e13759)
- Rahmani, A., & Bashirimanesh, N. (2015). A review of the literature on disclosure in IRAN. *Accounting and Social Benefits*. 4(4), 35-68. doi: [10.22051/ijar.2015.2009](https://doi.org/10.22051/ijar.2015.2009) [In Persian]

- Rezaei, M. (2019). Studying the relationship between board characteristics and internal control weaknesses. In *Fifth International Conference on Modern Management and Accounting Studies in Iran*, Tehran. [In Persian] <https://civilica.com/doc/1169545>
- Saadi, J., Jafari, A., & Nasel Mousavi, S.H. (2022). The effect of adopting International Financial Reporting Standards on accounting conservatism, earnings management and information transparency. *Accounting and Auditing Research*, 14(54), 165-186. doi: [10.22034/iaar.2022.156651](https://doi.org/10.22034/iaar.2022.156651) [In Persian]
- Sadeghian, M., BaniMahd, B., Jahangirnia, H., & Gholami Jamkarani, R. (2019). Machiavellianism, ethical orientation and fraudulent financial reporting. *Accounting and Auditing Reviews*. 26(3), 413-434. doi: [10.22059/acctgrev.2019.274381.1008100](https://doi.org/10.22059/acctgrev.2019.274381.1008100) [In Persian]
- Safarzadeh, M. H., Asiaie, M. & Rezaiefar, Z. (2024). The relationship between Chief Financial Officer (CFO) characteristics and financial reporting quality. *Empirical Research in Accounting*, 14(1), 89-114. doi: [10.22051/jera.2024.45331.3173](https://doi.org/10.22051/jera.2024.45331.3173) [In Persian]
- Setayesh, M. H., Kazemnejadm, M., & Zolfaghari M. (2011). Investigating the impact of disclosure quality on stock liquidity and cost of capital of companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Journal of Financial Accounting Research*, 3(9), 55-74. dor: [20.1001.1.23223405.1390.3.3.4.7](https://doi.org/20.1001.1.23223405.1390.3.3.4.7) [In Persian]
- Shoja, H., Mehrabanpour, M., Jahangirnia, H., & Gholami Jamkarai, R. (2021). Presenting a model related to the impact of cultural, social and moral capital on the independence of financial managers and reporting quality. *Financial Economics*, 15(56), 171-196. doi: [10.30495/fed.2021.687874](https://doi.org/10.30495/fed.2021.687874) [In Persian]
- Siriwardane, H. P., Hu, H., Kin, B., & Low, K. Y. (2014). Skills, knowledge, and attitudes important for present-day auditors. *International Journal of Auditing*, 18(3), 193-205. doi: [10.1111/ijau.12023](https://doi.org/10.1111/ijau.12023)
- Taheri Abed, R., Alinejad Sarokalaei, M., & Faghani Makrani, KH. (2018). Ability, financial knowledge of CEOs and transparency of financial reporting. *Financial Accounting Knowledge*, 5(2), 85-110. doi: [10.30479/jfak.2018.1440](https://doi.org/10.30479/jfak.2018.1440) [In Persian]
- Yun, K. (2013). [Does accounting quality matter for short-term financing? Evidence from firms' amount of trade credit](#). *Dissertation*, University of British Columbia.

Investigating the mediating effect of earnings quality on the relationship between corporate governance characteristics and financial distress risk of companies listed on the Iraq Stock Exchange

Amar Emad Khalaf Halboosh¹, Masood Fooladi^{2,✉}, Zahid Qasim Badan³, Maryam Farhadi²

1. Ph.D. Candidate, Department of Accounting, Isf.C., Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Accounting, Isf.C., Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

3. Assistant Professor, Ph.D. of Economics Finance and Investment, Faculty of Management and Economics, Basra University, Basra, Iraq.

ARTICLE INFO	ABSTRACT
Received: 27 March 2025 Revised: 16 May 2025 Accepted: 17 May 2025 Keywords: Corporate governance, earnings quality, financial distress risk, Iraq Stock Exchange JEL Classification: M41	Purpose: The risk of financial distress is one of the risks that the company must be careful to manage well and avoid actions that increase this risk. Corporate governance with appropriate supervision can improve the quality of earnings. On the other hand, high-quality earnings have sufficient information content and will also have a significant impact on reducing the risk of financial distress. Therefore, the aim of the present study is to examine the mediating effect of earnings quality on the relationship between corporate governance characteristics and financial distress risk. Methodology: To achieve the research objectives, four hypotheses have been formulated. To test the first to third hypotheses, the multiple regression method has been used, and to test the fourth hypothesis, the method proposed by Baron and Kenny (1986) has been used. The study population includes a total of 133 companies listed on the Iraq Stock Exchange between 2013 and 2022. Among these companies, 41 companies were selected as a statistical sample using a systematic exclusion method and in accordance with the sampling conditions. Findings: The results of the study show that corporate governance has a negative and significant effect on the risk of financial distress of the company. Also, corporate governance has a positive and significant effect on earnings quality. On the other hand, higher earnings quality significantly reduces the risk of financial distress of the company. Finally, the partial mediation role of earnings quality in the relationship between corporate governance and financial distress risk was confirmed. Originality: By maintaining a balance between social, economic, individual, and collective goals, a corporate governance system encourages the efficient use of resources and requires corporate managers to be accountable for their stewardship of resources. Increasing the efficiency of the governance system leads to the efficient allocation of resources and ultimately economic growth and development, thereby preventing the risk of financial distress.

Cite this paper: Halboosh, A. E. K., Fooladi, M., Qasim Badan, Z., & Farhadi, M. (2025). Investigating the mediating effect of earnings quality on the relationship between corporate governance characteristics and financial distress risk of companies listed on the Iraq Stock Exchange. *Journal of Accounting & Financial Transparency*, 3(1), 79–109. https://doi.org/10.71965/AFT.2025.1202800 [In Persian]

✉ Corresponding Author.

Email Address: foladim57@iau.ac.ir

© 2025 the author(s).

This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited. The terms on which this article has been published allow the posting of the Accepted Manuscript in a repository by the author(s) or with their consent.

Introduction

Operating in a business environment always involves risks for companies, which may sometimes endanger the future life of the company. The risk of financial distress is one of the risks that the company must be careful to manage well and avoid actions that increase this risk. For this purpose, the focus on rational behavior in the company should be increased and managers in particular should be subject to greater supervision due to their opportunistic nature. The law has resorted to corporate governance in helping with this issue and has introduced it as a tool to help manage risk in companies. Corporate governance as a supervisory tool in companies has not had the same performance, which is due to the different characteristics of the company in terms of corporate governance. To the extent that corporate governance is well established in the company, the risk of financial distress will also be reduced by helping to reduce agency costs. On the one hand, the company's performance is evaluated through profits, and this has become a factor for earnings manipulation by managers. Corporate governance with appropriate supervision can also improve the quality of profits, and on the other hand, high-quality earnings have sufficient information content and will also have a significant impact on reducing the risk of financial distress. Therefore, the aim of the present study is to examine the mediating effect of earnings quality on the relationship between corporate governance characteristics and financial distress risk.

Methodology

This research is documentary in terms of data type and post-event in terms of implementation time. Also, to test the hypotheses, which use composite data (year-company) with a retrospective nature, the required data was collected by referring to the website of the Center for Research, Development and Islamic Studies affiliated

with the Iraqi Stock Exchange Organization. In the field of hypothesis testing, the multiple regression method is used; the working tool in this field is the Stata software package. To achieve the research objectives, four hypotheses have been formulated. To test the first to third hypotheses, the multiple regression method has been used, and to test the fourth hypothesis, the method proposed by [Baron & Kenny \(1986\)](#) has been used. The study population includes a total of 133 companies listed on the Iraq Stock Exchange between 2013 and 2022. Among these companies, 41 companies were selected as a statistical sample using a systematic exclusion method and in accordance with the sampling conditions.

Results

The results of the study show that corporate governance has a negative and significant effect on the risk of financial distress of the company. Also, corporate governance has a positive and significant effect on earnings quality. On the other hand, higher earnings quality significantly reduces the risk of financial distress of the company. Finally, the partial mediation role of earnings quality in the relationship between corporate governance and financial distress risk was confirmed.

Conclusions

According to the agency theory, accountability is the essence of corporate governance, and its goal is to achieve the four characteristics of accountability, transparency, justice, and the rights of stakeholders. The agency relationship between shareholders and management in joint-stock companies provides the potential for managers to make decisions that are in their own interests and against the interests of shareholders. One of the factors shaping the agency problem between managers and shareholders is the lack of information transparency between them, and for this reason, shareholders cannot

continuously control the managers operation. Among the mechanisms necessary to ensure the fulfillment of the responsibility of disclosure and appropriate information transparency of companies towards the public and stakeholders is the corporate governance system, which ensures that the company's financial reporting prepared by its managers is of higher quality. Managers manipulate earnings, especially through accruals, to achieve their own interests such as bonuses, job retention, better presentation of company performance, obtaining loans, gaining investor trust, conducting various contracts, and tax savings.

This will reduce the earnings quality and have irreparable consequences for stakeholders. One of the consequences will be a reduction in the company's future cash flows and the inability to meet its obligations, resulting in financial distress. In companies with high earnings quality, information asymmetry is low and is a sign of alignment of the interests of the manager with the owner. This, along with the quality of earnings, will allow any deviations to be quickly identified and corrected, which will reduce the risk of financial distress. On the other hand, by increasing the quality of financial reporting, earnings, which are the most important items in financial statements, will have high information content and high predictive power for the company's decision-makers. Therefore, the company's resources will be better managed and the risk of financial distress, which is caused by managers' incompetence in optimally utilizing available resources and making wrong decisions, will be reduced.

On the one hand, corporate governance, by using available mechanisms, reduces agency costs and prevents managers from opportunistic actions, which has positive effects such as increasing the quality of profits. Also, corporate governance, due to the reduction of moral hazards, provides space for greater efforts to achieve the company's goals, and in such

circumstances, the company will face less risk of financial distress. In addition, in companies with high earnings quality, information asymmetry is low and is a sign of alignment of manager and owner interests. This alignment, along with earnings quality, will cause any deviation to be quickly identified and corrected, which will reduce the risk of financial distress. Therefore, the interaction of corporate governance and earnings quality will ultimately significantly reduce the risk of financial distress in companies. Increasing the efficiency of the governance system leads to the efficient allocation of resources and ultimately economic growth and development, thereby preventing the risk of financial distress.

Author Contributions

All authors contributed equally to the conceptualization of the article and writing of the original and subsequent drafts.

Data Availability Statement

The data that support the findings of this study are available from the corresponding author, upon reasonable request.

Acknowledgements

The authors would like to thank all reviewers in the present study.

Ethical Considerations

The authors avoided data fabrication, falsification, plagiarism, and misconduct.

Funding

This research did not receive any specific grant from funding agencies in the public, commercial, or not-for-profit sectors.

Conflict of Interest

The authors declare no conflict of interest.



بررسی تأثیر میانجی کیفیت سود بر رابطه بین ویژگی‌های نظام راهبری شرکتی و ریسک درماندگی مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس عراق

عمار عماد خلف حلبوش^۱، مسعود فولادی^۲✉، زاهد قاسم بدن^۳، مریم فرهادی^۴

۱. دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

۲. استادیار گروه حسابداری، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

۳. استادیار گروه اقتصاد، مالی و سرمایه گذاری، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه بصره، بصره، عراق.

اطلاعات مقاله	چکیده
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۰۷ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۲/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۷ کلیدواژه‌ها: بورس اوراق بهادار عراق، ریسک درماندگی مالی، کیفیت سود، نظام راهبری شرکتی طبقه‌بندی موضوعی: M41	هدف: راهبری شرکتی با نظارت مناسب می‌تواند کیفیت سود را بهبود بخشد. از سوی دیگر، سود با کیفیت، محتوای اطلاعاتی کافی داشته و در کاهش ریسک درماندگی مالی نیز تأثیر بسزایی خواهد داشت. لذا، هدف تحقیق حاضر بررسی تأثیر میانجی کیفیت سود بر رابطه بین ویژگی‌های نظام راهبری شرکتی و ریسک درماندگی مالی است. روش‌شناسی: برای دستیابی به اهداف پژوهش، چهار فرضیه تدوین شده است. برای آزمون فرضیه‌های اول تا سوم، از روش رگرسیون چندگانه و برای آزمون فرضیه چهارم از روش پیشنهادی بارون و کنی (۱۹۸۶) استفاده شده است. نمونه آماری پژوهش شامل ۴۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار عراق طی سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۲ می‌باشد. یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان می‌دهد داد که نظام راهبری شرکتی بر ریسک درماندگی مالی شرکت تأثیر منفی و معنی‌داری دارد. همچنین، نظام راهبری شرکتی، تأثیر مثبت و معنی‌داری بر کیفیت سود دارد. از طرف دیگر، کیفیت سود بیشتر، ریسک درماندگی مالی شرکت را به شکل معنی‌داری کاهش می‌دهد. در نهایت، نقش میانجی‌گری جزئی کیفیت سود در رابطه بین نظام راهبری شرکتی و ریسک درماندگی مالی مورد تأیید قرار گرفت. دانش‌افزایی: نظام راهبری شرکتی با حفظ تعادل میان اهداف اجتماعی، اقتصادی، فردی و جمعی موجب ترغیب استفاده کارآمد از منابع و الزام پاسخگویی مدیران شرکت‌ها در خصوص ایفای وظیفه مباشرت برای اداره منابع می‌گردد. افزایش کارایی نظام راهبری به تخصیص کارای منابع و در نهایت رشد و توسعه اقتصادی و در نتیجه جلوگیری از خطر درماندگی مالی می‌شود.

استاد: حلبوش، عمار عماد خلف، فولادی، مسعود، قاسم بدن، زاهد، و فرهادی، مریم (۱۴۰۴). بررسی تأثیر میانجی کیفیت سود بر رابطه بین ویژگی‌های نظام راهبری شرکتی و ریسک درماندگی مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس عراق. *حسابداری و شفافیت مالی*، ۱۳(۱)، ۷۹-۱۰۹. <https://doi.org/10.71965/aft.2025.1202800>

✉ نویسنده مسئول.

پست الکترونیکی: foladim57@iau.ac.ir

© 2025 the author(s).

This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited. The terms on which this article has been published allow the posting of the Accepted Manuscript in a repository by the author(s) or with their consent.

مقدمه

فعالیت در محیط‌های تجاری همواره با خطراتی برای شرکت‌ها به همراه است که بعضاً ممکن است حیات آتی شرکت را با خطر مواجه نماید. ریسک درماندگی مالی یکی از خطراتی است که شرکت باید مراقب باشد تا به خوبی آن را مدیریت نموده و از اقداماتی که باعث افزایش این ریسک می‌شود، پرهیز نماید. بدین منظور باید تمرکز بر روی رفتار عقلایی در شرکت افزایش یافته و مخصوصاً مدیران به دلیل ذات فرصت‌طلبی تحت نظارت بیشتری قرار گیرند. قانون در کمک به این مهم به راهبری شرکتی پناه برده و آن را ابزاری جهت کمک به مدیریت ریسک در شرکت‌ها معرفی نموده است (جان^۱ و همکاران، ۲۰۲۳). راهبری شرکتی به عنوان ابزاری نظارتی در شرکت‌ها از عملکرد یکسانی برخوردار نبوده که دلیل آن ویژگی‌های متفاوت شرکت از نظر راهبری شرکتی است. به هر میزان راهبری شرکتی به خوبی در شرکت استقرار یابد، به دلیل کمک به کاهش هزینه‌های نمایندگی، ریسک درماندگی مالی نیز کاهش خواهد یافت. از سویی ارزیابی عملکرد شرکت به واسطه سود صورت پذیرفته و این عاملی برای دستکاری سود توسط مدیران شده است. راهبری شرکتی با نظارت مناسب می‌تواند کیفیت سود را نیز بهبود داده و از سویی سودی که با کیفیت بالا محاسبه شده باشد، محتوای اطلاعاتی زیادی داشته و در کاهش ریسک درماندگی مالی نیز تأثیر بسزایی خواهد داشت (آجیقا و گاندا^۲، ۲۰۲۳). در این پژوهش روابط بین این متغیرها مورد بررسی قرار گرفته است.

در ادامه ساختار مقاله به این ترتیب خواهد بود، ابتدا مبانی نظری و پیشینه پژوهش ارائه شده و براساس آن، فرضیه‌های تحقیق بیان می‌شود. در ادامه روش‌شناسی پژوهش شامل جامعه و نمونه آماری ارائه می‌شود. سپس، نحوه اندازه‌گیری متغیرها و طرح آزمون فرضیه‌ها بیان می‌شود. در بخش پایانی نیز پس از بیان یافته‌های پژوهش، به بحث و نتیجه‌گیری و پیشنهادها پرداخته خواهد شد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

نظریه سودمندی تصمیم نشان می‌دهد که کیفیت سود بالا برای تصمیمات سرمایه‌گذاری بسیار مفیدتر است و برعکس، کیفیت سود پایین برای فرآیند تصمیم‌گیری مفید نیست. تئوری ویژگی‌های سود، کیفیت سود را بر اساس ویژگی‌های دقیق سود مانند پایداری، قابل پیش‌بینی بودن، ارتباط و به موقع بودن تعریف می‌کند. در نتیجه کیفیت سود بالا به پایداری سود اشاره دارد که بر اساس تئوری علامت‌دهی، نشانه‌هایی از سلامت شرکت و تهدیدات کمتر برای حیات آتی شرکت دارد (کریشنان و ژانگ^۳، ۲۰۱۹؛ سان^۴ و همکاران، ۲۰۲۰؛ هانگ و وان^۵، ۲۰۲۰). تئوری علامت‌دهی نیز بر این فرض استوار است که مدیران شرکت‌های دارای محدودیت مالی با افزایش اقلام تعهدی در گزارشگری مالی به دنبال انحراف افکار ذینفعان از وضعیت مالی شرکت می‌باشند، زیرا عمده توجه فعالان بازار بر رقم سود بوده و مدیران با انجام مدیریت سود موجب افزایش سود گردیده و به صورت کوتاه مدت خود را از انتقادات سهامداران بیمه می‌نمایند (چن^۶ و همکاران، ۲۰۲۳).

¹. Jan

². Ajeigbe & Ganda

³. Krishnan & Zhang

⁴. Sun

⁵. Hung & Van

⁶. Chen

مدیریت سود غالباً با انگیزه گمراه کردن استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی و یا انحراف از نتایج قراردادی که بستگی به سودهای حسابداری دارد، انجام می‌شود. به طوری که مدیر با این عمل قصد دارد فرایند سودآوری شرکت را مناسب جلوه دهد تا واحد اقتصادی تحت مدیریت او با جذابیتی خاص به عنوان یکی از گزینه‌های اولیه برای سرمایه‌گذاری مطرح باشد. از این رو وجود مکانیزمی منسجم برای جلوگیری از مدیریت سود و همسو کردن منافع طیف‌های مختلف ذی‌نفعان، تحت عنوان نظام راهبری شرکتی مطرح شده است که می‌توان آن را مجموعه قوانین، فرایندها، فرهنگ‌ها و روابطی دانست که بین سهامداران، مدیران، حساب‌رسان شرکت باید وجود داشته باشد تا متضمن رعایت همه جانبه حقوق سهامداران جزء، بازدارنده از سوء استفاده‌های احتمالی و موجب دستیابی به اهداف پاسخگویی، شفافیت و عدالت و رعایت حقوق ذی‌نفعان گردد (قدرتی و فیضی، ۱۳۹۴).

براساس تئوری نمایندگی، به دلیل نبود شفافیت و عدم وجود سازوکارهای نظام راهبری شرکتی به صورت مطلوب، منافع تهیه‌کنندگان اطلاعات با استفاده‌کنندگان، در تضاد است. مدیرانی که به دنبال منافع شخصی خود هستند ساختار شرکت را پیچیده‌تر کرده و از این طریق منابع شرکت را در جهت منافع شخصی خود به کار می‌گیرند. لذا یکی از چالش‌های پیش روی سهامداران و هیأت‌مدیره، یافتن روش‌ها و انگیزه‌های کنترلی است تا هزینه‌های نمایندگی را به حداقل برسانند (جنسن و مک‌لینگ^۱، ۱۹۷۶). نظام راهبری شرکتی مجموعه ساز و کارهای کنترلی داخلی و خارجی شرکت است که تعیین می‌کند شرکت چگونه و توسط چه کسانی اداره شود. نظام راهبری شرکتی که با حفظ تعادل میان اهداف اجتماعی و اقتصادی و اهداف فردی و جمعی سر و کار دارد، موجب ترغیب استفاده کارآمد از منابع و الزام پاسخگویی مدیران شرکت‌ها درخصوص ایفای وظیفه مباشرت برای اداره منابع می‌شود. توجه به راهبری شرکتی کارا و افزایش کارایی در قراردادهای فیما بین ذی‌نفعان به منظور تقویت فرهنگ پاسخگویی و ارتقای شفافیت اطلاعات در شرکت‌ها و واحدهای اقتصادی که تمام یا بخشی از سرمایه آنها از طریق مردم تأمین شده است به تخصیص کارای منابع و در نهایت رشد و توسعه اقتصادی منجر می‌شود (اکتویانی^۲ و همکاران، ۲۰۱۹). بنابراین، نظام راهبری شرکتی به عنوان یکی از سازوکارهای کنترلی برون شرکتی تعریف می‌شود که وظیفه برقراری تعادل مناسب میان حقوق صاحبان سهام را بر عهده دارد و در پی نظارت مؤثر بر عملکرد مدیران و کاهش رفتارهای فرصت‌طلبانه آنان برای رسیدن به ایجاد توازن بین منافع مدیران و سهامداران است (انوشیروانی و ساعدی، ۱۳۹۷). همچنین شواهد نشان می‌دهد نظام راهبری شرکتی اثربخش به کیفیت گزارشگری مالی بالاتر منجر شده و مدیریت سود را محدود می‌کند. نظام راهبری شرکتی مناسب می‌تواند به عنوان سازوکاری اثربخش برای ممانعت از رفتار خوش‌بینانه مدیران و بهبود کیفیت گزارش‌های مدیران و افزایش ارزش شرکت عمل کند. به عبارت دیگر این انتظار می‌رود که سازوکارهای مؤثر نظام راهبری شرکتی موجب کاهش دستکاری سود در شرکت‌ها شود (چاندرن^۳ و همکاران، ۲۰۲۰). لذا، نظام راهبری شرکتی می‌تواند از طریق کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و در نتیجه، افزایش کیفیت گزارشگری مالی برای استفاده‌کنندگان این امکان را فراهم آورد که مشکلات مالی متج به بحران را پیش‌بینی و با اتخاذ تصمیمات مناسب، از بروز آن جلوگیری نمایند (وک^۴ و همکاران، ۲۰۱۳). از طرفی، درماندگی مالی شرکت‌ها منجر به هدر رفتن

^۱. Jensen & Meckling

^۲. Oktaviani

^۳. Chandren

^۴. Wolk

منابع و عدم بهره‌گیری از فرصت‌های سرمایه‌گذاری می‌شود. با توجه به اینکه در شرایط اقتصادی موجود، تعداد شرکت‌های ورشکسته در حال افزایش است (سعیدی و آقای، ۱۳۸۸)، بنابراین بررسی اثر معیارهای نظام راهبری شرکتی بر احتمال وقوع درماندگی مالی می‌تواند از جمله موضوعات بااهمیت در حوزه پژوهش باشد.

طبق نظر ماربور و ابولیمه لیا^۱ (۲۰۲۰) راهبری شرکتی تعادل و هماهنگی ایجاد می‌کند که منافع همه ذی‌نفعان از جمله کارکنان، صاحبان سهام، دولت، مشتریان، وام‌دهندگان، جوامع میزبان، مشتریان و سایرین را در نظر می‌گیرد. راهبری شرکتی به عنوان مجموعه‌ای شناخته شده از اصول، مقررات، الزامات، فرآیندها، کدهای اخلاقی و ساختارهای سازمانی بیان می‌شود که زیربنای شیوه‌های مؤثر و قوی سازمانی برای اطمینان از تعادل مؤثر بین منافع مختلف ذینفعان و همچنین حفظ رشد اقتصادی شرکت‌ها است (آجیقا و گاندا، ۲۰۲۳). ابزارهای مؤثر برای دستیابی به اهداف شرکت، شناسایی ریسک‌های شرکتی، ارزیابی ریسک و تدوین اقدامات کنترلی برای کاهش ریسک‌ها در حوزه راهبری شرکتی قرار دارند. راهبری شرکتی با هدف به حداکثر رساندن ارزش شرکت به نفع سهامداران است. عملکرد راهبری شرکتی باکیفیت، نظارت مؤثر و نظارت بر اساس بهترین شیوه‌ها را تضمین و همچنین اعمال کنترل خویشتن‌داری بر فعالیت‌های سازمان با هدف بهبود ثروت اقتصادی و ارزش مالکان را تضمین می‌کند (پروناکا^۲ و همکاران، ۲۰۲۳). براساس مفهوم عدم تقارن اطلاعاتی هدف عمده سازوکار نظام راهبری شرکتی، افزایش سطح نظارت‌ها به منظور تقویت گزارشگری و ارتقای سطح کیفیت افشای صورت‌های مالی می‌باشد. از آنجایی که افشای سود بدون تحریف و با کیفیت به عنوان یک مبنای تئوری نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی همراستا با نظریه علامت‌دهی می‌باشد، وجود راهبری شرکتی پویا و منسجم باعث خواهد شد تا رفتارهای فرصت‌طلبانه و سودجویانه مدیران تا حد زیادی کنترل شود و ضمن افزایش سطح شفافیت‌ها باعث خواهد شد تا کیفیت و توان اتکاپذیری به گزارشگری مالی تقویت شود و این موضوع باعث می‌شود تا ارتباط مشخص‌تری از عملکردها با سودهای مورد انتظار آتی ایجاد شود و در نتیجه اعتماد و اطمینان بیشتری برای شرکت در بازار سرمایه فراهم شود (چاندرن^۳ و همکاران، ۲۰۲۰).

بر اساس ادبیات ارائه شده انتظار بر این است که از یک سو راهبری شرکتی با استفاده از ساز و کارهای در اختیار موجب کاهش هزینه‌های نمایندگی شده و مدیران را از اقدامات فرصت‌طلبانه منع نماید که دارای آثار مثبتی مانند افزایش کیفیت سود است. همچنین راهبری شرکتی به دلیل کاهش خطرات اخلاقی، فضا را برای تلاش هر چه بیشتر برای دستیابی به اهداف شرکت فراهم نموده و در چنین شرایطی شرکت کمتر با ریسک درماندگی مالی مواجه خواهد گردید. علاوه بر این، در شرکت‌هایی که کیفیت سود بالا می‌باشد، عدم تقارن اطلاعاتی پایین بوده و نشانه‌ای از همسویی منافع مدیر با مالک است. این همسویی در کنار کیفیت سود موجب خواهد شد تا هر گونه انحراف به سرعت شناسایی و اصلاح گردد که ریسک درماندگی مالی را کاهش خواهد داد. لذا تعامل راهبری شرکتی و کیفیت سود در نهایت باعث خواهد شد تا ریسک درماندگی مالی در شرکت‌ها به نحو معناداری کاهش یابد.

لذا در تأیید نقش میانجیگری کیفیت سود در رابطه نظام راهبری شرکتی و ریسک درماندگی مالی باید بیان نمود که از یک سو نظام راهبری شرکتی بر اساس وظایف مورد انتظار با نظارت مناسب بر اقدامات مدیران در اندازه‌گیری

^۱. Mrabure & Abhulimhen-Iyoha

^۲. Proença

^۳. Chandren

و افشای سود موجب کاهش اقلام تعهدی از سود شده و بنابراین کیفیت سود را افزایش خواهند داد. در چنین شرایطی سود در اختیار تصمیم‌گیران شرکت که مورد توجه‌ترین قلم از اقلام صورت‌های مالی می‌باشد، می‌تواند محتوای اطلاعاتی بالایی داشته باشد و قابلیت پیش‌بینی کنندگی آن زیاد باشد. لذا مدیریت منابع در اختیار شرکت به نحو بهتری صورت پذیرفته و ریسک درماندگی مالی که ناشی از بی‌کفایتی مدیران در بهره‌برداری بهینه از منابع در اختیار و تصمیم‌گیری‌های غلط است، دچار کاهش خواهد شد.

رشید و همکاران^۱ (۲۰۲۴) پژوهشی با عنوان "حاکمیت شرکتی و مدیریت ریسک در مؤسسات مالی اسلامی و متعارف: تبیین نقش کیفیت نهادی" انجام دادند. بدین منظور مشاهداتی از ۲۱۷ موسسه مالی در کشور پاکستان در دوره زمانی ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۱ با استفاده از روش قوی دو مرحله‌ای سیستم گشتاورهای تعمیم یافته مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج شواهد محکمی را ارائه کردند مبنی بر اینکه چندین ویژگی فردی راهبری شرکتی و شاخص ترکیبی به طور قابل توجهی با ریسک عملیاتی، ریسک نقدینگی و ریسک درماندگی مالی (معیاری از ریسک پرداخت بدهی) مرتبط هستند.

جان و همکاران (۲۰۲۳) مطالعه‌ای با موضوع "آیا حاکمیت شرکتی اسلامی از ورشکستگی بانک‌های اسلامی جلوگیری می‌کند؟ پیامدهای پایداری اقتصادی" انجام دادند. پژوهشگران ریسک ورشکستگی را از طریق امتیاز آلتمن برای تجزیه و تحلیل سطح ثبات صنعت اندازه‌گیری نموده و در نتیجه تأثیر حاکمیت شرکتی اسلامی بر ریسک ورشکستگی بانک‌های اسلامی در پاکستان را برای دوره پس از بحران مالی بررسی می‌کنند. با استفاده از داده‌های سالهای ۲۰۰۹ تا ۲۰۲۰، نتایج تحقیق نشان داد که اندازه هیئت مدیره و تعداد جلسات هیات مدیره تأثیر مثبت قابل توجهی بر ریسک ورشکستگی دارند در حالی که مالکیت مدیریتی تأثیر نامطلوبی بر ریسک ورشکستگی نشان داد. جالب توجه است که تأثیر ناچیز مدیران زن با گنجاندن متغیرهای کنترلی در مدل معنادار شده است. در مجموع، یافته‌ها حاکی از آن است که حاکمیت شرکتی اسلامی ابزاری کارآمد برای ترویج مدیریت ریسک در بانک‌های اسلامی و جلوگیری از اثرات منفی بحران‌های نوظهور است.

لی و همکاران^۲ (۲۰۲۱) در پژوهشی به "پیش‌بینی ریسک درماندگی مالی با استفاده از معیارهای حاکمیت شرکتی" پرداختند. این پژوهش از ساختار داده‌های تابلویی در یک دوره ۱۷ ساله از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۷ در کشور چین استفاده نموده است. علاوه بر این، این پژوهش به رابطه بین مالکیت دولت و ریسک درماندگی مالی در چین می‌پردازد. نتایج حاکی از آن است که اگرچه حاکمیت شرکتی به تنهایی برای پیش‌بینی دقیق درماندگی مالی کافی نیست، اما می‌تواند به قدرت پیش‌بینی نسبت‌های مالی و عوامل کلان اقتصادی بیفزاید. علاوه بر این، این مدل بینش‌هایی را در مورد نقش مالکیت دولتی، مدیران مستقل، سرمایه‌گذاران نهادی و برخی ویژگی‌های شخصی رئیس هیئت مدیره ارائه می‌دهد.

علی^۳ و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان "آیا کیفیت مدیریت شرکت بر درماندگی مالی تأثیر می‌گذارد؟ نقش فرصت‌های رشد و نقدینگی سهام" به بررسی رابطه بین کیفیت نظام راهبری شرکتی و تأثیر آن بر ریسک

^۱. Rashid

^۲. Li

^۳. Ali

درماندگی مالی با در نظر گرفتن فرصت‌های رشد و نقد شوندگی سهام شرکت‌ها پرداخته‌اند. این پژوهش در کشور استرالیا انجام و داده‌های ۱۰۸۶ شرکت غیرمالی از سال ۲۰۰۱ الی ۲۰۱۳ جمع‌آوری گردیده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد رابطه معکوس بین حاکمیت شرکت‌ها و ریسک درماندگی مالی برای بنگاه‌هایی که فرصت‌های رشد بیشتری دارند، نسبتاً قوی‌تر است. همچنین نتایج نشان می‌دهد فرصت‌های سرمایه‌گذاری و نقد شوندگی سهام تأثیر کیفیت نظام راهبری شرکتی بر ریسک درماندگی مالی شرکت‌ها را در جهت مثبت تقویت می‌کنند.

مانزانکی^۱ و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان "تأثیرات نظام راهبری شرکتی بر احتمال مشکلات مالی"، به بررسی برخی از مکانیزم‌های نظام راهبری شرکتی (مالکیت و ویژگی هیئت‌مدیره) در شرکت‌های پذیرفته شده اسپانیایی و تأثیر آن بر احتمال درماندگی مالی می‌پردازد. این پژوهش در بازه زمانی ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۲ با استفاده از ۳۰۸ مشاهده انجام شده است. نتایج با استفاده از مدل‌های لجستیک شرطی مختلف نشان می‌دهد توزیع مالکیت شرکت‌های اسپانیایی و ویژگی‌های سیستم نظام راهبری شرکتی آن‌ها (تمرکز مالکیت، مالکیت بزرگ مدیران، شیوه دوگانه گسترده مدیرعامل و اندازه بزرگ هیئت‌مدیره) به احتمال زیاد سبب بروز مسائل نمایندگی شده و به همین خاطر می‌توانند به بدتر شدن موقعیت‌های درماندگی مالی کمک کنند.

السا و سلامی^۲ (۲۰۲۴) پژوهشی با موضوع "تأثیر اعمال حکمروایی خوب بر کیفیت گزارش‌های مالی نمونه ای از شرکت‌های صنعتی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار عراق" ارائه نمودند. نمونه مورد مطالعه آنها ۱۶ شرکت صنعتی از سال ۲۰۱۵-۲۰۲۱ بوده است. کیفیت گزارش‌های مالی از طریق مقیاس جونز ۱۹۹۱ و حکمرانی خوب از طریق تعداد اعضای هیئت مدیره و تعداد اعضای مستقل اندازه‌گیری شده است. نتایج تحقیق آنها نشان داد که بین حکمرانی خوب و کیفیت گزارش‌های مالی رابطه مثبت وجود دارد، زیرا اندازه هیئت مدیره کیفیت گزارش‌های مالی را بهبود می‌بخشد. همچنین تعداد اعضای مستقل هیئت مدیره بر کیفیت گزارش‌های مالی از نظر آماری تأثیر معناداری داشت.

محمودی^۳ و همکاران (۲۰۲۳) مطالعه‌ای با عنوان "ثبات حاکمیت شرکتی و تأثیر آن بر کیفیت اطلاعات حسابداری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار عراق" ارائه نمودند. در این پژوهش ثبات حاکمیت شرکتی با استفاده از چهار معیار ثبات مدیریتی، ثبات مالکیت، ثبات دوره تصدی حسابرسی مستقل و ثبات دوره تصدی کمیته حسابرسی اندازه‌گیری شده است. جامعه آماری شامل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار عراق می‌باشد و نمونه پژوهش با اعمال شرایط متغیرهای تحقیق بر روی ۵۵ شرکت در سال‌های ۲۱۱ تا ۲۰۲۰ میلادی انتخاب شده است. نتایج تحقیق آنها نشان می‌دهد که ثبات مدیریتی و ثبات مالکیت با کیفیت اطلاعات حسابداری همبستگی منفی دارد. ثبات تصدی حسابرس مستقل با کیفیت اطلاعات حسابداری رابطه مثبت دارد. بر این اساس، ثبات دوره تصدی کمیته حسابرسی ارتباط معناداری با کیفیت اطلاعات حسابداری ندارد.

صالحی^۴ و همکاران (۲۰۲۳) به بررسی "رابطه بین حاکمیت شرکتی و شفافیت گزارشگری مالی" پرداختند. فرضیه‌های تحقیق بر روی نمونه ای متشکل از ۳۵ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار عراق از سال ۲۰۱۲ تا

¹. Manzaneque

². Alles & Selami

³. Mahmoodi

⁴. Salehi

۲۰۱۸ با استفاده از مدل رگرسیون چند متغیره بر اساس تکنیک داده‌های تابلویی مورد آزمون قرار گرفته است. نتایج حاکی از همبستگی منفی و معنادار بین استقلال هیأت مدیره، استقلال کمیته حسابرسی، ثبات تیم مدیریت و پاداش هیأت مدیره و شفافیت گزارشگری مالی است. در مقابل، بین تخصص هیأت مدیره، تخصص کمیته حسابرسی و مالکیت مدیریتی با شفافیت گزارشگری مالی همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد.

محمد صداع^۱ و همکاران (۲۰۲۳) پژوهشی با موضوع "حاکمیت شرکتی به عنوان سوابق و درماندگی مالی به عنوان پیامد ریسک اعتباری. مدارک از بانک‌های عراقی" ارائه نمودند. این مطالعه به بررسی سوابق و پیامدهای ریسک اعتباری در زمینه بانک‌های عراقی از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰ می‌پردازد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که تخصص مالی هیأت مدیره، کمیته مدیریت ریسک و مالکیت خارجی تأثیر منفی بر ریسک اعتباری دارند. همچنین، نتایج نشان می‌دهد که استقلال هیأت مدیره، کمیته حسابرسی، مالکیت نهادی، مالکیت دولتی و مالکیت مدیریتی بر ریسک اعتباری تأثیر ناچیزی دارد. با تمرکز بر پیامد ریسک اعتباری، نتایج نشان داد که ریسک اعتباری به طور مثبت بر درماندگی مالی تأثیر می‌گذارد. در نهایت، تمرکز مالکیت به عنوان تعدیل کننده با ارتباط بین ریسک اعتباری و درماندگی مالی در تعامل است.

مصطفی^۲ (۲۰۱۷) پژوهشی با موضوع "تأثیر حاکمیت شرکتی بر کیفیت گزارش‌های مالی: شواهدی از عراق" ارائه نموده است. به منظور دستیابی به هدف پژوهش حاضر، نمونه‌ای متشکل از ۱۰۹ نفر از اعضای هیأت مدیره و مدیران اجرایی متوسط از شرکت‌های خصوصی عراقی در سال ۲۰۱۶ انتخاب شدند. گردآوری داده‌ها با استفاده از پرسشنامه در بستر فضای مجازی و مراجعه حضوری انجام شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که همبستگی بالایی بین متغیرهای وابسته و متغیرهای مستقل وجود دارد. به عبارتی دیگر، مشخص شد که حاکمیت شرکتی تأثیر مثبتی بر کیفیت گزارش‌های مالی دارد.

لطفی و همکاران (۱۴۰۳) در پژوهشی به "پیش‌بینی درماندگی مالی با مدل ترکیبی (مطالعه موردی: شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران)" پرداختند. بدین منظور اطلاعات ۱۶۸ شرکت دارای درماندگی مالی و ۱۶۸ شرکت که شرایط درماندگی مالی را نداشته‌اند، در فاصله بین سال‌های ۱۳۸۵ الی ۱۳۹۸ در مقاطع زمانی ۲، ۳ و یک ساله مورد بررسی قرار گرفته است. در این مطالعه از ۱۷ نسبت مالی، ۴ متغیر اقتصادی و ۴ ویژگی سهام شرکت استفاده شده است. این پژوهش با توسعه یک مدل پیش‌بینی کننده برای اولین بار، مولفه‌های مالی، اقتصادی و بازار سهام را با احتمال نکول مدل ساختاری ترکیب می‌کند. نتایج تحقیق نشان داد که مدل ارائه شده، قدرت توضیحی بهتری نسبت به مدل‌های دیگر مانند مدل مرتون و مدل رگرسیون لجستیک باینری دارد و قدرت توضیحی بهتری در پیش‌بینی درماندگی مالی نسبت به مدل‌های قبلی دارد. علاوه بر یافته‌ها حاکی از آن بوده است که قدرت پیش‌بینی کنندگی ورشکستگی مدل رگرسیون لجستیک باینری بهتر از مدل مرتون می‌باشد.

محمد صالحی و رجایی زاده هرندی (۱۴۰۱) مطالعه‌ای با موضوع "بررسی تأثیر مدیریت سود و استراتژی تجاری بر ریسک ورشکستگی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" ارائه نمودند. جامعه آماری پژوهش کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی شش ساله بین سال‌های ۱۳۹۳ الی ۱۳۹۸

^۱. Mohammed Sadaa

^۲. Mustafa

می‌باشد که بر اساس روش نمونه‌گیری حذف سیستماتیک تعداد ۱۴۷ شرکت عنوان نمونه آماری در نظر گرفته شد. نتایج به دست آمده در این پژوهش نشان می‌دهد در مجموع مدیریت سود و استراتژی تنوع می‌تواند موجب افزایش ریسک ورشکستگی شرکت‌ها شود و این در حالی است که استراتژی رهبری هزینه موجب کاهش ریسک ورشکستگی شرکت‌ها می‌شود.

مدانلو و بوداغی مالیده (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان "اثر نظام راهبری شرکت بر رابطه بین ریسک‌پذیری و درماندگی مالی شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران" انجام دادند. هدف از انجام پژوهش، بررسی نقش تعدیل‌کننده راهبری شرکت بر رابطه بین ریسک‌پذیری و درماندگی مالی شرکت‌ها در بورس اوراق بهادار تهران طی بازه زمانی ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴ می‌باشد. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق حاکی از آن است که مالکیت مدیریتی اثر تعدیل‌کننده بر ارتباط بین ریسک‌پذیری و درماندگی مالی ندارد؛ اما ساختار هیئت‌مدیره اثر تعدیل‌کننده بر ارتباط بین ریسک‌پذیری و درماندگی مالی دارد.

مرادی و حسین‌زاده (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان "نقش راهبری شرکتی در بحران مالی شرکت‌ها: قبل و بعد از دستورالعمل کنترل‌های داخلی" بر آن است تا علاوه بر نسبت‌های حسابداری و اطلاعات مربوط به بازار، نقش سازوکارهای راهبری شرکتی را نیز در تشخیص بحران مالی شرکت‌ها بررسی کند. همچنین، تصویب دستورالعمل کنترل‌های داخلی که مصداق سیاست‌گذاری در راهبری شرکتی است، به مثابه یک رویداد بررسی و تأثیر آن بر تشدید یا تضعیف نقش راهبری شرکتی در بحران مالی شرکت‌ها آزمون می‌شود. ۱۸۲ شرکت، طی سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۵ بررسی و آزمون فرضیه‌ها با استفاده از رگرسیون لجیت انجام شده و یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد راهبری شرکتی در کاهش بحران‌های مالی نقشی معنادار دارد، اما دستورالعمل کنترل‌های داخلی قادر به بهبود نقش یادشده نبوده است. **احمدی (۱۳۹۵)** در پژوهش خود به بررسی رابطه بین نظام راهبری شرکتی و ریسک سیستماتیک با درماندگی مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ پرداخته است. طبق نتایج پژوهش، تمرکز مالکیت و مالکیت نهادی تأثیری منفی و معنی‌داری بر درماندگی مالی دارد. همچنین متغیر ترکیبی تمرکز مالکیت و ریسک سیستماتیک بر درماندگی مالی تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد. در نهایت متغیر ترکیبی مالکیت نهادی و ریسک سیستماتیک تأثیر منفی و معنی‌داری بر درماندگی مالی دارد. همچنین اندازه شرکت، سودآوری، نقد شوندگی و حجم معاملات شرکت تأثیر منفی و معنی‌داری بر درماندگی مالی دارد.

مشکی میاوقی و هاشمی سعادت (۱۳۹۴) در پژوهش خود به بررسی رابطه بین برخی سازوکارهای نظام راهبری شرکتی با احتمال وقوع درماندگی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌پردازند. نمونه آماری پژوهش متشکل از ۱۱۵ شرکت شامل ۴۰ شرکت درمانده مالی و ۷۵ شرکت سالم می‌باشد که در طی دوره زمانی ۱۳۸۷ لغایت ۱۳۹۲ از بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انتخاب شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که از پنج مکانیزم نظام راهبری شرکتی مورد بررسی در این پژوهش، مکانیزم‌های نوع گزارش حسابرس، میزان پاداش هیئت‌مدیره، نسبت مالکیت نهادی و استقلال هیئت‌مدیره با احتمال وقوع درماندگی دارای رابطه معنادار و منفی می‌باشد؛ با این وجود هیچ‌گونه رابطه معنی‌داری بین متغیر اندازه هیئت‌مدیره با احتمال وقوع درماندگی مشاهده نمی‌شود. اگرچه، در زمینه رابطه بین نظام راهبری شرکتی و ریسک درماندگی مالی و همچنین تأثیر نظام راهبری

شرکتی بر کیفیت سود تحقیقات متعددی صورت پذیرفته است. ولی طبق بررسی های محقق، در تحقیقات پیشین نقش میانجی کیفیت سود در رابطه بین نظام راهبری شرکتی و ریسک درماندگی مالی در نظر گرفته نشده است. همچنین، در تحقیقات پیشین از چند ویژگی خاص نظام راهبری شرکتی استفاده می شده است در صورتی که تحقیق حاضر از یک مدل ریاضی برای سنجش متغیر نظام راهبری شرکتی استفاده می کند.

از طرفی، تحقیقات قبلی در نقاطی غیر از عراق، به ویژه در کشورهای توسعه یافته انجام شده است. قبل از حمله به عراق در سال ۲۰۰۳، بورس این کشور بورس بغداد نام داشت و توسط وزارت دارایی عراق اداره می شد. سپس، بورس اوراق بهادار عراق با دستور شماره ۷۴ حکومت ائتلاف موقت عراق به عنوان یک سازمان غیرانتفاعی مستقل در ۱۸ آوریل ۲۰۰۴ تأسیس شد. این دستور همچنین کمیسیون اوراق بهادار عراق و سپرده گذاری عراق را ایجاد کرد. این سازمان تحت نظارت کمیسیون اوراق بهادار عراق، یک کمیسیون مستقل که از کمیسیون بورس و اوراق بهادار آمریکا الگوبرداری شده است، فعالیت می کند. این نهاد که بر هیئت رئیسه نظارت دارد، در ابتدا به عنوان پل ارتباطی بین بورس دولتی قبلی کشور و بورس مستقل جدید عمل کرد و از سال ۲۰۰۵، تنها بورس اوراق بهادار عراق بود. در حال حاضر این بورس یک شکل خود انتظام مشابه بورس اوراق بهادار نیویورک است که متعلق به حدود ۵۰ کارگزاری عضو است. بورس عراق در سال ۲۰۰۴ با ۱۵ شرکت افتتاح شد و اکنون بیش از ۱۰۰ شرکت را فهرست می کند. سهام عمده شامل بانک بغداد، شرکت نوشابه های غیرالکلی بغداد، شرکت فرش تافتد عراق، سنگ مرمر هادر، و کشاورزی آلتار بود. با توجه به اینکه عراق به عنوان یک کشور در حال توسعه تلقی می شود، یافته های تحقیقات گذشته ممکن است چندان مهم یا مرتبط با عراق نباشد. از آنجا که قوانین عراق در مورد حاکمیت شرکتی بسیار نوپا و در حال توسعه بوده و با قوانین سایر کشورها متفاوت است، تحقیقات قبلی نمی تواند در مورد وضعیت شرکت های پذیرفته شده در بورس عراق اعمال شود (ترکی هزا^۱ و همکاران ۲۰۲۴). همچنین، ساختار نهادی و سیستم گزارشگری مالی در عراق مشابه سایر کشورها نیست و با توجه به این که اهمیت تأثیر حاکمیت شرکتی بر عملکرد مالی شرکتها در بورس اوراق بهادار عراق، ناشی از اهمیت اصلاحات اقتصادی و توسعه پایدار در یک کشور با تاریخچه ای از بی ثباتی های سیاسی و اقتصادی است، انجام این پژوهش میتواند در افزایش شفافیت و اعتماد در بازار سرمایه و تقویت پایه های اقتصادی و افزایش کارایی عملکرد شرکت های پذیرفته شده در بورس عراق کمک رسانده و مبنایی برای جذب سرمایه گذارهای جهانی و بهبود محیط کسب و کار ایجاد نماید. سال ها جنگ و ناامنی در کشور عراق باعث به وجود آمدن ویرانی های زیاد و توقف بخش های مختلف اقتصادی شده است. این موضوع موجب شد تا در سال های اخیر با تغییر محیط سیاسی و ایجاد ثبات نسبی در این کشور، فعالیت های عمرانی و اقتصادی شتاب گرفته و شرکت ها با فرصت های سرمایه گذاری زیادی روبرو شوند. علی رغم بازار کار بزرگی که برای شرکت ها ایجاد شده است، محدودیت منابع باعث شده تا انتخاب فرصت های سرمایه گذاری با حساسیت بیشتری دنبال و شرکت ها تلاش نمایند از منابع در اختیار به بهترین شکل ممکن استفاده و در پروژه هایی سرمایه گذاری نمایند که بالاترین بازده را برای ایشان به دنبال داشته باشد. بنابراین، این مطالعه می تواند پیامدهای عملی و نظری در عراق و سایر کشورهای در حال توسعه با اقتصاد، سیستم و قوانین مشابه داشته باشد. لذا، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال اساسی است که آیا کیفیت سود

^۱. Turki Hazzaa

نقش میانجی گری بین نظام راهبری شرکتی و ریسک درماندگی مالی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس عراق دارد یا خیر؟

فرضیه‌های پژوهش

با توجه به سؤال تحقیق و براساس مبانی نظری مطرح شده در بیان مسأله، هدف تحقیق حاضر آزمون فرضیه‌های زیر می‌باشد:

فرضیه اول: نظام راهبری شرکتی ریسک درماندگی مالی شرکت را کاهش می‌دهد.

فرضیه دوم: نظام راهبری شرکتی کیفیت سود را افزایش می‌دهد.

فرضیه سوم: کیفیت سود ریسک درماندگی مالی شرکت را کاهش می‌دهد.

فرضیه چهارم: کیفیت سود در رابطه بین نظام راهبری شرکتی و ریسک درماندگی مالی نقش میانجی دارد.

روش‌شناسی پژوهش

از آنجایی که در این پژوهش رابطه بین چند متغیر مورد بررسی قرار گرفته است، لذا یک پژوهش توصیفی-همبستگی می‌باشد. از آنجا که در فرایند تصمیم‌گیری مورد استفاده قرار می‌گیرد، نوعی پژوهش کاربردی نیز محسوب می‌شود، به علاوه، این پژوهش از لحاظ نوع داده‌ها، اسنادی و از لحاظ زمان اجرا، پس رویدادی است. مبانی نظری پژوهش، از طریق مطالعه کتب و مقاله‌های معتبر داخلی و خارجی، پایان‌نامه‌ها و پایگاه‌های اطلاعاتی و سایت‌های اینترنتی جمع‌آوری شده است. همچنین برای آزمون فرضیه‌ها، که از داده‌هایی ترکیبی (سال- شرکت) با ماهیت گذشته‌نگر استفاده می‌شود، داده‌های مورد نیاز با مراجعه به وب‌گاه مرکز پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی وابسته به سازمان بورس اوراق بهادار عراق گردآوری شده است. ابزار کار در این حوزه صورت‌های مالی و بسته نرم‌افزاری آفیس است. در حوزه آزمون فرضیه‌ها از روش رگرسیون چندگانه استفاده می‌شود؛ ابزار کار در این حوزه بسته نرم‌افزاری استاتا می‌باشد. جامعه مورد مطالعه شامل کل ۱۳۳ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار عراق طی سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۲ می‌باشد، از بین این شرکت‌ها، ۴۱ شرکت به عنوان نمونه آماری به روش حذف سیستماتیک و با توجه به شرایط مندرج در جدول ۱ انتخاب شده است.

جدول ۱. روند انتخاب نمونه

شرح	تعداد	تعداد
شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار عراق در انتهای سال ۲۰۲۲	۱۳۳	
بانک‌ها، بیمه‌ها، لیزینگ، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و مؤسسات مالی و اعتباری	۷۸	
شرکت‌های که سال مالی آنها انتهای سال میلادی نبوده است.	۳	
تعداد شرکت‌هایی از سال ۲۰۱۳ به بعد در بورس پذیرفته شده‌اند.	۱۱	
شرکت‌های باقیمانده	۴۱	
تعداد سال مورد بررسی (۲۰۲۲-۲۰۱۳)	۱۰	
تعداد سال - شرکت مورد بررسی	۴۱۰	

تبیین و اندازه‌گیری متغیرها

متغیر وابسته

این پژوهش دارای یک متغیر وابسته به شرح زیر می‌باشد:

ریسک درماندگی مالی شرکت: برای اندازه‌گیری ریسک درماندگی مالی از چارچوب توسعه یافته توسط **مرتون (۱۹۷۴)** استفاده شده است (**منصورفر و همکاران، ۱۳۹۵**). در این روش از شاخص فاصله تا درماندگی مالی^۱ استفاده شده است که با DD در رابطه (۱) نشان داده شده است:

$$DD = \frac{\ln \left[\frac{MV(Equity) + Debt}{Debt} \right] + (\mu - 0.5 \times \sigma_v^2) \times T}{\sigma_v \sqrt{T}} \quad \text{رابطه (۱)}$$

که در آن DD: فاصله تا درماندگی مالی، $MV(Equity)$: ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت، که از حاصل ضرب قیمت بازار هر سهم در تعداد سهام منتشر شده حاصل می‌شود. DEBT: ارزش دفتری کل بدهی‌های شرکت، μ : بازده مورد انتظار شرکت (بازده مورد انتظاری شرکت برای دوره بعد برابر است با میانگین ساده بازده سهام شرکت در سه دوره قبل)، T: دوره زمانی و σ_v : نوسان‌های برآوردی ارزش دارایی‌های شرکت است. σ_v ، میانگین موزون نوسان‌های بازده گذشته است که به شرح رابطه (۲) محاسبه می‌شود (**منصورفر و همکاران، ۱۳۹۵**).

$$\sigma_v = \frac{MV(Equity)}{MV(Equity) + Debt} \times \sigma_{ret,t-1} + \frac{Debt}{MV(Equity) + Debt} \times (0.05 + 0.25 \times \sigma_{ret,t-1}) \quad \text{رابطه (۲)}$$

که در آن $\sigma_{ret,t-1}$ نوسان‌های بازده سهام گذشته می‌باشد که از انحراف استاندارد بازده سهام در طی سه سال محاسبه می‌شود و یک معیار برای نوسان‌های ارزش حقوق صاحبان سهام است.

$0.05 + 0.25 \times \sigma_{ret,t-1}$ یک معیار برای نوسان‌های ارزش بدهی است.

هرچه مقدار DD یعنی فاصله تا درماندگی مالی، کوچک‌تر باشد، ریسک درماندگی بزرگ‌تر است. به همین دلیل در پژوهش حاضر برای نشان دادن ریسک درماندگی مالی^۲ از معکوس فاصله تا درماندگی مالی به شرح رابطه (۳) استفاده شده است.

$$FDR = \frac{1}{DD} \quad \text{رابطه (۳)}$$

که در آن FDR ریسک درماندگی مالی می‌باشد.

متغیر مستقل

متغیر مستقل این پژوهش، نظام راهبری شرکتی است؛ برای اندازه‌گیری نظام راهبری شرکتی با توجه به ادبیات موجود و پژوهش‌های انجام شده در خصوص راهبری شرکتی، از جمله پژوهش صورت گرفته توسط **نیکومرام و محمدزاده سالطه (۱۳۸۹)**، **هاشمی و یونسی (۱۳۹۲)** از عوامل تأثیر گذار بر این شاخص به شرح رابطه زیر استفاده شده است:

^۱. Distance to Distress

^۲. Financial Distress Risk

- ۱- تفکیک پست مدیر عامل از رئیس هیأت مدیره: اگر مدیر عامل، همان رئیس هیأت مدیره باشد کد صفر، در غیر این صورت کد یک می‌گیرد.
 - ۲- نسبت اعضای غیر موظف هیأت مدیره: برای شرکتهایی که دارای درصد اعضای غیر موظف بالاتری نسبت به میانگین بودند ارزش یک و برای بقیه ارزش صفر داده می‌شود.
 - ۳- میزان سهام تحت تملک سرمایه گذاران نهادی: در این پژوهش به شرکت دارای سه سهامدار نهادی به غیر از دولت (نهادهای دولتی و شبه دولتی) که مجموع درصد سهام آنها بالای ۵۰ درصد باشد ارزش یک و برای مابقی ارزش صفر تعلق می‌گیرد.
 - ۴- فرعی بودن شرکت: این متغیر نشان می‌دهد که آیا شرکت مورد بررسی تحت کنترل (تملك بالای ۵۰ درصد سهام) شرکت دیگری می‌باشد یا خیر. بدین صورت اگر شرکت مورد بررسی شرکت فرعی باشد به آن ارزش یک و در غیر این صورت ارزش صفر داده می‌شود.
 - ۵- میزان نفوذ و مالکیت دولت: بدین معنا که اگر شرکت مورد بررسی تحت نفوذ دولت، نهادهای دولتی و شبه دولتی باشد (بیش از ۲۰٪ سهام آن متعلق به دولت یا شرکتهای وابسته به دولت باشد) به آن ارزش یک و در غیر این صورت به آن ارزش صفر داده خواهد شد.
 - ۶- نوع حسابرسان: در صورتی که مرجع حسابرسان شرکت، سازمان حسابرسان و شرکتهای و مؤسسات حسابرسان باشد که جزء مؤسسات بزرگ و با کیفیت محسوب می‌شود (مؤسسات حسابرسان با رتبه الف) به آن ارزش یک و اگر توسط سایر مؤسسات حسابرسان مورد رسیدگی قرار گرفته باشد، ارزش صفر تعلق خواهد گرفت.
- باتوجه به این که به هر یک از متغیرهای ارائه شده فوق ارزش یک یا صفر تعلق می‌گیرد شاخص راهبری شرکتی براساس رابطه (۴) محاسبه خواهد شد.

$$GINDEX = \frac{\sum d}{\sum h} \quad \text{رابطه (۴)}$$

در این رابطه $\sum d$ بیانگر کلیه اقلامی است که امتیاز یک گرفته اند و $\sum h$ بیانگر مجموع تعداد اقلامی است که ارزش های صفر یا یک در مورد آنها لحاظ شده است. به عبارت دیگر در رابطه (۴) صورت کسر عددی بین صفر تا شش است و مخرج کسر عدد شش است. به این ترتیب، در مورد هر شرکت شاخص راهبری شرکتی اندازه‌گیری شده، در دامنه صفر تا یک قرار می‌گیرد.

متغیر میانجی

متغیر میانجی در این پژوهش، کیفیت سود است. عباس زاده و عارفی اصل (۱۳۹۴) در پژوهش خود با عنوان مروری بر مفهوم کیفیت سود، کیفیت اقلام تعهدی را به عنوان یکی از معیارهای سنجش کیفیت سود معرفی نموده‌اند. در تحقیقات اولیه، از معیارهای ساده‌ای مانند مجموع اقلام تعهدی (هیلی^۱، ۱۹۸۵) و تغییرات در مجموع اقلام تعهدی (دی آنجلو^۲، ۱۹۸۶) برای اندازه‌گیری کیفیت اقلام تعهدی استفاده شده است به گونه‌ای که بزرگی این معیارها

^۱. Healy

^۲. DeAngelo

نشان‌دهنده پایین بودن کیفیت ارقام تعهدی است. کیفیت ارقام تعهدی در مدل **دیچو و دیچاو**^۱ (۲۰۰۲) بر اساس انحراف معیار باقیمانده‌های مدل محاسبه می‌شود. بزرگ بودن باقی مانده رگرسیون مدل **دیچو و دیچاو** (۲۰۰۲) نشان می‌دهد کیفیت ارقام تعهدی که براساس انحراف معیار این باقیمانده اندازه‌گیری می‌شود، پایین است و کیفیت پایین ارقام تعهدی، کیفیت پایین سود را موجب می‌شود. در بررسی کتاب شناسی کیفیت سود، مشخص گردید که تعداد زیادی از پژوهشگران این حوزه از کیفیت ارقام تعهدی به عنوان جایگزینی مناسب برای متغیر کیفیت سود استفاده نموده‌اند (**جبارزاده و همکاران**، ۱۳۹۰، **عباس زاده و عارفی اصل**، ۱۳۹۴ و **شمس و همکاران** ۱۳۹۵). **بنی‌مهد و همکاران** (۱۳۹۱) برای تعیین اینکه کدامیک از مدل‌های موجود برای تجزیه و تحلیل‌های اصلی تحقیق و آزمون فرضیه‌ها مناسبتر است، معنی‌داری هر یک از این مدل‌ها را به صورت جداگانه و به تفکیک هر صنعت با استفاده از سری‌های زمانی و با استفاده از آماره‌های ضریب تعیین، آماره اف و سطح معنی‌داری اف و آماره دوربین - واتسون آزمون نمودند. با توجه به نتایج بدست آمده مشخص شد که مدل بهینه، مدل **کازنیک**^۲ (۱۹۹۹) است، زیرا این مدل در مقایسه با سایر مدل‌ها در هر صنعت مقدار ضریب تعیین (R^2) و ضریب تعیین تعدیل شده بیشتری دارد (**شمس و همکاران** ۱۳۹۵). این موضوع بیانگر قدرت پیش‌بینی کنندگی بیشتر این مدل در مقایسه با سایر مدل‌ها است (**بنی‌مهد و همکاران**، ۱۳۹۱). بنابراین متغیر کیفیت سود با استفاده از شاخص ارقام تعهدی، به وسیله مدل **کازنیک** (۱۹۹۹) و به شرح مدل ۱ محاسبه می‌شود. ابتدا ارقام تعهدی از طریق مدل ۱ به شرح زیر استخراج می‌شود و سپس ارقام تعهدی اختیاری به عنوان نمادی برای کیفیت سود که در این پژوهش با نماد ADAC نشان داده شده است، استفاده می‌شود.

$$\frac{TA_{i,t}}{A_{i,t-1}} = a_0 \left(\frac{1}{A_{i,t-1}} \right) + a_1 \frac{(\Delta REV_{i,t-1} REC_{i,t})}{A_{i,t-1}} + a_2 \frac{PPE_{i,t}}{A_{i,t-1}} + a_3 \frac{CFO_{i,t}}{A_{i,t-1}} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{مدل (۱)}$$

به طوری که $TA_{i,t}$: مجموع ارقام تعهدی قابل اندازه‌گیری (تفاوت بین سود عملیاتی و جریانات نقدی عملیاتی)، $A_{i,t-1}$: مجموع دارایی‌های شرکت i در ابتدای سال t ، $\Delta REV_{i,t}$: تغییرات درآمد فروش خالص شرکت i بین سال‌های $t-1$ و t ، $\Delta REC_{i,t}$: تغییرات در حسابهای دریافتنی تجاری شرکت i بین سال‌های $t-1$ و t ، $PPE_{i,t}$: دارایی‌های ثابت مشهود ناخالص شرکت i در سال t ، $\Delta CFO_{i,t}$: تغییرات در جریانات نقدی عملیاتی شرکت i بین سال‌های $t-1$ و t ، $\varepsilon_{i,t}$: جزء اخلاص (نشان‌دهنده ارقام تعهدی اختیاری (ADAC)، برای شرکت i در سال t است).

متغیرهای کنترلی

نسبت اهرمی شرکت که از تقسیم کل بدهی‌ها بر کل دارایی‌های شرکت بدست می‌آید. اندازه شرکت با استفاده از لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها محاسبه می‌شود. سن شرکت به عنوان لگاریتم تعداد سال‌هایی که شرکت شروع به کار کرده است تعریف می‌شود.

طرح آزمون فرضیه‌ها

آزمون فرضیه اول

برای بررسی فرضیه اول مبنی بر اینکه نظام راهبری شرکتی ریسک درماندگی مالی شرکت را کاهش می‌دهد، طبق

^۱. Dechow & Dichev

^۲. Kasznik

مرادی و حسین زاده (۱۳۹۶) از روش رگرسیون چندگانه به شرح مدل ۲ استفاده می‌شود:

$$FDR_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 CG_{i,t} + \beta_2 Lev_{i,t} + \beta_3 Size_{i,t} + \beta_4 Age_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{مدل (۲)}$$

که در آن $FDR_{i,t}$: ریسک درماندگی مالی، $CG_{i,t}$: نظام راهبری شرکتی، $Lev_{i,t}$: اهرم مالی شرکت، $Size_{i,t}$: اندازه شرکت و $Age_{i,t}$: سن شرکت می‌باشد. در مدل ۲ در صورتی که ضریب β_1 منفی و معنی‌دار باشد، فرضیه اول تحقیق تأیید می‌شود.

آزمون فرضیه دوم

برای بررسی فرضیه دوم مبنی بر اینکه نظام راهبری شرکتی کیفیت سود را افزایش می‌دهد، طبق تحقیق جبارزاده و همکاران (۱۳۹۰) از مدل رگرسیون چندگانه ۳ به شرح زیر استفاده می‌شود:

$$ADAC_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 CG_{i,t} + \beta_2 Lev_{i,t} + \beta_3 Size_{i,t} + \beta_4 Age_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{مدل (۳)}$$

که در آن $ADAC_{i,t}$ کیفیت سود را نشان می‌دهد. در مدل (۳) در صورتیکه ضریب β_1 مثبت و معنی‌دار باشد، فرضیه دوم تحقیق تأیید می‌شود.

آزمون فرضیه سوم

برای بررسی فرضیه سوم مبنی بر اینکه کیفیت سود ریسک درماندگی مالی شرکت را کاهش می‌دهد، از مدل رگرسیون چندگانه (۴) به شرح زیر استفاده می‌شود:

$$FDR_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 ADAC_{i,t} + \beta_2 Lev_{i,t} + \beta_3 Size_{i,t} + \beta_4 Age_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{مدل (۴)}$$

در مدل ۴ در صورتیکه ضریب β_1 منفی و معنی‌دار باشد، فرضیه سوم تحقیق تأیید می‌شود.

آزمون فرضیه چهارم

برای بررسی فرضیه چهارم مبنی بر اینکه کیفیت سود در رابطه بین نظام راهبری شرکتی و ریسک درماندگی مالی نقش میانجی دارد، از روش پیشنهادی بارون و کنی (۱۹۸۶) استفاده می‌شود. در این روش، از یک فرایند چهار مرحله‌ای استفاده می‌شود. ابتدا تأثیر متغیر مستقل (نظام راهبری شرکتی) بر متغیر وابسته (ریسک درماندگی مالی) با استفاده از مدل ۲ آزمون می‌شود، سپس تأثیر متغیر مستقل (نظام راهبری شرکتی) بر متغیر میانجی (کیفیت سود) با استفاده از مدل ۳ آزمون می‌شود. در مرحله سوم تأثیر متغیر میانجی (کیفیت سود) بر متغیر وابسته (ریسک درماندگی مالی) با استفاده از مدل ۴ مورد بررسی قرار می‌گیرد. نهایتاً در مرحله چهارم، تأثیر همزمان متغیر مستقل (نظام راهبری شرکتی) و متغیر میانجی (کیفیت سود) بر متغیر وابسته (ریسک درماندگی مالی) توسط مدل ۵ مورد بررسی قرار می‌گیرد.

$$FDR_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 CG_{i,t} + \beta_2 Lev_{i,t} + \beta_3 Size_{i,t} + \beta_4 Age_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{مدل (۲)}$$

$$ADAC_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 CG_{i,t} + \beta_2 Lev_{i,t} + \beta_3 Size_{i,t} + \beta_4 Age_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{مدل (۳)}$$

$$FDR_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 ADAC_{i,t} + \beta_2 Lev_{i,t} + \beta_3 Size_{i,t} + \beta_4 Age_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{مدل (۴)}$$

$$FDR_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 CG_{i,t} + \beta_2 ADAC_{i,t} + \beta_3 Lev_{i,t} + \beta_4 Size_{i,t} + \beta_5 Age_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{مدل (۵)}$$

در چارچوب روش **بارون و کنی (۱۹۸۶)** برقراری شرط‌هایی ضروری است: شرط اول این است که متغیر مستقل با متغیر وابسته رابطه معنادار داشته باشد. شرط دوم این است که معناداری رابطه بین متغیرهای مستقل و میانجی تأیید شود. شرط سوم نیز تأیید معناداری رابطه بین متغیر میانجی و وابسته می‌باشد. شرط چهارم این است که وقتی متغیر میانجی وارد معادلات رگرسیونی می‌شود، رابطه‌ی بین متغیر مستقل و وابسته غیرمعنادار شود که در این حالت متغیر مورد نظر، میانجی‌گر کامل است و یا اینکه این رابطه در حضور متغیر میانجی کاهش یابد ولی همچنان معنادار باقی بماند، که در این حالت نقش متغیر میانجی‌گر، جزئی خواهد بود.

یافته‌های پژوهش

جدول ۲ آمار توصیفی متغیرهای مطالعه را نشان می‌دهد که شامل اطلاعات مربوط به میانگین، انحراف معیار، بیشینه و کمینه می‌باشد.

جدول ۲. آمار توصیفی متغیرهای مدل

متغیر	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه	چولگی	کشدگی
ریسک درماندگی مالی (FDR)	۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۴	۰/۵۴۸	۱/۵۴۰
نظام راهبری شرکتی (CG)	۰/۴۲۹	۰/۱۷۵	۰/۰۰۰	۰/۸۳۳	۰/۰۵۳	۲/۶۰۰
کیفیت سود (ADAC)	۰/۰۲۵	۰/۲۷۶	-۰/۵۵۲	۳/۰۳۷	۴/۰۴۵	۳۸/۱۸۴
اهرم مالی (LEV)	۰/۲۹۹	۰/۲۴۰	۰/۰۰۲	۰/۹۷۲	۰/۸۰۷	۲/۸۳۶
اندازه شرکت (SIZE)	۲۲/۵۲۲	۱/۴۲۸	۱۹/۲۴۵	۲۶/۸۹۵	۰/۶۶۷	۳/۹۴۸
سن شرکت (AGE)	۳/۵۶۳	۰/۴۴۶	۲/۵۶۴	۴/۲۱۹	-۰/۴۷۱	۲/۲۱۳

منبع: یافته‌های پژوهش

اصلی‌ترین شاخص مرکزی، میانگین است که بیانگر نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌هاست. برای مثال مقدار میانگین متغیر سن شرکت برابر با ۳/۵۶۳ به این معنی است که بیشتر داده‌های مربوط به سن شرکت حول این نقطه تمرکز یافته‌اند. به طور کلی پارامترهای پراکندگی، معیاری برای تعیین میزان پراکندگی از یکدیگر یا میزان پراکندگی آنها نسبت به میانگین است. از مهم‌ترین پارامترهای پراکندگی، انحراف معیار است. در بین متغیرها ریسک درماندگی مالی با ۰/۰۰۱ دارای کمترین و متغیر اندازه شرکت با ۱/۴۲۸ دارای بیشترین میزان پراکندگی هستند. نسبت میانگین اهرم مالی در جدول ۲ به این معنی است که از کل دارایی‌های شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار عراق، به طور میانگین، ۰/۲۹۹ آن از طریق بدهی تأمین شده است که به نظر می‌رسد وضعیت مالی شرکتها در شرایط مناسبی قرار دارد. از تعداد ۴۱۰ مشاهده سال-شرکت، تعداد ۲۳۲ (۵۷٪) مشاهده کمتر از میانگین و مابقی شرکت‌ها بیشتر از این مقدار بوده‌اند. میانگین شاخص نظام راهبری شرکتی معادل ۰/۴۲۹ و با انحراف معیار ۰/۱۷۵ می‌باشد. از بین ۴۱۰ مشاهده سال-شرکت، تعداد ۲۱۱ (۵۱٪) مشاهده بیشتر از میانگین و مابقی شرکت‌ها کمتر از این مقدار بوده‌اند.

آزمون فرضیه‌ها

با توجه به اینکه داده‌های پژوهش حاضر از نوع سال شرکت می‌باشند، قبل از برازش مدل‌ها جهت آزمون فرضیه‌ها، باید ابتدا نوع داده‌ها (روش تلفیقی یا تابلویی) و فروض کلاسیک رگرسیون بررسی شوند.

آزمون اف لیمر

با توجه به نتایج گزارش شده آزمون لیمر در جدول ۳، احتمال آماره اف محاسبه شده برای مدل‌های ۲، ۳، ۴ و ۵ از ۰/۰۵ کوچکتر می‌باشد و فرض صفر مبنی بر تلفیقی بودن داده‌ها رد می‌شود. در نتیجه داده‌ها در هر چهار مدل پژوهش، تابلویی می‌باشند.

جدول ۳ آزمون لیمر			
مدل	آماره آزمون	سطح احتمال	نتیجه
مدل (۲)	۲۸/۸۶۰	۰/۰۰۰	داده‌های تابلویی
مدل (۳)	۲۸/۵۳۰	۰/۰۰۰	داده‌های تابلویی
مدل (۴)	۳۰/۶۵۰	۰/۰۰۰	داده‌های تابلویی
مدل (۵)	۲۸/۷۵۰	۰/۰۰۰	داده‌های تابلویی

منبع: یافته‌های پژوهش

آزمون هاسمن

با توجه به نتیجه آزمون اف لیمر و اینکه رویکرد داده‌های تابلویی مورد قبول واقع شد، جهت تشخیص نوع روش تخمین مدل، رویکرد هاسمن مورد استفاده قرار گرفت. با توجه به جدول ۴ مشاهده می‌شود که احتمال آزمون هاسمن برای مدل‌های پژوهش؛ عدد (۰/۰۰۰) و کوچکتر از ۰/۰۵ را نشان می‌دهد، بنابراین از روش اثرات ثابت در برآورد همه چهار مدل پژوهش استفاده می‌گردد.

جدول ۴. آزمون هاسمن

مدل	مقدار آماره کای دو	مقدار احتمال	نتیجه
مدل (۲)	۴۳/۹۵	۰/۰۰۰	مدل دارای اثرات ثابت است
مدل (۳)	۱۰۷/۴۲	۰/۰۰۰	مدل دارای اثرات ثابت است
مدل (۴)	۳۹۹/۹۵	۰/۰۰۰	مدل دارای اثرات ثابت است
مدل (۵)	۸۶/۴۹	۰/۰۰۰	مدل دارای اثرات ثابت است

منبع: یافته‌های پژوهش

مفروضات مدل رگرسیون

قبل از برازش مدل‌های رگرسیون چندگانه، لازم است فروض کلاسیک رگرسیون خطی از جمله عدم خودهمبستگی، همسانی واریانس و عدم همخطی بررسی گردند. در پژوهش حاضر از آزمون وولدریچ برای تشخیص وجود و یا عدم وجود خودهمبستگی استفاده شده است. نتایج این آزمون برای مدل‌های ۲، ۳، ۴ و ۵ در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵. آزمون وولدریچ

مدل	آماره آزمون	احتمال آماره
مدل (۲)	۷/۹۵۱	۰/۰۰۷
مدل (۳)	۷/۹۶۲	۰/۰۰۷
مدل (۴)	۷/۹۰۱	۰/۰۰۷
مدل (۵)	۷/۹۰۱	۰/۰۰۷

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به جدول بالا و مقدار احتمال آماره‌های بدست آمده برای آزمون که از سطح معنی‌داری ۰/۰۵ کمتر است، فرض صفر رد می‌شود که نشان می‌دهد مشکل خودهمبستگی در اجزای اخلاص هر چهار مدل ۲، ۳، ۴ و ۵ وجود دارد. در این تحقیق به منظور انجام آزمون ناهمسانی واریانس از آزمون والد تعدیل شده^۱ استفاده شده است. نتایج حاصل از انجام این آزمون در جدول ۶ مشاهده می‌شود. با توجه به نتایج به دست آمده، فرض صفر در هر چهار مدل ۲، ۳، ۴ و ۵ رد شده و بنابراین مشکل واریانس ناهمسانی وجود دارد. برای رفع این مشکل از روش حداقل مربعات تعمیم یافته استفاده شده است.

جدول ۶. آزمون والد تعدیل شده

مدل	احتمال آماره	مقدار آماره
مدل (۲)	۵۴۸۳۷/۸۷۰	۰/۰۰۰
مدل (۳)	۷۴۳۷۵/۸۸۰	۰/۰۰۰
مدل (۴)	۵۳۹۲۸/۱۴۰	۰/۰۰۰
مدل (۵)	۵۲۳۶۸/۳۲۰	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

در این پژوهش برای بررسی همخطی متغیرهای مستقل از معیار عامل تورم واریانس استفاده می‌شود. مقادیر معیار عامل تورم واریانس برای متغیرهای مستقل در جدول ۷ ارائه شده است. همانطور که مشاهده می‌شود مقادیر عامل تورم واریانس برای همه متغیرها کمتر از مقدار ۵ است که نشان می‌دهد مشکل همخطی در متغیرهای هیچ کدام از مدل‌های رگرسیونی پژوهش وجود ندارد.

جدول ۷. مقادیر عامل تورم واریانس

متغیر	مقدار عامل تورم واریانس			
	مدل (۲)	مدل (۳)	مدل (۴)	مدل (۵)
CG	۱/۰۱۰	۱/۰۲۰	-	۱/۰۲۰
ADAC	-	-	۱/۰۰۰	۱/۰۱۰
LEV	۱/۰۱۰	۱/۰۱۰	۱/۰۱۰	۱/۰۱۰
SIZE	۱/۰۲۰	۱/۰۲۰	۱/۰۲۰	۱/۰۲۰
AGE	۱/۰۳۰	۱/۰۳۰	۱/۰۲۰	۱/۰۳۰

منبع: یافته‌های پژوهش

^۱. Modified Wald test for groupwise heteroskedasticity

برآورد مدل به روش حداقل مربعات تعمیم یافته

نتایج حاصل از انجام آزمون‌های فروض کلاسیک رگرسیون، محقق را در انتخاب فرآیند نهایی برآورد الگو یاری می‌رساند، در واقع در برآورد الگو به روش داده‌های تلفیقی متناسب با نتایج به دست آمده بهترین روش برای تخمین نهایی مدل‌های (۲) تا (۵) انتخاب می‌شود. با توجه به وجود ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی در جملات خطا، تخمین به روش حداقل مربعات تعمیم یافته^۱ انجام می‌شود.

آزمون فرضیه اول پژوهش

نتایج حاصل از برازش نهایی مدل ۲ به منظور بررسی فرضیه اول تحقیق، در جدول ۸ ارائه شده است. با توجه به مقدار احتمال آماره کای دو به دست آمده برای آزمون والد که برابر با صفر می‌باشد، فرض صفر رد می‌شود و این نشان می‌دهد که تمامی ضرایب رگرسیون به طور همزمان صفر نیستند. بنابراین به طور همزمان بین تمامی متغیرهای مستقل با متغیر وابسته رابطه معنی‌داری وجود دارد.

با توجه به جدول ۸ و مقدار احتمال آماره Z برای متغیر نظام راهبری شرکتی که برابر ۰/۰۰۴ می‌باشد و کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ است، فرض صفر (فرض عدم تأثیر نظام راهبری شرکتی بر ریسک درماندگی مالی شرکت) رد می‌شود و در نتیجه نظام راهبری شرکتی بر ریسک درماندگی مالی شرکت تأثیر معنی‌داری دارد. همچنین با توجه به ضریب متغیر نظام راهبری شرکتی که منفی می‌باشد، نتیجه می‌شود نظام راهبری شرکتی بر ریسک درماندگی مالی شرکت تأثیر منفی و معنی‌داری دارد. بنابراین، فرضیه اول پژوهش که بیان می‌دارد، نظام راهبری شرکتی ریسک درماندگی مالی شرکت را کاهش می‌دهد، پذیرفته می‌شود.

جدول ۸. نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها جهت آزمون فرضیه اول (متغیر وابسته ریسک درماندگی مالی)

نام متغیر	نماد متغیر	ضریب	انحراف استاندارد	آماره Z	احتمال آماره
نظام راهبری شرکتی	CG	-۰/۰۵۳	۰/۰۱۸	-۲/۹۱۰	۰/۰۰۴
اهرم مالی	LEV	۱/۱۵۹	۱/۹۷۴	۰/۵۹۰	۰/۵۵۷
اندازه شرکت	SIZE	۰/۰۲۶	۰/۰۰۶	۳/۷۶۰	۰/۰۰۰
سن شرکت	AGE	۰/۰۱۱	۰/۰۱۲	۰/۸۸۰	۰/۳۷۸
ضریب ثابت	Cons	-۰/۳۲۱	۰/۱۶۲	-۱/۹۸۰	۰/۰۴۸
آماره کای دو والد		۲۵/۳۷۰		احتمال آماره کای دو	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

آزمون فرضیه دوم پژوهش

نتایج برازش مدل ۳ جهت آزمون فرضیه دوم در جدول ۹ ارائه شده است. با توجه به این جدول، آماره کای دو به دست آمده برای آزمون والد برابر ۲۶/۵۱ می‌باشد و احتمال این آماره برابر با ۰/۰۰۰ می‌باشد. آزمون والد برای بررسی معنی‌داری کلی مدل رگرسیون در روش حداقل مربعات تعمیم یافته می‌باشد. با توجه به اینکه احتمال این آماره از ۰/۰۵ کمتر می‌باشد، فرض صفر رد می‌شود و مدل رگرسیون با اطمینان ۹۵ درصد معنی‌دار می‌باشد. همچنین ضریب

^۱. Generalized Least Squares (GLS)

متغیر نظام راهبری شرکتی، که بیانگر اثر شاخص نظام راهبری شرکتی بر کیفیت سود می‌باشد، برابر $0/054$ بوده و در سطح پنج درصد معنی‌دار می‌باشد. در نتیجه نظام راهبری شرکتی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر کیفیت سود دارد. بنابراین، فرضیه دوم پژوهش که بیان می‌دارد، نظام راهبری شرکتی کیفیت سود را افزایش می‌دهد، پذیرفته می‌شود.

جدول ۹. نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها جهت آزمون فرضیه دوم (متغیر وابسته کیفیت سود)

متغیر	نماد متغیر	ضریب	انحراف استاندارد	آماره Z	احتمال آماره
نظام راهبری شرکتی	CG	$0/054$	$0/017$	$3/100$	$0/002$
اهرم مالی	LEV	$0/010$	$0/007$	$1/360$	$0/172$
اندازه شرکت	SIZE	$0/024$	$0/007$	$3/400$	$0/001$
سن شرکت	AGE	$0/015$	$0/012$	$1/220$	$0/222$
ضریب ثابت	Cons	$-0/289$	$0/163$	$-1/780$	$0/075$
آماره کای دو والد		$26/510$		احتمال آماره کای دو	$0/000$

منبع: یافته‌های پژوهش

آزمون فرضیه سوم پژوهش

نتایج برازش مدل ۴ جهت آزمون فرضیه سوم در جدول ۱۰ ارائه شده است. با توجه به این جدول، آماره کای دو به دست آمده برای آزمون والد برابر $11/350$ می‌باشد و احتمال این آماره برابر با $0/022$ می‌باشد. این آماره به منظور بررسی معنی‌داری کلی مدل رگرسیون در روش حداقل مربعات تعمیم یافته، مورد استفاده قرار می‌گیرد. با توجه به اینکه احتمال این آماره از $0/05$ کمتر می‌باشد، فرض صفر رد می‌شود و مدل رگرسیون با اطمینان ۹۵ درصد معنی‌دار می‌باشد. همچنین ضریب متغیر کیفیت سود، که بیانگر اثر کیفیت سود بر ریسک درماندگی مالی شرکت می‌باشد، برابر $-0/239$ بوده و در سطح یک درصد معنی‌دار می‌باشد. در نتیجه کیفیت سود تأثیر منفی و معنی‌داری بر ریسک درماندگی مالی شرکت دارد. بنابراین، فرضیه سوم پژوهش که بیان می‌دارد، کیفیت سود ریسک درماندگی مالی شرکت را کاهش می‌دهد، پذیرفته می‌شود.

جدول ۱۰. نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها جهت آزمون فرضیه سوم (متغیر وابسته ریسک درماندگی مالی)

متغیر	نماد متغیر	ضریب	انحراف استاندارد	آماره t	احتمال آماره
کیفیت سود	ADAC	$-0/239$	$0/039$	$-6/120$	$0/000$
اهرم مالی	LEV	$0/936$	$1/994$	$0/470$	$0/638$
اندازه شرکت	SIZE	$0/022$	$0/007$	$2/910$	$0/004$
سن شرکت	AGE	$0/019$	$0/012$	$1/580$	$0/115$
ضریب ثابت	cons	$0/021$	$0/006$	$3/53$	$0/000$
آماره کای دو والد		$11/350$		احتمال آماره	$0/022$

منبع: یافته‌های پژوهش

آزمون فرضیه چهارم پژوهش

نتایج برازش مدل ۵ جهت آزمون فرضیه چهارم در جدول ۱۱ ارائه شده است. با توجه به این جدول، آماره کای دو

به دست آمده برای آزمون والد برابر $26/290$ می‌باشد و احتمال این آماره برابر با صفر می‌باشد، در نتیجه مدل رگرسیون با اطمینان ۹۵ درصد معنی دار می‌باشد. برای بررسی فرضیه چهارم پژوهش مبنی بر اینکه کیفیت سود در رابطه بین نظام راهبری شرکتی و ریسک درماندگی مالی نقش میانجی دارد، از روش پیشنهادی بارون و کنی (۱۹۸۶) استفاده شده است. این روش یک فرایند چهار مرحله ای می‌باشد که در آن ابتدا تأثیر متغیر مستقل (نظام راهبری شرکتی) بر متغیر وابسته (ریسک درماندگی مالی) با استفاده از مدل ۲ آزمون شده است (فرضیه اول تحقیق)، سپس تأثیر متغیر مستقل (نظام راهبری شرکتی) بر متغیر میانجی (کیفیت سود) با استفاده از مدل ۳ آزمون گردید (فرضیه دوم تحقیق). در مرحله سوم تأثیر متغیر میانجی (کیفیت سود) بر متغیر وابسته (ریسک درماندگی مالی) با استفاده از مدل ۴ مورد بررسی قرار گرفته است (فرضیه سوم تحقیق). نهایتاً در مرحله چهارم، تأثیر همزمان متغیر مستقل (نظام راهبری شرکتی) و متغیر میانجی (کیفیت سود) بر متغیر وابسته (ریسک درماندگی مالی) توسط مدل ۵ مورد بررسی قرار گرفته است.

با توجه به اینکه مرحله اول تا سوم از فرآیند بالا در فرضیه‌های اول تا سوم تحقیق حاضر بررسی و تأیید گردیده است، مرحله چهارم که نتایج حاصل از آن در جدول ۱۱ آمده است می‌تواند نتیجه را مشخص سازد. مرحله چهارم این است که وقتی متغیر میانجی وارد معادلات رگرسیونی می‌شود، رابطه‌ی بین متغیر مستقل و وابسته غیرمعنادار شود که در این حالت متغیر مورد نظر، میانجی‌گر کامل است و یا اینکه این رابطه در حضور متغیر میانجی کاهش یابد ولی همچنان معنادار باقی بماند، که در این حالت نقش متغیر میانجی‌گر، جزئی خواهد بود.

جدول ۱۱. نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها جهت آزمون فرضیه چهارم (متغیر وابسته ریسک درماندگی مالی)

نام متغیر	نماد متغیر	ضریب	انحراف استاندارد	آماره Z	احتمال آماره
نظام راهبری شرکتی	CG	-۰/۳۳۴	۰/۱۶۴	-۲/۰۳۰	۰/۰۴۲
کیفیت سود	ADAC	-۰/۹۳۲	۰/۲۱۲	-۴/۴۰۰	۰/۰۰۰
اهرم مالی	LEV	۰/۹۲۰	۲/۰۲۲	۰/۴۵۰	۰/۶۴۹
اندازه شرکت	SIZE	۰/۰۲۶	۰/۰۰۷	۳/۷۳۰	۰/۰۰۰
سن شرکت	AGE	۰/۰۱۳	۰/۰۱۲	۱/۰۶۰	۰/۲۹۰
ضریب ثابت	cons	۰/۰۵۲	۰/۰۱۸	۲/۸۳۰	۰/۰۰۵
آماره کای دو والد		۲۶/۲۹۰		احتمال آماره	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

بر اساس جدول ۱۱ ضریب متغیرهای نظام راهبری شرکتی و کیفیت سود به ترتیب برابر $-0/334$ و $-0/932$ بوده و هر دو ضریب در سطح ۵ درصد معنی دار می‌باشند. بنابراین متغیر کیفیت سود نمی‌تواند میانجی‌گر کامل باشد. برای اینکه متغیر کیفیت سود نقش میانجی‌گری جزئی داشته باشد، باید ضریب متغیر نظام راهبری شرکتی در مدل ۲ بیشتر از ضریب متغیر نظام راهبری شرکتی در مدل ۵ باشد. بر اساس نتایج بدست آمده، این ضریب در مدل ۲ برابر $-0/53$ و در مدل ۵ برابر $-0/33$ می‌باشد. یعنی تأثیر متغیر نظام راهبری شرکتی بر ریسک درماندگی مالی در حضور متغیر میانجی از $0/53$ به $0/33$ کاهش یافته است. در نتیجه، متغیر کیفیت سود نقش میانجی‌گری جزئی در رابطه بین نظام راهبری شرکتی و ریسک درماندگی مالی دارد و فرضیه چهارم تحقیق (میانجی‌گری کیفیت سود) تأیید می‌شود.

آزمون سوبل، آروین و گودمن

برای بررسی بیشتر تأثیر یک متغیر میانجی، در آزمون سوبل، آروین و گودمن، یک مقدار آماره Z از طریق فرمول های زیر بدست می آید که در صورت معنادار بودن آماره Z آزمون مورد نظر، می توان نقش میانجی گری یک متغیر را تأیید نمود.

جدول ۱۲. آزمون سوبل، آروین و گودمن

احتمال آماره Z	خطای استاندارد	آماره Z	نحوه محاسبه	آزمون
۰/۰۰۴	۰/۰۰۴	-۲/۸۲۰	$Z = \frac{a \times b}{\sqrt{(b^2 \times sa^2) + (a^2 \times sb^2)}}$	آزمون سوبل
۰/۰۰۵	۰/۰۰۴	-۲/۷۹۰	$Z = \frac{a \times b}{\sqrt{(b^2 \times sa^2) + (a^2 \times sb^2) + (sa^2 \times sb^2)}}$	آزمون آروین
۰/۰۰۴	۰/۰۰۴	-۲/۸۵۰	$Z = \frac{a \times b}{\sqrt{(b^2 \times sa^2) + (a^2 \times sb^2) - (sa^2 \times sb^2)}}$	آزمون گودمن

که در روابط بالا، a: ضریب مسیر میان متغیر مستقل و میانجی (۰/۰۵۴)، b: ضریب مسیر میان متغیر میانجی و وابسته (-۰/۲۳۹)، Sa: خطای استاندارد مسیر متغیر مستقل و میانجی (۰/۰۱۷) و Sb: خطای استاندارد مسیر متغیر میانجی و وابسته (۰/۰۳۹) است. با توجه به معنی داری هر سه آزمون سوبل، آروین و گودمن در جدول ۱۲ می توان نقش میانجی گری جزئی متغیر کیفیت سود را در رابطه بین نظام راهبری شرکتی و ریسک درماندگی مالی شرکت پذیرفت.

بحث و نتیجه گیری

نتایج تحقیق حاضر نشان می دهد نظام راهبری شرکتی ریسک درماندگی مالی شرکت را کاهش می دهد که با نتایج تحقیق مرادی و حسین زاده (۱۳۹۶)، وک و همکاران، ۲۰۱۳، جان و همکاران (۲۰۲۳) و رشید و همکاران (۲۰۲۴) همخوانی دارد. نظام راهبری شرکتی با حفظ تعادل میان اهداف اجتماعی و اقتصادی، اهداف فردی و جمعی سر و کار داشته و موجب ترغیب استفاده کارآمد از منابع و الزام پاسخگویی مدیران شرکت ها درخصوص ایفای وظیفه مباشرت برای اداره منابع می شود. توجه به راهبری شرکتی کارا و افزایش کارایی در قراردادهای فیما بین ذی نفعان به منظور تقویت فرهنگ پاسخگویی و ارتقای شفافیت اطلاعات در شرکت ها و واحدهای اقتصادی که تمام یا بخشی از سرمایه آنها از طریق مردم تأمین شده است به تخصیص کارای منابع و در نهایت رشد و توسعه اقتصادی و در نتیجه جلوگیری از خطر درماندگی مالی می شود.

همچنین، نتایج پژوهش نشان می دهد نظام راهبری شرکتی کیفیت سود را افزایش می دهد که با نتایج تحقیق جان و آندره (۲۰۲۰)، السا و سلامی (۲۰۲۴)، قادر و همکاران (۲۰۲۲) و مصطفی (۲۰۱۷) همخوانی دارد. براساس تئوری نمایندگی، مسئولیت پاسخگویی جوهره وجودی نظام راهبری شرکتی است و هدف نهایی آن، دستیابی به چهار ویژگی مسئولیت پاسخگویی، شفافیت، عدالت (انصاف) و رعایت حقوق ذینفعان است. رابطه نمایندگی بین سهامداران و مدیریت در شرکتهای سهامی، این امکان بالقوه را فراهم می کند که مدیران تصمیماتی اتخاذ کنند که در راستای منافع

خود و عکس منافع سهامداران باشد. یکی از عوامل شکل دهی مشکل نمایندگی بین مدیران و سهامداران، عدم شفافیت اطلاعاتی بین آنها است و به همین دلیل، سهامداران نمی‌توانند اعمال و فعالیتهای مدیران را به طور مستمر کنترل کنند. از جمله سازوکارهای لازم برای حصول اطمینان از ایفای مسئولیت افشا و شفافیت مناسب اطلاعات بنگاه‌های اقتصادی در مقابل عموم و افراد ذینفع، نظام راهبری شرکتی است که موجب میشود گزارشگری مالی شرکت که از سوی مدیران آن تهیه می‌شود، دارای کیفیت بالاتری باشد.

نتایج تحقیق حاضر نشان داد کیفیت سود ریسک درماندگی مالی شرکت را کاهش می‌دهد که با نتایج تحقیق محمدصالحی و رجایی زاده هرنندی (۱۴۰۱)، منصورفر و همکاران (۱۳۹۵) و رحمانی و رامشه (۱۳۹۲) همخوانی دارد. مدیران برای دستیابی به منافع خود نظیر پاداش، حفظ موقعیت شغلی، نمایش بهتر عملکرد شرکت، دریافت وام، جلب اعتماد سرمایه‌گذاران، انعقاد قراردادهای مختلف و صرفه جویی‌های مالیاتی، سود شرکت را به ویژه از طریق اقلام تعهدی دستکاری می‌کنند. این موضوع باعث کاهش کیفیت سود شده و عواقب جبران ناپذیری برای ذی‌نفعان خواهد داشت. یکی از عواقب آن، کاهش جریان‌ات وجه نقد آتی شرکت و عدم توانایی ایفای تعهدات و در نتیجه، درماندگی مالی خواهد بود. در شرکت‌هایی که کیفیت سود بالا می‌باشد، عدم تقارن اطلاعاتی پایین بوده و نشانه‌ای از همسویی منافع مدیر با مالک است. این همسویی در کنار کیفیت سود موجب خواهد شد تا هر گونه انحراف به سرعت شناسایی و اصلاح گردد که ریسک درماندگی مالی را کاهش خواهد داد. از طرفی، با افزایش کیفیت گزارشگری مالی، سود در اختیار تصمیم‌گیرندگان شرکت که مورد توجه‌ترین قلم از اقلام صورت‌های مالی می‌باشد، دارای محتوای اطلاعاتی بالایی بوده و قابلیت پیش‌بینی‌کنندگی آن زیاد خواهد بود. لذا مدیریت منابع در اختیار شرکت به نحو بهتری صورت پذیرفته و ریسک درماندگی مالی که ناشی از بی‌کفایتی مدیران در بهره‌برداری بهینه از منابع در اختیار و تصمیم‌گیری‌های غلط است، دچار کاهش خواهد شد.

طبق نتایج حاصل از پژوهش حاضر، متغیر کیفیت سود نقش میانجی‌گری جزئی در رابطه بین نظام راهبری شرکتی و ریسک درماندگی مالی دارد. از یک سو راهبری شرکتی با استفاده از ساز و کارهای در اختیار موجب کاهش هزینه‌های نمایندگی شده و مدیران را از اقدامات فرصت‌طلبانه منع نماید که دارای آثار مثبتی مانند افزایش کیفیت سود است. همچنین راهبری شرکتی به دلیل کاهش خطرات اخلاقی، فضا را برای تلاش هر چه بیشتر برای دستیابی به اهداف شرکت فراهم نموده و در چنین شرایطی شرکت کمتر با ریسک درماندگی مالی مواجه خواهد شد. علاوه بر این، در شرکت‌هایی که کیفیت سود بالا می‌باشد، عدم تقارن اطلاعاتی پایین بوده و نشانه‌ای از همسویی منافع مدیر با مالک است. این همسویی در کنار کیفیت سود موجب خواهد شد تا هر گونه انحراف به سرعت شناسایی و اصلاح گردد که ریسک درماندگی مالی را کاهش خواهد داد. لذا تعامل راهبری شرکتی و کیفیت سود در نهایت باعث خواهد شد تا ریسک درماندگی مالی در شرکت‌ها به نحو معناداری کاهش یابد.

با توجه به تأثیر منفی نظام راهبری شرکتی بر ریسک درماندگی مالی می‌توان پیشنهاد نمود یکی از ابزارهایی که می‌توان در راستای کاهش هزینه‌های نمایندگی استفاده نمود، نظام راهبری شرکتی است که با نظارت بر رفتار مدیران و عملکرد شرکت می‌تواند در وقوع بحران مالی نقش با اهمیتی داشته باشد. ایجاد استانداردها و محدودیت‌های هدفمند برای هدایت و کنترل مؤسسات به نحوی که بتواند حافظ منافع تمام ذینفعان شود، باعث کاهش هزینه‌ها و ریسک

می‌شود و منافع آنها را حفظ خواهد کرد. این شرایط موجب می‌شود واحدهای اقتصادی، در شرایط بحرانی عملکرد و واکنش مناسب‌تری برای عبور از وضعیت نامطلوب داشته باشند و از شرایط خطر و بحران و درماندگی مالی تا اندازه قابل توجهی مصون بمانند. سرمایه‌گذاران می‌توانند با استفاده از نتایج پژوهش اقدام به سرمایه‌گذاری بهینه کنند و از این بابت اطمینان یابند که شرکت‌های دارای بحران مالی جایی در پرتفوی سرمایه‌گذاری آنها ندارند. اعتباردهندگان با استفاده از نتایج این پژوهش می‌توانند اقدام به اعتباردهی به شرکت‌هایی کنند که دچار بحران مالی نخواهند بود. شرکت‌ها (مدیران) از نتایج به دست آمده در این پژوهش، می‌توانند در راستای بهبود نظام راهبری شرکتی، برای گریز از بحران‌های مالی و ورشکستگی‌های احتمالی استفاده کنند. در تعمیم نتایج باید به محدودیتهای تحقیق توجه نمود. در نظر نگرفتن بانک‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و سایر شرکت‌های لیزینگ به دلیل ماهیت متفاوت عملیات و همچنین لحاظ نشدن اثر ریسک‌های سیاسی و ارتباطات سیاسی از جمله محدودیت‌های پژوهش بشمار می‌روند. همچنین محدودیت مکانی و زمانی تحقیق در جمع‌آوری داده‌ها باعث احتیاط در تعمیم نتایج به زمانها و مکانهای مختلف می‌گردد.

فهرست منابع

- احمدی، شریف (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین نظام راهبری شرکتی و ریسک سیستماتیک با درماندگی مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه کردستان.
- انوشیروانی، فرزانه، و رحمان ساعدی (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین قدرت مدیرعامل و ارزش شرکت با نقش تعاملی رقابت بازار و حاکمیت شرکتی. پژوهشنامه مدیریت اجرایی، ۱۰(۲۰)، ۱۴۷-۱۷۳. doi: 10.22080/jem.2019.16108.2870
- بنی‌مهد، مهدی، یعقوب نژاد، احمد، و شکری، اعظم (۱۳۹۱). ارائه الگو برای اندازه‌گیری مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران. مجله حسابداری مدیریت، ۱۲، ۱-۱۶. <https://sanad.iau.ir/Journal/jma/Article/816327>
- جبار زاده کنگر لویی، سعید، پور کریم، یعقوب، پور کریم، ولی، و عباسی استمال، محمد رضا (۱۳۹۰). رابطه نظام راهبری شرکت و کیفیت سود با تاکید بر امتیازبندی راهبری شرکت. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۳(۱۲)، ۱۸۳-۱۵۵. doi: 20.1001.1.23830379.1390.3.12.7.8
- رحمانی، علی، و رامشه، منیژه (۱۳۹۲). رابطه جایگزینی میان مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و مدیریت فعالیت‌های واقعی. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۰(۴)، ۶۰-۳۹. doi: 10.22059/acctgrev.2014.36587
- سعیدی، علی، و آقایی، آرزو (۱۳۸۸). پیش‌بینی درماندگی مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از شبکه‌های بیز، بررسی‌های حسابداری، ۱۶(۵۶)، ۷۸-۵۹. doi: 20.1001.1.26458020.1388.16.2.4.1
- شمس، مینا، فولادی، مسعود، و فرهادی، مریم (۱۳۹۵). تأثیر استقلال هیئت مدیره و کیفیت حسابرس بر مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. مجله بررسی‌های حسابداری دانشگاه اهواز، ۳(۱۰)، ۸۰-۶۱. doi: 10.22055/jiar.2016.12734

عباس زاده، محمدرضا، و عارفی اصل، سولماز (۱۳۹۴). مروری بر مفهوم کیفیت سود و طبقه بندی معیارهای سنجش آن. پژوهش حسابداری، ۵(۲)، ۹۳-۱۱۱. doi: 10.22051/ijar.2015.2179

قدرتی، حسن، فیضی، سعید (۱۳۹۴). تأثیر حاکمیت شرکتی بر میزان مدیریت سود در بازار بورس اوراق بهادار تهران. دانش حسابداری، ۱۴(۵۸)، ۲۳۲-۲۰۵. <https://danesh.dmk.ir/article-1-946-fa.html>

لطفی، بهناز، بحری ثالث، جمال، جبارزاده کنگرلویی، سعید، و حیدری، مهدی (۱۴۰۳). پیش‌بینی درمان مالی با مدل ترکیبی (مطالعه موردی: شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران). دانش سرمایه‌گذاری، ۱۳(۵۰)، ۳۴۹-۳۷۰. <https://sanad.iau.ir/Journal/jik/Article/843361>

محمدصالحی، مجید، رجایی زاده هرنندی، احسان (۱۴۰۱). بررسی تأثیر مدیریت سود و استراتژی تجاری بر ریسک ورشکستگی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. نشریه علمی رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری، ۶(۲۰)، ۱۸۸۰-۱۸۹۴. <https://www.majournal.ir/index.php/ma/article/view/1370>

مدانلو جویباری، علیرضا، و بیژن بوداغی مالیده (۱۳۹۶). اثر راهبری شرکت بر رابطه بین ریسک‌پذیری و درماندگی مالی شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران. اولین کنفرانس ملی رویکردهای نوین در علوم مدیریت، اقتصاد و حسابداری، ساری. <https://civilica.com/doc/813918>

مرادی، محمد، و حسین زاده، سهراب (۱۳۹۶). نقش راهبری شرکتی در بحران مالی شرکت‌ها: قبل و بعد از دستورالعمل کنترل‌های داخلی. پژوهش‌های حسابداری مالی ۹(۳)، ۶۷-۹۰. doi: 10.22108/far.2018.107504.1163

مشکی میاوقی، مهدی، و هاشمی سعادت، مریم (۱۳۹۴). بررسی رابطه نظام راهبری شرکتی با احتمال وقوع درماندگی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. حساب‌داری و منافع اجتماعی، ۵(۲)، ۳۷-۵۸. doi: 10.22051/ijar.2015.2176

منصورفر، غلامرضا، غیور، فرزاد، و اسدی، مریم (۱۳۹۵). اثر تعدیل‌گر کیفیت سود در پیش‌بینی درماندگی مالی شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران. راهبرد مدیریت مالی ۴(۴)، ۴۴-۲۵. doi: 10.22051/jfm.2017.7148.1015

نیکومرام، هاشم، و محمدزاده سالطه، حیدر (۱۳۸۹). رابطه بین حاکمیت شرکتی و مدیریت سود. مدیریت بهره‌وری (فرا سوی مدیریت) ۴(۱۵)، ۱۸۷-۲۰۹. <https://sid.ir/paper/182147/fa>

هاشمی، سید عباس، و یونسی، زهرا (۱۳۹۲). تأثیر راهبری شرکتی بر کارایی مدیریت سرمایه در گردش. پایان‌نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده، دانشگاه اصفهان.

Abbaszadeh, M. R., & Arefiasl, S. (2015). A review of the concept of earnings quality and classification criteria for measuring it. *Journal of Accounting and Social Interests*, 5(2), 93-110. doi: 10.22051/ijar.2015.2179 [In Persian]

Ahmadi, Sharif. (2016). *Investigating the relationship between corporate governance and systematic risk with financial distress of companies listed on the Tehran Stock Exchange*, Master's thesis, University of Kurdistan, [In Persian]

- Ajeigbe, K. B., & Ganda, F. (2023). The implications of the pandemic for the corporate governance, remuneration and sustainability performance of South African listed companies. *International Journal of Innovative Research and Scientific Studies*, 6(1), 174–184. doi: [10.53894/ijirss.v6i1.1174](https://doi.org/10.53894/ijirss.v6i1.1174)
- Ali, S., Liu, B., & Su, J. J. (2018). Does corporate governance quality affect default risk? The role of growth opportunities and stock liquidity. *International Review of Economics & Finance*, 58, 422-448. doi: [10.1016/j.iref.2018.05.003](https://doi.org/10.1016/j.iref.2018.05.003)
- Allesa, A.H.M.A., & Selami, Y.M. (2024). The effect of applying good governance on the quality of financial reports for a sample of industrial companies listed on The Iraqi Stock Exchange. *The American Journal of Management and Economics Innovations*, 6(03), 14–25. doi: [10.37547/tajmei/Volume06Issue03-03](https://doi.org/10.37547/tajmei/Volume06Issue03-03)
- Anooshirvani, F., & Saedi, R. (2019). The effect of CEO power on the value of the company with the interactive role of market competition and corporate governance. *Journal of Executive Management*, 10(20), 147-173. doi: [10.22080/jem.2019.16108.2870](https://doi.org/10.22080/jem.2019.16108.2870) [In Persian]
- Banimahd B., Yaghoonezad, A., & Shokri A. (2012). Presentation of a model for measuring earnings management in Tehran Listed Firms, *Management Accounting*, 12, 1-16. <https://sanad.iau.ir/Journal/jma/Article/816327>, [In Persian]
- Baron, R. M., & Kenny, D. A. (1986). The moderator–mediator variable distinction in social psychological research: Conceptual, strategic, and statistical considerations. *Journal of personality and social psychology*, 51(6), 1173. doi: [10.1037/0022-3514.51.6.1173](https://doi.org/10.1037/0022-3514.51.6.1173)
- Chandren, S., Ahmad, Z., & Ali, R. (2015). Corporate governance mechanisms and accretive share buyback to meet or beat earnings per share forecast. *International Journal of Business and Society*, 16(3), 344-363. doi: [10.33736/ijbs.572.2015](https://doi.org/10.33736/ijbs.572.2015)
- Chen, C. C., Ho, K. C., Li, H. M., & Yu, M. T. (2023). Impact of information disclosure ratings on investment efficiency: Evidence from China. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 60(2), 471-500. doi: [10.1007/s11156-022-01101-8](https://doi.org/10.1007/s11156-022-01101-8)
- DeAngelo, L. E. (1986). Accounting numbers as market valuation substitutes: A study of management buyouts of public stockholders. *Accounting Review*, 400-420. doi: <https://www.jstor.org/stable/247149>
- Dechow, P. M., & Dichev, I. D. (2002). The quality of accruals and earnings: The role of accrual estimation errors. *The accounting Review*, 77(s-1), 35-59. doi: [10.2308/accr.2002.77.s-1.35](https://doi.org/10.2308/accr.2002.77.s-1.35)
- Ghodrati, H., & Feizi, S. (2015). The effect of corporate governance on the level of earnings management in the Tehran Stock Exchange, *Auditing Knowledge*, 14(58), 205-232. <https://danesh.dmk.ir/article-1-946-fa.html> [In Persian]
- Hashemi, Seyed Abbas, Younesi, Zahra. (2013). *Corporate governance factor on the efficiency of working capital management*. Unpublished master's thesis, University of Isfahan, [In Persian]
- Healy, P. M. (1985). The effect of bonus schemes on accounting decisions. *Journal of Accounting and Economics*, 7(1-3), 85-107. doi: [10.1016/0165-4101\(85\)90029-1](https://doi.org/10.1016/0165-4101(85)90029-1)
- Hung, D. N., & Van, V. T. T. (2020). Studying the impacts of earnings quality on stock return: experiments in Vietnam. *International Journal of Advanced and Applied Sciences*, 7(4):45-53. doi: [10.21833/ijaas.2020.04.007](https://doi.org/10.21833/ijaas.2020.04.007)
- Jabbarzade Kangarluei, S., Pourkarim, Y., Pourkarim, V., & Abbasi Astmal, M. (2012). The relationship between corporate governance and earning quality with emphasis on corporate governance score. *The Financial Accounting and Auditing Researches*, 3(12), 155-183. dor: [20.1001.1.23830379.1390.3.12.7.8](https://doi.org/20.1001.1.23830379.1390.3.12.7.8) [In Persian]
- Jan, A. A., Lai, F. W., Shah, S. Q. A., Tahir, M., Hassan, R., & Shad, M. K. (2025). Does Islamic corporate governance prevent bankruptcy in Islamic banks? Implications for economic sustainability. *Management & Sustainability: An Arab Review*, 4(1), 168-195. doi: [10.1108/MSAR-02-2023-0009](https://doi.org/10.1108/MSAR-02-2023-0009)

- Jensen, M., & Meckling, W. (1976). Theory of the Firm: Managerial Behavior, Agency Costs and Ownership Structure. *Journal of Financial Economics*, 3(4), 305-360. doi: [10.1016/0304-405X\(76\)90026-X](https://doi.org/10.1016/0304-405X(76)90026-X)
- Kaszniak, R., (1999). On the association between voluntary disclosure and earnings management, *Journal of Accounting Research*, 37(1), 57-81. doi: [10.2307/2491396](https://doi.org/10.2307/2491396)
- Krishnan, G. V., & Zhang, J. (2019). Does mandatory adoption of IFRS enhance earnings quality? Evidence from closer to home. *The International Journal of Accounting*, 54(01), 1950003. doi: [10.1142/S1094406019500033](https://doi.org/10.1142/S1094406019500033)
- Li, Z., Crook, J., Andreeva, G., & Tang, Y. (2021). Predicting the risk of financial distress using corporate governance measures. *Pacific-Basin Finance Journal*, 68, 101334. doi: [10.1016/j.pacfin.2020.101334](https://doi.org/10.1016/j.pacfin.2020.101334)
- Lotfi, B., Bahri Sales, J., Jabbarzadeh, S., & Heidari, M. (2024). Predicting financial distress with a combined model case study: companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Journal of Investment Knowledge*, 50, 349-370. <https://sanad.iau.ir/Journal/jik/Article/843361> [In Persian]
- Madanlou Jooybari, A., & Budaghi Malideh, B. (2018). The effect of corporate governance on the relationship between acceptance and financial treatment of companies in Tehran Stock Exchange, *1st National Conference on Science? Technology and Engineering, Babolsar*. <https://civilica.com/doc/813918> [In Persian]
- Mahmoodi, R., Zalaghi, H., & Aflatooni, A. (2023). Corporate governance stability and its impact on the quality of accounting information of companies listed on the Iraq Stock Exchange. *International Journal of Professional Business Review*, 8(5). doi: [10.26668/businessreview/2023.v8i5.1657](https://doi.org/10.26668/businessreview/2023.v8i5.1657)
- Mansoorfar, G., Ghayoor, F. & Asadi, M. (2017). The moderating effect of earning quality on financial distress prediction of companies listed in Tehran Stock Exchange. *Financial Management Strategy*, 4(4), 25-44. doi: [10.22051/jfm.2017.7148.1015](https://doi.org/10.22051/jfm.2017.7148.1015) [In Persian]
- Manzaneque, M., & Priego, A. M. (2016). Corporate governance effect on financial distress likelihood: Evidence from Spain: Efecto del gobierno corporativo en la probabilidad de fracaso empresarial: evidencia española. *Revista de Contabilidad-Spanish Accounting Review*, 19(1), 111-121. doi: [10.1016/j.rcsar.2015.04.001](https://doi.org/10.1016/j.rcsar.2015.04.001)
- Merton, R. C. (1974). On the pricing of corporate debt: The risk structure of interest rates. *The Journal of Finance*, 29(2), 449-470. doi: [10.1111/j.1540-6261.1974.tb03058.x](https://doi.org/10.1111/j.1540-6261.1974.tb03058.x)
- Meshki Miavaghi, M., & Hashemi, M. (2015). Investigating the relationship between corporate governance with bankruptcy probability in companies listed in Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting and Social Interests*, 5(2), 37-58. doi: [10.22051/ijar.2015.2176](https://doi.org/10.22051/ijar.2015.2176) [In Persian]
- Sadaa, A. M., Ganesan, Y., Yet, C. E., Alkhazaleh, Q., & Alnoor, A. (2023). Corporate governance as antecedents and financial distress as a consequence of credit risk. Evidence from Iraqi banks. *Journal of Open Innovation: Technology, Market, and Complexity*, 9(2), 100051. doi: [10.1016/j.joitmc.2023.100051](https://doi.org/10.1016/j.joitmc.2023.100051)
- Mohammad Salehi, M., & Rajaeizadeh Harandi, E. (2022). Investigating the effect of earnings management and business strategy on the bankruptcy credit of companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Journal of Modern Scientific Research Management and Accounting*, 6(20), 1880-1894. <https://www.majournal.ir/index.php/ma/article/view/1370> [In Persian]
- Moradi, M. and Hosseinzadeh, S. (2017). The role of corporate governance in firm's financial distress: pre- and post-internal controls nnstruction. *Financial Accounting Research*, 9(3), 67-90. doi: [10.22108/far.2018.107504.1163](https://doi.org/10.22108/far.2018.107504.1163) [In Persian]
- Mrabure, K. O., & Abhulimhen-Iyoha, A. (2020). Corporate governance and protection of stakeholders rights and interests. *Beijing Law Review*, 11(1), 292-308. doi: [10.4236/blr.2020.111020](https://doi.org/10.4236/blr.2020.111020)

- Mustafa, M. A. M. (2017). *The impact of corporate governance on quality of financial reports: An evidence from Iraq* (Master's thesis, Sosyal Bilimler Enstitüsü). <https://acikbilim.yok.gov.tr/handle/20.500.12812/420044>
- Nikoomaram, H., & Mohammadzadeh Salteh, H. (2011). Relationship between corporate governance and earnings management. *Productivity Management (Beyond Management)*, 4(15), 187-209. <https://sid.ir/paper/182147/fa> [In Persian]
- Oktaviani, R. M., Susanti, D. T., Sunarto, S., & Udin, U. (2019). The effect of profitability, tax avoidance and information transparency on firm value: An empirical study in Indonesia. *International Journal of Scientific & Technology Research*, 8(11), 3777-3780. <https://eprints.unisbank.ac.id/id/eprint/6384>
- Qader, B. M., Wan, S. Y., Zardasht, A. Q. B., Haslina, H. B., & Mohd, F. M. (2023). Audit committee characteristics and financial reporting quality in Iraq public listed firm. *Res Militaris Social Science Journal*, 13(1), 2454-2468. <https://resmilitaris.net/index.php/resmilitaris/article/view/1702>
- Proença, C., Augusto, M., & Murteira, J. (2023). The effect of earnings management on bank efficiency: Evidence from ECB-supervised banks. *Finance Research Letters*, 51, 103450. doi: 10.1016/j.frl.2022.103450
- Rahmani, A., & Ramsheh, M. (2014). Trade-off between Accrual-based Earnings Management and Real Activities Manipulation. *Accounting and Auditing Review*, 20(4), 39-60. doi: 10.22059/acctgrev.2014.36587 [In Persian]
- Rashid, A., Akmal, M., & Shah, S. M. A. R. (2024). Corporate governance and risk management in Islamic and convectional financial institutions: explaining the role of institutional quality. *Journal of Islamic Accounting and Business Research*, 15(3), 466-498. doi: 10.1108/JIABR-12-2021-0317
- Rodriguez-Nieto, J. A., & Mollick, A. V. (2021). The US financial crisis, market volatility, credit risk and stock returns in the Americas. *Financial Markets and Portfolio Management*, 35(2), 225-254. doi: 10.1007/s11408-020-00369-x
- Saeedi, A., & Aghaie, A. (2009). Predicting financial distress of firms listed in Tehran Stock Exchange using Bayesian networks. *Accounting and Auditing Review*, 16(2). doi: 20.1001.1.26458020.1388.16.2.4.1 [In Persian]
- Salehi, M., Ammar Ajel, R., & Zimon, G. (2023). The relationship between corporate governance and financial reporting transparency. *Journal of Financial Reporting and Accounting*, 21(5), 1049-1072. doi: 10.1108/JFRA-04-2021-0102
- Shams, M., Fooladi, M., & Farhadi, M. (2016). The effect of board independency and audit quality on earnings management in listed companies in Tehran Stock Exchange. *Journal of Iranian Accounting Review*, 3(10), 61-80. doi: 10.22055/jiar.2016.12734 [In Persian]
- Sun, H., Yuen, D. C., Zhang, J., & Zhang, X. (2020). Is knowledge powerful? Evidence from financial education and earnings quality. *Research in International Business and Finance*, 52, 101179. doi: 10.1016/j.ribaf.2019.101179
- Turki Hazzaa, O., Fariha Abdullah, D., Mohammed Sadaa, A. (2024). Influence of CEO characteristics and audit committee on financial performance: Evidence from Iraq. *Journal of Open Innovation: Technology, Market, and Complexity*, 10(2), 100290. doi: 10.1016/j.joitmc.2024.100290
- Wolk, H. I., Dodd, J. L., & Rozycki, J. J. (2016). *Accounting theory: conceptual issues in a political and economic environment*. Sage Publications. <https://www.amazon.com/Accounting-Theory-Conceptual-Political-Environment/dp/1412991692>

پیوست: فهرست اسامی شرکت‌های عضو نمونه

ردیف	نام شرکت	صنعت	ردیف	نام شرکت	صنعت
۱	الامین للاستثمارات العقارية	الخدمات	۲۲	طريق الخازر لانتاج وتجارة	الصناعة
۲	البادية للنقل العام	الخدمات	۲۳	الكندي لانتاج اللقاحات	الصناعة
۳	بغداد لخدمات السيارات	الخدمات	۲۴	المنصور للصناعات الدوائية	الصناعة
۴	بغداد العراق للنقل العام	الخدمات	۲۵	الصناعات الكيماوية العصرية	الصناعة
۵	ابداع الشرق الاوسط للمقاولات العامة	الخدمات	۲۶	صناعة المواد الانشائية	الصناعة
۶	العراقية لنقل المنتجات النفطية والبضائع	الخدمات	۲۷	الصناعات المعدنية	الصناعة
۷	العراقية للنقل البري	الخدمات	۲۸	صناعات الاصباغ الحديثة	الصناعة
۸	المعمورة للاستثمارات العقارية	الخدمات	۲۹	الوطنية للصناعات الكيماوية	الصناعة
۹	النخبة للمقاولات العامة والاستثمارات الع	الخدمات	۳۰	فندق اشور	الفنادق و السياحة
۱۰	بغداد لصناعة مواد التغليف	الصناعة	۳۱	فندق بغداد	الفنادق و السياحة
۱۱	بغداد للمشروبات الغازية	الصناعة	۳۲	فندق بابل	الفنادق و السياحة
۱۲	البيرة الشرقية	الصناعة	۳۳	فنادق عشتار	الفنادق و السياحة
۱۳	الصناعات الالكترونية	الصناعة	۳۴	رحاب كربلاء	الفنادق و السياحة
۱۴	الفلوجة لانتاج المواد الانشائية	الصناعة	۳۵	فنادق المنصور	الفنادق و السياحة
۱۵	الوطنية لصناعات الاثاث المنزلي	الصناعة	۳۶	الوطنية للاستثمارات	الفنادق و السياحة
۱۶	الهلال الصناعية	الصناعة	۳۷	الاهلية للانتاج الزراعي	الزراعة
۱۷	العراقية لصناعات الكارتون	الصناعة	۳۸	العراقية لانتاج وتسويق	الزراعة
۱۸	العراقية لتصنيع وتسويق التمور	الصناعة	۳۹	العراقية لانتاج البذور	الزراعة
۱۹	العراقية للاعمال الهندسية	الصناعة	۴۰	الرياس للدواجن والاعلاف	الزراعة
۲۰	العراقية للسجاد والمفروشات	الصناعة	۴۱	اسيا سيل للاتصالات	الاتصالات
۲۱	كركوك لانتاج المواد الانشائية	الصناعة			

The role of financial structure in the impact of dividend strategies on financial distress and discipline

Mohammad Ebrahim Raei Ezabadi^{1,✉}, Roxana Farzanegi¹, Mehrdad Bakhtiar Dehkordy¹

1. Department of Accounting and Finance, ST.C, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO	ABSTRACT
Received: 2 December 2024 Revised: 7 May 2025 Accepted: 13 May 2025 Keywords: Dividend strategies, financial discipline, financial distress, financial structure JEL Classification: G32, G35	Purpose: The purpose of this research is to investigate the impact of dividend strategies on financial distress and discipline with the moderating role of financial structure. Methodology: This research adopts a correlational approach, exploring relationships between variables through correlation coefficients. To collect the information needed to test the hypotheses from the documents of the companies, the data related to the companies were utilized the Rahavard Novin database. To investigate the relationship between the variables, the multiple regression method was used, and EViews software was used to perform the required tests. Findings: The analysis revealed that dividend strategies have a negative and significant effect on financial distress. Dividend strategies do not have a significant effect on the financial discipline of companies. Financial structure has a positive and significant effect on the relationship between dividend strategies and financial distress. Financial structure does not affect the relationship between dividend strategies and financial discipline. Originality: With more profit sharing in companies, the company's financial situation is at risk, and this can lead to financial distress. On the other hand, the status of the company's capital structure can affect this relationship.

Cite this paper: Raei Ezabadi, M. E., Farzanegi, R., & Bakhtiar Dehkordy, M. (2025). The role of financial structure in the impact of dividend strategies on financial distress and discipline. *Journal of Accounting & Financial Transparency*, 3(1), 110–135. <https://doi.org/10.71965/AFT.2025.1192062> [In Persian]

✉ Corresponding Author.

Email Address: meraei68@yahoo.com

© 2025 the author(s).

This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited. The terms on which this article has been published allow the posting of the Accepted Manuscript in a repository by the author(s) or with their consent.

Introduction

The purpose of this research is to investigate the impact of dividend strategies on financial distress and discipline with the moderating role of financial structure. Dividend distribution is one of the company's short-term and long-term strategies, the effects of which are revealed in each fiscal year in the company's general meetings and the company's performance is evaluated based on it. In fact, the dividend distribution policy is a policy based on which the amount of dividend, the amount of retained earnings, the board of directors' remuneration, the payment time, the method of financing and other related issues are codified and presented to the general meeting of shareholders. The subject of dividend distribution is one of the issues that the management of any company should pay special attention to; because on the one hand, it is the concern of shareholders and will affect their investment decisions, and on the other hand, it can affect the growth and development of the company or its backwardness. Therefore, addressing this issue is of great importance. Therefore, this research aims to provide a comprehensive framework for a better understanding of the impact of dividend distribution strategies on financial distress and discipline, as well as the moderating role of the financial structure, and seeks to answer the question of what is the impact of dividend distribution strategies on financial distress and discipline, and what is the moderating role of the capital structure on this relationship. The results of this research can help financial managers and decision-makers of companies in choosing optimal dividend distribution policies and provide solutions to improve the financial health of companies. On the other hand, this research can help enrich scientific literature in the field of financial management and accounting and pave the way for future research in this field.

Methodology

This research is classified as applied research in terms of its purpose. In terms of its method and collection method, it is descriptive-correlational research, and in terms of its implementation time, it is considered post-event research. In this research, the collection of required information and data was carried out in two stages. In the first stage, the theoretical foundations of the research were developed using the library method, and in the second stage, the desired data were collected using the information contained in the financial statements sent to the Stock Exchange Organization and the Rahavard Novin software. Then, the effect of the research variables on each other was examined using the multiple regression method. The statistical population of this study includes all companies listed on the Tehran Stock Exchange, except for financial brokerage, insurance and banks, whose type of activity is fundamentally different from other companies. The sample selection from the statistical population of the study is a systematic elimination method, and 105 companies were selected as a sample for this study.

Results

In this study, the effect of dividend strategies on financial distress and discipline with the moderating role of financial structure was examined in 105 companies listed on the Tehran Stock Exchange. In this regard, 4 hypotheses were tested, and the results were as follows:

- The results of the first hypothesis of the study indicate that dividend strategies have an effect on financial distress. According to the results of the table, dividend strategies have a negative and significant effect on financial distress at a 95% confidence level. However, since the reverse index of financial distress measurement was used in this study, it can

be said that increasing dividend increases the probability of financial distress of companies. Therefore, the first hypothesis of the study is not rejected at a 95% confidence level.

- The results of the second hypothesis of the study indicate that dividend strategies do not have a significant effect on financial discipline. According to the results of the table, dividend strategies do not have a significant effect on the financial discipline of companies at a confidence level of 95%. Therefore, the second hypothesis of the study is rejected at a confidence level of 95%. Among the control variables, company size, cash holding level, return on assets, and company age have a significant effect on the financial distress of companies at a confidence level of 95%.
- The results of the third hypothesis of the study indicate that financial structure has a moderating role on the relationship between profit sharing strategies and financial distress. According to the results of the table, the interaction coefficient of financial structure and profit sharing strategies have a positive and significant effect on financial distress at a 95% confidence level. Considering that the reverse index of financial distress measurement was used in this study and also the absolute value of the product and independent variable coefficients, it can be said that financial structure weakens the negative relationship between profit sharing strategies and financial distress. Therefore, the third hypothesis of the study is not rejected at a 95% confidence level.
- The results of the fourth hypothesis of the study indicate that financial structure does not have a moderating role on the relationship between profit sharing strategies and financial discipline. According to the results of the interaction coefficient table, financial structure and profit sharing strategies do not have a significant effect on financial distress at a

95% confidence level. Therefore, the fourth hypothesis of the study is rejected at a 95% confidence level.

Conclusions

In this study, the effect of dividend distribution strategies on financial distress and discipline with the moderating role of financial structure was examined in 105 companies listed on the Tehran Stock Exchange. By increasing dividend payments, companies may have difficulty meeting their short-term and long-term financial obligations and may not be able to pay their debts on time, which can lead to financial distress. In this regard, [Rawal *et al.* \(2024\)](#) show that dividend payments can lead to a decrease in the company's financial resources and an increase in the likelihood of financial distress. [Zhou *et al.* \(2020\)](#) also show that high dividend payments, especially in companies with a weak financial situation, can increase the risk of financial distress. The results of the studies of [Rawal *et al.* \(2024\)](#), [Sidhu *et al.* \(2023\)](#), [Sarraf and Khojasteh Ahwazi \(2017\)](#), and [Beikzadeh Abbasi & Johari \(2018\)](#) are also in line with the results obtained. Their research emphasizes that dividend payments can lead to a decrease in liquidity and an increase in the likelihood of financial distress. This is while [Goddard *et al.* \(2005\)](#) show in their research that dividend payments may not have a negative impact on financial distress and in some circumstances, it can be considered as an indicator of the company's financial health and its ability to pay dividends to investors. Also, [Wardini *et al.* \(2022\)](#) show that dividend payments may have positive effects on investor confidence and the company's financial condition and generally do not have a negative impact on the risk of financial distress. To prevent the increased likelihood of financial distress following an increase in dividend payouts, managers must adopt a balanced approach between distributing dividends to

shareholders and retaining profits for reinvestment in the company.

Author Contributions

All authors contributed equally to the conceptualization of the article and writing of the original and subsequent drafts.

Data Availability Statement

The data that support the findings of this study are available from the corresponding author, upon reasonable request.

Acknowledgements

The authors would like to thank all reviewers in the present study.

Ethical Considerations

The authors avoided data fabrication, falsification, plagiarism, and misconduct.

Funding

This research did not receive any specific grant from funding agencies in the public, commercial, or not-for-profit sectors.

Conflict of Interest

The authors declare no conflict of interest.



تأثیر راهبردهای تقسیم سود بر درماندگی و انضباط مالی با نقش تعدیلگری ساختار مالی

محمد ابراهیم راعی عزآبادی^۱✉، رکسانا فرزانیگی^۱، مهرداد بختیار دهکردی^۱

۱. گروه حسابداری و مدیریت، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده	اطلاعات مقاله
هدف: هدف از این پژوهش، بررسی تأثیر راهبردهای تقسیم سود بر درماندگی و انضباط مالی با نقش تعدیلگری ساختار مالی است. روش شناسی: پژوهش حاضر از نوع همبستگی می باشد که رابطه بین متغیرها را با استفاده از ضریب همبستگی کشف یا تعیین می کند. برای جمع آوری اطلاعات مورد نیاز جهت آزمون فرضیه ها از اسناد و مدارک شرکت ها شامل صورت های مالی و داده های مربوط به شرکت ها در پایگاه داده ای ره آورد نوین استفاده گردید. جهت بررسی رابطه بین متغیرها از روش رگرسیون چندگانه استفاده شده است که برای انجام آزمون های مورد نیاز از نرم افزار EViews استفاده گردیده است. یافته ها: با توجه به ارزیابی های انجام شده مشخص گردید که راهبردهای تقسیم سود بر درماندگی مالی تأثیر منفی و معناداری دارند. راهبردهای تقسیم سود بر انضباط مالی تأثیر معناداری ندارد. ساختار مالی بر رابطه راهبردهای تقسیم سود و درماندگی مالی تأثیر مثبت و معناداری دارد. ساختار مالی بر رابطه راهبردهای تقسیم سود و انضباط مالی اثرگذار نمی باشد. دانش افزایی: با تقسیم بیشتر سود در شرکت ها، وضعیت مالی شرکت دچار مخاطره شده و این امر می تواند منجر به درماندگی مالی شود. از طرفی وضعیت ساختار سرمایه شرکت می تواند بر این رابطه اثرگذار باشد.	تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۱۲ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۲/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۳ کلیدواژه ها: انضباط مالی، تقسیم سود، درماندگی مالی، راهبردهای تقسیم سود، ساختار مالی طبقه بندی موضوعی: G32, G35

استناد: راعی عزآبادی، محمد ابراهیم، فرزانیگی، رکسانا، و بختیار دهکردی، مهرداد (۱۴۰۴). تأثیر راهبردهای تقسیم سود بر درماندگی و انضباط مالی با نقش تعدیلگری ساختار مالی. *حسابداری و شفافیت مالی*. ۱۱(۳)، ۱۳۵-۱۱۰. <https://doi.org/10.71965/aft.2025.1192062>

✉ نویسنده مسئول.

پست الکترونیکی: meraei68@yahoo.com

© 2025 the author(s).

This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited. The terms on which this article has been published allow the posting of the Accepted Manuscript in a repository by the author(s) or with their consent.

مقدمه

در دنیای کسب و کار امروزی، شرکت‌ها با چالش‌های متعددی مواجه هستند که از جمله مهم‌ترین آن‌ها، تصمیم‌گیری درباره تقسیم سود بین سهامداران است. این تصمیمات نه تنها به عنوان ابزاری برای جلب رضایت سهامداران و افزایش ارزش سهام محسوب می‌شود، بلکه می‌تواند تأثیرات گسترده‌ای بر سلامت مالی و پایداری شرکت داشته باشد. از این رو، بررسی و تحلیل این تصمیمات و اثرات آن‌ها بر جنبه‌های مختلف مالی شرکت‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. درماندگی مالی یکی از پیامدهای احتمالی است که در نتیجه مدیریت نادرست منابع مالی و سیاست‌های ناکارآمد تقسیم سود ممکن است به وقوع بپیوندد. این وضعیت نه تنها می‌تواند بقای شرکت را به خطر اندازد، بلکه موجب افزایش هزینه‌های مالی، کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران می‌گردد و در صورت استمرار منجر به ورشکستگی شرکت می‌شود. شرکت‌ها قبل از آنکه ورشکسته شوند وارد چرخه درماندگی مالی می‌شوند و این چرخه به صورت پیوسته منجر به رویدادهای اقتصادی مختلفی می‌گردد (کیراکو^۱، ۲۰۲۰). از طرف دیگر، انضباط مالی به عنوان یک شاخص مهم در سنجش کارایی و بهره‌وری مالی شرکت‌ها مطرح می‌شود. انضباط مالی منجر به برخورد با تخلف‌ها و قانونمند شدن امور می‌گردد که نهایتاً عملکرد شرکت بهبود و ریسک مالی کاهش می‌یابد (سلگی و فهرائی، ۱۴۰۱).

ساختار مالی شرکت‌ها، به‌ویژه ترکیب بدهی‌ها و سرمایه‌ها، می‌تواند نقش تعدیل‌گر مهمی در تأثیرات ناشی از راهبردهای تقسیم سود ایفا کند. در واقع، ساختار مالی به عنوان عاملی تعیین‌کننده در مواجهه با ریسک‌های مالی و عملکرد مالی شرکت‌ها عمل می‌کند. شرکتی که از ساختار مالی مناسب و پایدار برخوردار باشد، احتمالاً توانایی بیشتری در کنترل و تعدیل پیامدهای ناشی از تصمیمات تقسیم سود خواهد داشت (شاه نظری و نصر اصفهانی، ۱۴۰۲). بنابراین، در این پژوهش به بررسی دقیق نقش تعدیلگری ساختار مالی در ارتباط میان راهبردهای تقسیم سود و سلامت مالی شرکت پرداخته می‌شود.

درماندگی مالی وضعیتی است که شرکت برای کسب منابع مالی کافی جهت ادامه عملیات خود ناتوان است (فتاحی و آل‌علی، ۱۳۹۸). در این وضعیت شرکت در تولید وجه نقد کافی برای رفع نیازهای خود همچون پرداخت‌ها به وام‌دهندگان توانایی کافی را ندارد، همچنین درماندگی مالی شرکت‌ها یکی از عواملی است که در صورت مواجه شدن با آن مدیریت شرکت دست به عملکردهای خاصی می‌زند و به تبع آن سود حسابداری را به عنوان یکی از بارزترین اقلام ارزیابی عملکرد، در زمان مواجهه با درماندگی مالی دستکاری می‌کنند. شرکت‌هایی که با درماندگی مالی مواجه هستند برای رهایی یافتن از هزینه‌های ورشکستگی دست به مدیریت سود می‌زنند و از اقلام تعهدی بیشتری نسبت به سایر شرکت‌ها بهره می‌برند. در نتیجه باید بگوییم که یکی از حوزه‌های درماندگی مالی مربوط به سیاست تقسیم سود است که از جمله سیاست‌های مالی مهم شرکت‌ها بوده و اثرگذاری زیادی بر تامین مالی و سرمایه‌گذاری سهامداران دارد. همواره نوع سیاست تقسیم سود از یک جهت به وضعیت عملکرد شرکت و ویژگی‌های مالی و از سوی دیگر به قوانین حاکم بر بازار سرمایه و ویژگی‌های حاکمیتی شرکت‌ها مربوط است. تصمیم‌گیری شرکت درباره میزان پرداخت سود تقسیمی و مقدار سودی که باید به عنوان سود انباشته حفظ شود، به سیاست تقسیم سود مربوط می‌شود. برخی شرکت‌ها سیاست تقسیم سود حداقلی و برخی متوسط و برخی حداکثری را در دستور کار خود قرار

^۱. Kyriakou

داده‌اند. البته ساختار سرمایه هم می‌تواند موثر باشد. در تعریف ساختار سرمایه می‌توان گفت: ساختار سرمایه یک شرکت نسبت بدهی و حقوق صاحبان سهام است که منابع سرمایه‌ی شرکت هستند و جهت استفاده عملیات و دارایی‌های شرکت استفاده می‌شوند. همچنین باید یادآور شد که در نظر گرفتن انضباط مالی سازمان‌ها و شرکت‌ها از اهمیت زیادی برخوردار است، زیرا از فساد مالی و اقتصادی جلوگیری کرده و نقش مهمی در فرهنگ‌سازی حسابداری و پرداخت به موقع حساب‌ها و حق و حقوق افراد دارد. در سازمان‌هایی که انضباط مالی آنها ضعیف است، ممکن است مشکلات فراوانی برای آن سازمان ایجاد و در نتیجه مجموعه با ورشکستگی یا بحران‌های مالی شدید روبرو شود.

با عنایت به مطالب فوق، بحث تقسیم سود یکی از مواردی است که مدیریت هر شرکت باید بدان توجه ویژه‌ای داشته باشد؛ زیرا از یک طرف مورد نظر سهامداران بوده و بر تصمیمات سرمایه‌گذاری آنها اثرگذار خواهد بود و از طرفی می‌تواند بر رشد و توسعه شرکت یا عقب‌ماندگی آن تأثیر بگذارد. لذا پرداختن به این موضوع از اهمیت بسزایی برخوردار است. بنابراین، این پژوهش با هدف ارائه یک چارچوب جامع برای درک بهتر از تأثیر راهبردهای تقسیم سود بر درماندگی و انضباط مالی و همچنین نقش تعدیل‌گر ساختار مالی طراحی شده و در پی پاسخ به این سوال است که تأثیر راهبردهای تقسیم سود بر درماندگی و انضباط مالی چیست و نقش تعدیل‌گری ساختار سرمایه بر این رابطه چگونه است. نتایج این پژوهش می‌تواند به مدیران مالی و تصمیم‌گیران شرکت‌ها در انتخاب سیاست‌های بهینه تقسیم سود کمک کند و راهکارهایی برای بهبود سلامت مالی شرکت‌ها ارائه دهد. از سوی دیگر، این پژوهش می‌تواند به غنای ادبیات علمی در حوزه مدیریت مالی و حسابداری کمک کرده و زمینه‌ساز پژوهش‌های آتی در این حوزه باشد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

تقسیم سود، از جمله راهبرد کوتاه‌مدت و بلندمدت شرکت است که آثار آن در هر سال مالی در مجامع عمومی شرکت آشکار می‌گردد و بر پایه آن عملکرد شرکت ارزیابی می‌شود. در واقع سیاست تقسیم سود، خط مشی است که بر پایه آن میزان سود تقسیمی، میزان سود انباشته، پاداش هیأت مدیره، زمان پرداخت، نحوه تأمین مالی و دیگر موضوعات مرتبط با آن مدون و مکتوب و به مجمع عمومی سهامداران ارائه می‌شود (آلن^۱، ۲۰۲۰، به نقل از فریرا^۲ و همکاران، ۲۰۰۴). بنابراین سود سالانه به دو بخش تقسیم می‌شود، بخشی از آن به‌عنوان سود به صاحبان سهام داده می‌شود و بخشی دیگر در حساب سود انباشته و یا اندوخته ذخیره می‌شود. هر کدام از این بخش‌ها اثرات متفاوتی بر وضعیت مالی شرکت دارد. واحدهای انتفاعی می‌توانند سود خالص سالانه خود را به مصرف پرداخت سود سهام برسانند یا وجوه آن را برای مقاصد دیگری نظیر بازپرداخت بدهی‌ها یا تأمین مالی سرمایه‌گذاری‌های جدید مورد استفاده قرار دهند. افزایش سود سهام موجب پرداخت بیشتر وجوه نقد واحد انتفاعی به سهامداران می‌شود. بنابراین، تغییر مطلق سیاست توزیع سود سهام بدون تغییر سیاست‌های سرمایه‌گذاری و ساختار واحد انتفاعی موجب تغییر هم زمان مبلغ سود سهام و مبلغ حاصل از فروش سهام جدید خواهد شد. لذا همواره امکان دارد که تغییرات هم زمانی در چندین

^۱. Allen

^۲. Ferreira

سیاست واحد انتفاعی ایجاد شود؛ مثلاً شرکت ممکن است سود سهام را کاهش دهد و وجوه مربوط را صرف توسعه سرمایه‌گذاری خود کند (ترکیبی از سیاست توزیع سود سهام و تغییر سیاست‌گذاری) یا از محل این وجوه بخشی از بدهی‌های خود را باز پرداخت نماید (ترکیبی از تغییر سیاست توزیع سود سهام و تغییر ساختار مالی). به این ترتیب می‌توان گفت که توزیع سود سهام، سرمایه‌گذاری و تأمین مالی با یکدیگر ارتباط نزدیکی دارند. از این رو، مدیران با هدف حداکثر کردن ثروت سهامداران همواره باید بین علایق مختلف سهامداران تعادلی برقرار نمایند، تا هم فرصت‌های سودآور سرمایه‌گذاری را از دست نداده باشند و هم سود نقدی مورد نیاز برخی از سهامداران را بپردازند. بنابراین تصمیمات تقسیم سود که از سوی مدیران شرکت‌ها اتخاذ می‌شود بسیار حساس و با اهمیت است. ارزش شرکت‌ها نیز بسته به تصمیمات تقسیم سود متفاوت است. همزمان، تئوری‌های ارزش‌گذاری مرتبط با سیاست تقسیم سود در حال توسعه است. اولین مورد، نظریه عدم ربط سود سهام است که استدلال می‌کند تقسیم سود بر ارزش بازار تأثیر نمی‌گذارد. دوم، تئوری پرنده‌ای در دست است و طبق این نظریه، سود تقسیمی (پرنده در دست) به سود سرمایه (پرنده بر روی شاخه) اولویت دارد. در این نظریه، استدلال می‌شود که سیاست تقسیم سود شرکت بر ارزش بازار تأثیر می‌گذارد. آخرین نظریه، نظریه تفاوت مالیاتی است. بر اساس این نظریه، این موضوع که آیا سیاست تقسیم سود بر ارزش بازار شرکت از نظر نرخ مالیات تأثیر می‌گذارد یا خیر، باید ارزیابی شود.

شرکت‌ها برای پرداخت سود روش‌های متفاوتی را مورد استفاده قرار می‌دهند که شامل: تقسیم سود نقدی، سود سهمی (سهام جایزه)، بازخرید سهام و تجزیه سهام می‌شود. همچنین ترکیب بدهی‌ها و حقوق صاحبان سهام ساختار سرمایه بوده (انواری رستمی، ۱۳۷۸) که این ترکیب شامل سهام عادی، سهام ممتاز و زیرمجموعه‌های مرتبط با آن، سود انباشته و بدهی‌های بلندمدت است که واحد تجاری برای تأمین مالی دارایی‌های خود از آنها استفاده می‌کند به عبارتی، ساختار سرمایه، نسبت اوراق بهادار بلندمدت قدیمی‌تر (دارای رتبه بیشتر) به جمع سرمایه‌گذاری‌های مرتبط می‌باشد. همچنین هوسی^۱ (۱۹۹۹) ساختار سرمایه را تعادل بین بدهی‌ها و دارایی‌ها، ماهیت دارایی‌ها و ترکیب استقراض شرکت بیان می‌کند. دارایی‌ها می‌توانند مشهود یا نامشهود، جاری یا بلندمدت و استقراض ممکن است بلندمدت یا کوتاه‌مدت، ثابت یا شناور، بدون ریسک یا با ریسک باشند. در شرایط ایده آل دارایی‌ها و بدهی‌ها باید تطابق داشته باشند. از منظری دیگر، ساختار سرمایه ادعای کلی بر دارایی‌های شرکت معرفی می‌شود. وی ساختار سرمایه را شامل اوراق بهادار منتشر شده عمومی، سرمایه‌گذاری خصوصی، بدهی بانکی، بدهی تجاری، قراردادهای اجاره، بدهی‌های مالیاتی، بدهی‌های حقوق بازنشستگی، پاداش معوق برای مدیریت و کارکنان، سپرده‌های حسن انجام کار، تضمین کالا و دیگر بدهی‌های احتمالی می‌داند (مشایخ و شاه‌رخ، ۱۳۸۵). گوردون^۲ (۱۹۷۱) در یکی از نخستین مطالعات علمی در خصوص نظریه درماندگی مالی، آن را به عنوان کاهش قدرت سودآوری شرکت معرفی می‌کند که احتمال عدم توانایی بازپرداخت بهره و اصل بدهی را افزایش می‌دهد. ویتاکر^۳ (۱۹۹۹) درماندگی مالی را وضعیتی در نظر می‌گیرد که در آن جریان‌های نقدی شرکت از مجموع هزینه‌های بهره مربوط به بدهی بلندمدت کمتر است. به نظر خی^۴ و همکاران (۲۰۱۱) نیز درماندگی مالی یک بیماری است که در آن شرکت قدرت پرداخت تعهدات

^۱. Hussey

^۲. Gordon

^۳. Whitaker

^۴. Xie

مالی به طلبکاران خود را ندارد و ممکن است منجر به ورشکستگی شرکت شود. تعاریف متفاوت دیگری نیز از درماندگی مانند کاهش سودهای سهام و مجموعه‌ای از زیان‌های پی‌درپی وجود دارد. درماندگی هنگامی رخ می‌دهد که بدهی‌های یک شرکت از ارزش بازار دارایی‌های موجود در شرکت تجاوز کند (دستگیر و همکاران، ۱۳۹۱). درماندگی مالی منجر به هدر رفتن منابع و عدم بهره‌گیری از فرصت‌های سرمایه‌گذاری شده و هزینه‌های زیادی را به همراه دارد و نهایتاً منجر به از دست رفتن سرمایه شرکت و حمایت تامین‌کنندگان و اعتبار دهندگان می‌شود. سیاست تقسیم سود اثرات عمیقی بر موقعیت یک شرکت در بازار دارد و تقسیم سود نادرست تأثیر زیادی بر جریان نقدینگی شرکت‌ها دارد. اگر شرکت‌ها در تقسیم سود از روند مشخصی پیروی نکنند وجه نقد موجود در شرکت کاهش می‌یابد. سپس برای تامین وجه نقد مورد نیاز لازم است که استقراض نماید. این امر منجر به تغییر ساختار سرمایه (مقدار بیشتری از بدهی در مقابل حقوق صاحبان سهام) می‌گردد و اهرم مالی شرکت نیز افزایش یابد. اگر شرکت نتواند وجه نقد کافی برای پرداخت بدهی‌ها را فراهم نماید دچار درماندگی مالی می‌گردد (بیک زاده عباسی و جوهری، ۱۳۹۷).

انضباط مالی رعایت قوانین و مقررات موضوعه با توجه به حجم گردش مالی در سطح بودجه کل کشور می‌باشد. انضباط مالی دارای چهار رکن اساسی می‌باشد. انضباط بودجه‌ای: بودجه متوازن، بودجه بدون کسری و متمم می‌باشد که متولی آن دولت است. انضباط پولی یا انضباط در بازار پول: متولی آن بانک مرکزی بوده و فعالیت‌های بانکی و ارزی را شامل می‌شود. از آنجایی که بودجه عمومی کشور مستقیماً به دو شکل عمرانی و جاری هزینه و منعکس می‌گردد در تورم کشور ما مستقیماً تأثیر می‌گذارد. انضباط در مخارج و خزانه‌داری: متولی این بخش هم دولت است؛ آن هم در مواقعی که منابع به قدر کافی اداره کشور در اختیار نیست. بازارهای مالی: هر چه ثبات در قوانین وجود داشته باشد و محیط کسب و کار امن‌تر باشد، شرایط در این بازارها بهبود یافته و امکان تعادل در بازارهای مالی و کالا افزایش می‌یابد. این بخش هم تحت تأثیر سیاست‌های دولت و بانک مرکزی قرار دارد (زارعی و رضوی، ۱۳۸۵).

از دو دیدگاه انضباط مالی قابل تأمل و بررسی است. یکی دیدگاه کلان که در آن دولت، بانک مرکزی و دستگاه‌ها و مؤسسات دولتی و مقامات دولتی در تصمیم‌گیری‌ها و انتخاب سیاست‌های پولی و مالی در سطح کشوری موظف به اجرای انضباط مالی هستند. دیگری دیدگاه خرد است که در این دیدگاه، انضباط مالی در سطح هر شرکت و بنگاهی که دولتی یا تحت نظارت دولت باشد مورد توجه و اجرا قرار می‌گیرد (شقایی، ۱۳۸۵). اگر شرکت‌ها انضباط مالی نداشته باشند، هزینه‌های آنها نسبت به درآمدهایشان فزونی می‌یابد. این امر منجر به فقدان هرگونه نقدینگی در شرکت می‌گردد و شرکت به مرور زمان وارد چرخه درماندگی مالی و ورشکستگی می‌گردد. شرکتی که فاقد هرگونه انضباط مالی باشد وجه نقد لازم برای پرداخت سود را ندارد و منجر به نارضایتی سهامداران می‌گردد. در حالتی دیگر این شرکت برای تامین وجوه نقد لازم می‌بایست از استقراض استفاده نماید و شرکت دارای ساختار اهرمی می‌گردد. ساختار اهرمی به نوبه خود نیز خطر ورشکستگی شرکت را افزایش می‌دهد (مطهری و همکاران، ۱۴۰۰).

همان طور که ذکر گردید درماندگی مالی حالتی می‌باشد که در آن نرخ بازده سرمایه‌گذاری‌ها از نرخ هزینه سرمایه کمتر می‌باشد و شرکت زیان ده می‌گردد (مرادزاده فر و همکاران، ۱۳۹۳). در این حالت ورود منابع پولی به شرکت مختل شده و توازن میان درآمدها و هزینه‌ها و نظم مالی سازمان از بین می‌رود. سیاست تقسیم سود شرکت نیز بیانگر

این موضوع است که شرکت از چه راهبردی جهت تقسیم سود کسب شده میان سهامداران استفاده می‌نماید (باتانه^۱، ۲۰۲۱). سیاست تقسیم سود شرکت به طور موثری از محدودیت منابع مالی اثرپذیر می‌باشد (ویدادو و سعدیه^۲، ۲۰۲۲). در نتیجه مشکلات مالی شرکت باعث می‌گردد که سود بین سهامداران توزیع نگردد و ارزش شرکت در بازار کاهش یابد (صراف و خجسته اهوازی، ۱۴۰۱). ساختار سرمایه نیز بیانگر ترکیب مختلف از بدهی و حقوق صاحبان سهام می‌باشد. تقسیم سود یکی از عوامل موثر بر بازده حقوق صاحبان سهام در نظر گرفته می‌شود. از سوی دیگر نیز میزان استفاده از بدهی نشانگر اهرمی بودن شرکت می‌باشد. هر چه از بدهی کمتری در شرکت استفاده گردد، ریسک مالی شرکت کمتر می‌باشد و بالعکس. طبق مطالعات ویدادو و سعدیه (۲۰۲۲)، ساختار سرمایه بر رابطه تقسیم سود و ارزش شرکت اثرگذار می‌باشد. اگر ساختار سرمایه اهرمی باشد (سهم بدهی نسبت به حقوق صاحبان سهام در ساختار سرمایه بیشتر باشد)، بخاطر پرداخت بیشتر وام‌ها توان شرکت در خصوص پرداخت سود سهام کاهش می‌یابد که نشان‌دهنده افزایش درماندگی مالی و کاهش انضباط مالی می‌باشد (صراف و خجسته اهوازی، ۱۴۰۱).

راوال^۳ و همکاران (۲۰۲۴) در پژوهشی با عنوان اثر درماندگی مالی بر سیاست تقسیم سود به این نتیجه دست یافتند که بین سیاست تقسیم سود و درماندگی مالی ارتباط معناداری وجود دارد. نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام نقش متغیر میانجی در ارتباط سیاست تقسیم سود و درماندگی مالی دارد. همچنین سیدهو^۴ و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهشی مشابه به این نتیجه دست یافت که درماندگی مالی و سیاست تقسیم سود رابطه غیر خطی دارند. در پژوهشی دیگر، راکشیت^۵ و همکاران (۲۰۲۴) رابطه بین مدیریت سود و درماندگی مالی را بررسی کردند و به این نتیجه دست یافتند که شرکت‌های با مشکلات اندک در مدیریت نسبت به شرکت‌های با مشکلات بیشتر، سود بالاتری داشته و درماندگی به مراتب کمتری دارند.

کالاهان^۶ و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهشی دیگر با عنوان انضباط مالی و سیاست تقسیم سود به این نتیجه دست یافتند که تقسیم سود بر انضباط مالی اثرگذار نمی‌باشد. این امر به دو دلیل عمده می‌باشد. دلیل اول این است که شرکت‌ها موظف هستند در صورت سودآوری به صورت دوره ای مبلغی را به عنوان سود به سهامداران بپردازند که این مبلغ در هزینه های شرکت در نظر گرفته شده و برنامه‌ریزی شده می‌باشد و هزینه ناگهانی و اتفاقی نیست و شرکت آمادگی لازم برای خروج وجه نقد را دارد. دلیل دوم هم می‌تواند استفاده از روش‌های مختلف تقسیم سود باشد. ممکن است شرکت از روش‌هایی استفاده نماید که منجر به خروج وجه نقد از سازمان نگردد لذا تراز مالی سازمان ثابت می‌ماند. واردینی^۷ و همکاران (۲۰۲۲) نیز در پژوهشی با عنوان ساختار سرمایه و سیاست تقسیم سود به این نتیجه دست یافتند که ساختار سرمایه بهینه بر سیاست تقسیم سود اثرگذار می‌باشد و پرداخت سود بیشتر توسط شرکت از نظر شرکت نشانه خوبی است. پرداخت سود باعث تغییر در ارزش سهام شرکت می‌گردد که بر ارزش شرکت موثر می‌باشد.

1. Bataineh

2. Widagdo & Sa'diyah

3. Rawal

4. Sidhu

5. Rakshit

6. Callahan

7. Wardini

ژو^۱ و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان بروز درماندگی مالی، به دنبال شناسایی عوامل منجر به درماندگی مالی بودند. پس از بررسی عوامل مختلف به این نتیجه دست یافتند که اگر شرکت‌ها دارای وضعیت مالی ضعیف باشند و نقدینگی مناسبی نداشته باشند، تقسیم سود منجر به کاهش منابع مالی در دسترس شرکت می‌گردد و ریسک درماندگی مالی افزایش می‌یابد. در مقابل اگر شرکت‌ها به بلوغ رسیده باشند و سهم بازاری مناسب داشته باشند و نقدینگی در دسترس نیز در حد مطلوب باشد، بهتر است جهت رضایت سهامداران در حال حاضر سود بپردازند.

از سوی دیگر گودارد^۲ و همکاران (۲۰۰۵) در پژوهشی با عنوان اندازه‌گیری سودآوری شرکت‌های تولیدی و خدماتی اروپایی به نتایج متفاوتی با تحقیقات قبلی دست یافت. آنها در پژوهش‌های خود به این نتیجه دست یافتند که تقسیم سود اگر چه منجر به خروج وجه نقد از شرکت می‌گردد و نقدینگی را کاهش می‌دهد ولی این امر یک تبلیغ مثبت و سازنده برای شرکت می‌باشد. تقسیم سود نشانه سودآوری و عملکرد مثبت در شرکت می‌باشد و باعث جذب سرمایه‌گذاران جدید به شرکت می‌گردد.

لی^۳ و همکاران (۲۰۱۷) نیز در پژوهشی با عنوان اثر تقسیم سود بر عملکرد شرکت از طریق انضباط مالی به این نتیجه دست یافتند که تقسیم سود عامل مهم در بهبود انضباط مالی و کاهش رفتارهای غیرمسئولانه مدیران عمل می‌کند. اسدالهی و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان تأثیر سیاست تقسیم سود سهام بر ثبات مالی بانک‌های ایران به این نتیجه دست یافت که نسبت سود سهام پرداختی بر ثبات مالی بانک‌ها در بلندمدت تأثیر مثبت و معناداری دارد و همچنین نسبت سود انباشته نیز بر ثبات مالی بانک‌ها در بلندمدت تأثیر منفی و معناداری دارد. ثبات در سیاست تقسیم سود سهام بر ثبات مالی بانک‌ها در بلندمدت تأثیر مثبت و معناداری دارد.

پیچاکن^۴ (۲۰۱۲) نیز در پژوهشی با عنوان ارزش انضباط مالی برای شرکت‌های صادرکننده نفت به این نتیجه دست یافتند که تقسیم سود منجر به افزایش شفافیت مالی شرکت‌ها می‌گردد و منجر به افزایش انضباط مالی می‌گردد. همچنین وحید و همکاران (۲۰۱۲) در پژوهش‌های خود به نتایج مشابهی در خصوص عدم تأثیر تقسیم سود بر انضباط مالی شرکت‌ها دست یافتند ولی آنها معتقد بودند که انضباط مالی سازمان‌ها مرتبط با عوامل و شرایط اقتصادی می‌باشد و سیاست تقسیم سود تأثیری بر آن ندارد.

صراف و خجسته‌اهوازی (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان اثرات درماندگی مالی، سیاست تقسیم سود و نسبت بدهی به ارزش ویژه بر ارزش شرکت به این نتیجه دست یافتند که اگر چه درماندگی مالی منجر به تغییر رابطه میان تقسیم سود و ارزش شرکت می‌شود، اما این تأثیر معنی‌دار نیست. همچنین نسبت بدهی به ارزش ویژه بر رابطه تقسیم سود و ارزش شرکت تأثیر منفی و معناداری دارد. حسینی و همکاران (۱۳۹۹) نیز در پژوهشی با عنوان بررسی ساختار مالکیت و سیاست‌های تقسیم سود بر سودآوری و ریسک نشان دادند که مالکیت خانوادگی بر سودآوری تأثیر مثبت و معناداری دارد. سیاست تقسیم سود بر سودآوری شرکت تأثیر منفی و معناداری دارد. همچنین سیاست تقسیم سود بر ریسک غیرسیستماتیک شرکت تأثیر منفی و معناداری دارد.

¹. Zhou

². Goddard

³. Lee

⁴. Pieschacón

فروغی و همکاران (۱۳۹۹) پژوهشی را با عنوان نقش تعدیل‌کننده اهرم مالی و سیاست تقسیم سود در تأثیر حاکمیت شرکتی بر ارزش شرکت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انجام دادند. نتایج این پژوهش نشان داد، حاکمیت شرکتی تأثیر مثبتی بر ارزش شرکت دارد. همچنین نتایج نشان داد که اهرم مالی، شدت اثر گذاری حاکمیت شرکتی بر ارزش شرکت را افزایش می‌دهد. علاوه بر این مشخص شد که سیاست تقسیم سود، شدت اثر گذاری حاکمیت شرکتی بر ارزش شرکت را کاهش می‌دهد.

بیک زاده عباسی و جوهری (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان بررسی تأثیر تقسیم سود نقدی بر درماندگی مالی شرکت‌های رشدی به این نتیجه دست یافتند که بین تقسیم سود نقدی و درماندگی مالی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و تقسیم سود نقدی بر درماندگی مالی شرکت‌های رشدی تأثیرگذار می‌باشد. **ملکیان و سلمانی (۱۳۹۴)** نیز در پژوهشی با عنوان رابطه ساختار سرمایه و سیاست تقسیم سود با نگهداشت وجه نقد به این نتیجه دست یافتند که بین اهرم و نگهداشت وجه نقد رابطه منفی و معناداری وجود دارد. بین سودآوری و نگهداشت وجه نقد رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بین نقدینگی با نگهداشت وجه نقد رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین بین اندازه شرکت با نگهداشت وجه نقد رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. نهایتاً بین سیاست تقسیم سود و نگهداشت وجه نقد رابطه معناداری وجود ندارد.

فرضیه‌های پژوهش

- فرضیه اول: راهبردهای تقسیم سود بر درماندگی مالی اثرگذار می‌باشد.
- فرضیه دوم: راهبردهای تقسیم سود بر انضباط مالی اثرگذار می‌باشد.
- فرضیه سوم: ساختار مالی بر رابطه راهبردهای تقسیم سود و درماندگی مالی نقش تعدیل‌گری دارد.
- فرضیه چهارم: ساختار مالی بر رابطه راهبردهای تقسیم سود و انضباط مالی نقش تعدیل‌گری دارد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر روش و نحوه گردآوری، پژوهش توصیفی-همبستگی است و از منظر زمان اجرا نیز پس‌رویدادی محسوب می‌شود. در این پژوهش جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های مورد نیاز در دو مرحله صورت پذیرفته است. در مرحله اول مبانی نظری پژوهش با استفاده از روش کتابخانه‌ای تدوین شده است و در مرحله دوم با استفاده از اطلاعات مندرج در صورت‌های مالی ارسالی به سازمان بورس و نرم‌افزار ره‌آورد نوین، داده‌های مورد نظر جمع‌آوری گردیده است. سپس با استفاده از روش رگرسیون چند گانه اثرگذاری متغیرهای پژوهش بر یکدیگر بررسی می‌شود. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، غیر از شرکت‌های واسطه‌گری مالی، بیمه و بانک‌ها؛ که نوع فعالیت آن‌ها تفاوت اساسی با بقیه شرکت‌ها دارد، می‌باشد. انتخاب نمونه از جامعه آماری پژوهش به صورت روش حذفی سیستماتیک می‌باشد که ۱۰۵ شرکت به عنوان نمونه برای این پژوهش انتخاب گردید.

انتخاب نمونه‌ها از میان شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران از سال ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۱ با در نظر گرفتن معیارهای زیر انجام می‌شود:

جدول ۱. نمونه پژوهش

ردیف	شرح	تعداد شرکت
۱	تعداد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس در پایان سال ۱۴۰۱.	۴۶۴
۲	تعداد شرکت‌هایی که در قلمرو زمانی پژوهش در بورس فعال نبوده‌اند.	۸۶
۳	تعداد شرکت‌هایی که بعد از سال ۱۳۹۱ در بورس پذیرفته شده‌اند.	۸۷
۴	تعداد شرکت‌هایی که جزء هلدینگ، سرمایه‌گذاری‌ها، واسطه‌گری‌های مالی، بانک‌ها و یا لیزینگ‌ها بوده‌اند.	۴۰
۵	تعداد شرکت‌هایی که در قلمرو زمانی پژوهش تغییر سال مالی داده و یا سال مالی آن منتهی به پایان اسفند نمی‌باشد.	۸۳
۶	تعداد شرکت‌هایی که اطلاعات آنها ناقص بوده است.	۶۳
۸	تعداد کل شرکت‌هایی که حذف شدند.	۳۵۹
۹	تعداد شرکت‌های عضو نمونه	۱۰۵

متغیرهای پژوهش

متغیر مستقل: متغیر مستقل این پژوهش راهبردهای تقسیم سود می‌باشد که از حاصل تقسیم سود تقسیمی هر سهم به درآمد هر سهم به دست می‌آید (گوردون و هنری^۱، ۲۰۰۵).

متغیر وابسته: متغیر وابسته پژوهش درماندگی مالی می‌باشد که به منظور محاسبه آن روش آلتمن به کار رفته است (رشید^۲ و همکاران، ۲۰۲۳). شیوه محاسبه اصلی آلتمن به شکل زیر بوده است:

$$Z = \frac{3}{3} \frac{EBIT}{TA} + \frac{1}{1} \frac{Sales}{TA} + \frac{1}{4} \frac{Retained Earnings}{TA} + \frac{1}{2} \frac{Working Capital}{TA} + \frac{0}{6} \frac{(Market Value of Equity)}{TL}$$

دیگر متغیر وابسته این پژوهش انضباط مالی می‌باشد؛ برای اندازه‌گیری انضباط مالی با توجه به پژوهش دکوردوبا^۳

(۲۰۱۷)، از تعدیلات سنواتی استفاده می‌شود. آنها بیان کردند که تعدیلات سنواتی به عنوان عاملی برای بی انضباطی مالی شامل اصلاح اشتباهات با اهمیت تقلب انتقال درآمد و هزینه قوانین و همچنین تغییر در رویه های حسابداری است. تعدیلات سنواتی با استفاده از صورت های مالی شرکت ها و رقم ذکر شده به عنوان تعدیلات سنواتی در صورت گردش سود و زیان انباشته محاسبه خواهد شد. در این پژوهش اگر رقم تعدیلات سنواتی صفر باشد به آن عدد ۱ اختصاص داده می‌شود (انضباط مالی عدد یک) و اگر رقم تعدیلات سنواتی به غیر از عدد صفر باشد به آن عدد صفر اختصاص می‌یابد (بی انضباطی مالی عدد صفر).

متغیر تعدیل گر: متغیر تعدیل گر این پژوهش ساختار مالی شرکت می‌باشد که از طریق فرمول نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام محاسبه می‌شود.

¹. Gordon & Henry

². Rashid

³. De-Cordoba

جدول ۲. خلاصه متغیرهای پژوهش

ردیف	نام متغیر	نقش متغیر	نحوه محاسبه	منبع
۱	راهبردهای تقسیم سود	مستقل	تقسیم سود هر سهم به درآمد هر سهم	(گوردون و هنری، ۲۰۰۵)
۲	درماندگی مالی	وابسته	$Z = ۳/۳ \frac{EBIT}{TA} + ۱ \frac{Sales}{TA} + ۱/۴ \frac{Retained Earnings}{TA} + ۱/۲ \frac{Working Capital}{TA} + ۰/۶ \frac{(Market Value of Equity)}{TL}$	(رشید و همکاران، ۲۰۲۳)
۳	انضباط مالی	وابسته	تقسیم تعدیلات سنواتی به کل دارایی ها	(دکوردوبا، ۲۰۱۷)
۴	ساختار مالی	تعدیل گر	تقسیم جمع کل بدهی به کل دارایی ها	(رشید و همکاران، ۲۰۲۳)
۵	اندازه شرکت	کنترلی	لگاریتم طبیعی جمع کل دارایی ها	(رشید و همکاران، ۲۰۲۳)
۶	بازده دارایی ها	کنترلی	نسبت سود خالص به کل دارایی ها	(رشید و همکاران، ۲۰۲۳)
۷	سطح نگهداشت وجوه نقد	کنترلی	نسبت وجوه نقد به کل دارایی های شرکت	(رشید و همکاران، ۲۰۲۳)
۸	عمر شرکت	کنترلی	لگاریتم طبیعی بازه زمانی تاسیس شرکت تا سال مورد بررسی	(رشید و همکاران، ۲۰۲۳)

بر اساس متغیرهای فوق و با توجه به فرضیه های پژوهش، مدل های پژوهش به صورت زیر بیان می شود:

مدل (۱):

$$FD_{it} = \varphi_0 + \varphi_1 DIV_{it} + \varphi_2 SIZE_{it} + \varphi_3 ROA_{it} + \varphi_4 AGE_{it} + \varphi_5 CF_{it} + e_t$$

مدل (۲):

$$FC_{it} = \varphi_0 + \varphi_1 DIV_{it} + \varphi_2 SIZE_{it} + \varphi_3 ROA_{it} + \varphi_4 AGE_{it} + \varphi_5 CF_{it} + e_t$$

مدل (۳):

$$FD_{it} = \varphi_0 + \varphi_1 DIV_{it} + \varphi_2 FS_{it} + \varphi_3 (FS_{it} * DIV) + \varphi_4 SIZE_{it} + \varphi_5 ROA_{it} + \varphi_6 AGE_{it} + \varphi_7 CF_{it} + e_t$$

مدل (۴):

$$FC_{it} = \varphi_0 + \varphi_1 DIV_{it} + \varphi_2 FS_{it} + \varphi_3 (FS_{it} * DIV) + \varphi_4 SIZE_{it} + \varphi_5 ROA_{it} + \varphi_6 AGE_{it} + \varphi_7 CF_{it} + e_t$$

یافته های پژوهش

آمار توصیفی پژوهش در جدول ۳ ارائه گردیده است. بر این اساس، میانگین راهبردهای تقسیم سود نشان دهنده عدد ۰/۴۷ می باشد به این معنی که شرکت های نمونه در سال های مورد بررسی حدود ۴۷ درصد سود را به صورت نقدی تقسیم نموده اند. میانگین متغیر انضباط مالی نشان دهنده عدد ۰/۰۰۵ می باشد به این معنی که در سال های مورد بررسی

به ازای هر واحد دارایی حدود ۰/۰۰۵ تعدیل سنواتی وجود داشته است. میانگین درماندگی مالی نشان دهنده عدد ۵/۹۵ می باشد. این شاخص، معیار معکوس اندازه گیری درماندگی مالی به این معنی که هرچه این شاخص بیشتر باشد، درماندگی مالی کمتر ارزیابی می گردد. میانگین ساختار مالی نشان دهنده عدد ۰/۵۴۷ می باشد به این معنی که به ازای هر واحد دارایی در شرکت های نمونه در سال های مورد بررسی حدود ۵۵ درصد بدهی وجود دارد. همچنین این متغیر نشان می دهد که شرکت های نمونه در سال های مورد بررسی تمایل بیشتری به تامین مالی از طریق بدهی داشته اند. میانگین سطح نگهداری وجوه نقد نشان دهنده عدد ۰/۰۷۷ می باشد به این معنی که به ازای هر واحد دارایی، حدود ۸ درصد وجوه نقد و معادل آن در شرکت های نمونه وجود دارد. میانگین لگاریتم عمر شرکت نشان دهنده عدد ۳/۶۴۹ می باشد. میانگین بازده دارایی ها نشان دهنده عدد ۰/۱۵۴ می باشد به این معنی که شرکت های نمونه در سال های مورد بررسی به ازای هر واحد دارایی، ۱۵ درصد سود خالص ایجاد نموده اند. هرچه این نسبت بیشتر باشد، قابلیت سودآوری شرکت بیشتر و توانایی مدیران در استفاده از دارایی ها جهت سودآوری نیز بهتر ارزیابی می گردد. سایر آماره های توصیفی در جدول ارائه گردیده است.

جدول ۳. آمار توصیفی متغیرها

متغیر	نماد	میانگین	میانه	بیشترین	کمترین	انحراف معیار
راهبرد های تقسیم سود	DIV	۰/۴۷۵	۰/۴۸۰	۰/۹۵۲	۰/۰۰۰	۰/۳۵۲
انضباط مالی	FC	۰/۰۰۵	۰/۰۰۰	۰/۰۳۶	۰/۰۰۰	۰/۰۱۰
درماندگی مالی	FD	۵/۹۵۳	۴/۱۵۹	۲۰/۶۲۵	۱/۲۶۹	۴/۹۸۱
ساختار مالی	FS	۰/۵۴۷	۰/۵۴۵	۰/۸۵۸	۰/۲۱۶	۰/۱۷۹
نگهداری وجوه نقد	CF	۰/۰۷۷	۰/۰۴۳	۰/۳۰۷	۰/۰۰۵	۰/۰۸۳
لگاریتم عمر شرکت	AGE	۳/۶۴۹	۳/۷۳۸	۴/۰۹۴	۲/۹۴۴	۰/۳۴۷
بازده دارایی ها	ROA	۰/۱۵۴	۰/۱۲۸	۰/۴۴۰	-۰/۰۲۶	۰/۱۲۸
اندازه شرکت	SIZE	۱۴/۸۵۵	۱۴/۶۲۲	۱۸/۱۱۸	۱۲/۶۰۶	۱/۴۲۸

برای آزمون فرضیه ها از مدل رگرسیون تحلیلی- ترکیبی استفاده شده است. در بررسی داده های مقطعی و سری زمانی، اگر ضرایب اثرات مقطعی و اثرات زمانی معنادار نشود، می توان داده ها را با یکدیگر ترکیب کرد و به وسیله یک رگرسیون حداقل مربعات معمولی تخمین زد. در بیشتر داده های ترکیبی اغلب ضرایب مقاطع یا سری های زمانی معنادار هستند، این مدل به مدل رگرسیون ترکیب شده معروف است. با توجه به ساختار ترکیبی داده ها، برای بررسی ترکیب پذیری از آزمون چاو و برای بررسی وجود اثر ثابت از آزمون هاسمن استفاده شده است. اگر سطح معناداری آزمون چاو زیر ۰/۰۵ است بنابراین برای برآورد مدل از روش داده های پانل استفاده می شود و اگر سطح معناداری بیشتر از ۰/۰۵ باشد برای برآورد مدل از داده های پول استفاده می گردد.

جدول ۴. انتخاب الگوی مناسب برآورد مدل

مدل ها	آزمون	مقدار آماره	سطح معناداری	نتیجه	روش تایید شده
مدل (۱)	آزمون چاو	۴/۱۲	۰/۰۰	رد H صفر	روش داده‌های تابلویی
	آزمون هاسمن	۵۵/۳۳	۰/۰۰	رد H صفر	الگوی اثرات ثابت
مدل (۲)	آزمون چاو	۲/۹۹	۰/۰۰	رد H صفر	روش داده‌های تابلویی
	آزمون هاسمن	۵۵/۴۶	۰/۰۰	رد H صفر	الگوی اثرات ثابت
مدل (۳)	آزمون چاو	۳/۰۸	۰/۰۰	رد H صفر	روش داده‌های تابلویی
	آزمون هاسمن	۶۱/۳۶	۰/۰۰	رد H صفر	الگوی اثرات ثابت
مدل (۴)	آزمون چاو	۳/۰۰	۰/۰۰	رد H صفر	روش داده‌های تابلویی
	آزمون هاسمن	۵۴/۴۷	۰/۰۰	رد H صفر	الگوی اثرات ثابت

بنابراین با توجه به نتایج جدول فوق، به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش می‌بایست از روش داده‌های تابلویی با الگوی اثرات ثابت استفاده نمود. برای بررسی جهت و شدت همبستگی خطی بین متغیرهای پژوهش، آزمون ضرایب همبستگی پیرسون انجام شده و نتایج آن ارائه شده است. به عنوان مثال، بین راهبرد های تقسیم سود و درماندگی مالی و ساختار مالی همبستگی منفی و معناداری وجود دارد. بین راهبردهای تقسیم سود و سطح نگهداشت وجوه نقد همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. بین انضباط مالی و درماندگی مالی همبستگی منفی و معناداری وجود دارد. بین انضباط مالی و ساختار مالی همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. به‌طور کلی می‌توان گفت با توجه به آن که همبستگی بین متغیر های پژوهش در بازه (۱- الی ۱+) قرار دارد، بین متغیرهای پژوهش مشکل خود همبستگی نیز وجود ندارد. در سایر موارد نیز بین برخی متغیرها همبستگی معناداری وجود دارد.

جدول ۵. ضریب همبستگی پیرسون

SIZE	ROA	AGE	CF	FS	FD	FC	DIV	Probability
							۱/۰۰۰	DIV
							----	سطح معناداری
						۱/۰۰۰	۰/۰۵۳	FC
						---	۰/۰۸۹	سطح معناداری
					۱.۰۰۰	-۰/۲۱۸	۰/۰۷۸	FD
					----	۰/۰۰۰	۰/۰۱۱	سطح معناداری
				۱/۰۰۰	-۰/۵۵۰	۰/۱۷۶	۰/۰۷۴	FS
				----	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۱۷	سطح معناداری
			۱/۰۰۰	-۰/۲۷۱	۰/۳۶۴	-۰/۰۴۸	۰/۰۶۸	CF
			----	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۱۲۲	۰/۰۲۹	سطح معناداری
		۱.۰۰۰	-۰/۰۶۵	-۰/۰۸۶	۰/۰۸۴	۰/۰۰۴	۰/۰۹۴	AGE
		----	-۰/۰۳۶	۰/۰۰۶	۰/۰۰۷	۰/۸۸۵	۰/۰۰۲	سطح معناداری
	۱/۰۰۰	۰/۰۱۶	۰/۴۰۵	-۰/۵۴۸	۰/۵۷۹	-۰/۲۱۴	۰/۲۱۲	ROA
	----	۰/۶۱۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معناداری
۱/۰۰۰	۰/۲۴۷	۰/۰۵۴	۰/۰۸۵	-۰/۰۷۲	-۰/۰۳۷	-۰/۲۵۵	۰/۱۵۴	SIZE
----	۰/۰۰۰	۰/۰۸۲	۰/۰۰۶	-۰/۰۲۱	۰/۲۳۳	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معناداری

آزمون فرضیه های پژوهش

فرضیه اول: راهبردهای تقسیم سود بر درماندگی مالی اثرگذار می باشد. نتایج حاصل از بررسی فرضیه اول در جدول ۶ ارائه می گردد. نتایج حاصل از بررسی فرضیه اول پژوهش بیان می کند که راهبردهای تقسیم سود بر درماندگی مالی تأثیر دارد. با توجه به نتایج جدول، راهبردهای تقسیم سود بر درماندگی مالی تأثیر منفی و معناداری در سطح اطمینان ۹۵ درصد دارد. با این حال از آنجایی که در این پژوهش از شاخص معکوس اندازه گیری درماندگی مالی استفاده شده است، می توان گفت که افزایش تقسیم سود، احتمال درماندگی مالی شرکت ها را افزایش می دهد. بنابراین فرضیه اول پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد نمی شود. در بین متغیرهای کنترلی، اندازه شرکت، سطح نگهداشت وجوه نقد، بازده دارایی ها و عمر شرکت ها تأثیر معناداری بر درماندگی مالی شرکت ها در سطح اطمینان ۹۵ درصد دارد. با توجه به نتایج آزمون مدل رگرسیون مشاهده می شود که سطح معناداری آماره F که معناداری کل رگرسیون را نشان می دهد، کمتر از ۵٪ است؛ به این مفهوم که مدل در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است. ضریب تعیین تعدیل شده بیان کننده این مطلب است که تقریباً ۴۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته با متغیرهای مستقل مدل تبیین می شود. همچنین با توجه به اینکه مقدار دوربین واتسون بین ۱/۵ و ۲/۵ است می توان گفت بین متغیرهای پژوهش مشکل خود همبستگی سریالی وجود ندارد.

جدول ۶. نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول

متغیر	نماد	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	معناداری
راهبردهای تقسیم سود	DIV	-۲/۵۶۴	۰/۳۴۴	-۷/۴۵۲	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	SIZE	-۰/۶۰۶	۰/۰۸۵	-۷/۱۰۹	۰/۰۰۰
بازده دارایی ها	ROA	۲۳/۲۲۲	۱/۰۴۵	۲۲/۲۱۴	۰/۰۰۰
عمر شرکت	AGE	۱/۱۰۹	۰/۳۴۱	۳/۲۵۶	۰/۰۰۱
سطح نگهداشت وجوه نقد	CF	۹/۳۱۴	۱/۵۵۵	۵/۹۹۰	۰/۰۰۰
عرض از مبدا	C	۷/۸۲۱	۱/۷۱۲	۴/۵۶۹	۰/۰۰۰
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۴۲۰	آماره F	۱۵۵/۴۴۰	
دوربین واتسون		۱/۹۷۰	احتمال آماره F	۰/۰۰۰	

فرضیه دوم: راهبردهای تقسیم سود بر انضباط مالی اثرگذار می باشد. نتایج حاصل از بررسی فرضیه دوم پژوهش در جدول ۷ ارائه می گردد. نتایج حاصل از بررسی فرضیه دوم پژوهش بیان می کند که راهبردهای تقسیم سود بر انضباط مالی تأثیر معناداری ندارد. با توجه به نتایج جدول راهبردهای تقسیم سود تأثیر معناداری بر انضباط مالی شرکت ها در سطح اطمینان ۹۵ درصد ندارد. بنابراین فرضیه دوم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می شود. در بین متغیرهای کنترلی، اندازه شرکت، سطح نگهداشت وجوه نقد، بازده دارایی ها و عمر شرکت ها تأثیر معناداری بر درماندگی مالی شرکت ها در سطح اطمینان ۹۵ درصد دارد. با توجه به نتایج آزمون مدل رگرسیون مشاهده می شود که سطح معناداری آماره F که معناداری کل رگرسیون را نشان می دهد، کمتر از ۵٪ است؛ به این مفهوم که مدل در سطح

اطمینان ۹۵ درصد معنادار است. ضریب تعیین تعدیل شده بیان‌کننده این مطلب است که تقریباً ۲۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته با متغیرهای مستقل مدل تبیین می‌شود. همچنین با توجه به اینکه مقدار دوربین واتسون بین ۱/۵ و ۲/۵ است می‌توان گفت بین متغیرهای پژوهش مشکل خود همبستگی سریالی وجود ندارد.

جدول ۷. نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم

متغیر	نماد	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	معناداری
راهبردهای تقسیم سود	DIV	-۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	-۰/۴۳۶	۰/۶۶۳
اندازه شرکت	SIZE	-۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	-۸/۲۱۳	۰/۰۰۰
بازده دارایی‌ها	ROA	-۰/۰۰۸	۰/۰۰۰	-۶/۶۱۱	۰/۰۰۰
عمر شرکت	AGE	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۲/۴۸۸	۰/۰۱۳
سطح نگهداشت وجوه نقد	CF	۰/۰۰۵	۰/۰۰۲	۲/۲۱۷	۰/۰۲۷
عرض از مبدا	C	۰/۰۱۳	۰/۰۰۲	۶/۷۱۸	۰/۰۰۰
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۲۹۰	آماره F	۲۳/۸۵۰	
دوربین واتسون		۱/۵۴۰	احتمال آماره F	۰/۰۰۰	

فرضیه سوم: ساختار مالی بر رابطه راهبردهای تقسیم سود و درماندگی مالی نقش تعدیل‌گری دارد. نتایج حاصل از بررسی فرضیه سوم پژوهش به شرح جدول ۸ می‌باشد. نتایج حاصل از بررسی فرضیه سوم پژوهش بیان می‌کند که ساختار مالی بر رابطه راهبردهای تقسیم سود و درماندگی مالی نقش تعدیل‌گری دارد. با توجه به نتایج جدول ضریب تعاملی ساختار مالی و راهبردهای تقسیم سود تأثیر مثبت و معناداری بر درماندگی مالی در سطح اطمینان ۹۵ درصد دارد.

با عنایت به این که در این پژوهش از شاخص معکوس اندازه‌گیری درماندگی مالی استفاده شده است و همچنین قدر مطلق ضرایب متغیر حاصل ضربی و مستقل می‌توان گفت که ساختار مالی رابطه منفی بین راهبردهای تقسیم سود و درماندگی مالی را تضعیف می‌کند. بنابراین فرضیه سوم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد نمی‌شود. در بین متغیرهای کنترلی، اندازه شرکت، سطح نگهداشت وجوه نقد، بازده دارایی‌ها و عمر شرکت‌ها تأثیر معناداری بر درماندگی مالی شرکت‌ها در سطح اطمینان ۹۵ درصد دارد. با توجه به نتایج آزمون مدل رگرسیون مشاهده می‌شود که سطح معناداری آماره F که معناداری کل رگرسیون را نشان می‌دهد، کمتر از ۰/۵٪ است؛ به این مفهوم که مدل در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است. ضریب تعیین تعدیل شده بیان‌کننده این مطلب است که تقریباً ۶۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته با متغیرهای مستقل مدل تبیین می‌شود. همچنین با توجه به اینکه مقدار دوربین واتسون بین ۱/۵ و ۲/۵ است می‌توان گفت بین متغیرهای پژوهش مشکل خود همبستگی سریالی وجود ندارد.

جدول ۸. نتایج حاصل از آزمون فرضیه سوم

متغیر	نماد	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	معناداری
راهبردهای تقسیم سود	DIV	-۳/۳۷۵	۰/۸۲۸	-۴/۰۷۴	۰/۰۰۰
ساختار مالی	FS	-۶/۵۱۲	۰/۷۹۱	-۸/۲۳۶	۰/۰۰۰
ضریب تعاملی ساختار مالی و راهبرد های تقسیم سود	FS*DIV	-۲/۳۴۳	۱/۱۹۱	۱/۹۶۸	۰/۰۴۵
اندازه شرکت	SIZE	-۰/۳۷۷	۰/۰۵۰	-۷/۶۰۴	۰/۰۰۰
بازده دارایی ها	ROA	۱۶/۳۱۱	۰/۷۸۷	۲۰/۷۲۱	۰/۰۰۰
عمر شرکت	AGE	۰/۵۲۹	۰/۱۵۵	۳/۴۲۳	۰/۰۰۱
سطح نگهداشت وجوه نقد	CF	۶/۳۲۷	۱/۱۴۳	۵/۵۳۵	۰/۰۰۰
عرض از مبدا	C	۱۰/۵۹۰	۰/۹۷۷	۱۰/۸۳۷	۰/۰۰۰
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۶۰۰	آماره F	۲۲۷/۷۳۰	
دوربین واتسون		۱/۸۷۰	احتمال آماره F	۰/۰۰۰	

فرضیه چهارم: ساختار مالی بر رابطه راهبردهای تقسیم سود و انضباط مالی نقش تعدیل گری دارد. نتایج حاصل از بررسی فرضیه چهارم در جدول ۹ آورده شده است. با توجه به نتایج جدول ضریب تعاملی ساختار مالی و راهبردهای تقسیم سود تأثیر معناداری بر درماندگی مالی در سطح اطمینان ۹۵ درصد ندارد. بنابراین فرضیه چهارم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می شود. در بین متغیر های کنترلی، اندازه شرکت و سطح نگهداشت تأثیر معناداری بر درماندگی مالی شرکت ها در سطح اطمینان ۹۵ درصد دارد. با توجه به نتایج آزمون مدل رگرسیون مشاهده می شود که سطح معناداری آماره F که معناداری کل رگرسیون را نشان می دهد، کمتر از ۵٪ است؛ به این مفهوم که مدل در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است. ضریب تعیین تعدیل شده بیان کننده این مطلب است که تقریباً ۲۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته با متغیرهای مستقل مدل تبیین می شود. همچنین با توجه به اینکه مقدار دوربین واتسون بین ۱/۵ و ۲/۵ است می توان گفت بین متغیرهای پژوهش مشکل خود همبستگی سریالی وجود ندارد.

جدول ۹. نتایج حاصل از آزمون فرضیه چهارم

متغیر	نماد	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	معناداری
راهبردهای تقسیم سود	DIV	۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	۱/۹۱۳	۰/۰۵۶
ساختار مالی	FS	۰/۰۰۵	۰/۰۰۲	۲/۵۲۱	۰/۰۱۲
ضریب تعاملی ساختار مالی و راهبرد های تقسیم سود	FS*DIV	-۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	-۱/۱۵۱	۰/۲۵۰
اندازه شرکت	SIZE	-۰/۰۰۲	۰/۰۰۰	-۱۰/۴۷۷	۰/۰۰۰
بازده دارایی ها	ROA	-۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	-۱/۲۸۶	۰/۱۹۹
عمر شرکت	AGE	-۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	-۰/۵۴۶	۰/۵۸۵
سطح نگهداشت وجوه نقد	CF	۰/۰۰۴	۰/۰۰۲	۲/۴۰۴	۰/۰۱۶
عرض از مبدا	C	۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	۱/۹۱۳	۰/۰۵۶
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۲۴۰	آماره F	۴/۱۰۰	
دوربین واتسون		۱/۸۳۰	احتمال آماره F	۰/۰۰۰	

خلاصه نتایج ۴ فرضیه مورد آزمون قرار گرفت در جدول ۱۰ ارائه شده است.

جدول ۱۰. خلاصه نتایج آزمون مدل‌های پژوهش

فرضیه	شرح فرضیه	جهت تأثیر	نتیجه
فرضیه اول	راهبردهای تقسیم سود بر درماندگی مالی تأثیر دارد.	منفی	تایید
فرضیه دوم	راهبردهای تقسیم سود بر انضباط مالی تأثیر دارد.	-	رد
فرضیه سوم	ساختار مالی بر رابطه راهبردهای تقسیم سود و درماندگی مالی اثرگذار است.	مثبت	تایید
فرضیه چهارم	ساختار مالی بر رابطه راهبردهای تقسیم سود و انضباط مالی اثرگذار است	-	رد

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش تأثیر راهبردهای تقسیم سود بر درماندگی و انضباط مالی با نقش تعدیلگری ساختار مالی در ۱۰۵ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار گرفت. همانگونه که ملاحظه شد، راهبردهای تقسیم سود بر درماندگی مالی تأثیر منفی و معناداری دارد. لذا می‌توان گفت افزایش تقسیم سود، احتمال درماندگی مالی شرکت‌ها را افزایش می‌دهد. به عبارتی، افزایش تقسیم سود به صورت نقدی موجب کاهش منابع مالی شرکت می‌شود. هنگامی که شرکت‌ها بخش بزرگی از سود خود را به صورت نقدی بین سهامداران تقسیم می‌کنند، میزان نقدینگی در دسترس برای استفاده در فعالیت‌های عملیاتی و سرمایه‌گذاری‌های آتی کاهش می‌یابد. این کاهش نقدینگی می‌تواند توانایی شرکت در مواجهه با هزینه‌های غیرمنتظره و تامین مالی پروژه‌های جدید را محدود کند. کاهش منابع مالی داخلی به افزایش ریسک نقدینگی شرکت‌ها منجر می‌شود. ریسک نقدینگی به معنای عدم توانایی شرکت در تأمین نقدینگی کافی برای پرداخت بدهی‌ها و هزینه‌های عملیاتی است. با افزایش تقسیم سود، شرکت‌ها ممکن است در مواجهه با تعهدات مالی کوتاه‌مدت و بلندمدت خود دچار مشکل شوند و نتوانند به موقع بدهی‌های خود را پرداخت کنند، که این امر می‌تواند به درماندگی مالی منجر شود. در همین راستا، **راوال^۱ و همکاران (۲۰۲۴)** نشان می‌دهند که پرداخت‌های سود سهام می‌تواند به کاهش منابع مالی شرکت و افزایش احتمال درماندگی مالی منجر شود. **ژو و همکاران (۲۰۲۰)** نیز نشان می‌دهند که تقسیم سود زیاد، به ویژه در شرکت‌هایی با وضعیت مالی ضعیف، می‌تواند ریسک درماندگی مالی را افزایش دهد. نتایج پژوهش **های راول و همکاران (۲۰۲۴)**، **سیدهو و همکاران (۲۰۲۳)**، **صراف و خجسته‌اهوازی (۱۴۰۱)** و **بیک‌زاده عباسی و جوهری (۱۳۹۷)** نیز مطابق با نتایج بدست آمده می‌باشد. پژوهش‌های آن‌ها بر این نکته تأکید دارد که تقسیم سود می‌تواند منجر به کاهش نقدینگی و افزایش احتمال درماندگی مالی شود. این در حالی است که **گودارد و همکاران (۲۰۰۵)** در پژوهش خود نشان می‌دهند که تقسیم سود ممکن است تأثیر منفی بر درماندگی مالی نداشته باشد و در برخی شرایط، می‌تواند به‌عنوان نشانه‌ای از سلامت مالی شرکت و توانایی آن در پرداخت سود به سرمایه‌گذاران تلقی شود. همچنین **واردینی و همکاران (۲۰۲۲)** نشان می‌دهند که تقسیم سود ممکن است تأثیرات مثبتی بر اعتماد سرمایه‌گذاران و وضعیت مالی شرکت داشته باشد و به‌طور کلی بر ریسک درماندگی مالی تأثیر منفی نگذارد.

^۱. Rawal

نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم نیز نشان داد که راهبردهای تقسیم سود تأثیر معناداری بر انضباط مالی شرکت‌ها ندارد. این بدان معناست که سیاست‌های تقسیم سود، چه به صورت نقدی و چه به صورت نگهداری سود و سرمایه‌گذاری مجدد، به طور قابل توجهی بر روی شیوه‌ها و رفتارهای مدیریتی مرتبط با مدیریت منابع مالی و پایبندی به بودجه‌ها و برنامه‌های مالی تأثیرگذار نیستند. به عبارتی، انضباط مالی که شامل مدیریت دقیق و کارآمد منابع مالی، کنترل هزینه‌ها و پایبندی به تعهدات مالی می‌شود، تحت تأثیر مستقیم راهبردهای تقسیم سود قرار نمی‌گیرد. این نتیجه می‌تواند به این معنا باشد که عوامل دیگری نظیر فرهنگ سازمانی، سیستم‌های کنترلی و مدیریتی و تعهدات مالی موجود شرکت ممکن است تأثیر بیشتری بر انضباط مالی داشته باشند. همچنین، ممکن است شرکت‌ها به واسطه سیاست‌های داخلی قوی و سیستم‌های مالی پیشرفته، توانسته باشند انضباط مالی خود را به صورت مستقل از راهبردهای تقسیم سود حفظ کنند. یافته‌های این فرضیه، با نتایج پژوهش **کالاها و همکاران (۲۰۲۲)** هم راستا است. این پژوهش نشان می‌دهد که تقسیم سود به‌طور مستقیم تأثیر معناداری بر انضباط مالی شرکت‌ها ندارد. پژوهش **وحید و همکاران (۲۰۱۲)** نیز تاییدکننده این موضوع است. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که تقسیم سود و سیاست‌های مربوط به آن تأثیر معناداری بر انضباط مالی شرکت‌ها ندارد. این پژوهش بر این نکته تأکید دارد که انضباط مالی شرکت‌ها تحت تأثیر سیاست‌های دیگر و شرایط اقتصادی قرار دارد. اما در مقابل، **پیچاکن (۲۰۱۲)** نشان دادند که تقسیم سود به‌طور معناداری بر انضباط مالی شرکت‌ها تأثیر می‌گذارد. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که تقسیم سود می‌تواند به عنوان یک ابزار برای بهبود انضباط مالی و افزایش شفافیت مالی مورد استفاده قرار گیرد. همچنین **ژو و همکاران (۲۰۲۰)** به این نتیجه رسیدند که راهبردهای تقسیم سود به‌طور معناداری بر انضباط مالی شرکت‌ها تأثیر می‌گذارد. این پژوهش بر این نکته تأکید دارد که تقسیم سود می‌تواند به عنوان یک عامل مهم در بهبود انضباط مالی و کاهش رفتارهای مالی غیرمسئولانه عمل کند.

با عنایت به مطالب فوق‌الذکر و بر مبنای یافته‌های پژوهش پیشنهادی کاربردی زیر به مدیران ارائه می‌شود: الف) برای جلوگیری از افزایش احتمال درماندگی مالی در پی افزایش تقسیم سود، مدیران باید رویکرد متوازنی بین تقسیم سود به سهامداران و نگهداری سود جهت سرمایه‌گذاری مجدد در شرکت اتخاذ کنند. به‌ویژه در شرایط اقتصادی نامطمئن یا زمانی که شرکت با تعهدات مالی سنگین مواجه است، تمرکز بیشتری بر نگهداری سود و تقویت منابع مالی داخلی داشته باشند. این رویکرد می‌تواند به کاهش ریسک نقدینگی و افزایش توانایی شرکت در مواجهه با چالش‌های مالی کمک کند. علاوه بر این، مدیران باید برنامه‌های مالی و بودجه‌بندی دقیقی تدوین کنند تا بتوانند به طور مؤثرتری منابع مالی شرکت را مدیریت کرده و از ایجاد بدهی‌های سنگین جلوگیری کنند. ب) با عنایت به یافته‌های فرضیه دوم پژوهش به مدیران توصیه می‌گردد به جای تمرکز بیش از حد بر راهبردهای تقسیم سود به عنوان یک عامل تأثیرگذار بر انضباط مالی، به تقویت سیستم‌های کنترلی داخلی و فرهنگ سازمانی توجه ویژه‌ای داشته باشند. ایجاد و حفظ یک سیستم مالی قوی که شامل بودجه‌بندی دقیق، نظارت مستمر بر هزینه‌ها و مدیریت مؤثر منابع مالی است، می‌تواند به بهبود انضباط مالی شرکت کمک کند. همچنین، تشویق به پیاده‌سازی بهترین شیوه‌های مدیریتی و آموزش مداوم کارکنان در زمینه مدیریت مالی می‌تواند تأثیر مثبتی بر انضباط مالی شرکت داشته باشد. به این ترتیب، مدیران می‌توانند اطمینان حاصل کنند که حتی در صورت تغییر در راهبردهای تقسیم سود، انضباط مالی شرکت حفظ

می‌شود و شرکت قادر به مدیریت منابع مالی خود به شکل بهینه خواهد بود. ج) با عنایت به یافته‌های فرضیه سوم و چهارم پژوهش پیشنهادهای زیر به مدیران ارائه می‌گردد:

با توجه به این یافته‌ها، پیشنهاد می‌شود مدیران به جای تمرکز صرف بر تغییر ساختار مالی به عنوان راهی برای تعدیل تأثیر راهبردهای تقسیم سود بر درماندگی مالی، بر رویکردهای جامع‌تر و متنوع‌تر مدیریت مالی تمرکز کنند:

- ۱- ارزیابی دقیق راهبردهای تقسیم سود: مدیران باید به صورت مستقل و دقیق، مزایا و معایب سیاست‌های تقسیم سود را ارزیابی کرده و تصمیم‌گیری‌های مرتبط با تقسیم سود را بر اساس تحلیل دقیق از شرایط مالی و اقتصادی شرکت انجام دهند.
- ۲- تقویت سیستم‌های مدیریت ریسک: با ایجاد و تقویت سیستم‌های مدیریت ریسک و کنترل‌های داخلی، شرکت‌ها می‌توانند آمادگی بیشتری برای مقابله با شرایط بحرانی و کاهش احتمال درماندگی مالی داشته باشند.
- ۳- تنوع‌بخشی به منابع مالی: مدیران باید به دنبال ایجاد تنوع در منابع مالی شرکت باشند. این می‌تواند شامل ترکیبی از تأمین مالی داخلی و خارجی، بهبود مدیریت سرمایه در گردش و افزایش نقدینگی باشد.
- ۴- تدوین استراتژی‌های مالی جامع: ایجاد و اجرای استراتژی‌های مالی جامع و یکپارچه که بهبود عملکرد مالی و کاهش ریسک درماندگی را هدف قرار دهد، می‌تواند به شرکت‌ها کمک کند تا در مواجهه با شرایط مالی مختلف، انعطاف‌پذیری بیشتری داشته باشند.

این پژوهش دارای محدودیت‌هایی است که باید مورد توجه قرار گیرد: نمونه آماری این پژوهش شامل ۱۰۵ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی سال‌های ۱۳۹۱ الی ۱۴۰۱ است. لذا تعمیم نتایج حاصل از این پژوهش به کل جامعه آماری و دوره‌های آتی و پیشین باید با جانب احتیاط همراه باشد. این نتایج بدون توجه به نوع صنعت و در سطح کل شرکت‌ها به دست آمده است؛ بنابراین ممکن است آزمون فرضیه‌های پژوهش در هریک از صنایع به نتایج متفاوتی منجر شود. برخی موارد مانند شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی از جمله تورم شرایطی هستند که ممکن است بر نتایج پژوهش اثرگذار باشد، ولیکن امکان کنترل آن توسط محقق وجود نداشت.

فهرست منابع

- اسداللهی، سید یحیی، متین، سمیه، و یوسفی‌نژاد، مرضیه (۱۴۰۲). تأثیر سیاست تقسیم سود سهام بر ثبات مالی بانک‌های ایران. *پیشرفت‌های مالی و سرمایه‌گذاری*، ۴(۲)، ۱۸۹-۲۱۲. doi: 10.30495/afi.2023.1973063.1174
- انواری رستمی، علی اصغر (۱۳۷۸). انتخاب و ارزیابی عملکرد مجموعه‌های اوراق بهادار سرمایه‌گذاری چندمعیاری با بهره‌گیری از مدل‌های برنامه‌ریزی آرمانی. *آینده پژوهی مدیریت*، ۴۵(۱۲)، ۶۵-۷۶. <https://sanad.iau.ir/fa/Article/786574>
- بیک‌زاده عباسی، فرزانه، و جوهری، نجمه (۱۳۹۷). بررسی تأثیر سود نقدی بر درماندگی مالی شرکت‌های رشدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *نخستین کنفرانس ملی تحقیق و توسعه در مدیریت و اقتصاد مقاومتی*، تهران، ۲۷-۴۱. <https://civilica.com/doc/824540>

حسینی، سیده مریم، گرجی زاده، داوود، و خان محمدی، محمد حامد (۱۳۹۹). ساختار مالکیت و سیاست‌های تقسیم سود بر سودآوری و ریسک. فصلنامه رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، ۴(۱۴)، ۱۰۰-۱۱۵.

www.majournal.ir/index.php/ma

دستگیر، محسن، حسین زاده، علی حسین، خدادادی، ولی و واعظ، سیدعلی (۱۳۹۱). کیفیت سود در شرکت‌های درمانده مالی. پژوهش‌های حسابداری مالی، ۴(۱)، ۱-۱۶. doi: 20.1001.1.23223405.1391.4.1.2.8

زارعی، حمید، و رضوی، مریم (۱۳۹۵). نقش واسطه‌ای سلامت سازمانی در رابطه بین درک انضباط مالی و سرمایه فکری با عملکرد مالی (مطالعه موردی مجتمع تولیدی و صنعتی فراسان). پایان‌نامه رشته مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.

<https://elmnet.ir/doc>

سلگی، محمد و قهرائی، احسان (۱۴۰۱). بررسی تاثیر عوامل سازمانی بر انضباط مالی در بخش دولتی. فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۹(۳)، ۴۷۵-۵۰۳. doi: 10.22059/acctgrev.2022.313694.1008467

شاه نظری، اسماعیل، و نصرافهانی، لیلا (۱۴۰۲). نقش تعدیل‌گری سیاست تقسیم سود در تاثیر عملکرد مالی و ساختار سرمایه بر ارزش شرکت. نهمین همایش بین‌المللی مدیریت و حسابداری ایران، همدان.

<https://civilica.com/doc/1981974>

شقاقی، سحر (۱۳۸۵). انضباط مالی، کاهش هزینه‌ها و افزایش کارایی منابع، برنامه‌ریزی اقتصادی، ۱۹۲(۱)، ۱۶-۱۸.

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/>

صراف، فاطمه، و خجسته اهوازی، منصور (۱۴۰۱). اثرات درماندگی مالی، سیاست تقسیم سود و نسبت بدهی به ارزش ویژه بر ارزش شرکت. چشم انداز حسابداری و مدیریت، ۵(۷۴)، ۱۰۴-۱۱۶.

https://www.jamv.ir/article_166925.html

فتاحی، حفیظ‌الله و آل‌علی، سیدعلی (۱۳۹۸). بررسی تاثیر ساختار سرمایه بر درماندگی مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، تحقیقات جدید در علوم انسانی، ۲(۲۱)، ۳۵-۴۶. <https://civilica.com/doc/1726993>

فروغی، داریوش، و جهان‌بخش، امید (۱۳۹۹). نقش تعدیل‌کننده اهرم مالی و سیاست تقسیم سود در تاثیر حاکمیت شرکتی بر ارزش شرکت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مطالعات حسابداری و حسابرسی، ۹(۳۴)، ۲۰-۵. doi: 10.22034/iaas.2020.112770

قالیباف اصل، حسن، بابالویان، شهرام و مسجد موسوی، میرسجاد (۱۳۹۵). مدیریت مالی پیشرفته، انتشارات بورس.

مرادزاده‌فر، مهدی، روحی، علی و آذری، واحد (۱۳۹۳). تاثیر درماندگی مالی بر کیفیت اقلام تعهدی، حسابداری مالی، ۵(۱۸)، ۱۰۳-۱۲۹. <https://qfaj.mobarakkeh.iau.ir/article-1-183-fa.html>

مشایخ، شهناز، و شاه‌رخی، سیده سمانه (۱۳۸۵). عوامل موثر بر ساختار سرمایه، حسابداری، ۲۱(۱۷۶)، ۱۹-۱۳.

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/>

مطهری، سعید، تفتیان، اکرم، و معین‌الدین، محمود (۱۴۰۰). ارائه الگوی مدیریت و نظارت انضباط مالی شرکت‌های دولتی. نظارت و بازرسی ناجا، ۱۵(۵۶)، ۱۲۵-۱۴۶. doi: 10.22034/si.2021.96496

ملکیان، اسفندیار و سلمانی، رسول (۱۳۹۴)، رابطه ساختار سرمایه و سیاست تقسیم سود با نگهداشت وجه نقد، پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۵(۱۸)، ۵۵ – ۷۲. doi: [10.22051/jera.2015.649](https://doi.org/10.22051/jera.2015.649)

Asadollahi, S. Y., Matin, S., & Yousefinezhad, M. (2023). The impact of dividend policy on the financial stability of Iranian banks. *Financial and Investment Advances*, 4(2), 212-189. doi: [10.30495/afi.2023.1973063.1174](https://doi.org/10.30495/afi.2023.1973063.1174) [In Persian]

Anvari Rostami, A. A. (2008). Selection and Performance Evaluation of Multi-Criteria Investment Portfolios Using Goal Planning Models. *Management Futures Studies*, 45(12), 65-76. <https://sanad.iau.ir/fa/Article/786574> [In Persian]

Bataineh, H. (2021). The impact of ownership structure on dividend policy of listed firms in Jordan. *Cogent Business & Management*, 8(1), 1863175. doi: [10.1080/23311975.2020.1863175](https://doi.org/10.1080/23311975.2020.1863175)

Beikzadeh Abbasi, F., & Johari, N. (2018). Studying the effect of cash dividends on the financial distress of growth companies listed on the Tehran Stock Exchange, *First National Conference on Research and Development in Management and Resistance Economics*, Tehran, 27-41. <https://civilica.com/doc/824540> [In Persian]

Callahan, B. J., McMurdie, P. J., Rosen, M. J., Han, A. W., Johnson, A. J. A., & Holmes, S. P. (2022). DADA2: High-resolution sample inference from Illumina amplicon data. *Nature methods*, 13(7), 581-583. doi: [10.1038/nmeth.3869](https://doi.org/10.1038/nmeth.3869)

Dastgir, M., Hossein Zadeh, A., Khodadadi, V. & Vaez, S. A. (2012). Earning quality in Failed Firms. *Financial Accounting Research*, 4(1), 1-16. doi: [20.1001.1.23223405.1391.4.1.2.8](https://doi.org/20.1001.1.23223405.1391.4.1.2.8) [In Persian]

De-Cordoba, G. F., Pujolas, P. S., & Torres, J. L. (2017). Fiscal discipline and defaults. *Review of Economic Dynamics*, 24, 1-13. doi: [10.1016/j.red.2016.12.001](https://doi.org/10.1016/j.red.2016.12.001)

Fattahi, H., & Al-Ali, S. A. (2019). Investigating the effect of capital structure on financial distress of companies listed on the Tehran Stock Exchange, *New Research in Humanities*, 2(21), 35-46. <https://civilica.com/doc/1726993> [In Persian]

Ferreira, M. A., & Vilela, A. S. (2004). Why do firms hold cash? Evidence from EMU countries. *European financial management*, 10(2), 295-319. doi: [10.1111/j.1354-7798.2004.00251.x](https://doi.org/10.1111/j.1354-7798.2004.00251.x)

Foroughi, D. & Jahanbakhsh, O. (2020). Moderator Role of Financial Leverage and Dividend Policy on the Effect of Corporate Governance to Firm Value in Tehran Stock Exchange. *Accounting and Auditing Studies*, 9(34), 5-20. doi: [10.22034/iaas.2020.112770](https://doi.org/10.22034/iaas.2020.112770) [In Persian]

Ghalibaf Asl, H., Babalovian, S., & Masjed Mousavi, M. (2016). Advanced Financial Management, Borse Publications. [In Persian]

Goddard, J., Tavakoli, M., & Wilson, J. O. (2005). Determinants of profitability in European manufacturing and services: evidence from a dynamic panel model. *Applied Financial Economics*, 15(18), 1269-1282. doi: [10.1080/09603100500387139](https://doi.org/10.1080/09603100500387139)

Gordon, E. A., & Henry, E. (2005). Related party transactions and earnings management. 1-45. doi: [10.2139/ssrn.612234](https://doi.org/10.2139/ssrn.612234)

Gordon, M. J. (1971). Towards a theory of financial distress. *The journal of finance*, 26(2), 347-356. doi: [10.2307/2326050](https://doi.org/10.2307/2326050)

Hosseini, S. M., Gorjizadeh, D., & Khan Mohammadi, M. H. (2019). Ownership structure and profit sharing policies on profitability and risk, *Quarterly Journal of New Research Approaches in Management and Accounting*, 4(14), 100-115. <https://www.majournal.ir/index.php/ma> [In Persian]

Hussey, R. (1999). *Oxford dictionary of accounting*, second edition. <https://cir.nii.ac.jp/crid/1130282271318571264>

- Kyriakou, M. I. (2020). Earnings manipulation and financial distress in the eurozone and the role of auditor size during the current recession. *Journal of East-West Business*, 26(4), 391-409. doi: [10.6698/2020.1848963](https://doi.org/10.6698/2020.1848963)
- Lee, J. E., Glasscock, R., & Park, M. S. (2017). Does the ability of operating cash flows to measure firm performance improve during periods of financial distress?. *Accounting Horizons*, 31(1), 23-35. doi: [10.2308/acch-51594](https://doi.org/10.2308/acch-51594)
- Malekian, E., & Salmani, R. (2015). The Relation of Capital Structure and dividend policy with cash holdings. *Empirical Research in Accounting*, 5(4), 55-72 doi: [10.22051/jera.2015.649](https://doi.org/10.22051/jera.2015.649) [In Persian]
- Mashayekh, S., & Shahrokhi, S. S. (2006). Factors affecting capital structure, *Accountant*, 21(176), 13-19. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/123634> [In Persian]
- Moradzadehfar, M., Roohi, A., & Azari, V. (2014). The effect of financial distress on the quality of accruals, *Financial Accounting*, 5(18), 103-129. <https://qfaj.mobarakkeh.iau.ir/article-1-183-fa.html> [In Persian]
- Motahari, S., Taftiyan, A., & Moeinaddin, M. (2021). Provide a model for managing and supervising the financial discipline of state-owned companies. *Supervision & Inspection*, 15(56), 125-146. doi: [10.22034/si.2021.96496](https://doi.org/10.22034/si.2021.96496) [In Persian]
- Pieschacón, A. (2012). The value of fiscal discipline for oil-exporting countries. *Journal of Monetary Economics*, 59(3), 250-268. doi: [10.1016/j.jmoneco.2012.03.001](https://doi.org/10.1016/j.jmoneco.2012.03.001)
- Rakshit, D., Chatterjee, C., & Paul, A. (2024). Financial distress, the severity of financial distress and direction of earnings management: evidences from Indian economy. *FIIIB Business Review*, 13(2), 192-207. doi: [10.1177/23197145211039351](https://doi.org/10.1177/23197145211039351)
- Rashid, F., Khan, R. A., & Qureshi, I. H. (2023). A Comprehensive Review of the Altman Z- Score Model Across Industries, *The business Review*, 2(27), 35-42. doi: [10.2139/ssrn.5044057](https://doi.org/10.2139/ssrn.5044057)
- Rawal, A., & Gopalkrishnan, S. (2024). Impact of financial distress on the dividend policy of banks in India: evidence using panel data. *Future Business Journal*, 10(1), 10-27. doi: [10.1186/s43093-024-00310-y](https://doi.org/10.1186/s43093-024-00310-y)
- Salgi, M., & Ghahraei, E. (2021). Investigating the impact of organizational factors on financial discipline in the public sector, *Quarterly Journal of Accounting and Auditing Reviews*, 29(3), 475 - 503. doi: [10.22059/acctgrev.2022.313694.1008467](https://doi.org/10.22059/acctgrev.2022.313694.1008467) [In Persian]
- Sarraf, F., & Khojasteh Ahwazi, M. (2017). Effects of financial distress, dividend policy and debt-to-equity ratio on firm value. *Journal of Accounting & Management Vision*, 5(74), 104-116. https://www.jamv.ir/article_166925.html [In Persian]
- Shaghaghi, S. (2012). Financial discipline, reducing costs and increasing resource efficiency. *Economic Planning*, (1)192, 16-18. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/579741> [In Persian]
- Shahnazari, E., & Nasr-e-Esfahani, L. (2022). The moderating role of dividend policy in the impact of financial performance and capital structure on firm value, *9th International Conference on Management and Accounting of Iran*, Hamedan. <https://civilica.com/doc/1981974> [In Persian]
- Sidhu, A. V., Jain, P., Singh, S. P., Kanoujiya, J., Rawal, A., Rastogi, S., & Bhimavarapu, V. M. (2023). Impact of financial distress on the dividend policy of banks in India. *Journal of Risk and Financial Management*, 16(2), 107. doi: [10.3390/jrfm16020107](https://doi.org/10.3390/jrfm16020107)
- Vahid, T. K., Mohsen, A. K., & Mohammadreza, E. (2012). The impact of working capital management policies on firm's profitability and value: Evidence from Iranian Companies. *International Research Journal of Finance and Economics*, 88(1), 155-162. <https://www.researchgate.net/profile/Vahid-Taghizadeh-Khanqah/publication/275351594.pdf>

- Wardini, M. E., Anugrah, Y. D. Y., Farid, M., & Laili, A. (2022). Capital structure and dividend policy. *Muhasabatuna: Jurnal Akuntansi Syariah*, 4(2), 041-046. doi: [10.54471/muhasabatuna.v4i2.2106](https://doi.org/10.54471/muhasabatuna.v4i2.2106)
- Whitaker, R. B. (1999). The early stages of financial distress. *Journal of economics and finance*, 23(2), 123-132. doi: [10.1007/BF02745946](https://doi.org/10.1007/BF02745946)
- Widagdo, B., & Sa'diyah, C. (2022). Financial distress, dividend policy, rgec and earning per share. *Trikonomika*, 21(1), 37-45. doi: [10.23969/trikononika.v21i1.5085](https://doi.org/10.23969/trikononika.v21i1.5085)
- Xie, C., Luo, C., & Yu, X. (2010). Financial distress prediction based on SVM and MDA methods: the case of Chinese listed companies. *Quality & Quantity*, 45(3), 671–686. doi: [10.1007/s11135-010-9376-y](https://doi.org/10.1007/s11135-010-9376-y)
- Zarei, H. & Razavi, M. (2016). *The mediating role of organizational health in the relationship between the perception of financial discipline and intellectual capital with financial performance (case study of Farasan Industrial and Manufacturing Complex)*, Thesis in Management, Islamic Azad University, Marvdasht Branch. <https://elmnet.ir/doc> [In Persian]
- Zhou, F., Fu, L., Li, Z., & Xu, J. (2022). The recurrence of financial distress: A survival analysis. *International Journal of Forecasting*. doi: [10.1016/j.ijforecast.2021.12.005](https://doi.org/10.1016/j.ijforecast.2021.12.005)

The effect of audit fees, audit quality and board ownership on tax aggressiveness in companies listed on the Tehran Stock Exchange

Aliakbar Rajabi^{1,✉}, Hossein Hosseinzade², Zahra Kordbacheh Aramboo¹

1. Department of Accounting, VaP.C, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. PhD student in Public Administration, Sav.C, Islamic Azad University, Saveh, Iran.

ARTICLE INFO	ABSTRACT
Received: 5 December 2024 Revised: 13 May 2025 Accepted: 17 May 2025 Keywords: Audit fees, audit quality, board ownership, tax aggressiveness JEL Classification: H26, M24, J53	Purpose: In the economy of most countries, tax is the main financial source of the government in the revenue part of the budget. Tax aggressiveness reduces taxes, which are the main financial source of the government, and the factors affecting it have become very important. Therefore, this research has focused on the effect of audit fees, audit quality, and board ownership on the tax aggressiveness in companies listed on the Tehran Stock Exchange. Methodology: To test the hypotheses of the research, multivariate regression was used based on combined data with the EViews software. The statistical population in this research is the companies listed on the Tehran Stock Exchange. The statistical sample included 130 companies during the years 2015 to 2022, which were selected by systematic elimination method. Findings: The results of three research hypotheses showed that audit fees, audit quality and board ownership have a positive and significant effect on tax aggressiveness. Originality: Paying higher fees to auditors could encourage companies to use tax fraud methods more aggressively. High-quality auditors may allow companies to resort to risky tax practices out of concern for protecting their reputation and professional interests. Finally, the ownership of company board members creates an incentive to protect their financial interests in the company.

Cite this paper: Rajabi, A., Hosseinzade, H., & Kordbacheharamboo, Z. (2025). The effect of audit fees, audit quality and board ownership on tax aggressiveness in companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting & Financial Transparency*, 3(1), 136–160. <https://doi.org/10.71965/AFT.2025.1192650> [In Persian]

✉ Corresponding Author.

Email Address: rajabicpa@yahoo.com

© 2025 the author(s).

This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited. The terms on which this article has been published allow the posting of the Accepted Manuscript in a repository by the author(s) or with their consent.

Introduction

In the economy of most countries, especially developed countries, taxes are the main source of government financing in the budget revenue sector and cover a significant part of public spending; so that in some countries 90 to 95 percent of government public spending is financed through tax revenues (Hasas Yeganeh *et al.*, 2019). In the Iranian economy, due to the lack of transparency of revenues and the inability of the tax system to correctly identify the income of individuals, the amount of withholding tax is insignificant. However, a significant part of this withholding tax is not collected, and even if collected, the cost-benefit principle is not observed. This means that the cost of collection is greater than the tax collected. A company's aggressive tax policy may result from excessive planning by a company. This aggressive method deals with specific and diverse strategies in tax planning that companies use to minimize their tax liability. Tax aggressive reduces taxes, which are the main source of government finance, and the factors affecting it have gained great importance. The study of the trend of tax to GDP ratio in Iran shows that although a lot of effort has been made to improve this ratio by simplifying the rules, reforming rates, etc., Iran is still struggling with the sinister and abnormal phenomenon of tax avoidance and evasion. Therefore, this study has examined the effect of audit fees, audit quality, and board ownership on tax evasion.

Methodology

The current research is a quantitative study in terms of its applied nature, from the perspective of its method, and from the point of view of the data collection style, it is based on the use of secondary data. The Codal site was used to provide primary and initial information about the companies. Also, the data collection method is library and field; so that the library method was

used to collect research literature and methodology, and the field method was used to analyze data and evaluate hypotheses.

The statistical sample is all companies that exist in the statistical population (except for companies that cannot be used in the statistical sample of the research due to the limitations listed below):

- The end of the companies' fiscal year must end at the end of Esfand (in order to ensure comparability of the information)
- The suspension of trading in the companies' shares during the research period should not exceed three months on the Tehran Stock Exchange.
- To extract the necessary data, it is possible to access the required financial information.
- The company in question must be active during the research period and its shares must be traded.
- Given the differences in the corporate governance structure and disclosure of financial information in banks and financial institutions (holding companies, leasing companies, investment companies, financial intermediaries), the sample companies do not belong to this category.

The sample size was obtained by systematic elimination equal to 130 companies.

Results

In examining the first hypothesis, the correlation coefficient between audit fees and tax aggravation is a positive and significant relationship of 0.004. Therefore, it is concluded that audit fees have a positive and significant effect on tax aggravation and the first hypothesis is confirmed. According to the coefficient, the relationship between audit fees and tax aggravation is not very high. Also, there is a significant relationship between the control variables of CEO duality, board size, company size, financial leverage and market to book value ratio with the dependent variable of tax aggravation,

respectively equal to 0.016, -0.136, 0.020, -0.293 and 0.001.

Estimation of the first hypothesis model

Variables	Coefficient	t-statistic	p-value
Audit fees	0.004	2.529	0.011
CEO duality	0.016	9.657	0.000
Board independence	0.011	1.585	0.113
Board size	-0.136	-2.844	0.004
Firm size	0.020	14.46	0.000
Financial leverage	-0.293	-12.720	0.000
Market-to-book ratio	0.001	2.352	0.018
C	0.093	1.075	0.283

In examining the second hypothesis, the correlation coefficient between audit quality and tax aggravation is a positive and significant relationship of 0.083. Therefore, it is concluded that audit quality has a positive and significant effect on tax aggravation, and the second hypothesis is confirmed. Also, there is a significant relationship between the control variables of company size and financial leverage with the dependent variable of tax aggravation, respectively, equal to 0.016 and -0.350.

Estimation of the second hypothesis model

Variables	Coefficient	t-statistic	p-value
Audit quality	0.083	3.860	0.000
CEO duality	0.013	1.466	0.142
Board independence	-0.023	-0.978	0.328
Board size	-0.094	-0.658	0.510
Firm size	0.016	5.495	0.000
Financial leverage	-0.350	-17.30	0.000
Market-to-book ratio	0.000	0.737	0.461
C	0.156	0.661	0.508

In examining the third hypothesis, the correlation coefficient between board ownership and tax aggravation is a positive and significant relationship of 0.051. Therefore, it is concluded that board ownership has a positive and significant effect on tax, and the third hypothesis is confirmed. Also, there is a significant relationship between the control variables of company size and financial leverage with the dependent variable of tax aggravation, respectively, equal to 0.018 and -0.358.

Estimation of the third hypothesis model

Variables	Coefficient	t-statistic	p-value
Board of directors ownership	0.051	2.900	0.003
CEO duality	0.013	1.460	0.144
Board independence	-0.024	-0.999	0.317
Board size	-0.086	-0.603	0.546
Firm size	0.018	6.194	0.000
Financial leverage	-0.358	-17.410	0.000
Market-to-book ratio	0.000	1.409	0.159
C	0.102	0.431	0.666

Conclusions

According to the results, companies need to be aware that increasing audit fees may lead to a decrease in auditors' independence and an increase in their tendency to cover up tax aggressiveness measures. This can lead to an increase in tax aggressiveness. The tax organization should pay attention to sudden increases in auditor fees in a company as a possibility of tax aggressiveness. The tax organization should be more precise in examining and studying the taxes declared and not just the taxes audited by the audit organization and audit firms. Tax auditors should pay special attention to the ownership structure of companies, especially the ownership of the board of directors, to identify tax evasion in the long term. Companies should also increase the number of independent board members. Independent board members usually have more oversight over the company's financial activities and are less affected by the personal interests of managers. This can help reduce the tendency of managers to engage in tax aggressiveness.

Author Contributions

All authors contributed equally to the conceptualization of the article and writing of the original and subsequent drafts.

Data Availability Statement

The data that support the findings of this study are available from the corresponding author, upon reasonable request.

Acknowledgements

The authors would like to thank all reviewers in the present study.

Ethical Considerations

The authors avoided data fabrication, falsification, plagiarism, and misconduct.

Funding

This research did not receive any specific grant from funding agencies in the public, commercial, or not-for-profit sectors.

Conflict of Interest

The authors declare no conflict of interest.



تأثیر حق الزحمه حسابرسی، کیفیت حسابرسی و مالکیت هیئت مدیره بر جسورانه بودن مالیات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

علی اکبر رجبی^۱✉، حسین حسین زاده^۲، زهرا کردبچه ارمبو^۱

۱. گروه حسابداری، واحد ورامین، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران.

اطلاعات مقاله	چکیده
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۱۵ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۲/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۷ کلیدواژه‌ها: حق الزحمه حسابرسی، کیفیت حسابرسی، مالکیت هیئت مدیره، مالیات جسورانه طبقه‌بندی موضوعی: H26, M24, J53	هدف: در اقتصاد بیشتر کشورها مالیات، عمده‌ترین منبع مالی دولت در بخش درآمدی بودجه است. مالیات جسورانه موجب کاهش مالیات که عمده‌ترین منبع مالی دولت است، می‌شود و عوامل موثر بر آن اهمیت زیادی یافته است. بنابراین این پژوهش به بررسی تأثیر حق الزحمه حسابرسی، کیفیت حسابرسی و مالکیت هیئت مدیره بر جسورانه بودن مالیات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته است. روش‌شناسی: جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش از رگرسیون چندمتغیره بر اساس داده‌های ترکیبی به کمک نرم‌افزار ایویوز استفاده شده است. جامعه آماری در این پژوهش، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشند. نمونه آماری، شامل ۱۳۰ شرکت طی سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۱ بوده که به روش حذف نظام‌مند انتخاب گردیده است. یافته‌ها: نتایج بررسی فرضیه‌های پژوهش نشان داد حق الزحمه حسابرسی، کیفیت حسابرسی و مالکیت هیئت مدیره بر جسورانه بودن مالیات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر مثبت و معنادار دارند. دانش‌افزایی: پرداخت حق الزحمه بالاتر به حسابرسان می‌تواند شرکت‌ها را در استفاده جسورانه‌تر از روشهای تقلب مالیاتی تشویق کند. حسابرسان با کیفیت بالا ممکن است به دلیل نگرانی از حفظ شهرت و منافع حرفه‌ای خود، به شرکت‌ها اجازه دهند تا به روش‌های پرریسک مالیاتی متوسل شوند. در نهایت، مالکیت اعضای هیئت مدیره شرکت، انگیزه‌ای برای محافظت از منافع مالی آنها در شرکت ایجاد می‌کند.

استناد: رجبی، علی اکبر، حسین زاده، حسین، و کردبچه ارمبو، زهرا (۱۴۰۴). تأثیر حق الزحمه حسابرسی، کیفیت حسابرسی و مالکیت هیئت مدیره بر جسورانه بودن مالیات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *حسابداری و شفافیت مالی*، ۳(۱)، ۱۶۰-۱۳۶. <https://doi.org/10.71965/aft.2025.1192650>

✉ نویسنده مسئول.

پست الکترونیکی: rajabicpa@yahoo.com

© 2025 the author(s).

This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited. The terms on which this article has been published allow the posting of the Accepted Manuscript in a repository by the author(s) or with their consent.

مقدمه

ماليات در اقتصاد بيشتر کشورها به ويژه کشورهای توسعه يافته، عمده ترين منبع مالي دولت در بخش درآمدی بوده است و بخش شايان توجهی از هزینه های عمومی را پوشش می دهد؛ به گونه ای که در برخی از کشورها ۹۰ تا ۹۵ درصد از هزینه های عمومی دولت از طريق درآمدهای مالیاتی تأمین می شود. در اقتصاد کشور ایران، به دليل شفاف نبودن درآمدها و توانایی نداشتن سيستم مالیاتی در شناسایی صحيح میزان درآمد مردم، میزان مالیات تشخیصی ناچيز است. هرچند که بخش شايان توجهی از همين مالیات تشخیصی نیز به مرحله وصول نمی رسد و اگر هم وصول شود، اصل فايده - هزینه در آن رعايت نمی شود. به اين معنا که هزینه وصول نسبت به مالیات وصولی بيشتر است (حساس يگانه و همکاران، ۱۳۹۸). هر چند که دولت با استفاده از مالیات به رفاه و منافع عموم مردم کمک می کند اما معمولاً شرکت ها از پرداخت مالیات رضاييت ندارند و در واقع آن را به عنوان یک هزینه قلمداد می کنند و معتقدند از کالاهای عمومی که دولت با استفاده از درآمد حاصل از مالیات ارائه می دهد، سود مستقيم نمی برند. با همين دیدگاه است که شرکت ها در تلاش هستند تا استراتژی هایی را به کار گیرند که با برنامه ریزی مالیاتی مطلوب، مالیات شرکت به حداقل برسد (مارکوزی و الامين^۱، ۲۰۲۱). مالیات جسورانه از شیوه هایی است که توسط شرکت ها به کار گرفته می شود تا مالیات شرکت کاهش پیدا کند. مالیات جسورانه یک شرکت ممکن است ناشی از برنامه ریزی بیش از اندازه یک شرکت باشد. اين شیوه جسورانه به استراتژی های خاص و مختلفی در برنامه ریزی مالیاتی می پردازد که شرکت ها از آن استفاده می کنند تا بتوانند بدهی مالیاتی خود را به حداقل ممکن برسانند (مارکوزی و الامين، ۲۰۲۱).

بر اساس نتایج مطالعات مختلف، مکانيسم های بسياری وجود دارد که با استفاده از اين مکانيسم ها می توان مالیات جسورانه یک شرکت را تغيير داد. مالکيت هيئت مديره از جمله اين مکانيسم ها است که بسياری از پژوهشگران آن را بررسی نموده اند (مارکوزی و الامين، ۲۰۲۱). مالکيت هيئت مديره به صورت میزان مالکيت شرکت توسط هيئت مديره تعريف می شود. مزيت عمده مالکيت هيئت مديره، نظارت بر عملکرد مديران است. اما اين مالکيت در شرکت ها مشکلات کاهش نقدینگی و افزايش ريسک را به همراه دارد، در حالیکه توزيع مالکيت، انباشت نقدینگی بيشتر و تخصیص کارایی منابع را در پی خواهد داشت (بهرامی، ۱۳۹۷). حق الزحمه حسابرسي مکانيسم دیگری است که می تواند بر جسورانه بودن مالیات موثر باشد. حق الزحمه حسابرسي یکی از موضوعات مورد علاقه بسياری از پژوهشگران حسابرسي است (امیدی کردشولی و پژوهی، ۱۴۰۳). حق الزحمه حسابرسي مشتمل بر کل هزینه حسابرسي از طريق کار حسابرسي کلی، جبران ريسک و تقاضای سود است. حق الزحمه حسابرسي در طول کار حسابرسي واقعی، نه تنها بر کيفيت حسابرسي، بلکه بر توسعه شرکت های حسابداری و صنعت حسابرسي نیز تأثیرگذار است. حق الزحمه حسابرسي ملاحظات اقتصادی را نشان می دهد که حسابرسان خارجی از یک شرکت در ازای خدمات حرفه ای خود دریافت می نمایند (ريزگار و هريم^۲، ۲۰۱۶). یکی ديگر از متغیرهایی که می تواند منجر به رفتار جسورانه مالیاتی شرکت شود، کيفيت حسابرسي است که در پژوهش مارکوزی و الامين (۲۰۲۱) نیز بر آن تاکيد شده است. حسابرسان مسئوليت بررسی صورت های مالی یک شرکت را بر عهده دارند (حق بين و همکاران، ۱۴۰۱). به همين دليل نیز استفاده شرکت

^۱. Marzuki & Al-Amin

^۲. Rizgar & Hariem

به طور همزمان از حسابرس شرکت در راستای حسابرسی صورت‌های مالی و یا مشاوره مالیاتی باعث می‌شود که برنامه‌ریزی مالیاتی شرکت تحت تاثیر قرار گیرد (خواجهی و کیامهر، ۱۳۹۴).

مطالعات تجربی بسیاری حاکی از این است افزایش فرار مالیاتی در یک کشور منجر به کاهش قابل توجه دولت آن کشور در عرضه و ارائه خدمات مطلوب و کافی می‌شود. به همین دلیل نیز منطقی به نظر می‌رسد که یکی از اهداف مشترک در تمام دولت‌ها، افزایش میزان درآمد مالیاتی کشور باشد (سالوو^۱، ۲۰۱۷). با وجود آنچه بیان شد، گروهی از افراد با آگاهی از وظایف شهروندی خود، مالیات خود را پرداخت می‌نمایند اما گروهی دیگر از افراد اعتقادی به چنین وظیفه شهروندی نداشته و از پرداخت مالیات خود فرار می‌کنند (گزل^۲ و همکاران، ۲۰۱۹). آمار و ارقام منتشر شده در عموم کشورها حاکی از این است که عموماً ۸۰ درصد و یا حتی بیش از ۸۰ درصد از درآمدهای مالیاتی پیش‌بینی شده توسط دولت‌ها وصول نمی‌شود (دالیوال^۳ و همکاران، ۲۰۱۶). پیش‌بینی دولت‌ها در رابطه با وصول درآمد مالیاتی بیانگر این است که مالیات‌دهندگان تا حد ممکن، تعهدات مالیاتی خود را انجام می‌دهند و باعث افزایش درآمد دولت می‌شوند اما مالیات‌دهندگان و شرکت‌ها، پرداخت مالیات را یک عامل منفی می‌دانند که درآمد یا سود آنها را کاهش می‌دهد و باعث زیان شرکت می‌شود (مائولا^۴ و همکاران، ۲۰۱۹). با شناسایی و مطالعه عوامل تاثیرگذار بر جسورانه بودن مالیات می‌توان سیاست‌های صحیح را برای اجتناب از فرار مالیاتی طراحی و اجرا نمود تا مقدار درآمدهای مالیاتی تا حد امکان افزایش یابد. با استفاده از نتایج پژوهش حاضر می‌توان شیوه‌های کاربردی را ارائه داد تا ضمن محدودیت میزان جسورانه بودن مالیات، درآمد مالیاتی کشور نیز افزایش یابد.

بررسی و مطالعه روند نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی در کشور ایران نشان می‌دهد که هر چند تلاش زیادی در راستای بهبود این نسبت از ساده‌سازی قوانین اصلاح نرخ‌ها و غیره صورت گرفته است، اما همچنان کشور ایران با پدیده شوم و ناهنجار اجتناب و فرار مالیاتی دست به گریبان است (حساس‌یگانه و همکاران، ۱۳۹۸). با وجود اینکه پژوهش‌های جداگانه و مستقلی درباره حق الزحمه حسابرسی، کیفیت حسابرسی، مالکیت هیئت مدیره و جسورانه بودن مالیات انجام شده است؛ اما بررسی ارتباط بین حق الزحمه حسابرسی، کیفیت حسابرسی، مالکیت هیئت مدیره با جسورانه بودن مالیات شکاف پژوهشی در ادبیات مربوط به حساب می‌آید. این مطالعه در صدد پاسخ به این سوال است که حق الزحمه حسابرسی، کیفیت حسابرسی و مالکیت هیئت مدیره بر جسورانه بودن مالیات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران چه تاثیری دارد؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

در مطالعات داخلی، فرهاد توسکی و دوستیان (۱۴۰۳) در مطالعه خود با عنوان «بررسی تأثیر ویژگی‌های شرکت بر راهبرد جسورانه مالیاتی» به این نتیجه رسیدند که بازده دارایی‌ها و اندازه شرکت بر نرخ موثر مالیاتی شرکت تاثیر معناداری دارد. اما نسبت جاری، کثرت موجودی کالا و نسبت بدهی بر نرخ موثر مالیاتی شرکت تاثیر معناداری ندارند. می‌توان انتظار داشت که سودآوری یک شرکت بر نرخ موثر مالیاتی آن اثرگذار باشد؛ زیرا هرچه سود یک شرکت

^۱. Salawu

^۲. Güzel

^۳. Dhaliwal

^۴. Maula

بیشتر باشد، هزینه مالیات بیشتری خواهد داشت. مطابق دیدگاه تئوری قدرت سیاسی، شرکت‌های بزرگتر، نرخ موثر مالیاتی پایین‌تری دارند، زیرا آنها دارای منابع ذاتی و اساسی هستند و فرآیندهای سیاسی را از طریق شرکت در برنامه‌ریزی مالیاتی و سازماندهی کردن خود برای نیل به صرفه‌جویی مالیاتی بهینه، به نفع خود، مدیریت می‌کنند. ضیائی بیده (۱۴۰۲) در پژوهشی تحت عنوان «نقش کیفیت حسابرسي بر میزان تخصص حسابرسي و عدم پرداخت مالیات در شرکت‌ها» به این نتیجه رسیدند که تخصص حسابرسي در صنعت بر اجتناب مالیاتی تأثیر مثبت دارد. همچنین نتایج نشان داد که کیفیت حسابرسي شدت اثر گذاری تخصص حسابرسي در صنعت بر اجتناب مالیاتی را افزایش می‌دهد. ملکی خیمه‌سری و بشیری چلکا سری (۱۴۰۱) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی و تصمیمات مالیاتی در شرکت‌ها پذیرفته شده در بورس» نشان دادند محافظه کاری ابزاری رایج و قابل قبول برای کاهش مالیات بر درآمد شرکت‌ها می باشد و حاکمیت شرکتی مناسب، موجبات افشا و گزارشگری بموقع توسط شرکت‌ها را فراهم می کند. خردمند و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی رابطه بین حق الزحمه حسابرسي و تفاوت دفتری مالیات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران» نشان دادند بین حق الزحمه حسابرسي و تفاوت دفتری مالیات رابطه ای وجود ندارد. لاری دشت بیاض و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی تحت عنوان «رابطه بین ویژگی‌های کیفی حسابرسي و سیاست های جسورانه مالیاتی» نشان دادند که اندازه حسابرسي و حق الزحمه‌های غیرعادی پرداختی به حسابرسي سبب افزایش نرخ موثر مالیاتی (کاهش اجتناب مالیاتی) می‌شود.

در مطالعات خارجی، دی‌فوند^۱ و همکاران (۲۰۲۵) در پژوهشی با عنوان «آیا حسابرسان امضا کننده با تخصص مالیاتی جسورانه بودن مالیات را تسهیل یا مهار می‌کنند؟» به این نتیجه رسیدند که زمانی که حسابرسان امضا کننده آنها یک کارشناس مالیاتی است که خدمات مالیاتی غیرحسابرسي ارائه نمی‌کند، جسورانه بودن مالیات کمتری دارند. مطابق با یک رابطه علی، کاهش نرخ‌های مالیاتی، که انگیزه‌های مشتریان را برای جسورانه بودن مالیات کاهش می‌دهد، تأثیر کارشناسی مالیاتی را بر جسورانه بودن مالیات تضعیف می‌کند. علاوه بر این، حسابرسان متخصص مالیاتی، نوع جسورانه بودن مالیات را که منجر به تحریفات مالیاتی می‌شود، کاهش می‌دهند. به طور کلی، با بررسی حسابرسانی که خدمات مالیاتی غیرحسابرسي ارائه نمی‌دهند، حسابرسان متخصص مالیاتی، جسورانه بودن مالیات را مهار می‌کنند. اکا^۲ و همکاران (۲۰۲۴) پژوهشی با عنوان «عوامل موثر بر پرخاشگری مالیاتی با حاکمیت شرکتی خوب به عنوان یک متغیر تعدیل‌کننده» انجام داده‌اند. نتایج نشان داد که ویژگی‌های مدیریتی و اندازه شرکت تأثیر مثبت معناداری بر پرخاشگری مالیاتی دارند. با این حال، پاداش‌های اجرایی و ارتباطات سیاسی تأثیر معنی‌داری نشان ندادند. همچنین حاکمیت شرکتی که با کیفیت حسابرسي نشان داده می‌شود، رابطه بین ویژگی‌های مدیریتی و اندازه شرکت را بر پرخاشگری مالیاتی تعدیل می‌کند، اما بر روابط مربوط به پاداش اجرایی و ارتباطات سیاسی تأثیری نمی‌گذارد. ماتو^۳ و همکاران (۲۰۲۳) پژوهشی تحت عنوان «نقش حسابرسان و بانک‌ها در تهاجم مالیاتی شرکت‌های خصوصی» انجام دادند. این مطالعه از مجموعه داده‌های منحصر به فردی از نهادهای خصوصی کوچک و متوسط در فنلاند استفاده کرد که در آن تراز حساب-مالیات بالا است و حسابرسي شرکت‌های خصوصی (بیش از آستانه پایین) اجباری است. نتایج

^۱. DeFond

^۲. Eka

^۳. Mättö

ما نشان داد که ارتباط مثبتی بین مالیات جسورانه و کیفیت حسابرسی وجود دارد که دلالت بر آن دارد حسابرسان نقش بیشتری در ارائه خدمات برنامه ریزی مرتبط با مالیات نسبت به مهار تهاجم مالیاتی دارند. علاوه بر این، نظارت بانک به طور مثبت با تهاجم مالیاتی مرتبط است. پارامیتا و فواد^۱ (۲۰۲۳) پژوهشی تحت عنوان «اثرات حق الزحمه حسابرسی، کیفیت حسابرسی و ساختارهای مالکیت بر جسورانه بودن مالیات: شواهد از شرکت‌های تولیدی در اندونزی» انجام دادند. نتایج نشان داد که حق الزحمه حسابرسی و کیفیت حسابرسی به طور قابل توجهی بر جسورانه بودن مالیات شرکت تأثیر می‌گذارد. عبوده^۲ و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهشی تحت عنوان «تأثیر اندازه شرکت، کیفیت حسابرسی، مدیریت سود و مالکیت خانوادگی بر جسورانه بودن مالیات شرکت» نشان دادند کیفیت حسابرسی بر جسورانه بودن مالیات شرکت تأثیر نمی‌گذارد. در حالی که اندازه شرکت، مدیریت سود و مالکیت خانوادگی بر جسورانه بودن مالیات تأثیر دارد.

فرضیه‌های پژوهش

بسیاری از مطالعات قبلی، جسورانه بودن مالیات شرکت را در زمینه نظریه نمایندگی مورد بحث قرار می‌دهند (چن و چو^۳، ۲۰۰۵؛ کراکر و اسلمرود^۴، ۲۰۰۵؛ دسای و دارماپالا^۵، ۲۰۰۶). این نظریه به دلیل رابطه عامل اصلی بین سهامداران و مدیریت در محیط شرکت مناسب‌تر تلقی می‌شود. از دیدگاه نمایندگی، برنامه‌ریزی جسورانه بودن مالیات به مدیران اجازه می‌دهد تا از منابع شرکتی که از فعالیت‌های تهاجم مالیاتی به دست می‌آیند، رانت استخراج کنند. در این صورت، سهامداران از مزایای حاشیه‌ای جسورانه بودن مالیات مانند صرفه‌جویی بیشتر مالیاتی برای شرکت برخوردار خواهند شد. با این حال، سهامداران ممکن است از هزینه‌های حاشیه‌ای ناشی از جسورانه بودن مالیات نیز رنج ببرند که شامل احتمال اعمال جریمه‌ها و جریمه‌های مالیاتی توسط اداره مالیات، هزینه‌های اجرا، هزینه‌های شهرت و هزینه‌های سیاسی است (اسلمرود^۶، ۲۰۰۴). بنابراین، جسورانه بودن مالیات، عاملی را که یک مدیر است، سوق می‌دهد تا در غیاب کنترل بازار، از مزایای کنترل خصوصی به قیمت سایر سهامداران برخوردار شود. شرکت‌های دارای اداره خوب بیشتر احتمال دارد که مکانیسم‌های کنترل داخلی برای جلوگیری از چنین انحرافی داشته باشند و استدلال می‌کنند که یک رابطه منفی بین انگیزه‌های سهام مدیران و اجتناب مالیاتی تنها در شرکت‌های خوب اداره می‌شود (دسای و دارماپالا^۷، ۲۰۰۶). در مقابل، آنها فرض می‌کنند که شرکت‌هایی که مدیریت ضعیفی دارند، از مشوق‌های سهام برای تشویق اجتناب مالیاتی استفاده نخواهند کرد؛ زیرا آنها مکانیسم‌های حاکمیتی برای جلوگیری از انحراف مدیریتی ندارند. با این وجود، مشوق‌های حقوق صاحبان سهام در یک شرکت خوب ممکن است منجر به احتمال استخراج اجاره بالاتر توسط یک نماینده شود و در نتیجه منجر به جسورانه بودن مالیات بالاتر شود (لانیس و ریچاردسون^۸، ۲۰۱۱). تحقیقات قبلی مانند چن^۹ و همکاران (۲۰۱۰)، دسای و دارماپالا (۲۰۰۶) و هانلون و اسلمرود^{۱۰} (۲۰۰۹) که

1. Paramita & Fuad

2. Abduh

3. Chen & Chu

4. Crocker & Slemrod

5. Desai & Dharmapala

6. Lanis & Richardson

7. Chen

8. Hanlon & Slemrod

حاکمیت شرکتی و جسورانه بودن مالیات را مورد بررسی قرار داده بود تلاشی برای تجزیه حاکمیت شرکتی به اجزای اصلی آن، مانند اعضای هیئت مدیره نکرده است. با این حال، آنها توضیح دادند که تحقیقات انطباق تجاری در زمینه‌های نظریه نمایندگی و مسئولیت اجتماعی شرکت نشان می‌دهد که ساختار هیئت مدیره نقش مهم‌تری در نظارت بر مدیریت نسبت به سایر مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی دارد.

حق الزحمه حسابرسی یک هزینه شرکت برای استفاده از خدمات حسابرسی است. بر اساس نظریه نمایندگی، حق الزحمه حسابرسی یکی از هزینه‌های نمایندگی است که مدیر یا سهامداران نیز به عنوان تلاش برای نظارت بر عامل متحمل می‌شوند. تعیین حق الزحمه حسابرسی بر اساس پیچیدگی فرآیند حسابرسی است که پیچیدگی آن می‌تواند نشان دهنده برنامه ریزی مالیاتی جسورانه باشد. مطالعات قبلی مانند هو^۱ (۲۰۱۸) و مارتینز و لسا^۲ (۲۰۱۳) تأثیر مثبت حق الزحمه حسابرسی را بر جسورانه بودن مالیات نشان دادند. مارتینز و لسا (۲۰۱۳) بر این باورند که هنگامی که مشتری درگیر تهاجم مالیاتی است، حسابرس باید به شرکتی مراجعه کند که درآمد را مدیریت می‌کند، که باعث افزایش هزینه‌های دریافتی می‌شود. اوناتویه و اوکولوبی^۳ (۲۰۲۰) نیز رابطه مثبتی بین حق الزحمه حسابرسی و جسورانه بودن مالیات بدست آوردند. همچنین پارامیتا و فواد (۲۰۲۳) نیز به این نتیجه رسید که حق الزحمه حسابرسی بر جسورانه بودن مالیات تأثیر مثبت دارد. بنابراین فرضیه اول به صورت زیر مطرح می‌شود:

فرضیه اول: حق الزحمه حسابرسی بر جسورانه بودن مالیات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر مثبت و معنادار دارد.

از آنجایی که مالیات بر درآمد می‌تواند به اندازه نصف درآمد خالص یک شرکت دولتی باشد، حسابرس باید همیشه این مبلغ را برای صورت‌های مالی با اهمیت در نظر بگیرد. از این رو، حسابرسان اعتبار مالیات‌های تعهدی پرداختنی و بدهی‌های مشروط مالیاتی در ترازنامه، هزینه مالیات بر درآمد در صورت سود و زیان و افشای یادداشت‌های مرتبط را ارزیابی می‌کنند تا از مناسب بودن این اقلام و اطلاعات به عموم سرمایه‌گذاران اطمینان کافی ارائه کنند. از آنجایی که هر گونه اطلاعات با اهمیت در مورد تراکنش‌های مالیاتی مشکوک در این حساب‌ها و اطلاعات افشا پنهان می‌شود، حسابرسان باید ارزیابی کنند که آیا مشتریان آنها در معاملات مالیاتی بالقوه سوءاستفاده کننده شرکت می‌کنند که در صورت فاش شدن توسط مقامات مالیاتی می‌تواند به چالش کشیده شود. حسابرسان، در صورت لزوم، می‌توانند از مشتریان بخواهند اقلام مربوط به مالیات را به درستی در صورت‌های مالی منعکس کنند، به عنوان مثال، با ثبت ذخیره احتمالی یا تعدیل مزایای مالیاتی شناسایی نشده، در نتیجه افزایش هزینه مالیات گزارش شده و کاهش ریسک دعوی قضایی حسابرس افزایش می‌یابد. تحریف‌های مربوط به مالیات و اظهارات مجدد رخ می‌دهد. هانلون و اسلمرود (۲۰۰۹)، هانلون و همکاران (۲۰۱۲) و کاناگاریتنام^۴ و همکاران (۲۰۱۶) به این نتیجه رسیدند که کیفیت حسابرسی بر جسورانه بودن مالیات تأثیر مثبت دارد. این به آن دلیل است که حسابرسان که به کیفیت حسابرسی خود اطمینان ندارند به طور غیرمستقیم توانایی و انگیزه‌های شرکت را برای جسورانه بودن مالیات کاهش می‌دهند زیرا تفاوت‌های قابل توجه مالیات بر دفتر می‌تواند احتمال کشف شدن توسط مقامات مالیاتی را افزایش دهد. نظریه

¹. Hu

². Martinez & Lessa

³. Onatuyeh & Ukolobi

⁴. Kanagaretnam

نماینده‌گی توضیح می‌دهد که حسابرس خارجی نیز به دلیل احتمال تفاوت در منافع، یک طرف واجد شرایط به عنوان میانجی بین اصلی و نماینده است. اگر سطح کیفی حسابرسی شرکت بالا باشد، مدیران تمایل دارند عزم خود را برای ایفای نقش در استراتژی جسورانه بودن مالیات شرکت کاهش دهند. بنابراین اگر حسابرسان نسبت به کیفیت حسابرسی خود مطمئن باشند، توانایی شرکت را برای جسورانه بودن مالیات افزایش می‌دهند. بدین ترتیب، فرضیه دوم به صورت زیر مطرح می‌شود:

فرضیه دوم: کیفیت حسابرسی بر جسورانه بودن مالیات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تاثیر مثبت و معنادار دارد.

بر اساس نظریه نمایندگی، تقسیم کنترل بین مدیران و نمایندگان گاهی اوقات مشکلاتی را ایجاد می‌کند که منافع سهامداران و مدیران شرکت همسو نیست. موضوع علاقه اعضای هیئت مدیره شرکت‌ها در مورد مالکیت سهام به موضوعی هیجان انگیز در بحث‌های حاکمیت شرکتی تبدیل شده است زیرا می‌تواند منجر به فرصت طلبی بالقوه در دستکاری صورت‌های مالی، مانند اعمال تهاجم مالیاتی شود. [دسای و دارماپالا \(۲۰۰۶\)](#) نشان دادند که مدیران از جسورانه بودن مالیات برای به دست آوردن منافع پنهان استفاده خواهند کرد. [مرزوکى و سیوکور^۱ \(۲۰۲۱\)](#) تأثیر مثبتی بین مالکیت هیئت مدیره و جسورانه بودن مالیات یافتند. مالکیت هیئت مدیره بر جسورانه بودن مالیات بالاتر تأثیر می‌گذارد زیرا دارندگان بلوک می‌توانند از نیازها و انتظارات شخصی خود بدون در نظر گرفتن نیازهای سرمایه‌گذاران دیگر محافظت کنند. [کابلو^۲ و همکاران \(۲۰۱۹\)](#) دریافتند که سطوح مختلف مالکیت مدیر بر سطوح مختلف جسورانه بودن مالیات تأثیر می‌گذارد. [پارامیتا و فواد \(۲۰۲۳\)](#) نیز به این نتیجه رسید که مالکیت هیئت مدیره بر جسورانه بودن مالیات تاثیر مثبت دارد. از آنجایی که هنوز مشکلات مربوط به فساد، تبانی و خویشاوندی در بورس اوراق بهادار وجود دارد، می‌توان نتیجه گرفت که مالکیت هیئت مدیره می‌تواند تأثیر مثبتی بر جسورانه بودن مالیات داشته باشد. بدین ترتیب، فرضیه سوم به صورت زیر مطرح می‌شود:

فرضیه سوم: مالکیت هیئت مدیره بر جسورانه بودن مالیات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تاثیر مثبت و معنادار دارد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ ماهیت کاربردی، از نگاه و دیدگاه شیوه انجام آن، یک بررسی کمی و از نقطه نظر سبک گردآوری داده‌ها، بر پایه کاربرد داده‌های ثانویه می‌باشد. برای تهیه اطلاعات ابتدایی و اولیه شرکت‌ها از سایت کدال استفاده شد. همچنین روش گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای و میدانی است؛ به طوری که برای گردآوری ادبیات پژوهش و روش‌شناسی از روش کتابخانه‌ای و برای تحلیل داده‌ها و ارزیابی فرضیه‌ها از روش میدانی استفاده شد. در نهایت، مدل‌های رگرسیون به روش داده‌های ترکیبی توسط نرم افزار ایویوز برآورد شد.

جامعه آماری در این پژوهش از شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۱ تشکیل شده است و نمونه آماری نیز کلیه شرکت‌هایی است که در جامعه آماری وجود دارند (به جز شرکت‌هایی

^۱. Marzuki and Syukur

^۲. Cabello

- که به دلیل محدودیت‌هایی که در زیر آمده است، امکان استفاده از آنها در نمونه آماری پژوهش وجود ندارد):
- پایان سال مالی شرکت‌ها منتهی به پایان اسفند باشد (در راستای قابل مقایسه بودن اطلاعات)
 - توقف معاملات سهام شرکت‌ها در دوره پژوهش نباید بیش از سه ماه در بورس اوراق بهادار تهران باشد.
 - به منظور استخراج داده‌های لازم، امکان دسترسی به اطلاعات مالی مورد نیاز وجود دارد.
 - شرکت مورد نظر باید در دوره پژوهش فعال بوده و سهام آن مورد معامله قرار گیرد.
 - با توجه به تفاوت ساختار حاکمیت شرکتی و افشای اطلاعات مالی در بانک‌ها و موسسه‌های مالی (شرکت‌های هلدینگ، لیزینگ، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی)، شرکت‌های نمونه از این دسته نیستند.
- بر این اساس، تعداد ۱۳۰ شرکت به عنوان نمونه انتخاب شدند. جدول ۱ شیوه نمونه‌گیری و حجم نمونه نهایی را نشان می‌دهد.

جدول ۱. نمونه‌گیری شرکت‌های مورد مطالعه

۳۸۵	تعداد شرکت‌هایی که در بورس پذیرفته شده‌اند و تا پایان سال مالی ۱۴۰۱ فعال بوده‌اند. (تعداد جامعه آماری)
(۳۶)	تعداد شرکت‌هایی که جز شرکت‌های هلدینگ، بانک‌ها، سرمایه‌گذار، لیزینگ و واسطه‌گری مالی بوده‌اند.
(۵۱)	تعداد شرکت‌هایی که ورودشان به بورس اوراق بهادار بعد از سال ۱۳۹۵ بوده است.
(۵۶)	تعداد شرکت‌هایی که طی دوره پژوهش دارای بیش از ۳ ماه وقفه معاملاتی داشته‌اند.
(۶۴)	تعداد شرکت‌هایی که طی دوره پژوهش پایان سال مالی آن‌ها منتهی به اسفند ماه نبوده و یا تغییر سال مالی داده‌اند.
(۴۸)	تعداد شرکت‌هایی که در بازه زمانی اطلاعات مورد نیاز پژوهش در دسترس نبوده است.
۱۳۰	حجم نمونه نهایی

جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش از مدل‌های به کار گرفته شده در پژوهش **مارکوزی و الامین (۲۰۲۱)** به شرح زیر استفاده شده است:

$$Tax Aggr_{it} = \beta_0 + \beta_1 Fees_{it} + \beta_2 CEO Duality_{it} + \beta_3 Bord Indp_{it} + \beta_4 Bord Size_{it} + \beta_5 Firm Size_{it} + \beta_6 LEV_{it} + \beta_7 MTBV_{it} + \varepsilon_{it} \quad (۱)$$

$$Tax Aggr_{it} = \beta_0 + \beta_1 DAC_{it} + \beta_2 CEO Duality_{it} + \beta_3 Bord Indp_{it} + \beta_4 Bord Size_{it} + \beta_5 Firm Size_{it} + \beta_6 LEV_{it} + \beta_7 MTBV_{it} + \varepsilon_{it} \quad (۲)$$

$$Tax Aggr_{it} = \beta_0 + \beta_1 Bord Own_{it} + \beta_2 CEO Duality_{it} + \beta_3 Bord Indp_{it} + \beta_4 Bord Size_{it} + \beta_5 Firm Size_{it} + \beta_6 LEV_{it} + \beta_7 MTBV_{it} + \varepsilon_{it} \quad (۳)$$

متغیر وابسته پژوهش حاضر، جسورانه بودن مالیات (Tax Aggr) است. در این پژوهش با توجه به شرایط ایران از تفاوت دفتری مالیات برای سنجش جسورانه بودن مالیات استفاده شد که به منظور همگن‌سازی بر کل دارایی‌ها تقسیم شد. در بسیاری از مطالعات خارجی نظیر **مانزن و پلسکو^۱ (۲۰۰۱)** و **چن و همکاران (۲۰۱۰)** و مطالعه داخلی **کاشانی‌پور و همکاران (۱۳۹۸)** نیز از همین معیار استفاده شده است. تفاوت دفتری مالیات از تفاوت سود حسابداری قبل از کسر مالیات و سود مشمول مالیات محاسبه گردید. سود مشمول مالیات هم با تقسیم مالیات شرکت بر نرخ

^۱. Manzon & Plesko

مالیات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران محاسبه شد (کاشانی‌پور و همکاران، ۱۳۹۸). با توجه به ماده ششم قانون توسعه در ایران پس از سال ۱۳۸۹، اگر سهام شناور شرکتی حداقل ۲۰ درصد باشد، نرخ مالیات برای آن شرکت ۲۰ درصد و در غیر این صورت، نرخ مالیات ۲۲/۵ درصد است. متغیرهای مستقل پژوهش حاضر، حق الزحمه حسابرسی، کیفیت حسابرسی و مالکیت هیئت مدیره است و اندازه‌گیری آنها به شرح زیر است:

حق الزحمه حسابرسی (Fees): لگاریتم طبیعی میزان حق الزحمه طبق قرارداد حسابرسی (مارکوزی و الامین، ۲۰۲۱).

کیفیت حسابرسی (DAC): در این پژوهش، کیفیت حسابرسی متغیر وابسته می‌باشد که بر اساس پژوهش جکسون^۱ و همکاران (۲۰۰۸) اقلام تعهدی اختیاری (DAC_{it}) به عنوان شاخص کیفیت حسابرسی در نظر گرفته شد. برای اندازه‌گیری اقلام تعهدی اختیاری از مدل جونز^۲ (۱۹۹۱) استفاده شد. بر اساس پژوهش بهرامی و دستگیر (۱۳۹۳)، سیدی و ابراهیمی درده (۱۳۹۰) برای اندازه‌گیری اقلام تعهدی از رابطه (۴) استفاده می‌شود:

$$ACCRUALS_{it} = \beta_1 1/Asset_{it-1} + \beta_2 \Delta REV_{it}/Asset_{it-1} + \beta_3 PPE_{it}/Asset_{it-1} + \varepsilon_{it} \quad (4)$$

که در این رابطه $ACCRUALS_{it}$ کل اقلام تعهدی شرکت i در سال t که به وسیله کل دارایی‌های ابتدای دوره محاسبه می‌شود. اقلام تعهدی از تفاوت بین سود عملیاتی و خالص جریان‌های نقدی عملیاتی به دست می‌آید. $Asset_{it-1}$ کل دارایی‌های ابتدای دوره شرکت i در سال $t-1$ است. ΔREV_{it} تغییر در فروش خالص سال $t-1$ شرکت i است و PPE_{it} خالص اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات شرکت i در سال t است. پس از برآورد رابطه (۴)، اقلام تعهدی اختیاری از تفاوت بین کل اقلام تعهدی و اقلام تعهدی پیش‌بینی شده (اقلام تعهدی غیراختیاری) به شرح رابطه (۵) به دست می‌آید:

$$DAC_{it} = ACCRUALS_{it} - [\beta_1 1/Asset_{it-1} + \beta_2 \Delta REV_{it}/Asset_{it-1} + \beta_3 PPE_{it}/Asset_{it-1}] \quad (5)$$

که در این رابطه DAC_{it} اقلام تعهدی اختیاری شرکت i در سال t است. با توجه به رابطه منفی اقلام تعهدی اختیاری و کیفیت حسابرسی از قدرمطلق DAC_{it} به عنوان شاخص کیفیت حسابرسی استفاده می‌شود.

مالکیت هیئت مدیره (Bord Own): عبارت است از درصد مالکیت هیئت مدیره (مارکوزی و الامین، ۲۰۲۱) همچنین متغیرهای کنترلی در پژوهش زیر بر اساس پژوهش همکاران (۲۰۲۱) به شرح زیر است: اندازه هیئت مدیره (B_SIZE): عبارت است از لگاریتم تعداد کل مدیران حاضر در هیئت مدیره (مرادی و همکاران، ۱۳۹۲).

دوگانگی مدیرعامل (CEO Duality): اگر مدیرعامل رئیس یا نایب‌رئیس هیئت مدیره باشد، عدد صفر و در غیر این صورت عدد یک لحاظ می‌شود (رمضان‌احمدی و همکاران، ۱۳۹۸).

¹. Jackson

². Jones

استقلال هيئت مديره (Bord Own): چنانچه نسبت اعضاي غيرموظف به كل اعضا از نسبت محاسبه شده براي كل شرکت‌ها بيشتر باشد، صفر و در غير اين صورت، عدد يك لحاظ مي‌شود (مرادی و همکاران، ۱۳۹۲).

اندازه شرکت (Firm Size): از لگاریتم طبيعي خالص دارایی‌ها به دست می‌آید (تارکوم^۱، ۲۰۲۱).

اهرم مالی (LEV): از نسبت كل بدهی به كل دارایی در سال t به دست می‌آید (تارکوم، ۲۰۲۱).

نسبت بازار به ارزش دفتری (MTBV): متغیر رشد شرکت و برابر است با نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام (فیل سرایی و دلبری، ۱۳۹۶).

سودآوری (PROFITABILITY): سود عملیاتی قبل از استهلاک دارایی مشهود و نامشهود به كل دارایی‌ها (تارکوم، ۲۰۲۱).

یافته‌های پژوهش

یافته‌های این مطالعه به تفکیک آمار توصیفی و آمار استنباطی به شرح زیر است. در این بخش از تحقیق به توصیف متغیرهای تحقیق مطابق با جدول ۲ پرداخته شده است. این آمارها می‌تواند به تحلیلگران کمک کند تا بهتر درک کنند که چگونه ویژگی‌های ساختاری و عملیاتی شرکت‌ها ممکن است بر رفتارهای مالیاتی شرکت‌ها تاثیر بگذارد. همچنین، این اطلاعات می‌تواند برای طراحی سیاست‌ها و مقررات موثرتر در زمینه مالیات و حسابرسي مورد استفاده قرار گیرد.

جدول ۲. آمار توصیفی متغیرهای پیوسته

شناسه	متغیر	میانگین	میان	بیشترین مقدار	کمترین مقدار	انحراف معیار
TAX_AGGRIT	جسورانه بودن مالیات	۰/۰۷۶	۰/۰۴۵	۰/۶۷۳	-۰/۷۹۱	۰/۱۳۶
FEES	حق الزحمه حسابرسي	۷/۵۷۰	۷/۵۴۰	۱۱/۲۴۰	۴/۸۸۰	۰/۹۵۱
DAC	کيفيت حسابرسي	۰/۱۵۴	۰/۱۰۳	۱/۶۶۰	۰/۰۰۰	۰/۱۶۵
BORD_OWN	مالکيت هيئت مديره	۰/۵۱۸	۰/۵۸۹	۰/۹۹۹	۰/۰۰۰	۰/۲۹۴
B_SIZE	اندازه هيئت مديره	۱/۶۱۰	۱/۶۰۹	۱/۹۵۰	۱/۳۸۶	۰/۰۳۴
BORD_OWN	استقلال هيئت مديره	۰/۶۵۶	۰/۶۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۱۸۳
FIRM_SIZE	اندازه شرکت	۱۵/۲۴۰	۱۵/۰۷۰	۲۱/۵۷۰	۱۱/۳۶۰	۱/۵۶۰
LEV	اهرم مالی	۰/۵۳۱	۰/۵۲۸	۱/۵۰۵	۰/۰۲۵	۰/۲۲۳
MTBV	نسبت بازار به ارزش دفتری	۶/۴۶۰	۳/۸۵۰	۲۲۷/۶۸۰	-۴۹/۶۹۰	۱۲/۴۱۰

منبع: یافته‌های پژوهشگر

در این بخش از پژوهش، ابتدا به انجام آزمون‌های پیش فرض برازش مدل رگرسيونی پرداخته و سپس به انجام آزمون فرضیه‌های تحقیق پرداخته شده است. یکی از فروض اساسی رگرسيون، موضوع واریانس ناهمسانی است. در این مطالعه برای بررسی ناهمسانی واریانس از آزمون وایت استفاده شده است. جدول ۳ نتایج آزمون وایت را برای هر سه مدل نشان می‌دهد. با توجه به نتایج، در مدل‌های اول تا سوم تحقیق ناهمسانی واریانس مشاهده نشد.

^۱. Tarkom

جدول ۳. آزمون وایت			
مدل	آماره وایت (F)	معنی داری	نتیجه
اول	۵۴۸/۸۲۹	۰/۰۰۰	همسانی واریانس
دوم	۶۷۹/۴۲۲	۰/۰۰۰	همسانی واریانس
سوم	۶۴۹/۷۹۹	۰/۰۰۰	همسانی واریانس

منبع: یافته‌های پژوهشگر

برای بررسی داده‌های پنل یا پول از آزمون F لیمر استفاده می‌شود. فرضیه صفر این آزمون مدل پول دیتا و فرضیه مقابل آن، مدل پنل دیتا است. جدول ۴ نتایج آزمون F لیمر را برای هر سه مدل نشان می‌دهد. از نتایج جداول حاصل از آزمون اف-لیمر ملاحظه می‌گردد، فرض صفر یعنی روش داده‌های پانل برای هر دو فرضیه تحقیق پذیرفته شده و بایستی برآزش مدل رگرسیونی بر اساس روش داده‌های پانل صورت پذیرد.

جدول ۴. آزمون F لیمر			
مدل	آماره F	معنی داری	نتیجه
اول	۳/۱۷۸	۰/۰۰۰	پنل
دوم	۳/۷۲۸	۰/۰۰۰	پنل
سوم	۳/۸۷۵	۰/۰۰۰	پنل

منبع: یافته‌های پژوهشگر

با توجه به آن که داده‌های پنل در بخش قبل مورد تایید قرار گرفتند، برای انتخاب روش‌های اثرات ثابت و اثرات تصادفی باید از آزمون هاسمن استفاده نمود. جدول ۵ نتایج آزمون هاسمن را برای هر سه مدل نشان می‌دهد. با توجه به نتایج، سطح معنی داری حاصل از آزمون هاسمن برای نمونه‌های مورد مطالعه در فرضیه‌های تحقیق نشان از عدم معنی داری آنها برای اثرات تصادفی بوده و لذا بایستی در این سه مدل از روش اثرات تصادفی استفاده نمود.

جدول ۵. آزمون هاسمن				
مدل	خلاصه آزمون	آماره کای اسکوتر	درجه آزادی	معنی داری
اول	آزمون اثرات تصادفی	۳/۳۱۷	۷	۰/۸۵۴
دوم	آزمون اثرات تصادفی	۴/۹۴۳	۷	۰/۶۶۶
سوم	آزمون اثرات تصادفی	۷/۴۵۰	۷	۰/۳۸۳

منبع: یافته‌های پژوهشگر

پس از بررسی آزمون‌های تشخیصی، مدل‌های رگرسیون به شرح جدول‌های ۶ تا ۸ برآورد شده‌اند. در جدول ۶ نتایج مدل رگرسیونی برآزش شده فرضیه اول ارائه شده است. با توجه به نتایج، ضریب ارتباط میان حق‌الزحمه حسابرسی و جسورانه بودن مالیات یک ارتباط مثبت و معنی‌دار به مقدار ۰/۰۰۴ است. بنابراین این نتیجه حاصل می‌گردد که حق‌الزحمه حسابرسی بر جسورانه بودن مالیات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تاثیر مثبت و معنادار دارد و فرضیه اول تایید می‌شود. مطابق با ضریب بدست آمده مشخص می‌شود که ارتباط میان

حق الزحمه حسابرسي و جسورانه بودن ماليات چندان زياد نيست. همچنين ميان متغيرهای کنترلي دوگانگي مديرعامل، اندازه هيئت مديره، اندازه شرکت، اهرم مالي و نسبت بازار به ارزش دفتری با متغير وابسته جسورانه بودن ماليات به ترتيب برابر با ۰/۰۱۶، ۰/۱۳۶، ۰/۰۲۰، ۰/۲۹۳ و ۰/۰۰۱ ارتباط معنی دار وجود دارد.

جدول ۶. مدل رگرسيونی برازش شده فرضيه اول

متغير	ضرايب	آماره t	معنی داری
حق الزحمه حسابرسي	۰/۰۰۴	۲/۵۲۹	۰/۰۱۱
دوگانگي مديرعامل	۰/۰۱۶	۹/۶۵۷	۰/۰۰۰
استقلال هيئت مديره	۰/۰۱۱	۱/۵۸۵	۰/۱۱۳
اندازه هيئت مديره	-۰/۱۳۶	-۲/۸۴۴	۰/۰۰۴
اندازه شرکت	۰/۰۲۰	۱۴/۴۶	۰/۰۰۰
اهرم مالي	-۰/۲۹۳	-۱۲/۷۲	۰/۰۰۰
نسبت بازار به ارزش دفتری	۰/۰۰۱	۲/۳۵۲	۰/۰۱۸
مقدار ثابت	۰/۰۹۳	۱/۰۷۵	۰/۲۸۳

منبع: یافته‌های پژوهشگر

در جدول ۷ نتایج مدل رگرسيونی برازش شده فرضيه دوم ارائه شده است. با توجه به نتایج، ضريب ارتباط ميان كيفيت حسابرسي و جسورانه بودن ماليات يك ارتباط مثبت و معنی دار به مقدار ۰/۰۸۳ است. بنابراین اين نتیجه حاصل می‌گردد که كيفيت حسابرسي بر جسورانه بودن ماليات در شرکت‌های پذيرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تاثیر مثبت و معنادار دارد و فرضيه دوم تايد می‌شود. همچنين ميان متغيرهای کنترلي اندازه شرکت و اهرم مالي با متغير وابسته جسورانه بودن ماليات به ترتيب برابر ۰/۰۱۶ و ۰/۳۵۰- ارتباط معنی دار وجود دارد.

جدول ۷. مدل رگرسيونی برازش شده فرضيه دوم

متغير	ضرايب	آماره t	معنی داری
كيفيت حسابرسي	۰/۰۸۳	۳/۸۶	۰/۰۰۰
دوگانگي مديرعامل	۰/۰۱۳	۱/۴۶۶	۰/۱۴۲
استقلال هيئت مديره	-۰/۰۲۳	-۰/۹۷۸	۰/۳۲۸
اندازه هيئت مديره	-۰/۰۹۴	-۰/۶۵۸	۰/۵۱۰
اندازه شرکت	۰/۰۱۶	۵/۴۹۵	۰/۰۰۰
اهرم مالي	-۰/۳۵۰	-۱۷/۳۰	۰/۰۰۰
نسبت بازار به ارزش دفتری	۰/۰۰۰	۰/۷۳۷	۰/۴۶۱
مقدار ثابت	۰/۱۵۶	۰/۶۶۱	۰/۵۰۸

منبع: یافته‌های پژوهشگر

در جدول ۸ نتایج مدل رگرسیونی برازش شده فرضیه سوم ارائه شده است. با توجه به نتایج، ضریب ارتباط میان مالکیت هیئت مدیره و جسورانه بودن مالیات یک ارتباط مثبت و معنی دار به مقدار ۰/۰۵۱ است. بنابراین این نتیجه حاصل می گردد که مالکیت هیئت مدیره بر جسورانه بودن مالیات در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تاثیر مثبت و معنادار دارد و فرضیه سوم تایید می شود. همچنین میان متغیرهای کنترلی اندازه شرکت و اهرم مالی با متغیر وابسته جسورانه بودن مالیات به ترتیب برابر ۰/۰۱۸ و ۰/۳۵۸- ارتباط معنی دار وجود دارد.

جدول ۸. مدل رگرسیونی برازش شده فرضیه سوم

متغیر	ضرایب	آماره t	معنی داری
مالکیت هیئت مدیره	۰/۰۵۱	۲/۹۰۰	۰/۰۰۳
دوگانگی مدیرعامل	۰/۰۱۳	۱/۴۶۰	۰/۱۴۴
استقلال هیئت مدیره	-۰/۰۲۴	-۰/۹۹۹	۰/۳۱۷
اندازه هیئت مدیره	-۰/۰۸۶	-۰/۶۰۳	۰/۵۴۶
اندازه شرکت	۰/۰۱۸	۶/۱۹۴	۰/۰۰۰
اهرم مالی	-۰/۳۵۸	-۱۷/۴۱۰	۰/۰۰۰
نسبت بازار به ارزش دفتری	۰/۰۰۰	۱/۴۰۹	۰/۱۵۹
مقدار ثابت	۰/۱۰۲	۰/۴۳۱	۰/۶۶۶

منبع: یافته های پژوهشگر

بحث و نتیجه گیری

مالیات شرکت ها منبع مهم درآمد دولت است که این یکی از هزینه های سنگین برای شرکت ها محسوب می شود. شرکت ها مقدار قابل توجهی از مالیات را به خزانه دولت می پردازند؛ اما مطالعات تجربی نشان می دهد که شرکت ها تلاش می کنند تا پرداخت مالیات خود را با به کارگیری استراتژی های برنامه ریزی مالیاتی پرهزینه کاهش دهند. شرکت هایی که از استراتژی های برنامه ریزی مالیاتی پرهزینه استفاده می کنند، اغلب افزایش هزینه شهرت، افزایش هزینه حسابرسی و هزینه نمایندگی را تجربه می کنند. با این حال، شرکت ها این شیوه های پرهزینه اجتناب از مالیات را به عنوان یک استراتژی به حداکثر رساندن ارزش منطقی می کنند که جریان نقدی و درآمد پس از مالیات را افزایش می دهد که برای به حداکثر رساندن ارزش سهامداران استفاده می شود. بار مالیات شرکت ها تأثیر زیادی بر تصمیمات شرکتی، نحوه فعالیت و مکان فعالیت تجاری دارد. بدون تردید، نقش ها و مسئولیت های مدیریت برای شرکت حیاتی است. با این حال، چنین وابستگی به مدیر می تواند منجر به تضاد نمایندگی در شرکت شود؛ زیرا ممکن است مدیران از چنین محیط کسب و کار پیچیده ای استفاده کنند و از گزارشگری مالی به نفع خود به قیمت تمام شده شرکت استفاده کنند. با این حال، حاکمیت شرکتی می تواند نقش برجسته ای در کاهش این تعارض نمایندگی و تضمین منافع متوازن برای همه ذینفعان ایفا کند. شواهد نشان می دهد که ساختار مالکیت شرکتی نه تنها بر عملکرد شرکت تأثیر می گذارد؛ بلکه بر گزارشگری مالی و تصمیم گیری شرکت نیز تأثیر می گذارد. علاوه بر این، مشخص شده است که چگونه ساختار مالکیت شرکت بر تمکین مالیاتی شرکت ها تأثیر می گذارد. با توجه به این توضیحات، مطالعه حاضر با

هدف بررسی تأثیر حق الزحمه حسابرسي، كيفيت حسابرسي و مالکيت هيئت مديره بر جسورانه بودن ماليات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انجام گردید.

مطالعات تجربی نشان می‌دهد که شرکت‌ها تلاش می‌کنند تا پرداخت ماليات خود را با به کارگیری استراتژی‌های برنامه‌ریزی مالیاتی پرهزینه کاهش دهند. نتایج تخمین مدل رگرسیون مربوط به فرضیه اول نشان داد که حق الزحمه حسابرسي بر جسورانه بودن ماليات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر مثبت و معنادار دارد و فرضیه اول تأیید شد. در تبیین تأثیر مثبت حق الزحمه حسابرسي بر جسورانه بودن ماليات باید گفت که تعیین حق الزحمه حسابرسي بر اساس پیچیدگی فرآیند حسابرسي است که پیچیدگی آن می‌تواند نشان‌دهنده برنامه‌ریزی مالیاتی تهاجمی باشد. حق الزحمه بالاتر حسابرسي معمولاً با نظارت دقیق‌تر و جامع‌تر حسابرسان همراه است. نظارت دقیق‌تر حسابرسان ممکن است شرکت‌ها را به رعایت بهتر قوانین مالیاتی ترغیب کند تا از مشکلات قانونی و مالیاتی پیشگیری کنند. از سوی دیگر، برخی شرکت‌ها ممکن است از تخصص و دانش حسابرسان برای شناسایی و بهره‌برداری از فرصت‌های قانونی برای اجتناب مالیاتی یا حتی فرار مالیاتی استفاده کنند. حسابرس‌های با تجربه و با هزینه بالاتر ممکن است در ارائه مشاوره مالیاتی پیچیده‌تر و پیشرفته‌تر به شرکت‌ها فعال باشند. حسابرسان می‌توانند به شرکت‌ها کمک کنند تا از روش‌های قانونی برای کاهش بار مالیاتی خود استفاده کنند. شرکت‌ها می‌توانند از تخصص حسابرسان برای ایجاد ساختارهای مالی پیچیده و بین‌المللی استفاده کنند که ممکن است به اجتناب مالیاتی یا فرار مالیاتی منجر شود. پرداخت حق الزحمه بالاتر به حسابرسان می‌تواند شرکت‌ها را در استفاده جسورانه‌تر از روش‌های تقلب مالیاتی تشویق کند. برخی شرکت‌ها ممکن است باور کنند که پرداخت حق الزحمه بالاتر به حسابرسان می‌تواند از کشف تقلب‌های مالیاتی آنها جلوگیری کند. حسابرسان ممکن است در برخی موارد به شرکت‌ها در پوشاندن ردپاهای تقلب مالیاتی کمک کنند. حق الزحمه بالاتر معمولاً با تخصص و تجربه بیشتر حسابرسان همراه است. حسابرسان با تجربه ممکن است بهتر بتوانند فرصت‌های اجتناب مالیاتی قانونی و حتی فرار مالیاتی غیرقانونی را شناسایی و به شرکت‌ها ارائه کنند. بنابراین، اگر حق الزحمه حسابرسي بر جسورانه بودن ماليات تأثیر مثبت دارد، می‌تواند به معنای این باشد که شرکت‌ها با پرداخت حق الزحمه بالاتر به حسابرسان، از تخصص و تجربه آنها برای بهره‌برداری از فرصت‌های اجتناب مالیاتی و حتی فرار مالیاتی استفاده می‌کنند. این می‌تواند به افزایش فعالیت‌های جسورانه مالیاتی در شرکت‌ها منجر شود. چرا که حسابرسان می‌توانند در شناسایی و استفاده از فرصت‌های قانونی و حتی پنهان کردن تقلب‌های مالیاتی نقش مهمی ایفا کنند. نتایج مطالعه حاضر در فرضیه اول با نتایج مطالعه هو (۲۰۱۸)، مارتینز و لسا (۲۰۱۳) و پارامیتا و فواد (۲۰۲۳) همخوانی دارد. نتایج تخمین مدل رگرسیون مربوط به فرضیه دوم نشان داد که كيفيت حسابرسي بر جسورانه بودن ماليات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر مثبت و معنادار دارد و فرضیه دوم تأیید شد. در تبیین تأثیر مثبت كيفيت حسابرسي بر جسورانه بودن ماليات باید گفت حسابرسان با كيفيت بالا ممکن است به دلیل نگرانی از حفظ شهرت و منافع حرفه‌ای خود، به شرکت‌ها اجازه دهند تا به روش‌های پرریسک مالیاتی متوسل شوند. آنها ممکن است نخواهند که با افشای این اقدامات، به روابط خود با مدیران شرکت آسیب برسانند. حسابرسان با كيفيت بالا ممکن است به دلیل روابط نزدیک با مدیران شرکت، از افشای اقدامات مالیاتی جسورانه خودداری کنند. این روابط نزدیک می‌تواند باعث شود که حسابرسان تمایل کمتری به چالش کشیدن

تصمیمات مدیران داشته باشند. شرکت‌های با حسابرسی با کیفیت بالا ممکن است احساس کنند که می‌توانند به راحتی از پس هزینه‌های مالیاتی بر آیند. این امر می‌تواند آنها را به سمت استفاده از روش‌های مالیاتی جسورانه‌تر سوق دهد. وقتی کیفیت حسابرسی بالا است، شرکت‌ها ممکن است احساس کنند که احتمال افشای تخلفات مالیاتی کاهش یافته است. این امر می‌تواند آنها را به سمت استفاده از روش‌های مالیاتی پرریسک‌تر سوق دهد. احتمال زیادی وجود دارد که حسابرسان با کیفیت بالا در اقدامات حسابداری مشکوک شرکت کنند. هر چه کیفیت حسابرس افزایش پیدا کند، حسابرس بیشتر می‌تواند برای شرکت نقش مشاور مالی را ایفا کند و با انجام اقدامات قانونی به شرکت کمک کند تا مالیات کمتری بپردازد. نتایج مطالعه حاضر در فرضیه دوم با مطالعات [کاناگاریتنام و همکاران \(۲۰۱۶\)](#) و [ماتو و همکاران \(۲۰۲۳\)](#) همخوانی دارد. نتایج تخمین مدل رگرسیون مربوط به فرضیه سوم نشان داد که مالکیت هیئت مدیره بر جسورانه بودن مالیات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تاثیر مثبت و معنادار دارد و فرضیه سوم تایید شد. در تبیین تاثیر مثبت مالکیت هیئت مدیره بر جسورانه بودن مالیات باید گفت بر اساس نظریه نمایندگی، گاهی اوقات منافع سهامداران و مدیران شرکت همسو نیست و تقسیم کنترل بین مدیران و نمایندگان مشکلاتی را ایجاد می‌کند. موضوع علاقه اعضای هیئت مدیره شرکت‌ها در مورد مالکیت سهام به موضوعی هیجان انگیز در بحث- های حاکمیت شرکتی تبدیل شده است. زیرا می‌تواند منجر به فرصت طلبی بالقوه در دستکاری صورت‌های مالی مانند اعمال تهاجم مالیاتی شود. مدیران از تهاجم مالیاتی برای به دست آوردن مزایای پنهان استفاده خواهند کرد. مالکیت هیئت مدیره بر تهاجم مالیاتی بالاتر تاثیر می‌گذارد. زیرا دارندگان مدیران می‌توانند از نیازها و انتظارات شخصی خود بدون در نظر گرفتن نیازهای سرمایه‌گذاران دیگر محافظت کنند. از آنجایی که هنوز مشکلات مربوط به فساد، تبانی و خویشاوندی در شرکت‌های پذیرفته شده در ایران وجود دارد، می‌توان نتیجه گرفت که مالکیت مدیریتی می‌تواند تاثیر مثبتی بر تهاجم مالیاتی داشته باشد. مالکیت اعضای هیئت مدیره شرکت، انگیزه‌ای برای محافظت از منافع مالی آنها در شرکت ایجاد می‌کند. وقتی اعضای هیئت مدیره سهامدار شرکت هستند، انگیزه آنها برای حفظ و افزایش ثروت شخصی خود افزایش می‌یابد. این امر می‌تواند باعث شود که آنها به دنبال اقدامات پرریسک و گاهاً غیرقانونی مانند مالیات جسورانه باشند، حتی اگر این اقدامات به ضرر بلندمدت شرکت تمام شود. مالکیت هیئت مدیره بالا می‌تواند باعث کاهش نظارت و کنترل بر عملکرد آنها شود. زیرا سایر سهامداران ممکن است احساس کنند که هیئت مدیره به خوبی منافع خود را حفظ می‌کنند. این امر می‌تواند به اعضای هیئت مدیره اجازه دهد تا به سمت اقدامات پرریسک مانند مالیات جسورانه حرکت کنند. در شرکت‌هایی که مالکیت هیئت مدیره بالاست، تضاد منافع بین هیئت مدیره و سهامداران افزایش می‌یابد. اعضای هیئت مدیره ممکن است به دنبال حفظ و افزایش ثروت شخصی خود باشند، حتی اگر این امر به ضرر سهامداران تمام شود. این موضوع می‌تواند آنها را به سمت اقدامات پرریسک مانند مالیات جسورانه سوق دهد. مالکیت هیئت مدیره بالا ممکن است به کاهش شفافیت مالی در شرکت منجر شود. زیرا اعضای هیئت مدیره ممکن است تمایل کمتری برای افشای اطلاعات مالی داشته باشند تا منافع شخصی خود را حفظ کنند. این امر می‌تواند به نوبه خود به افزایش احتمال مالیات جسورانه کمک کند. در مجموع، شواهد تجربی نشان می‌دهند که در برخی موارد، افزایش مالکیت هیئت مدیره می‌تواند به طور مثبت بر افزایش مالیات جسورانه تاثیر داشته باشد. این

موضوع نیازمند بررسی بیشتر و در نظر گرفتن عوامل زمینه‌ای است. نتایج مطالعه حاضر در فرضیه سوم با نتایج مطالعات پارامیتا و فواد (۲۰۲۳) و مرزوکى و سیوکور (۲۰۲۱) همخوانی دارد.

با توجه به نتایج بدست آمده لازم است شرکت‌ها توجه داشته باشند که افزایش حق الزحمه حسابرسی ممکن است به کاهش استقلال حسابرسان و به افزایش تمایل آنها به پوشش دادن اقدامات مالیاتی جسورانه منجر شود. این امر می‌تواند به افزایش مالیات جسورانه منجر شود. سازمان مالیاتی بر افزایش حق الزحمه ناگهانی حسابرسان در یک شرکت، به عنوان احتمال مالیات جسورانه توجه نماید. سازمان امور مالیاتی در بررسی و مطالعه مالیات اظهار شده توسط شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دقیق‌تر عمل کند و صرفاً به مالیات حسابرسی شده توسط سازمان حسابرسی و موسسه‌های حسابرسی اکتفا نکند. حسابرسان مالیاتی برای شناسایی فرار مالیاتی شرکت‌ها در بلندمدت، به ساختار مالکیت شرکت‌ها به ویژه مالکیت هیئت مدیره توجه ویژه داشته باشند. همچنین شرکت‌ها تعداد اعضای مستقل هیئت مدیره را افزایش دهند. اعضای مستقل هیئت مدیره معمولاً نظارت بیشتری بر فعالیت‌های مالی شرکت دارند و کمتر تحت تأثیر منافع شخصی مدیران قرار می‌گیرند. این امر می‌تواند به کاهش تمایل مدیران برای درگیری در مالیات جسورانه کمک کند.

با توجه به نتایج فرضیه اول پیشنهاد می‌شود شرکت‌ها توجه داشته باشند که افزایش حق الزحمه حسابرسی ممکن است به کاهش استقلال حسابرسان و به افزایش تمایل آنها به پوشش دادن اقدامات مالیاتی جسورانه منجر شود. این امر می‌تواند به افزایش مالیات جسورانه منجر شود. سازمان امور مالیاتی باید بر استقلال حسابرسان تأکید کند و از آنها بخواهد که تخلفات مالیاتی را افشا نمایند. حتی اگر این امر به کاهش حق الزحمه حسابرسی منجر شود. سازمان مالیاتی بر افزایش حق الزحمه ناگهانی حسابرسان در یک شرکت، به عنوان احتمال مالیات جسورانه توجه نماید. با توجه به نتایج فرضیه دوم پیشنهاد می‌شود سازمان امور مالیاتی در بررسی و مطالعه مالیات اظهار شده توسط شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دقیق‌تر عمل کند و صرفاً به مالیات حسابرسی شده توسط سازمان حسابرسی و موسسه‌های حسابرسی اکتفا نکند. سازمان‌های مالیاتی باید با ارائه مشوق‌های مالی و غیرمالی به حسابرسان با کیفیت بالا، آنها را تشویق کنند که به طور دقیق و مستقل به بررسی اقدامات مالیاتی شرکت‌ها بپردازند و هرگونه تخلف را افشا کنند. با توجه به نتایج فرضیه سوم پیشنهاد می‌شود حسابرسان مالیاتی برای شناسایی فرار مالیاتی شرکت‌ها در بلندمدت، به ساختار مالکیت شرکت‌ها به ویژه مالکیت هیئت مدیره توجه ویژه داشته باشند. شرکت‌ها تعداد اعضای مستقل هیئت مدیره را افزایش دهند. اعضای مستقل هیئت مدیره معمولاً نظارت بیشتری بر فعالیت‌های مالی شرکت دارند و کمتر تحت تأثیر منافع شخصی مدیران قرار می‌گیرند. این امر می‌تواند به کاهش تمایل مدیران برای درگیری در مالیات جسورانه کمک کند. شرکت‌ها اختیارات و مسئولیت‌های اعضای مستقل هیئت مدیره را افزایش دهند. این امر می‌تواند به تقویت نقش نظارتی آنها بر فعالیت‌های مالی شرکت و کاهش مالیات جسورانه کمک کند. با افزایش اختیارات و مسئولیت‌های اعضای مستقل، آنها می‌توانند نظارت بیشتری بر تصمیمات مالی مدیران داشته باشند. از جمله محدودیت‌های این مطالعه این است که با توجه به محدود بودن جامعه آماری به شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، تسری نتایج به سایر شرکت‌ها بایستی با احتیاط انجام شود. اثرات ناشی از تفاوت در روش‌های حسابداری در اندازه‌گیری و گزارش رویدادهای مالی ممکن است بر نتایج تأثیر بگذارد که تعدیلی از این

بابت به دلیل عدم دسترسی به اطلاعات صورت نگرفته است. به عبارتی دیگر ممکن است شرکت‌ها از تغییر در رویه‌های حسابداری به نحوی استفاده کنند تا در اعداد و ارقام گزارش شده تأثیر بگذارد.

فهرست منابع

- امیدی کردشولی، سعید، و پژوهی، محمدرضا (۱۴۰۳). تأثیر کمیته ریسک بر کیفیت گزارشگری مالی و حق‌الزحمه حسابرسی. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۶(۱)، ۱۴۹-۱۲۷. doi: 10.30495/faar.2024.709446
- بهرامی، مریم (۱۳۹۷). تأثیر ساختار هیات مدیره و ساختار مالکیت و کنترل شرکتی بر عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. انتشارات هاویر.
- بهرامی، احمد، و دستگیر، محسن. (۱۳۹۳). بررسی محتوای اطلاعاتی مدل حاشیه سود/گردش دارایی‌ها در شناسایی مدیریت سود. مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۴۳(۱۱)، ۸۹-۱۱۰. dor: 20.1001.1.28210166.1392.11.43.4.4
- حساس‌یگانه، یحیی، بولو، قاسم، و رضایی، شهرزاد (۱۳۹۸). الگویی برای تأثیر ابعاد منتخب مسئولیت اجتماعی شرکت بر اجتناب و فرار مالیاتی، پژوهش‌های حسابداری مالی، ۱۱(۴)، ۱۱۱-۱۳۰. doi: 10.22108/far.2020.115572.1417
- حق‌بین، پرویز، آزادی، کیهان، پورعلی، محمدرضا، و صمدی لرگانی، محمود (۱۴۰۱). تأثیر هویت اجتماعی و انعطاف‌پذیری بر کیفیت حسابرسی با تأکید بر نقش استرس، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۴(۵۳)، ۱۹۱-۲۲۲. doi: 10.30495/faar.2022.691692
- خردمند، توحید، زینالی، مهدی، و جمشیدی، ندا (۱۳۹۸). بررسی رابطه بین حق‌الزحمه حسابرسی و تفاوت دفتری مالیات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. چهارمین کنفرانس ملی در مدیریت، حسابداری و اقتصاد با تأکید بر بازاریابی منطقه‌ای و جهانی. <https://civilica.com/doc/915136>
- خواجوی، شکراله، و کیامهر، محمد (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهشنامه مالیات، ۲۳(۲۶)، ۸۷-۱۰۸. <http://taxjournal.ir/article-1-217-fa.html>
- رمضان‌احمدی، محمد، آهنگری، عبدالمجید، و حاجب، حمیدرضا (۱۳۹۸). بررسی تأثیر همزمان حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی بر کیفیت سود با نقش میانجی ساختار سرمایه و عملکرد مالی. نشریه مدیریت‌داری و تامین مالی، ۱۷(۱)، ۸۳-۱۰۲. dor: 20.1001.1.23831170.1398.7.1.6.4
- سدیدی، مهدی، و ابراهیمی‌درده، سجاد (۱۳۹۰). عدم اطمینان محیطی و استفاده مدیران از اقلام تعهدی اختیاری. مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۹(۳۲)، ۱۰۳-۱۱۹. dor: 20.1001.1.28210166.1389.8.32.5.2
- ضیائی بیده، مهلا (۱۴۰۲). نقش کیفیت حسابرسی بر میزان تخصص حسابرس و عدم پرداخت مالیات در شرکت‌ها. دومین کنگره بین‌المللی مدیریت، اقتصاد، علوم انسانی و توسعه کسب و کار. <https://civilica.com/doc/1712392>

- فرهاد توسکی، امید، و دوستیان، رحمان (۱۴۰۳). بررسی تأثیر ویژگی‌های شرکت بر راهبرد جسورانه مالیاتی. *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۱۳(۴۹)، ۶۳-۷۴. https://www.jmaak.ir/article_22158.html
- فیل سرائی، مهدی، و دلبری، سیدعلی (۱۳۹۶). تأثیر اندازه، رشد و سودآوری شرکت بر ارزش شرکت با نقش میانجی ساختار سرمایه: مطالعه شرکت‌های تولیدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *سومین کنفرانس بین‌المللی نقد و واکاوی مدیریت در هزاره سوم*. [/https://civilica.com/doc/733688](https://civilica.com/doc/733688)
- کاشانی‌پور، محمد، فرجی، امید، و برجی، پریسا (۱۳۹۸). ارتباط سیاسی، راهبری شرکتی و تهور مالیاتی. *دانش حسابداری*، ۱۰(۴)، ۱۷۵-۱۴۳. doi: 20.1001.1.20088914.1398.10.4.6.9
- لاری دشت بیاض، محمود، شریفی‌فر، محمدتقی، روشنی، فاطمه، و قائم مقامی، کامران (۱۳۹۷). رابطه بین ویژگی‌های کیفی حسابرسی و سیاست‌های جسورانه مالیاتی، دوازدهمین همایش سیاست‌های مالی و مالیاتی ایران. [/https://civilica.com/doc/876222](https://civilica.com/doc/876222)
- مرادی، مهدی، سعیدی، مجتبی، و رضایی، حمیدرضا (۱۳۹۲). بررسی تأثیر اندازه و استقلال هیئت مدیره بر هزینه‌های نمایندگی. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۲(۷)، ۵۳-۳۵. doi: 10.22051/jera.2013.568
- ملکی خیمه سری، صدیقه، و بشیری چلکاسری، هادی (۱۴۰۱). بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی و تصمیمات مالیاتی در شرکت‌ها پذیرفته شده در بورس، رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، ۶(۲۰)، ۱۴۵۹-۱۴۴۱. <https://www.majournal.ir/index.php/ma/article/view/1358>
- Abduh, A., Saputra, I., & Putri, S. S. E. (2022). The effect of the company's size, audit quality, profit management and family ownership on the company's tax aggressiveness. *Bilancia: Jurnal Ilmiah Akuntansi*, 6(1), 466-477. doi: 10.35145/bilancia.v6i1.1409
- Bahrami, A., & Dastgir, M. (2014). An investigation the information content of asset turnover/profit margin model in determining earnings management. *Empirical Studies in Financial Accounting*, 11(43), 89-110. doi: 20.1001.1.28210166.1392.11.43.4.4 [In Persian]
- Bahrami, M. (2018). *The impact of board of directors structure and corporate ownership and control structure on the performance of companies listed on the Tehran Stock Exchange*. Havier Publications. [In Persian]
- Cabello, O. G., Gaio, L. E., & Watrin, C. (2019). Tax avoidance in management-owned firms: evidence from Brazil. *International Journal of Managerial Finance*, 15(4), 580-592. doi: 10.1108/IJMF-04-2018-0117
- Chen, S., Chen, X., Cheng, Q., & Shevlin, T. (2010). Are family firms more tax aggressive than non-family firms? *Journal of Financial Economics*, 95(1), 41-61. doi: 10.1016/j.jfineco.2009.02.003
- Chen, K.-P., & Chu, C.Y.C. (2005). Internal control vs external manipulation: a model of corporate income tax evasion. *RAND Journal of Economics*, 36(1), 151-164. <https://www.jstor.org/stable/1593759>
- Crocker, K.J., & Slemrod, J. (2005). Corporate tax evasion with agency costs. *Journal of Public Economics*, 89(9-10), 1593-1610. doi: 10.1016/j.jpubeco.2004.08.003
- DeFond, M., Qi, B., Si, Y., & Zhang, J. (2025). Do signatory auditors with tax expertise facilitate or curb tax aggressiveness? *Journal of Accounting and Economics*, 79(1), 101715. doi: 10.1016/j.jacceco.2024.101715

- Desai, M.A., & Dharmapala, D. (2006). Corporate tax avoidance and high-powered incentives. *Journal of Financial Economics*, 79(1), 145-179. doi: [10.1016/j.jfineco.2005.02.002](https://doi.org/10.1016/j.jfineco.2005.02.002)
- Dhaliwal, D., Judd, J. S., Serfling, M., & Shaikh, S. (2016). Customer concentration risk and the cost of equity capital. *Journal of Accounting and Economics*, 61(1), 23-48. doi: [10.1016/j.jacceco.2015.03.005](https://doi.org/10.1016/j.jacceco.2015.03.005)
- Eka, D., Lating, A.I., Yudhanti, A.L., Romaisyah, L., & Arep, N.N. (2024). Factors that affect tax aggressiveness with good corporate governance as a moderating variable. *Journal of Accounting Science*, 8(2), 139-163. doi: [10.21070/jas.v8i2.1871](https://doi.org/10.21070/jas.v8i2.1871)
- Farhad Toski, O., & Doostian, R. (2024). The effect of corporate characteristics on tax aggressiveness. *Accounting Knowledge & Management Auditing*, 13(49), 63-74. https://www.jmaak.ir/article_22158.html?lang=fa [In Persian]
- Filsaraei, M., & Delbari, S.A. (2017). The effect of firm size, growth and profitability on firm value with the mediating role of capital structure: A study of manufacturing companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Third International Conference on Management Criticism and Analysis in the Third Millennium*. <https://civilica.com/doc/733688/> [In Persian]
- Güzel, S. A., Özer, G., & Özcan, M. (2019). The effect of the variables of tax justice perception and trust in government on tax compliance: The case of Turkey. *Journal of Behavioral and Experimental Economics*, 78, 80-86. doi: [10.1016/j.socec.2018.12.006](https://doi.org/10.1016/j.socec.2018.12.006)
- Haghighi, P., Azadi, K., Pourali, M.R., & Samadi Largani, M. (2022). The effect of social identity and flexibility on audit quality with emphasis on the stress role. *Financial Accounting and Auditing Researches*, 14(53), 191-222. doi: [10.30495/faar.2022.691692](https://doi.org/10.30495/faar.2022.691692) [In Persian]
- Hanlon, M., & Slemrod, J. (2009). What does tax aggressiveness signal? Evidence from stock price reactions to news about tax shelter involvement. *Journal of Public Economics*, 93(1-2), 126-141. doi: [10.1016/j.jpubeco.2008.09.004](https://doi.org/10.1016/j.jpubeco.2008.09.004)
- Hanlon, M., Krishnan, G.V. & Mills, L.F. (2012). Audit fees and book-tax differences. *Journal of the American Taxation Association*, 34(1), 55-86. doi: [10.2308/atax-10184](https://doi.org/10.2308/atax-10184)
- Hasas Yeganeh, Y., Blue, G., & Rezaei, S. (2019). A model for impact of the selected dimensions of corporate social responsibility on avoidance and tax evasion. *Financial Accounting Research*, 11(4), 111-130. doi: [10.22108/far.2020.115572.1417](https://doi.org/10.22108/far.2020.115572.1417) [In Persian]
- Hu, N. (2018). Tax avoidance, property rights and audit fees. *American Journal of Industrial and Business Management*, 08(03), 461-472. doi: [10.4236/ajibm.2018.83030](https://doi.org/10.4236/ajibm.2018.83030)
- Jackson, A. B., Moldrich, M., & Roebuck, P. (2008). Mandatory audit firm rotation and audit quality. *Managerial Auditing Journal*, 23, 420-437. doi: [10.1108/02686900810875271](https://doi.org/10.1108/02686900810875271)
- Jones, J., (1991). Earnings management during import relief investigations. *Journal of Accounting Research*, 29, 193-228. doi: [10.2307/2491047](https://doi.org/10.2307/2491047)
- Kanagaretnam, K., Lee, J., Lim, C. Y., & Lobo, G. J. (2016). Relation between auditor quality and tax aggressiveness: Implications of crosscountry institutional differences. *Auditing*, 35(4), 105-135. doi: [10.2308/ajpt-51417](https://doi.org/10.2308/ajpt-51417)
- Kashanipour, M., Faraji, O., & Borji, P. (2019). Political connection, corporate governance and tax aggressiveness. *Journal of Accounting Knowledge*, 10(4), 143-175. doi: [20.1001.1.20088914.1398.10.4.6.9](https://doi.org/20.1001.1.20088914.1398.10.4.6.9) [In Persian]
- Khajavi, S., & Kiamehr, M., (2015). The relation study of auditing quality and tax avoidance in listed companies of Tehran stock Exchange. *Journal of Tax Research*, 23 (26), 87-108. <http://taxjournal.ir/article-1-217-fa.html> [In Persian]
- Kheradmand, T., Zeinali, M., & Jamshidi, N. (2019). Investigating the relationship between audit fees and tax book differences in companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Fourth National*

Conference on Management, Accounting and Economics with Emphasis on Regional and Global Marketing. <https://civilica.com/doc/915136> [In Persian]

Lanis, R., & Richardson, G. (2011). The effect of board of director composition on corporate tax aggressiveness. *Journal of Accounting and Public Policy*, 30(1), 50-70. doi: [10.1016/j.jaccpubpol.2010.09.003](https://doi.org/10.1016/j.jaccpubpol.2010.09.003)

Lari Dashte Bayaz, M., Sharifi far, M.T., Roshani, F., & Ghaem Maghami, K. (2018). The relationship between audit qualitative characteristics and aggressive tax policies. *12th Iranian Conference on Fiscal and Tax Policies*. <https://civilica.com/doc/876222/> [In Persian]

Maleki Kheimeh Sari, S., & Bashiri Chalkasari, H. (2022). Investigating the impact of corporate governance and tax decisions on listed companies. *Modern Research Approaches in Management and Accounting*, 6(20), 1441-1459. <https://www.majournal.ir/index.php/ma/article/view/1358> [In Persian]

Manzon, G.B., & Plesko, G.A. (2001). The relation between financial and tax reporting measures of income. *Tax Law Review*, 55(2), 175-214. doi: [10.2139/ssrn.264112](https://doi.org/10.2139/ssrn.264112)

Martinez, A. L., & Lessa, R. C. (2013). The effect of tax aggressiveness and corporate governance on audit fees: evidence from Brazil. *Journal of Management Research*, 6(1), 96-108. doi: [10.5296/jmr.v6i1.4812](https://doi.org/10.5296/jmr.v6i1.4812)

Marzuki, M. M., & Al-Amin, M. S. M. (2021). The effect of audit fees, audit quality and board ownership on tax aggressiveness: evidence from Thailand. *Asian Review of Accounting*, 29(5), 617-636. doi: [10.1108/ARA-11-2020-0179](https://doi.org/10.1108/ARA-11-2020-0179)

Marzuki, M., & Syukur, M. (2021). The effect of audit fees, audit quality and board ownership on tax aggressiveness: evidence from Thailand. *Asian Review of Accounting, Emerald Group Publishing Limited*, 29(5), 617-636. doi: [10.1108/ARA-11-2020-0179](https://doi.org/10.1108/ARA-11-2020-0179)

Mättö, M., Niskanen, M., & Ojala, H. (2023). The role of auditors and banks in the tax aggressiveness of private firms. *International Journal of Auditing*, 27(4), 208-219. doi: [10.1111/ijau.12309](https://doi.org/10.1111/ijau.12309)

Maula, H., Saifullah, M., Nurudin, N., & Zakiy, F. S. (2019). The influence of return on assets, leverage, size, and capital intensity on tax avoidance. *AFEBI Accounting Review*, 4(01), 50-62. doi: [10.47312/aar.v4i01.223](https://doi.org/10.47312/aar.v4i01.223)

Moradi, M., Saeedi, M., & Rezaei, H.R. (2013). The relationship between duality, change in members, managerial ownership and agency costs in companies listed in Tehran Stock Exchange. *Empirical Accounting Research*, 3(1), 35-53. doi: [10.22051/jera.2013.568](https://doi.org/10.22051/jera.2013.568) [In Persian]

Omidi Kordsholi, S., & Pajoochi, M.R. (2024). The impact of the risk committee on the quality financial reporting and auditing fees. *The Financial Accounting and Auditing Researches*, 16(61), 127-150. doi: [10.30495/faar.2024.709446](https://doi.org/10.30495/faar.2024.709446) [In Persian]

Onatuyeh, E.A., & Ukolobi, I. (2020). Tax aggressiveness, corporate governance and audit fees: A study of listed firms in Nigeria. *International Journal of Financial Research*, 11(6), 278-295. doi: [10.5430/ijfr.v11n6p278](https://doi.org/10.5430/ijfr.v11n6p278)

Paramita, I. D. A. D. P., & Fuad, F. (2023). The effects of audit fees, audit quality and ownership structures on tax aggressiveness: evidence from manufacturing companies in Indonesia. *Jurnal Bisnis Strategi*, 32(1), 1-14. doi: [10.14710/jbs.32.1.1-14](https://doi.org/10.14710/jbs.32.1.1-14)

Ramazan Ahmadi, M., Abdolmajid Ahangari, A., & Hajeb, H.R. (2019). Investigating the simultaneous effect of corporate governance and audit quality on earnings quality with the mediating role of capital structure and financial performance. *Journal of Asset Management and Financing*, 7(1), 83-102. doi: [10.22108/amf.2018.111931.1274](https://doi.org/10.22108/amf.2018.111931.1274) [In Persian]

Rizgar, A.A., & Hariem, H.A. (2016). A Proposed Framework of Audit Fees Determinants in Kurdistan Region. *European Journal of Business and Management*, 8(12), 1-12. <https://www.iiste.org/Journals/index.php/EJBM/article/view/29791>

- Sadidi, M., & Ebrahimidardeh, S. (2011). Environmental uncertainty and the managers' use of discretionary accruals. *Empirical Studies in Financial Accounting*, 8(32), 103-119. dor: [20.1001.1.28210166.1389.8.32.5.2](https://doi.org/10.1001.1.28210166.1389.8.32.5.2) [In Persian]
- Salawu, R. O. (2017). Corporate governance and tax planning among non-financial quoted companies in Nigeria. *African Research Review*, 11(3), 42-59. doi: [10.4314/afrev.v11i3.5](https://doi.org/10.4314/afrev.v11i3.5)
- Slemrod, J. (2004). The economics of corporate tax selfishness. *National Tax Journal*, 57(4), 877-899. doi: [10.17310/ntj.2004.4.06](https://doi.org/10.17310/ntj.2004.4.06)
- Tarkom, A. (2021). Impact of COVID-19 exposure on working capital management: The moderating effect of investment opportunities and government incentives. *Finance Research Letters*, 102666. doi: [10.1016/j.frl.2021.102666](https://doi.org/10.1016/j.frl.2021.102666)
- Ziaei Bideh, M. (1402). The role of audit quality on the level of auditor expertise and tax non-payment in companies. *Second International Congress of Management, Economics, Humanities and Business Development*. <https://civilica.com/doc/1712392> [In Persian]

Table of Contents

❑ Explaining structural changes in auditing firms, maintaining a professional ethics approach, and auditing quality control Hassan Saberi, Mansour Garkaz, Ali Khozain & Alireza Maetoof		1-23
❑ The impact of internal control implementation on stock price crash risk considering the role of corporate governance Abdolrasoul Mostajeran & Mehdi Mirjalali		24-51
❑ Creative accounting determination and financial reporting quality: the integration of transparency in disclosure Nasim Shahmoradi & Sajad Mazidi Sharf Abadi		52-78
❑ Investigating the mediating effect of earnings quality on the relationship between corporate governance characteristics and financial distress risk of companies listed on the Iraq Stock Exchange Amar Emad Khalaf Halboosh, Masood Fooladi, Zahid Qasim Badan & Maryam Farhadi		79-109
❑ The role of financial structure in the impact of dividend strategies on financial distress and discipline Mohammad Ebrahim Raei Ezabadi, Roxana Farzanegi & Mehrdad Bakhtiar Dehkordy		110-135
❑ The effect of audit fees, audit quality and board ownership on tax aggressiveness in companies listed on the Tehran Stock Exchange Aliakbar Rajabi, Hossein Hosseinzade & Zahra Kordbacheharamboo		136-160

In the name of God



Islamic Azad University
Safashahr Branch

Journal of Accounting & Financial Transparency
Issue 1, Vol 3, Spring 2025



Publisher: Islamic Azad University, Safashahr Branch

Director-in-Charge: Mehdi Sarikhani (Ph.D.)

Editor-in-Chief: Rezvan Hejazi (Ph.D.)

Executive Manager: Rouhollah Nozari (Ph.D.)

Executive Director: Fatemeh Karimi

Editorial Board:

Seyed Hossein Abtahi

Professor of Management, Safashahr Branch, Islamic Azad University

Daruosh Foroughi

Professor of Accounting, University of Isfahan

Zohreh Hajiha

Professor of Accounting, East Tehran Branch, Islamic Azad University

Seyed Abbas Hashemi

Associate Professor of Accounting, University of Isfahan

Mehdi Kheirandish

Professor of Management, Shahid Sattari Air University

Mohammad Hossein Setayesh

Professor of Accounting, Shiraz University

Hashem Valipour

Associate Professor of Accounting, Firoozabad Branch, Islamic Azad University

GholamReza Zandi

Associate Professor of Accounting, University of Kuala Lumpur (UniKL)- Malaysia

Address: Vahdat Blvd., Safashahr, Fars, Iran. Postal Code:7396166561

Phone: +98 (71) 44451936

Fax: +98 (71) 44451939

Website: <https://sanad.iau.ir/en/Journal/aft>

Journal

of

Accounting & Financial Transparency



Islamic Azad University
Safashahr Branch

e-ISSN: 2981-2453

Volume 3/ Issue 1/ Spring 2025/ Serial Number 7

- ☐ Explaining structural changes in auditing firms, maintaining a professional ethics approach, and auditing quality control 1-23
Hassan Saberi, Mansour Garkaz, Ali Khozain & Alireza Maetoof
- ☐ The impact of internal control implementation on stock price crash risk considering the role of corporate governance 24-51
Abdolrasoul Mostajeran & Mehdi Mirjalali
- ☐ Creative accounting determination and financial reporting quality: the integration of transparency in disclosure 52-78
Nasim Shahmoradi & Sajad Mazidi Sharf Abadi
- ☐ Investigating the mediating effect of earnings quality on the relationship between corporate governance characteristics and financial distress risk of companies listed on the Iraq Stock Exchange 79-109
Amar Emad Khalaf Halboosh, Masood Fooladi, Zahid Qasim Badan & Maryam Farhadi
- ☐ The role of financial structure in the impact of dividend strategies on financial distress and discipline 110-135
Mohammad Ebrahim Raci Ezabadi, Roxana Farzanegi & Mehrdad Bakhtiar Dehkordy
- ☐ The effect of audit fees, audit quality and board ownership on tax aggressiveness in companies listed on the Tehran Stock Exchange 136-160
Aliakbar Rajabi, Hossein Hosseinzade & Zahra Kordbacheharamboo

